
تفسیر قرآن مهر
نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران
ویژه جوانان
جلد ۸

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد هشتم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳- مشخصات ظاهری : ج. شابک : ۴۳۰۰۰ ریال (ج.۸) یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸ یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۸. سوره‌های انفال و توبه. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حججاسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹ بسم اللّه الرحمن الرحیم وصلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۱۰/ ۱/ ۱۳۸۷ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳

بخش اول: سوره‌ی انفال

اشاره

جنگ و اقتصاد ساماندهی جامعه و بازسازی اخلاقی تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵

اول: سیمای سوره‌ی انفال

اشاره

سیمای سوره انفال بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز شمارگان: سوره‌ی انفال در مدینه فرود آمده و دارای ۷۵ آیه و ۱۰۹۵ کلمه و ۵۰۸۰ حرف است. این سوره هشتاد و هشتمین سوره‌ای است که بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده (بعد از سوره‌ی بقره و قبل از سوره‌ی آل عمران) و هشتمین سوره در ترتیب فعلی قرآن است. نام‌ها: نام‌های این سوره عبارت‌اند از: «انفال» و «بدر». انفال به معنای ثروت‌ها و منابع عمومی طبیعت است و سبب نام‌گذاری این سوره به انفال آن است که اولین آیه‌ی این سوره از غنایم و کیفیت‌توزیع آن سخن گفته و حکم ثروت‌های عمومی را در مورد مالکیت و راه مصرف آنها بیان کرده است.

فضایل

در مورد فضیلت این سوره از امام صادق علیه السلام حکایت شده که هر کس سوره‌ی انفال و برائت را در هر ماه بخواند، هرگز روح نفاق در وجود او وارد نخواهد شد و از پیروان حقیقی امام علی علیه السلام خواهد بود و در رستاخیز، از مائده‌های بهشتی همراه با آنان بهره تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶ خواهد برد، تا مردم از حساب خویش فارغ شوند. «۱» تذکر: البته این گونه تأثیرات و ثواب‌ها برای کسانی است که علاوه بر خواندن سوره، به مفاد آن عمل کنند و شرایط لازم دیگر را برای خود تحصیل نمایند؛ و ارتباط آن با امام علی علیه السلام در آن است که در آیه‌ی سی‌ام این سوره، به داستان «لیلة المبیت» و فداکاری علی علیه السلام اشاره شده است. ویژگی‌ها: در این سوره از قوانین و احکام عملی اسلام بیش‌تر از عقاید و مبانی نظری اسلامی سخن به میان آمده است.

اهداف

سوره‌ی انفال که در مدینه و در زمان اولین جنگ مسلمانان، یعنی بدر، نازل شده است، دارای چند هدف است: ۱. بیان مسائل و قوانین مربوط به جنگ؛ ۲. بیان مسائل و قوانین اقتصادی اسلام در مورد اموال عمومی که پشتوانه‌ی بیت‌المال به شمار می‌آید؛ ۳. بازسازی اخلاقی مسلمانان؛ ۴. سامان دادن و نظام بخشیدن به جامعه‌ی نوین مسلمانان در مدینه.

مطالب

الف) مطالب مهم اخلاقی: ۱. صفات مؤمنان واقعی (در آیات ۲- ۴)؛ ۲. زیاد به یاد خدا بودن (در آیه‌ی ۴۵). تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷ ب) داستان‌ها: ۱. داستان جنگ بدر (در آیه‌ی ۱۱ به بعد)؛ ۲. اشاره به داستان فرعونیان و ستمگران قبلی (در آیه‌ی ۵۱- ۵۴)؛ ۳. اشاره به آداب خرافی اعراب جاهلی نزد کعبه (در آیه‌ی ۳۵)؛ ۴. اشاره به داستان «لیلة المَبیت» یعنی شب هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه که علی علیه السلام با فداکاری به جای ایشان خوابید (در آیه‌ی ۳۰). ج) احکام و قوانین: ۱. قوانین مربوط به ثروت‌های عمومی (در آیه‌ی ۱)؛ ۲. مسائل مربوط به خمس و راه تقسیم و مصرف آن (در آیه‌ی ۴۱)؛ ۳. لزوم آمادگی رزمی مسلمانان برای جنگ و جهاد (در آیه‌ی ۶۰)؛ ۴. دستور به اطاعت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیه‌ی ۲۰)؛ ۵. لزوم پایداری در جنگ به طوری که هر مسلمانی بتواند در مقابل دو نفر بایستد و پیروز شوند (در آیات ۱۵، ۱۶، ۶۴ و ۶۵)؛ ۶. دستور به جنگ تا رفع فتنه (در آیه‌ی ۳۹)؛ ۷. احکام مربوط به اسیران جنگی (در آیات ۶۷- ۷۱). د) مسائل فرعی: ۱. در این سوره، آثار تقوا، از جمله فرقان بیان شده است (در آیه‌ی ۲۹)؛ ۲. تشویق مردم به هجرت از مکه به مدینه و یاری پیامبر صلی الله علیه و آله (در آیات ۷۱- ۷۵)؛ ۳. کمک فرشتگان به مسلمانان در جنگ بدر (در آیه‌ی ۹)؛ ۴. بیان سنت الهی در مورد تغییر نعمت کسانی که خودشان را تغییر دهند (در آیه‌ی ۵۳)؛ ۵. مطالبی درباره‌ی منافقان (در آیه‌ی ۴۹). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹

دوم: محتوای سوره‌ی انفال

اشاره

قرآن کریم در آیه‌ی اول سوره‌ی انفال، حکم غنایم جنگی را بیان کرده و با دعوت همگان به اصلاح و پیروی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۱. یَسْأَلُونَکَ عَنِ الأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللّهَ وَرَسُولَهُ إِن كُنتُم مُؤْمِنِينَ (ای پیامبر) از تو درباره غنایم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) پرسش می‌کنند؛ بگو: «غنایم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) مخصوص خدا و فرستاده [او] ست؛» پس، [خودتان را] از [عذاب خدا حفظ کنید؛ و (ارتباطات) بین خودتان را اصلاح کنید؛ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید، اگر مؤمنید. شأن نزول: حکایت شده که در جنگ بدر، بر اثر تشویق‌ها و سازماندهی پیامبر صلی الله علیه و آله جوانان به خوبی جنگیدند و پیروزی‌های بیش‌تری به دست آوردند و در پایان جنگ بین جوانان و کهن‌سالان و قشرهای دیگر در مورد تقسیم غنایم جنگی اختلاف و مشاجره پیش آمد. آیه‌ی فوق فرود آمد و غنایم را متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله دانست و اختیار آنها را به دست ایشان سپرد و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز آن غنایم را به طور مساوی میان مجاهدان تقسیم کرد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه هر چند در مورد غنایم جنگی فرود آمده است، «۱» مفهوم کلی دارد و تمام اموال اضافی را که مالک خصوصی ندارند شامل می‌شود؛ مثل ثروت‌هایی که از دشمن بدون جنگ به دست می‌آید و یا میراث کسی که وارث ندارد و بیشه‌زارها و جنگل‌ها و سرزمین‌های غیرآباد. در برخی احادیث اهل‌بیت علیهم السلام نیز به عمومیت آیه اشاره شده است. «۲» ۲. تمام غنایم جنگی و اموالی که مالک خصوصی ندارند، متعلق به خدا و پیامبر (یعنی حکومت اسلامی) هستند و رهبر جامعه‌ی اسلامی آنها را در مسیر منافع عموم مسلمانان مصرف می‌کند؛ یعنی سهم خدا نیز زیر نظر پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام و رهبر جامعه‌ی اسلامی مصرف می‌شود. «۳» ۳. در آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی انفال خواهد آمد که یک پنجم غنایم جنگی، که خُمس نامیده می‌شود، در اختیار پیامبر یا امام و رهبر جامعه‌ی اسلامی است و چهار پنجم آن بین رزمندگان اسلام تقسیم می‌شود، تا گوشه‌ای از زحمات آنان جبران شود. ولی باید توجه داشت که این چهار پنجم هم، در مِلک حکومت اسلامی است و بخشش آن به رزمندگان در حوزه‌ی اختیار امام و رهبر مسلمانان است؛ پس آیه‌ی خمس، آیه‌ی اول سوره‌ی انفال را نسخ نکرده و حکم هر دو آیه پابرجاست. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱ ۴. «اصلاحِ ذاتُ البین» «۱» به معنای اصلاح اساس ارتباطات و تحکیم پیوندها و از بین بردن عوامل تفرقه و زدودن کدورت‌ها و دشمنی‌ها و تبدیل آنها به دوستی‌هاست. چویار بر سر صلح است و عذر می‌طلبد توان گذشت ز جور رقیب در همه حال (حافظ) ۵. در احادیث اسلامی، اصلاح میان مردم فوق‌العاده مهم شمرده شده و در حدیثی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام حکایت شده که در بستر شهادت به فرزندانش فرمود: من از جدّ شما پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: «اصلاح میان مردم، از یک سال (یا انواع) نماز و روزه (ی مستحب) هم برتر است. «۲» و حتی در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که به یکی از یاران خود فرمود: هنگامی که میان دو نفر از پیروان ما مشاجره‌ای ببینی (که مربوط به امور مالی است)، از مال من غرامت بپرداز (و آنان را با هم صلح بده). «۳» ۶. برخی از مراحل اصلاح میان مردم واجب است و حتی استفاده از امکانات بیت‌المال برای تحقق بخشیدن به صلح مجاز است؛ زیرا گاهی اختلافات مسلمانان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲ سبب ضعف جامعه‌ی اسلامی و شکست در برابر دشمنان می‌شود. برخی از مراحل اصلاح بین مردم که با سرنوشت کلّ جامعه ارتباط زیادی ندارد، مستحب است، اما بسیار بر آن تأکید شده است. «۱» ۷. آیه‌ی فوق به سه ویژگی مؤمنان اشاره کرده که عبارت‌اند از: تقوا، اصلاح بین مردم و پیروی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان (تنها در قلب نیست) جلوه‌های خارجی هم

چون پارسایی، اصلاح‌طلبی و پیروی از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله دارد. ۲. اموال عمومی را در اختیار رهبران الهی قرار دهید. ۳. قوانین اقتصادی و جنگی را نیز از رهبران الهی بپرسید تا پاسخ الهی را دریافت کنید. ***

مومنان حقیقی چه کسانی هستند؟

قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی انفال به سه ویژگی دیگر مؤمنان حقیقی و واکنش آنان در برابر یاد خدا و قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِینَ إِذَا ذُکِرَ اللّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِیَتْ عَلَیْهِمْ آیَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِیمَاناً وَعَلی رَبِّهِمْ یَتَوَکَّلُونَ مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه خدا یاد شود، دل‌هایشان (از عظمت خدا و کیفر او) بهراسد؛ و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود، ایمانشان افزون گردد؛ و تنها بر پروردگارشان توکّل دارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مؤمنان راستین، ایمانی زنده و پویا دارند و نهال ایمان را با آیات خدا آبیاری می‌کنند و می‌پرورانند. آری؛ مؤمنان با شنیدن آیات الهی، بر ایمانشان افزوده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳ ۲. افق فکری مؤمنان حقیقی چنان بلند است که از تکیه کردن بر مخلوقات ناتوان دوری می‌کنند، هر چند در چشم دیگران به ظاهر عظمت داشته باشند؛ آنان از ذات پاک الهی کمک می‌طلبند و تنها تکیه‌گاهشان خداست. ۳. مفهوم توکّل آن نیست که از وسایل و اسباب مادی چشم بپوشیم و گوشه‌نشینی نماییم، بلکه لازمه‌ی توکّل، خودسازی، بلندنظری و عدم وابستگی به موجودات ناتوان است؛ یعنی استفاده از اسباب طبیعت و تکیه کردن بر صاحب اصلی اسباب که همه‌ی تأثیرات از اوست. ۴. مؤمنان حقیقی هم‌چون عاشقی هستند که از قهر معشوق می‌ترسند؛ ترسی مقدس که از درک مسئولیت‌ها و لغزش‌ها، یا به خاطر درک عظمت پروردگار حاصل می‌شود، «۱» ولی در همان حال دل آنان با یاد او و نشانه‌هایش آرام می‌گیرد. ۵. ثمرات شیرین ذکر الهی و شرط آن: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: ای عزیز! قلب را به آداب عبودیّت مأنوس کن و به ذائقه‌ی روح، حلاوت ذکر خدا را بچشان و این لطیفه‌ی الهیّه در ابتدای امر به شدتِ تذکّر و انس با ذکر حق حاصل شود، ولی در ذکر، قلب مرده نباشد و غفلت بر آن مستولی نشود؛ و چون با تذکّر، قلب را مأنوس نمودی، کم کم عنایات ازلیّه شامل حالت گردد و فتح ابواب ملکوت بر قلبت گردد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سه ویژگی باطنی و معنوی مؤمنان عبارت است از: احساس مسئولیت، تکامل ایمان و توکل. ۲. با نور آیات الهی، ایمان خود را افزایش دهید. ۳. بین خوف و امید، ترس مقدس و توکل زندگی کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی انفال به دو ویژگی دیگر مؤمنان، یعنی ارتباط با خدا و خلق اشاره کرده، می‌فرماید: ۳. الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ کسانی که نماز را به پا می‌دارند؛ و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، (در راه خدا) مصرف می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «اقامه‌ی نماز» به جای «خواندن نماز» آمده است. این تعبیر اشاره به آن است که مؤمنان نه تنها خودشان نماز می‌خوانند، بلکه کاری می‌کنند که این رابطه‌ی محکم با پروردگار، همواره و در همه جا برپا باشد. «۱» ۲. جمله‌ی «از آنچه به آنان روزی داده‌ایم»، تعبیر وسیعی است که شامل تمام سرمایه‌های مادی و معنوی می‌شود؛ یعنی مؤمنان نه تنها با اموالشان، بلکه با دانش، هوش، فکر، موقعیت و تمام مواهبی که در اختیار دارند، به بندگان خدا کمک می‌کنند. این سخا شاخی است از سرو بهشت وای او کز کف چنین شاخی بهشت (مولوی) تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر می‌خواهید از مؤمنان حقیقی باشید، ارتباطی با خدا از طریق نماز و پیوندی با خلق خدا از طریق بخشش داشته باشید. ۲. در حقیقت سرمایه‌های انسان از آن خداست که به انسان بخشیده است تا او به دیگران ببخشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی انفال به پاداش‌های مؤمنان حقیقی اشاره کرده، می‌فرماید: ۴. أُوْلئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقّاً لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِندَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ کَرِیمٌ تنها آنان حقیقتاً مؤمنند؛ برای آنان نزد پروردگارشان رتبه‌ها و آمرزش و روزی ارجمندی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیه‌ی فوق، به انضمام آیات قبل، استفاده می‌شود که ایمان آن گاه حقیقی و کامل است که همراه با احساس مسئولیت، تکامل، توکل، نماز و انفاق باشد. ۲. در این آیه سه پاداش برای مؤمنان حقیقی در نظر گرفته شده است: الف) درجات

بزرگی نزد خدا و در بهشت دارند. «۱» ب) گناهان و لغزش‌های آنان آمرزیده می‌شود. ج) روزی ارجمندی دارند که دایمی، بی‌منت، وسیع و خالص است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶ ۳. در برخی تفسیرها حکایت شده که این آیه در مورد امام علی علیه السلام و ابوذر و سلمان و مقداد فرود آمده است؛ «۱» البته این گونه احادیث مصادیق آیه را بیان می‌کنند و مطلب آیه منحصر به آنان نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان حقیقی با شعار نیست، بلکه در عمل تحقّق می‌یابد. ۲. مؤمنان حقیقی، درجات و مقامات دارند و مورد لطف الهی قرار می‌گیرند و با رزق کریم از آنان پذیرایی می‌شود. ۳. اگر درجات، آمرزش و رزق الهی می‌طلبید، مؤمن حقیقی شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی انفال به نارضایتی برخی افراد از جنگ بدر اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵. كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِن بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقاً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات (به سوی میدان بدر،) بحق بیرون فرستاد، و حال آن که دسته‌ای از مؤمنان ناخشنود بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرمان خروج به طرف میدان بدر، طبق وحی الهی و دستور آسمانی صورت گرفت که نتیجه‌اش وصول به حق برای جامعه‌ی اسلامی بود. ۲. اصل جنگ بدر (به خاطر کمی نفرات و تجهیزات) برای برخی ناخوشایند بود، ولی نتایج درخشانی برای مسلمانان داشت؛ پس مسائل و احکام الهی را با دید محدود ارزیابی نکنیم و در برابر دستورات الهی تسلیم باشیم، تا از نتایج الهی آن بهره‌مند شویم. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۷ ۳. تنها گروه اندکی از مسلمانان از جنگ بدر ناخشنود بودند و با پیامبر صلی الله علیه و آله مجادله می‌کردند، اما اکثریت آنان تسلیم پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ و در ضمن، این ناراحتی‌ها به خاطر ضعف ایمان و فقدان بینش صحیح بود نه روحیه‌ی نفاق. ۴. ضعف ایمان و نداشتن بینش کافی و ناخشنودی از شروع یا پایان جنگ و تقسیم غنایم، افراد را از دایره‌ی ایمان خارج نمی‌سازد، البته در صورتی که در عمل تخلّف صورت نگیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران جامعه‌ی اسلامی طبق دستورات الهی عمل کنند، هر چند برخی مؤمنان ناخشنود باشند. ۲. معیار، فرمان حق است، چه خوشایند افراد باشد و چه ناخوشایند. *** قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی انفال به مجادله‌ی برخی افراد در مورد جنگ بدر و وحشت آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶. يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ ما تَبَيَّنَ كَأَنَّما يُساقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرونَ با تو درباره حق، پس از آن که روشن گردید، (باز) جدال می‌کنند. گویی به سوی مرگ رانده می‌شوند، و آنان تماشا می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گروهی از مسلمانان از جنگ بدر وحشت داشتند، اما حوادث بعد نشان داد که آنها اشتباه می‌کردند و این کارزار برای مسلمانان پیروزی‌های درخشانی داشت. «۱» ۲. اکثریت مسلمانان تسلیم فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و حتی برخی هم تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۸ چون مقداد گفتند: ما مثل یاران موسی علیه السلام نمی‌نشینیم و نمی‌گوییم که شما بروید و بجنگید، بلکه اهل جنگ هستیم و هر چه فرمان بدهی می‌پذیریم. «۱» ولی گروه اندکی از مسلمانان ناراحت بودند و با پیامبر صلی الله علیه و آله مجادله می‌کردند. ۳. برخی مفسران بر آن‌اند که جدال و بحث آن گروه اندک مسلمانان با پیامبر صلی الله علیه و آله، در مسیر میدان بدر، و در مورد نداشتن نفرات کافی و تجهیزات بود؛ چون کاروان مسلمانان در اصل برای درگیری با کاروان تجارتی قریش بیرون آمده بود، «۲» ولی با لشکر مجهّز نظامی دشمن روبه رو شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در یک سطح نبودند؛ برخی از جنگ وحشت داشتند و با آن حضرت مجادله می‌کردند. ۲. هر گاه حق روشن شد با رهبران الهی مجادله نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی انفال به نتایج درخشان کارزار بدر و هدف اساسی جهاد اسلامی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللّهُ أن يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ و (به یاد آورید) هنگامی که خدا به شما، یکی از دو گروه [: کاروان تجاری قریش، یا لشکر آنان را وعده داد، که آن برای شما باشد؛ و آرزو می‌کردید که [گروه غیرمسلّح برای شما باشد؛ و [لی خدا می‌خواهد حق را با کلمات (و وعده‌های) ش تثبیت کند، و دنباله کافران را قطع کند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۹ شأن نزول: آیه‌ی فوق و چند آیه‌ی بعد در مورد جنگ بدر فرود آمده‌اند، که ماجرای آن را این گونه حکایت کرده‌اند: ابوسفیان در رأس یک کاروان تجاری، از شام به سوی مکه می‌رفت و در مسیر خود

از کنار مدینه عبور می کرد. پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله برای جبران اموال مصادره شدهی مسـلمانان در مکه و تضـعیف قدرت مشرکان، گروهی ۳۱۳ نفره از مسـلمانان را آمادهی حمله به کاروان تجاری کرد. ابوسفیان سریعاً به مشرکان مکه خبر داد و لشگری هزار نفره به جنگ مسـلمانان آمدند و ابوسـفیان خود به همراه کاروان تجاری گریخت. خدا با امدادهای غیبی خود، مسـلمانان را بر مشرکان پیروز ساخت و ابوجهل با هفتاد نفر از کفّار مکه کشته شدند و هفتاد نفر نیز اسیر گشتند. در این جنگ، حمزه عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السـلام در درگیری‌هـای تن به تن ضـربه‌های شدیـدی بر پیکر کفار وارد کردنـد. جنگ بـدر در ۱۷ رمضان سال دوم هجری اتفاق افتاد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مسلمانان مایل بودند که با کاروان غیرمسلح روبه رو شوند «۲» و اموال آن را صاحب شوند، در حالی که پایان پیروزمند جنگ بدر نشان داد که مصلحت مسـلمانان در این بود که با سـپاه دشمن روبه رو شوند و آنان را در هم بکوبند، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۰ تا راه برای پیروزی‌های آینده هموار شود. ۲. اراده و سنت الهی آن است که حـق یـا بر جـا شـود و ریشه‌ی کـافران برافتـد و هـدف جهـاد اسـلامی نیز همین است؛ یعنی مـاجرای جنـگ بـدر درس عبرت‌آموزی برای مسـلمانان بود که به دنبـال هـدف‌های بلنـد باشـند، نه پیروزی‌های کوتاه مـدت و پرغنیمت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بلندهمت و آینده‌نگر باشید و فقط به پیروزی‌های سطحی نیندیشید. ۲. وعده‌ی امدادهای الهی را به یاد داشته باشید و امیدوار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتم سوره‌ی انفال اهداف جهاد اسلامی را به صورتی دیگر بیان کرده، می‌فرماید: ۸. لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ تا حق را تثبیت کنـد، و باطل را نابود گردانـد، وگر چه خلافکاران ناخشـنود باشـند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، یـا تأکیـد مطلبی است که در پایـان آیه‌ی پیش گفته شـد و یـا اشـاره به نتیجه‌ی آن است؛ یعنی واژه‌ی «حق» در آیه‌ی قبل اشاره به پیروزی مسـلمانان در جنگ بـدر بود، اما واژه‌ی «حق» در این آیه، اشاره به پیروزی اسـلام و قرآن است که نتیجه‌ی پیروزی نظامی جنگ بـدر است. «۱» ۲. این آیه نوعی دل‌داری و بشـارت برای مسـلمانان بوده و هست، که اراده‌ی الهی بر پیروزی اسـلام و قرآن قرار گرفته و آینده‌ی مسـلمانان روشن است. تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف جهاد اسلامی، تحقّق حق و انهـدام باطـل است. ۲. اراده‌ی خـدا و سـنت‌های او تحقّق خواهـد یافت، گر چه خلافکاران ناراحت شونـد. ۳. به دنبال پیروزی حق و نابودی باطل باشیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی انفال به امدادهای غیبی و یاری مسلمانان توسط فرشتگان در جنگ بـدر اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۹. إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (به خـاطر آورید که در میدان بدر) هنگامی را که از پروردگارتان یاری می‌خواستید، پس [درخواست شما را پذیرفت (به) این که، من شما را با هزار (نفر) از فرشـتگانِ پیاپی، یاری می کنم! شأن نزول: حکایت شـده که در جنگ بـدر، تعداد مسـلمانان یک سوم کافران بود و تجهیزات نظامی کافی نداشـتند. پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان دست به دعا برداشتند و از او یاری طلبیدند و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را به سوی آسـمان بلنـد کرد و گفت: «خـدایا! وعـده‌ای را که به من داده‌ای تحقق ببخش. پروردگارا! اگر این گروه مؤمنان نابود شوند، پرسـتش تو برچیده خواهد شد.» و آن قدر پیامبر اسـلام به این دعا ادامه داد که عبا از دوشش بر زمین افتاد و پاسـخ آمـد که خـدا تقاضای شـما را پذیرفت. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۴۲ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. داستان نزول فرشـتگان و یاری آنها در جنگ بدر در آیات ۱۲۳- ۱۲۶ سوره‌ی آل‌عمران نیز آمـده است و این مطلب برای تقویت روح ایمان در مسـلمانان است، همان طور که در آیه‌ی بعـد اشاره خواهد شد. ۲. «مُردِفین» در اصـل به معنای پشت سـر هم قرار گرفتن است و در این جا مقصود آن است که فرشـتگان برای یاری مسـلمانان پشت سـر هم فرود می‌آمدند و یا این که این گروه هزار نفری گروه‌های دیگری نیز به دنبال داشتند؛ «۱» ولی ظاهر آیه همان معنای اول است. ۳. فرشتگان می‌توانند در زندگی عادی انسان هم مؤثر باشند و اگر خـدا بخواهـد، به یـاری انسان‌هـا می‌آینـد و این نـوعی امـداد غیـبی الهی است که شامـل حـال رهـبران الهی و مؤمنـان می‌شود. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. امـدادهای الهی را فراموش نکنیـد (و بـا یاد آنها روحیه‌ی سـپاس گزاری خود را تقویت نماییـد). ۲. در هنگام جنگ و مشـکلات از خدا یاری بطلبید تا با امدادهای غیبی شما را یاری کند. *** قرآن کریـم در آیه‌ی دهم سوره‌ی انفال به فواید

امـدادهای غیبی و نزول فرشـتگان در جنگ اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۰. وَمَا جَعَلَهُ اللّهُ إِلَّا بُشْرَی وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُکَمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنِدِ اللّهِ إِنَّ اللّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۳ و خدا آن (وعده امداد غیبی) راجز مژده‌ای (برای شما) و برای آرامش قلب‌های شما بـدان قرار نداده است؛ و پیروزی جز از نزد خدا نیست؛ [چرا] که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد نقش فرشتگان در جنـگ بـدر، دو دیـدگاه در میان مفسـران قرآن وجود دارد: برخی از مفسـران معتقدنـد که فرشـتگان رسماً وارد صحنه‌ی نبرد شدند و با سلاح‌های مخصوص خود به لشگر دشمن حمله کردند و تعدادی را بر خاک افکندند. ولی برخی از مفسـران برآن‌اند که فرشـتگان تنها برای دل‌گرمی و تقویت روحیه‌ی مؤمنان فرود آمدند و شاهد این دیدگاه آن است که کشته‌شدگان بدر ۷۰ نفر بودند که قاتلان آنها در تاریخ نام برده شده‌اند. «۱» ظاهر آیه نیز با دیدگاه دوم سازگار است. ۲. از آن جـا که خـدا سرچشـمه‌ی همه‌ی قـدرت‌هاست، پیروزی تنها از ناحیه‌ی خـداست و نفرات و تجهیزات و فرشـتگان همگی وسایل این پیروزی هسـتند؛ البته این بـدان معنـا نیست که مـا از وسایـل و نیروهای نظامی در جنگ غافل شویم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امدادهای الهی بر اسـاس قـدرت و حکمت است. ۲. پیروزی را فقـط از نـاحیه‌ی خود بدانیـد، نه وسایـل و نیروهای نظامی. ۳. امدادهای غیبی جانشـین تلاش شما نشود، بلکه مایه‌ی دل‌گرمی و امید و تلاش بیش‌تر گردد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۴ قرآن کریم در آیه‌ی یـازدهم سوره‌ی انفـال برخی دیگر از امـدادهای الهی در صـحنه‌ی جنگ بـدر و پیامـدهای مثبت آنها را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ۱۱. إِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعَاسَ أَمَنَهً مِنْهُ وَیُنَزِّلُ عَلَیْکُم مِنَ السَّماءِ مَاءً لِیُطَهِّرَکُم بِهِ وَیُذْهِبَ عَنکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَلِیَرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَیُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (به یـاد آوریـد) هنگـامی را که [خـدا] خواب سـبک‌آرام بخشـی را که از جانب او بود بر شـما پوشانیـد (و مسلط ساخت؛) و آبی را از آسـمان برایتان فرو فرسـتاد تا شـما را بـدان پاک سازد؛ و (پلیدی) اضـطراب‌آور شـیطان را از شـما بزداید؛ و تا دل‌هایتان را محکم سازد؛ و گام‌ها را با آن استوار دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جنگ بدر، بر اثر خواب سبک و آرام‌بخش «۱» و نزول باران، به مسـلمانان خسـته و مضطرب کمک فراوانی شد. دشمن چاه‌های بدر را در اختیار داشت، اما مسلمانان توانستند از آب بـاران که در گودال‌ها جمع شـده بود، برای رفع عطش و شـست‌وشوی خود اسـتفاده کننـد. ۲. مقصود از «پلیـدی شـیطان» در آیه‌ی فوق، ممکن است همان پلیدی جسـمانی باشد که بر اثر جنابت برخی افراد در آن شب به وجود آمد و به وسـیله‌ی باران برطرف شد و یا منظور وسوسه‌های شـیطانی باشد؛ «۲» البته ممکن است در این جـا هر دو معنا مراد باشـند. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۵ ۳. مقصـود از «اسـتوار کردن قـدم‌های رزمنـدگان اسـلام» آن اسـت کـه در پرتـو ایـن نعمت‌هـای الهی، روحیـه‌ی رزمنـدگان و پـای‌مردی آنـان افزون شـد؛ امـدادهای الهی موجب اطمینـان خـاطر و ثبـات قـدم رزمنـدگان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث جبهه‌هـای نبرد اتفـاقی نیست و گـاهی خـدا به وسـیله‌ی عوامـل طبیعی، مثـل خواب و بـاران به یـاری مؤمنان می‌آیـد. ۲. نعمت‌هـا و امـدادهای الهی را به رزمنـدگان اسـلام یادآوری کنیـد تا دل‌هایشان محکم شود و روحیه‌ی اسـتقامت آنان افزایش یابد. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی انفال با یادآوری برخی نعمت‌های دیگر خـدا در جنگ بـدر، به آموزش نظامی رزمنـدگان اسـلام می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۲. إِذْ یُوحِی رَبُّکَ إِلَی الْمَلَائِکَهِ أَنِّی مَعَکُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِینَ آمَنُوا سَأُلْقِی فِی قُلُوبِ الَّذِینَ کَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ کُلَّ بَنَانٍ (به یادآور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: «که من با شمایم؛ پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت [قدم دارید. بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند وحشت می‌افکنم؛ و فراز گردن‌ها را بزنید؛ و همه انگشتان (و دست و پای) شان را قطع کنید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یک واقعه‌ی عجیب در صحنه‌ی نبرد بدر اشاره می‌کند؛ ارتش نیرومنـد قریش در برابر سپاه کوچـک مسـلمانان، روحیه‌ی خود را باختنـد و از درگیری با آنان وحشت داشـتند و گاهی فکر می‌کردند اینان افراد عادی نیسـتند؛ البته این تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۴۶ رعب‌انگیزی در دل دشـمنان، نوعی نصرت الهی بود. ۲. پای‌مردی مسلمانان در جنگ بدر و نماز جماعت و شعارهای گرم آنها و اظهار وفاداری مؤمنان راستین نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، که در تاریـخ آمده است، همگی یادآور اسـتوار کردن قلب‌ها توسط فرشـتگان الهی است. ۳. گاهی خدا کارها را از

طریق فرشتگان انجام می‌دهد، ولی آنان هم بدون همراهی و حمایت الهی قدرتی ندارند. ۴. این آیه خطاب به مسلمانان است و مقصود آن است که در جنگ ضربه‌های کاری به سر و دست و پای «۱» دشمن وارد کنید؛ و یا خطاب به فرشتگان است و مقصود آن است که فرشتگان با ایجاد رعب در کافران، چنان کنند که دست و پایشان بلرزد و هراسناک شوند و سر به زیر آرند. «۲» ولی ظاهر آیه همان معنای اول است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از توان رزمی خود بهترین استفاده را ببرید و ضربه‌های کاری به جاهای حسّاس دشمن وارد آورید. ۲. خدا در جنگ‌ها، بر دوستان خود آرامش و پایداری و بر دشمنان خود دلهره و وحشت را مستولی می‌سازد. *** قرآن کریم در آیات سیزدهم و چهاردهم سوره‌ی انفال به دلایل سرکوبی کافران و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳ و ۱۴. ذلِکَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّهَ وَرَسُولَهُ وَمَن یُشَاقِقِ اللّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللّهَ شَدِیدُ الْعِقَابِ* ذلِکُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْکَافِرِینَ عَذَابَ النَّارِ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۷ این (کیفرها) بدان سبب است که آنان با خدا و فرستاده‌اش مخالفت ورزیدند؛ و هر کس با خدا و فرستاده‌اش مخالفت کند، پس حتماً خدا سخت کیفر است.* این [مجازات دنیاست،] پس آن را بچشید! و در حقیقت برای کافران، عذاب آتش (نیز) هست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیات به قانون عمل و عکس العمل اشاره شده که بر زندگی انسان حکم فرماست؛ یعنی چنان چه کسی صف خود را از خدا و پیامبر جدا سازد و با آنان دشمنی ورزد «۱» نتیجه‌اش خشم و عذاب الهی است که دامن‌گیر او می‌شود؛ پس او نتیجه‌ی اعمال خود را می‌بیند. ۲. دشمنی با خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، هر چند در دنیاست، ولی نتیجه‌اش منحصر به کیفر دنیوی و شکست در جنگ نمی‌شود و عذاب اخروی نیز به دنبال دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر کس دشمن رسول خداست، در حقیقت، دشمن خداست. ۲. با خدا و رسولش دشمنی نورزید که گرفتار عذاب دردناکی خواهید شد. ۳. قهر و خشم الهی بر کافران بی‌دلیل نیست، بلکه نتیجه‌ی دشمنی (و گردن‌کشی) خود آنان است. ۴. مخالفان اسلام، هم در دنیا گرفتار ذلّت و کیفر می‌شوند و هم در آخرت عذاب الهی را می‌چشند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۸ قرآن کریم در آیات پانزدهم و شانزدهم سوره‌ی انفال برخی از قوانین نظامی اسلام در مورد ممنوعیت فرار از میدان جنگ و مجازات و موارد استثنای آن را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۵ و ۱۶. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیتُمُ الَّذِینَ کَفَرُوا زَحْفاً فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ* وَمَن یُوَلِّهِمْ یَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفاً لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَیِّزاً إِلی فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که با حرکت لشکر انبوه کسانی که کفر ورزیدند، رو به رو شدید، پس با عقبگرد از آنان روی برنتابید.* و هر کس در آن روز (نبرد) با عقبگردش از آن (دشمن) ان روی برتابد- مگر آن که (هدفش) کناره‌گیری از میدان برای نبرد (مجدد) و یا پیوستن به گروهی (دیگر) باشد- پس حتماً به خشمی از جانب خدا گرفتار خواهد شد؛ و مقصدش جهنم است، و چه بد فرجامی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هر چند دشمن زیاد «۱» و شما اندک باشید، هنگام رویارویی با آنان، «۲» نباید از میدان کارزار فرار کنید؛ همان طور که در میدان بدر، دشمنان چندین برابر شما بودند و سرانجام با پایداری پیروز شدید. ۲. این آیه در میان آیات مربوط به جنگ بدر آمده است، ولی اختصاص به آن ندارد و یک قانون کلی نظامی اسلام را بیان می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۴۹ ۳. در اسلام فرار از جنگ، از گناهان بزرگ به شمار می‌آید و در آیه‌ی بعد برای آن وعده‌ی عذاب داده شده است؛ و از برخی دیگر از آیات قرآن استفاده می‌شود که این حکم مخصوص زمانی است که تعداد دشمن حداکثر دو برابر مسلمانان باشد. «۱» ۴. در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که در مورد فلسفه‌ی ممنوعیت فرار از جنگ فرمودند: (فرار از جنگ) موجب وَهن و سستی در دین و تحقیر برنامه‌ی پیامبران و امامان و پیشوایان عادل می‌گردد و نیز سبب می‌شود که آنان نتوانند بر دشمنان پیروز شوند ... افزون بر این، سبب می‌شود که دشمنان در برابر مسلمانان جسارت پیدا کنند و حتی مسلمانان به دست آنها اسیر و کشته شوند و سرانجام آیین الهی برچیده شود. «۲» ۵. در امتیازات امام علی علیه السلام نیز آمده است که هیچ گاه از میدان جنگ فرار نمی‌کرد؛ «۳» او حیدر کرار بود و مؤمنان نیز باید این گونه باشند. ۶. در آیه‌ی اخیر دو صورت، فرار از جنگ استثنا شده است که عبارت‌اند از: الف) اگر رزمندگان به عنوان یک تاکتیک جنگی از برابر دشمن بگریزند

و به کناری بروند و دشمن را به دنبال خود بکشند و ناگهان ضربه‌ای بر پیکر او وارد سازند و یا به صورت جنگ و گریز دشمن را خسته کنند. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۰ ب) اگر رزمنده‌ای خود را در میدان تنها ببیند و برای پیوستن به یک گروه جنگی عقب‌نشینی کند و پس از پیوستن به آنها، حمله‌ی مجدد را آغاز نماید. «۱» این مورد در ظاهر فرار است، اما در واقع نوعی مبارزه و تغییر شیوه‌ی کارزار و تاکتیک جنگی و نوعی مانور نظامی است. ۷. فرارکنندگان از جنگ می‌خواهند منزل «۲» و پناهگاهی «۳» برای خود انتخاب کنند، که از هلاکت محفوظ بمانند، ولی به عکس، گرفتار خشم الهی می‌شوند و در این جهان طعم ذلّت و شکست و محرومیت را خواهند چشید و در جهان دیگر نیز به دوزخ خواهند رفت. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تعداد زیاد دشمنان، بهانه‌ی فرار از جبهه نشود که فرار از جنگ حرام است. ۲. فراریان از جنگ بدعاقبت هستند و گرفتار خشم الهی و دوزخ می‌شوند. ۳. از جنگ فرار نکنید، که خود را در دنیا و آخرت گرفتار خشم و عذاب الهی می‌کنید. ۴. عقب‌نشینی تاکتیکی و مانورهای جنگی در جهاد جایز است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۱ قرآن کریم در آیات هفدهم و هجدهم سوره‌ی انفال برای دفع غرور رزمندگان اسلام، به قدرت الهی و امتحان مؤمنان و خنثی‌سازی نقشه‌های کافران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۷ و ۱۸. فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلكِنَّ اللّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلكِنَّ اللّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَناً إِنَّ اللّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ* ذلِكُمْ وَأَنَّ اللّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ و [شما] آنان را نکشتید، ولیکن خدا آنان را کشت؛ و هنگامی که (ریگ و خاک به سوی آنان) افکندی، [تو] نیفکندی، ولیکن خدا افکند؛ و (خدا چنین کرد) تا بدین (وسیله) مؤمنان را با آزمایش نیکویی بیازماید؛ براستی که خدا شنوای داناست.* این (سرنوشت مؤمنان و کافران بود.) و در حقیقت خدا سست‌کننده نیرنگ کافران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مورخان و مفسران حکایت کرده‌اند که در روز بدر، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام گفت: مشتی خاک و سنگریزه به او بدهد و آنها را گرفت و به سوی مشرکان پرتاب کرد و فرمود: «رویتان زشت و سیاه باد.» «۱» ۲. با این که پیامبر اسلام سنگ‌ریزه به طرف دشمن پاشید و رزمندگان اسلام کافران را به قتل رساندند، اما در آیه‌ی فوق این امور به خدا نسبت داده شده است؛ چون اولًا، خدا سرچشمه‌ی همه‌ی نیروهای جسمانی و روحانی است، پس همه‌ی این امور از اوست و ثانیاً، در میدان بدر حوادث معجزه‌آسایی صورت گرفت که موجب شکست دشمن شد، پس پیروزی بدر در حقیقت با امداد الهی بوده است. ما چو ناییم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما زتوست تو ز قرآن بازخوان تفسیر بیت گفت ایزد «مارمیت اذ رمیت» گر بپرّانیم تیر، آن نه زماست ما کمان و تیراندازش خداست (مولوی) ۳. این آیه از طرفی می‌فرماید پیامبر و مردم عملیات میدان بدر را انجام دادند و از طرف دیگر می‌گوید آنها انجام ندادند بلکه خدا کرد. این مطلب اشاره‌ی لطیفی است به قاعده‌ی «لا جَبر و لا تَفویض بل امرٌ بین الامرَین»؛ یعنی این هم کار شما بود و هم کار خدا؛ از آن جا که به اراده‌ی شما انجام گرفت، کار شما بود و چون نیرو و امداد الهی در کار بود، پس کار خدا بود؛ نه جبر و نه واگذاری کار به بشر، بلکه چیزی بین این دو صحیح است. «۱» ۴. جنگ بدر آزمایش نیکویی بود «۲» و مسلمانان در نخستین برخورد مسلّحانه با دشمنان، طعم پیروزی را چشیدند و نسبت به آینده امیدوار شدند. آری؛ خدا نقشه‌ی کافران را در مورد نابودی مسلمانان خنثی کرد و با امدادهای الهی آنان را بر دشمن پیروز گردانید. ولی از آن جا که این پیروزی آزمایش الهی بود، مسلمانان مغرور نشوند و آمادگی خود را حفظ کنند و لطف خدا را فراموش نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کوشش از انسان، و اثربخشی از خداست. ۲. جنگ، یکی از آزمایش‌های الهی است. ۳. خدا حامی مؤمنان است و نقشه‌های کافران را سست و خنثی می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۳ ۴. پیروزی‌ها را از خود ندانید (و مغرور نشوید)، بلکه لطف و آزمایش الهی بدانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی انفال با اشاره به پیروزی مؤمنان و هشدار به آنان در مورد جدال و غرور می‌فرماید: ۱۹. إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِن تَنتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئاً وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اگر پیروزی می‌خواستید، پس براستی پیروزی به سراغ شما آمد؛ و اگر (از جدال) خودداری کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و اگر باز گردید [ما هم باز خواهیم گشت]؛ و گروه شما هر چند زیاد باشد، چیزی از شما دفع

نخواهد کرد؛ و در حقیقت خدا با مؤمنان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران برآن‌اند که روی سخن آیه با مشرکان است؛ چرا که آنان در کنار کعبه و قبل از جنگ بدر دعا کرده بودند که خدایا هر آیینی را که نزد تو محبوب‌تر است پیروز گردان؛ «۱» و آیه‌ی فوق اشاره کرد که شما خواستار پیروزی حق هستید و خدا آیین پیامبر صلی الله علیه و آله را پیروز کرد و حقانیت او آشکار شد، پس اگر به سوی جنگ با مسلمانان بازگردید، ما هم بار دیگر بازمی‌گردیم و شکست می‌خورید، پس به فزونی جمعیت خود مغرور نشوید که فایده‌ای ندارد و خدا با مؤمنان است. اما گروهی از مفسران برآن‌اند که روی سخن آیه‌ی فوق، همانند آیات قبل و بعد، با مؤمنان است؛ یعنی پس از جنگ بدر، مسلمانان در مورد تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۴ غنیمت‌ها بحث و جدال داشتند و قرآن به آنان هشدار می‌دهد که بس کنند «۱» و مغرور نشوند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قهر و لطف خدا، بستگی به عملکرد انسان‌ها دارد. «۳» ۲. اگر خدا با شما نباشد، جمعیت زیاد فایده‌ای ندارد. ۳. اگر می‌خواهید خدا با شما باشد، ایمان آورید. *** قرآن کریم در آیات بیستم و بیست و یکم سوره‌ی انفال مؤمنان را به فرمان‌برداری از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و داشتن گوش شنوا فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۲۰ و ۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ* وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَايَسْمَعُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و فرستاده‌اش را اطاعت کنید؛ و از او روی برنتابید، در حالی که شما (سخنان او را) می‌شنوید.* و همانند کسانی نباشید که گفتند: «شنیدیم.» و حال آن که (در حقیقت) آنان نمی‌شنیدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. فرمان‌برداری از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله برای همه‌ی مردم، اعم از کافر و مؤمن، لازم است؛ زیرا خدا خالق و مالک همه‌ی مردم است و پیامبر نماینده‌ی اوست، اما در این جا خطاب به مؤمنان می‌کند که شرکت‌کنندگان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۵ در برنامه‌های تربیتی اسلام بودند. ۲. شنیدن دستورات الهی مسئولیت‌آور است و به دنبال آن لزوم اطاعت می‌آید؛ چرا که هر کس دستورات الهی را نشنود و با خبر نشود، جاهل معذور (قاصر) است؛ البته اگر در شنیدن و اطلاع‌یابی کوتاهی کند جاهل مقصر است و معذور نخواهد بود. ۳. قرآن کریم درباره‌ی کسانی که سخن حق را می‌شنوند، ولی به آن عمل نمی‌کنند و ترتیب اثر نمی‌دهند، می‌فرماید: آنان گویی ناشنوا هستند و سخنان را نمی‌شنوند. شنیدن مقدمه‌ی عمل است و هنگامی که عمل نباشد مقدمات بی‌فایده است. ۴. در مورد مقصود از «کسانی که می‌شنوند، ولی نمی‌شنوند» سه احتمال داده شده است: منافقان، یهودیان، مشرکان عرب؛ البته ممکن است آیه همه‌ی گویندگان بدون عمل را شامل شود که موارد فوق از مصادیق آن هستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. لازمه‌ی ایمان، فرمان برداری از خدا و رسول است. ۲. اگر از دستورات خدا و پیامبر اطلاع یافتید سرپیچی نکنید. ۳. همان طور که تسلیم خدا هستید، فرمان‌بردار رسولش باشید. ۴. شنیدن، مقدمه‌ی عمل است؛ و کسانی که سخن را می‌شنوند ولی ترتیب اثر نمی‌دهند، هم چون کسانی هستند که اصلًا نمی‌شنوند. ***

بد ترین جنبندگان چه کسانی هستند

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی انفال افراد بی‌خرد را بدترین جنبندگان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۲. إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَايَعْقِلُونَ براستی که بدترین جنبندگان نزد خدا، ناشنوایان [و] گنگ‌هایند که خردورزی نمی‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم هر موجود زنده‌ی بی‌اثری را مرده و هر عضوی را که در مسیر هدایت نباشد نابود می‌شمارد؛ از این رو در آیه‌ی فوق کسانی را که گوش سالم دارند ولی در مسیر شنیدن آیات خدا و سخنان حق و برنامه‌های سعادت‌بخش از آن استفاده نمی‌کنند، ناشنوا و فاقد گوش معرفی می‌کند؛ و کسانی را که زبان سالم دارند، اما مهر سکوت بر لب‌زده و از حق دفاع نمی‌کنند و با فساد و ظلم و جهل نمی‌جنگند و دیگران را به سوی حق فرا نمی‌خوانند، افرادی فاقد زبان و گنگ معرفی می‌کند. ۲. انسان دارای امکانات زیادی هم چون گوش و زبان و عقل است که اگر از آنها استفاده‌ی نادرست بکند، می‌تواند از حیوانات پست‌تر و درنده‌تر شود؛ از این‌رو قرآن کریم فرمود این گونه افراد بدترین جنبندگان هستند. آموزه‌ها و

پیام‌ها: ۱. بدترین موجودات کسانی هستند که از وسایل شناخت و اطلاع‌رسانی خود استفاده نمی‌کنند. ۲. ارزش نعمت‌های الهی در استفاده‌ی صحیح از آنهاست. ۳. ارزش انسان به خردورزی اوست و اگر تعّقل نکند، از بدترین موجودات می‌شود. ۴. از عقل و گوش و زبان خود به طور صحیح استفاده کنید تا از مرحله‌ی حیوانیت به درآیید. ۵. متفکر، شنونده و گوینده‌ی خوبی باشید تا انسان به شمار آیید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۷ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی انفال به عدم آمادگی مشرکان برای پذیرش حق و رفتار لجاجت‌آمیز آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۲۳. وَلَوْ عَلِمَ اللّهُ فِيهِمْ خَيْراً لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ و اگر (بر فرض) خدا خیری در آنان می‌دانست، حتماً شنوایشان می‌ساخت، و اگر (بر فرض) شنوایشان می‌ساخت حتماً روی برمی‌تافتند، در حالی که آنان روی‌گردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در مورد کسانی است که بارها سخن حق را شنیده و محتوای عالی آن را فهمیده‌اند ولی باز هم بر اثر تعصّب و لجاجت و بدون تفکّر، حق را انکار می‌کنند؛ این گونه افراد شایستگی هدایت را از دست داده‌اند و در کفر و شرک خود غوطه‌ورند. ۲. مشرکان بی‌عمل که تفکر نمی‌کنند، زمینه‌ی شنیدن سخنان حق و کمال و سعادت و خیر و نیکی را از دست داده‌اند و بهانه‌جویی می‌کنند و دروغ می‌گویند؛ یعنی اگر خدا خواسته‌های آنان را در مورد زنده کردن نیاکانشان نیز بپذیرد و آن مردگان، معجزه‌آسا زنده شوند و گواهی به راستی نبوّت دهند و سخنان آنان را بشنوند، باز هم ایمان نمی‌آورند و روی برمی‌تابند. ۳. انسان در مورد هدایت و گمراهی مجبور نیست، بلکه سرچشمه‌ی سعادت و شقاوت از خود انسان شروع می‌شود و خدا بر اساس شایستگی‌هایی که مردم از خودشان نشان می‌دهند، با آنان رفتار می‌کند. «۱» ۴. گمراهان در برابر سخن حق چند گروه‌اند: الف) کسانی که حاضر به شنیدن سخنان حق و آیات قرآن نیستند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۸ ب) کسانی که سخنان را می‌شنوند، ولی تصمیم ندارند به آنها عمل نمی‌کنند. «۱» ج) کسانی که به خاطر اعمالشان، قدرت تشخیص خود را از دست داده‌اند و سخنان حق را می‌شنوند، ولی تفکر و درک می‌کنند. «۲» د) کسانی که سخنان حق را می‌شنوند و درک می‌کنند و از آن روی برمی‌تابند، که آیه‌ی فوق به این گروه اشاره دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از هدایت افراد مضایقه‌ای ندارد، اما لجوجان روی برمی‌تابند. «۳» ۲. زمینه‌های هدایت را در خود آماده کنید تا هدایت الهی شامل حال شما شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی انفال حیات‌بخشی را هدف دعوت الهی معرفی می‌کند و با اشاره به نزدیکی خدا به انسان می‌فرماید: ۲۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [دعوت خدا و فرستاده‌اش را بپذیرید، هنگامی که شما را به سوی چیزی فرا می‌خواند، که شما را حیات می‌بخشد؛ و بدانید که خدا میان مرد و دلش حایل می‌شود؛ (خود را فراموش می‌کند.) واین که (در رستاخیز) فقط به سوی او گردآوری تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۵۹ خواهید شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم گاهی از حیات گیاهی سخن گفته، «۱» و گاهی به زندگی حیوانی اشاره کرده، «۲» زمانی به حیات فکری و عقلانی پرداخته «۳» و گاهی از حیات جاویدان آخرت یاد کرده است و گاهی از حیات خدا سخن گفته که به معنای علم و توانایی «۴» بی‌انتهای او است. ۲. در این آیه با کوتاه‌ترین و جامع‌ترین تعبیر، هدف تعلیمات اسلام بیان شده است که رسیدن به حیات در تمام زمینه‌ها، اعم از حیات مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و علمی است. «۵» هر آن که در این حلقه نیست زنده به عشق بر او نمرده به فتوای من نماز کنید (حافظ) ۳. برخی از انسان‌ها ممکن است به مرحله‌ی حیات گیاهی و حیوانی برسند، اما به حیات فکری و عقلانی انسانی و حیات معنوی و ایمانی و علمی نرسند و برخی دیگر ممکن است به حیات دنیوی برسند، اما از حیات اخروی غافل شوند؛ اما خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، بشریت را به سوی عالی‌ترین مراحل حیات و زندگی فرا می‌خوانند. زنده‌ی دل مرده ندانی که کیست؟ آن که ندارد به خدای اشتغال (سعدی) تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۰ ۴. در برخی از احادیث از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام حکایت شده که آیه‌ی فوق در مورد ولایت علی علیه السلام فرود آمده است «۱» و برخی دیگر از مفسران آن را بر بهشت، جهاد، ایمان و قرآن تطبیق کرده‌اند. «۲» اما به نظر می‌رسد که مفهوم حیات در آیه‌ی فوق گسترده

است و این موارد از مصادیق آن است؛ چرا که هر کس پیرو ولایت امام علی علیه السلام باشد و یا در راه جهاد و قرآن و ایمان بکوشد، به طرف بهشت رهسپار می‌شود و حیات ابدی می‌یابد. ولی مفهوم آیه منحصر به این موارد نیست. ۵. مقصود از واژه‌ی «قلب» در آیه‌ی فوق، همان «روح و عقل» است، اما در مورد این که چگونه «خدا بین انسان و روح او قرار می گیرد»، مفسران قرآن چند احتمال داده‌اند: الف) به معنای شدت نزدیکی خدا به بندگان است که گویی در درون جان و میان انسان و خودش قرار گرفته است. ب) اشاره به آن دارد که گردش دل‌ها و فکرها به دست خداست. ج) یعنی خدا میان انسان و قلبش به وسیله‌ی مرگ فاصله می‌اندازد. د) یعنی خدا بین «انسان» و «عقل و قلب» او قرار می گیرد و اجازه نمی‌دهد که باطل را حق بفهمد و حق را باطل بفهمد و بدان یقین کند. «۳» ه) اشاره به حضور و نظارت و احاطه‌ی علمی خدا بر همه‌ی موجودات دارد؛ یعنی در عین حال که خدا با موجودات جهان یکی نیست اما از آنها جدا هم نیست. «۴» و) کنایه از «مردن قلب» باشد: چرا که اسلام به سوی حیات عالی و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۱ سعادتمند دعوت می کند، و جواب منفی به این دعوت، یعنی ردّ حیات و مردن قلب انسان؛ یعنی انسان زندگی فعال را از دست بدهد و هم چون جمادات شود. «۱» البته ممکن است آیه‌ی فوق به همه‌ی این معانی اشاره داشته باشد، ولی به هر حال به معنای جبر نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آموزه‌های دین اسلام حیات‌بخش است. ۲. خدا همه جا حتی در درون جان ما حضور آگاهانه دارد (پس مواظب اعمال و افکار خود باشیم). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی انفال در مورد فتنه‌ها و ستمکاری‌ها و پیامدهای مصیبت‌بار فراگیر هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۲۵. وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَاتُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ و [خودتان را] از [بلا و] فتنه‌ای حفظ کنید، که تنها به کسانی از شما که ستم کردند، نمی‌رسد (بلکه همه را فرا خواهد گرفت؛) و بدانید که خدا سخت کیفر است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «فِتنه» در اصل به معنای داخل کردن طلا در کوره است، تا خوبی و بدی‌اش آشکار شود و در قرآن کریم گاهی به معنای آزمایش و گاهی به معنای مصیبت و عذاب است؛ زیرا این امور نیز صفات باطنی انسان را ظاهر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۲ می‌سازد و باعث تصفیه‌ی روحی او می‌شود «۱» و در آیه‌ی فوق نیز به معنای بلاها و مصیبت‌های اجتماعی است. ۲. فتنه هم چون حوادث و بلاهای اجتماعی، قانون‌شکنی‌ها، هرج و مرج‌ها، ناامنی‌ها و شیوع گناهان، هنگامی که فراگیر شود، نیکان و بدان را در آتش خود می‌سوزاند؛ هم چون کشتی که یکی از سرنشینان، آن را سوراخ کند و همه را غرق سازد. ۳. این آیه هشداری است به جوامع اسلامی که مسلمانان نه تنها موظف به انجام تکالیف خود هستند، بلکه موظف‌اند دیگران را هم به وظایفشان رهنمون شوند و امر به معروف و نهی از منکر کنند، تا برنامه‌ی کل جامعه با شکست مواجه نشود و فتنه‌ی آن دامن همه را نگیرد؛ همان گونه که در عصر ما در پدیده‌ی استعمار، صهیونیسم و تهاجم فرهنگی و مفاسد اخلاقی و انحطاطها می‌بینیم. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که خدای عزوجّل هرگز عموم مردم را به خاطر عمل گروهی خاص مجازات نمی کند، مگر زمانی که منکرات در میان آنان آشکار گردد و توانایی انکار آن را داشته باشند و در همان حال سکوت کنند که در این هنگام خدا آن گروه خاص و همه‌ی مردم را مجازات خواهد کرد. «۲» چو از قومی یکی بی‌دانشی کرد نه کِهْ را منزلت ماند و نه مه را (سعدی) ۵. از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند: تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۳ در فتنه‌ها هم چون بچه شتر باشید که نه از او بار می کشند و نه شیر می‌دوشند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آثار خلافکاری افراد جامعه، دامن‌گیر دیگران نیز می‌شود. ۲. از فتنه‌ها بپرهیزید و با خلافکاری‌ها مقابله کنید وگرنه آتش آنها دامن شما را نیز می‌گیرد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی انفال با یادآوری گذشته‌ی مسلمانان و نعمت‌های خدا بر آنها می‌فرماید: ۲۶. وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُم مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ و به یاد آورید هنگامی را که شما در روی زمین، اندک [و] مستضعف بودید، می‌ترسیدید که مردم شما را بربایند؛ و [لی خدا] شما را پناه داد؛ و با یاریش تأییدتان کرد؛ و از پاکیزه‌ها روزیتان داد؛ تا شاید شما سپاس گزاری کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، یا اشاره به وضع مسلمانان در مکه قبل از هجرت است که مشرکان نیرومند بودند؛ و یا اشاره به وضع مسلمانان

در مدینه و در برابر قدرت‌های بزرگ ایران و روم؛ «۲» ولی معنای اول مناسب‌تر است. ۲. تعبیر «مُستَضعفون» به معنای «افراد ضعیف نگاه داشته شده» و جمله‌ی «می‌ترسیدید مخالفانْ شما را بربایند»، اشاره‌ی لطیفی به نهایت تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۴ ناتوانی و کمی نفرات مسلمانان است، آن چنان که گویی مسلمانان مثل جسم کوچکی در هوا معلّق بودند و دشمن به آسانی می‌توانست آنها را برباید؛ ولی خدا به آنان پناه داد و مسلمانان را بر مشرکان پیروز گردانید و به قدرتی بزرگ در مدینه تبدیل شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یادآوری روزهای ضعف و امدادهای الهی زمینه‌ساز شکر خداست. ۲. روزهای ناتوانی و ناامنی را فراموش نکنید و سپاس‌گزار پناه‌دهنده، یاری‌گر و روزی‌دهنده‌ی خود باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی انفال به لزوم امانت‌داری مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَاتَخُونُوا اللّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِکُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و فرستاده [او] خیانت نکنید؛ و (نیز) در امانت‌هایتان خیانت نورزید، در حالی که شما می‌دانید. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق دوگونه بیان شده است: نخست این که در جنگ بدر، یکی از مسلمانان نامه‌ای برای ابوسفیان نوشت و از نقشه‌ی مسلمانان برای حمله به کاروان قریش به او خبر داد. ابوسفیان هم از اهل مکه کمک خواست و سپاه هزار نفری مشرکان برای جنگ بدر به راه افتادند. «۱» دیگر این که وقتی به فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یهودیان بنی‌قُرَیظِه محاصره شدند، آنان پیشنهاد صلح کردند و پیامبر نپذیرفت و سَعدبن مَعاذ را تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۵ به داوری برگزید. یکی از مسلمانان، به نام «ابولُبابه»، که سابقه‌ی دوستی با یهود داشت، در هنگام مشاوره با یهودیان، با اشاره به گلوی خود، به آنان فهماند که در صورت پذیرش داوری سَعد، همگی کشته می‌شوید. جبرئیل این خبر را به پیامبر صلی الله علیه و آله رساند و آیه‌ی فوق درباره‌ی او نازل گشت. ابولبابه، از این خیانت شرمنده شد و خود را به ستون مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بست و هفت شبانه‌روز چیزی نخورد و سرانجام خدا توبه‌اش را پذیرفت «۱» و ستونی که ابولبابه خود را بدان بست، هم اکنون در مسجدالنبی مشهور به ستون توبه یا ستون ابولبابه است. اما شأن نزول اول با سیاق آیات قبل و بعد که در مورد جنگ بدر است سازگارتر است و ممکن است جریان ابولبابه یکی از مصادیق آیه باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «خیانت»، ضد «امانت»، در اصل به معنای نقص و خودداری از پرداخت حقّی است که انسان پرداخت آن را تعهد کرده است. «۲» ۲. امانت در منطق قرآن مفهوم وسیعی دارد و تمام شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی و اقتصادی را در برمی‌گیرد. آب و خاک سرزمین اسلام و نیز فرزندان مسلمانان و بالاتر از همه، قرآن کریم و آموزه‌هایش امانت الهی در دست مسلمانان است. آری امانت خدا آیین اوست و امانت پیامبر صلی الله علیه و آله سنت و اهل‌بیت «۳» اوست و امانت مؤمنان اموال و اسرار آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۶ در احادیث اسلامی آمده است: گفت و گوهایی که در جلسات خصوصی می‌شود، امانت است. «۱» آیه‌ی فوق یک مفهوم عام است که شامل همه‌ی این امانت‌ها می‌شود. ۳. خیانت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله آن است که اسرار نظامی مسلمانان را در اختیار دیگران بگذارند و یا دشمنان اسلام را تقویت کنند و حتی ترک واجبات و انجام محرمات و پشت سر انداختن برنامه‌های اسلامی نوعی خیانت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله است. «۲» ۴. در حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که یکی از نشانه‌های منافقان آن است که هرگاه امانتی نزد آنان بگذاری، خیانت می‌کنند. «۳» آری خیانت در امانت با ایمان اسلامی سازگاری ندارد. ۵. حفظ امانت و ترک خیانت پیش از آن که یک دستور اسلامی باشد، یک وظیفه و حق انسانی است؛ از این رو، اگر صاحب امانت مسلمان هم نباشد، نمی‌توان در امانت او خیانت کرد. ۶. در پایان آیه‌ی فوق اشاره شده که خیانت آگاهانه ممنوع است و اگر کسی از روی اشتباه و بی‌اطلاعی مرتکب شود، مشمول آیه‌ی فوق نیست. ***

ثروت و فرزند مایه‌ی امتحان بشر

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشتم سوره‌ی انفال به آزمایش انسان به وسیله‌ی ثروت و فرزند اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸.

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۷ و بدانید که اموال شما و فرزندانتان [وسیله آزمایش است؛ و این که خدا نزدش پاداشی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به ثروت‌ها و فرزندان انسان‌ها اشاره شده که مهم‌ترین وسیله‌ی آزمودن «۱» ایمان و کفر، شخصیّت و فقدان شخصیّت و میزان ارزش‌های انسانی اشخاص است. «۲» ۲. ثروت‌ها از نظر محل به دست آوردن و چگونگی مصرف و نوع نگه‌داری و میزان دل‌بستگی و بخشش آنها، همگی میدان آزمایش بشر است. ۳. فرزندان از نظر تربیت، دل‌بستگی و عشق به آنها، وسیله‌ی امتحان الهی هستند؛ زیرا گاهی افرادی مثل ابراهیم علیه السلام فرزند خود را در راه خدا قربانی می‌کنند و گاهی افرادی راه خدا را برای فرزندان قربانی می‌کنند و به خاطر فرزندان، گرفتار لغزش‌ها، معاملات حرام، دروغ‌ها، کم‌فروشی‌ها، ندادن زکات و خمس و مالیات و حقوق مردم و گریز از جنگ می‌شوند. ۴. به پاداش بزرگ الهی توجه کنید تا بتوانید از دنیا دل بکنید و در امتحان الهی پیروز شوید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. علاقه‌ی افراطی به مال و فرزند، دو دام فریبنده بر سر راه کمال انسان هستند. ۲. مواظب باشید ثروت و فرزند شما را به فتنه نیندازد و در آزمایش الهی مردود نسازد. ۳. پاداش بزرگ الهی را فدای دنیا نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۸ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی انفال به چهار اثر پرارزش تقوا و پارسایی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللّهَ يَجْعَل لَكُمْ فُرْقَاناً وَيُكَفِّرْ عَنكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خودتان را از (مخالفت فرمان) خدا حفظ کنید، برای شما جداکننده [حق از باطل قرار می‌دهد و بدی‌هایتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آمرزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مهم‌ترین مشکل انسان در مسیر سعادت، بیراهه‌ها و پرتگاه‌هایی است که اگر آنها را نشناسد به مقصد نمی‌رسد. شناخت حق و باطل، نیک و بد، دوست و دشمن و عوامل مفید و زیان‌بخش بوسیله‌ی «فُرقان» «۱» ممکن می‌شود که ثمره‌ی شیرین تقواست. فرقان اشاره به علم و بصیرت باطنی است که خدا به افراد پارسا عنایت می‌کند، به طوری که حق را می‌شناسند و از باطل جدا می‌سازند و با بینایی و بصیرت باطنی برخی مطالب را تشخیص می‌دهند. ۲. تقوا پرده‌های حرص، طمع و شهوت و خودبینی و حسد و دل‌بستگی به دنیا را از مقابل دیده‌ی عقل انسان کنار می‌زند تا بتواند چهره‌ی حق را ببیند. تقوا و خودنگه‌داری، دید و درک نیرومند و نورانیّت و روشن‌بینی خاصی به انسان می‌بخشد که می‌تواند به خوبی حق را از باطل تشخیص دهد و جدا سازد. تقوا انسان را به کمال مطلق و خدای متعال نزدیک‌تر می‌کند و به اقیانوس بی‌کران هستی و دانش الهی پیوند می‌دهد. با تقوا روشنی خاصی بر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۶۹ آیینه‌ی دل انسان پرتو می‌افکند و او حق و باطل را بهتر می‌شناسد. اما بی‌تقوایی سبب می‌شود که تبلیغات مسموم و فساد و انحرافات در جامعه رواج یابد. در چنین محیطی تشخیص حق از باطل مشکل می‌گردد و تشخیص‌های نادرست زیاد می‌شود. ۳. «تکفیر» اشاره به پرده‌پوشی گناهان در دنیا و رفع آثار روانی و اجتماعی آن است که در پرتو پارسایی از بین می‌رود؛ و «غُفران» اشاره به عفو و بخشایش خدا و رهایی از مجازات گناهان در آخرت است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ثمرات تقوا و پارسایی، چهار چیز است: شناخت صحیح، آبرو و حیثیت اجتماعی، آمرزش و فضل الهی. ۲. پارسا و خودنگه‌دار باشید تا بینش صحیح برای تشخیص حق و باطل پیدا کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی انفال به توطئه‌های دشمنان علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و خنثی شدن آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۰. وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللّهُ وَاللّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ و (یاد کن) هنگامی را که کسانی که کفر ورزیدند با تو فریبکاری کردند، تا تو را به زندان افکنند، یا تو را به قتل رسانند، یا تو را (از مکّه) بیرون کنند، و (نقشه می‌کشند و) فریبکاری می‌کنند؛ و خدا ترفند می‌زند، و خدا بهترین ترفند زنندگان است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۰ شأن نزول: این آیه به نقشه‌های مشرکان مکه اشاره دارد که در جلسه‌ی «دارُ النَدوه» سه طرح برای مقابله با پیامبر صلی الله علیه و آله مطرح کردند: زندانی کردن، تبعید و کشتن ایشان. در آن جلسه طرح سوم تصویب شد و در یک شب که به «لَیلةُ المَبیت» مشهور است، از هر قبیله یک نفر آماده شد تا به صورت دسته‌جمعی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به قتل برسانند، تا بستگان آن حضرت نتوانند برای

خون‌خواهی او بـا همه‌ی قبایل بجنگنـد. اما در آن شب خـدا پیامبرش را آگاه ساخت و علی علیه السـلام به جای ایشان خوابیدنـد و پیـامبر صـلی الله علیه و آله از مکه به طرف غار ثَور حرکت کردنـد و از آن جا به مـدینه رفتنـد. «۱» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. «مَکْر» در لغت عربی به معنای «نقشه کشـیدن، تدبیر و چاره‌اندیشـی» است، اما در لغت فارسـی به معنای نقشه‌های مخفیانه و زیان‌بخش به کار می‌رود؛ پس معنـای قرآنی بـا معنای فارسـی آن متفاوت است و معنایش این است که خـدا نقشه کشـید و توطئه‌ی دشـمنان را چاره کرد و او بهترین نقشه‌کشندگان است. ۲. در حادثه‌ی هجرت پیامبر صـلی الله علیه و آله، مشـرکان نقشه‌ی قتل او را کشیدند و پیامبر را تـا غـار «ثَور» تعقیب کردنـد، ولی خـدا پیامبرش را با تارهای عنکبوتی که بر در غار بود نجات داد. این هجرت سـرآغاز نوینی از تاریخ اسـلام و بشریت را رقم زد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۱ آری؛ خـدا بهترین تدبیرکنندگان و چاره‌جویان است و گاهی با چنـد تار سـست عنکبوت مسیر تاریخ بشـریت را تغییر می‌دهـد تا نشان دهـد که چقدر قدرتمند است و بشـر چقدر ناتوان است؛ تـا انسان‌ها را از سرکشـی بازدارد. ۳. سـتمگران جهان همیشه از سه وسـیله‌ی «تبعید، زندان و قتل» برای سـرکوبی مبارزان راه حق و آزادی اسـتفاده می‌کننـد. در عصـر مـا نیز اسـتکبار جهـانی و صـهیونیسم در فلسـطین و عراق و افغانسـتان بـا همین روش‌هـا به مسـلمانان حمله‌ور می‌شونـد، ولی همیشه این اقـدامات نـتیجه‌ی معکوس دارد و پیروزی نهـایی از آن اسـلام است. «۱» خمیر مایه‌ی دکان شیشه‌گر سـنگ است عدو شود سـبب خیر اگر خدا خواهد آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دشـمنان با حق‌طلبان حیله می‌کنند و خدا در برابر آنان چاره‌جویی می‌کند. ۲. دشـمنان اسلام از تبعید، زندان و قتل علیه شما استفاده می‌کنند (پس مراقب باشید)، ولی بدانید که خدا حامی شـماست. ۳. خطرهـایی را که خـدا از شـما دفع کرده یاد کنیـد (تا آرامش و قوّت بگیریـد و سـپاس‌گزاری کنیـد). *** تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۷۲ خـدای متعـال در آیه سـی و یکم سوره‌ی انفـال به ادعاهـای واهی مشـرکان علیه قرآن اشـاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱. وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَـمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هذَاإِنْ هذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ و هنگامی که آیات ما بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «بیقین شـنیدیم؛ اگر (بر فرض) می‌خواستیم، حتماً مثل آن را می‌گفتیم؛ این [قرآن جز افسانه‌های پیشـینیان نیست!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بارهـا قرآن مشـرکان را دعوت به مبارزه کرد «۱» و آنـان به فکر مبـارزه با قرآن افتادنـد و از آوردن مِثـل آن عـاجز گشـتند، ولی بـاز هم ادعـا می‌کردنـد که «اگر می‌خواستیم، مطـالبی مثـل قرآن می‌گفتیم.» و آن را افسانه «۲» می‌شـمردند. آری؛ این سـخنان آنها از روی تعصّب و کینه‌توزی و برای فریب مردم بود. ۲. آیه‌ی قبل منطق عملی مشـرکان را نشان می‌داد که تـوطئه‌ی قتـل پیـامبر صـلی الله علیه و آله بـود و این آیه منطـق فکری آنهـا را منعکس می‌کنـد تـا روشن شود که آنـان نه درست‌کردار بودند و نه سـلامت فکری داشـتند، بلکه همه‌ی برنامه‌های آنان ابلهانه بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان در برابر قرآن منطقی نداشـتند، بلکه تهمت می‌زدند و ادعای واهی می‌کردند. ۲. آماده‌ی شنیدن تهمت‌ها و سخنان ناروای مخالفان در مورد قرآن باشـید (و به آنان پاسخ مناسب بدهید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۳ قرآن کریم در آیه‌ی سـی و دوم سوره‌ی انفال به سخنان عوام‌فریبانه‌ی مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِن كَانَ هـذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمـاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَـذَابٍ أَلِيمٍ و (یاد کن) هنگامی را که گفتنـد: «خـدایا! اگر تنها این (قرآن) حق از نزد توست، پس سـنگ [هایی از آسـمان بر مـا ببـاران، یـا عـذاب دردناکی بر ما بیاور!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسـران قرآن در مورد این گفتـار مشـرکان دو احتمال داده‌انـد: نخست آن که، مشـرکان بر اثر شـدت تعصّب و لجـاجت، می‌پنداشـتند که آیین اسـلام بی‌اسـاس است؛ از این رو تقاضـای عـذاب می‌کردنـد. و احتمـال دوم آن است که سـرکردگان مشـرکان، برای فریب مردم، گـاهی این نفرین‌ها را می‌کردنـد تا به افراد ساده‌لوح نشان دهند که آیین اسـلام باطل است، در حالی که در دلشان چیز دیگری بود. «۱» ۲. با وجود معجزه‌ی قرآن، درخواست معجزه‌ی تـازه لغو بود؛ و علاـوه بر آن، درخواست معجزه‌ای که معجزه‌خواهـان را نـابود کنـد، درخواستی بی‌معنا و بی‌هـدف است؛ چون معجزه برای اثبات حق و هـدایت مردم است، نه برای نابودی مردم؛ و در آیه‌ی بعد نیز اشاره شده که نزول عذاب الهی دو مانع داشت. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مخالفـان قرآن، دست به نفرین و عوام فریبی می‌زدنـد (پس مواظب باشـید که فریب نخوریـد). تفسیر

قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۴ ۲. آماده‌ی شنیدن سخنان عوام‌فریبانه‌ی مخالفان باشید (و پاسخ مناسب به آنها بدهید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی انفال به دو مانع عذاب الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۳. وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ و [لی در حالی که تو در میان آنان هستی، خدا هرگز آنان را عذاب نخواهد کرد؛ و (نیز) در حالی که آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب کننده ایشان نخواهد بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وجود پربرکت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که رحمت الهی است، مانع آن می‌شود که بر گناهکاران بلاـ نازل شود و نابود شوند. ۲. مقصود از «استغفار» ی که در آیه آمده، یا استغفار برخی از مشرکان بود که پشیمان شدند و گفتند: «غُفرانَک ربّنا؛ پروردگارا! ما را بر این گفتار ببخش.» و همین سبب شد که حتی بعد از خروج پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه نیز گرفتار عذاب نشوند؛ یا مقصود استغفار مؤمنانی بود که بعد از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه ماندند که وجود آنان و استغفارشان مانع نزول عذاب بر اهل مکه شد؛ و یا جمله‌ی شرطیه است؛ یعنی اگر آنان از کردار خود پشیمان شوند و توبه کنند، مجازات الهی از آنان برداشته می‌شود. البته ممکن است آیه‌ی فوق اشاره به هر سه احتمال باشد. «۱» ۳. این آیه‌ی فوق مخصوص عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیست و یک قانون کلی را برای همه‌ی مردم بیان می‌کند؛ همان طور که در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده: تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۵ در روی زمین دو وسیله‌ی امنیت از عذاب الهی بود: یکی از آنها (پیامبر صلی الله علیه و آله) برداشته شد، هم اکنون به دومی (استغفار) تمسّک جویید. سپس حضرت آیه‌ی فوق را تلاوت کردند. «۱» ۴. مقصود از «استغفار» در آیه‌ی فوق، تنها تکرار الفاظ «خدایا مرا ببخش» نیست، بلکه روح استغفار مطلوب است که همان حالت بازگشت به سوی حق و آمادگی برای جبران گذشته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وجود پیامبر صلی الله علیه و آله و استغفار دو مانع نزول بلاهای عمومی است. ۲. استغفار کنید تا از عذاب الهی برهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی انفال به مجازات منع کنندگان مسجد الحرام و شرط سرپرستی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ و چرا خدا آنان را عذابشان نکند، و حال آن که آنان از (عبادت مردم در) مسجدالحرام جلوگیری می‌کنند، و سرپرستان آن نبودند؟! جز پارسایانِ (خود نگهدار) سرپرستانش نیستند، و لیکن بیش‌ترشان نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یا اشاره به زمانی است که مسلمانان در مکّه بودند و حق نداشتند در کنار کعبه نماز جماعت به جا آورند و با انواع مزاحمت‌ها و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۶ شکنجه‌ها روبه رو می‌شدند و یا اشاره به ممانعت‌هایی است که بعد از انجام مراسم حج و عمره نسبت به مسلمانان اعمال می‌شد، که در هر دو صورت مشرکان مانع عبادت مردم در مسجد الحرام بودند. ۲. در آیه‌ی قبل گفته شد که مشرکان به خاطر حضور پیامبر صلی الله علیه و آله در میان آنان، عذاب نمی‌شوند و اینک در این آیه گفته شد که آنان مستحق عذاب هستند. شاید آیه‌ی اول اشاره به مجازات‌های دنیوی و آیه‌ی دوم اشاره به عذاب‌های اخروی است؛ و یا آیه‌ی دوم اشاره به آن است که این گروه مشرکان زمینه و استحقاق عذاب را دارند و اگر توبه نکنند و پیامبر از میانشان برود، مجازات خواهند شد. «۱» ۳. در این آیه بیان شده که «سرپرست مسجد الحرام فقط افراد باتقوا و پارسا باشند.» این حکم درباره‌ی مسجد الحرام گفته شده است، ولی در واقع شامل همه‌ی کانون‌های دینی و مساجد و مراکز مذهبی می‌شود «۲» و لازم است متصدیان و سرپرستان آنها از پاک‌ترین و پارساترین مردم باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسجد باید تحت سرپرستی افراد پارسا باشد (تا کانون تقوا و شور مذهبی گردد). ۲. هر کس مانع عبادت مردم در مسجد الحرام شود، مستحق عذاب الهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی انفال به عبادات خرافی مشرکان در نزد کعبه و عذاب آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۵. وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ و نمازشان نزد خانه (خدا)، جز سوت کشیدن و کف زدن نبود؛ پس به خاطر این که همواره کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسّران قرآن و مورّخان عرب حکایت کرده‌اند که گروهی از اعراب زمان جاهلیت، به هنگام طواف کعبه، لخت می‌شدند و سوت می‌کشیدند و کف می‌زدند

«۱» و نام این کار را عبادت می گذاشتند. «۲» سوت کشیدن مشرکان شاید برای اعلام حضور خودشان به بت‌هایی بوده که در کعبه قرار داشتند، «۳» اما قرآن کریم این کارها را سرزنش کرد. ۲. گاهی مراسم مذهبی، دست‌خوش تحریف می‌شد؛ از جمله، شعارهای مقدس و عباداتی هم‌چون دعا و نماز به مرور زمان تبدیل به سوت و کف شد و زمینه‌ی عذاب تحریف گران را فراهم کرد. ۳. مقصود از «عذاب» در آیه‌ی فوق معنای اعم است که یکی از مصادیق آن، شکست مشرکان در جنگ بدر است. «۴» *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۸ قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی انفال به بیهودگی مصرف اموال کافران و شکست و حسرت آنها اشاره کرده، می‌فرماید: ۳۶. إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِیَصُدُّوا عَن سَبِیلِ اللّهِ فَسَیُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَکُونُ عَلَیْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ یُغْلَبُونَ وَالَّذِینَ کَفَرُوا إِلَی جَهَنَّمَ یُحْشَرُونَ براستی کسانی که کفر ورزیدند، اموالشان را مصرف می کنند، تا این که (مردم) را از راه خدا باز دارند؛ و بزودی آن [ها] را مصرف می کنند، سپس حسرتی بر آنان خواهد شد، سپس شکست می‌خورند؛ و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی جهنّم گردآوری خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یادآور کمک‌های مالی مشرکان مکه به جنگ‌جویان بدر در مقابله با اسلام است که سرانجام شکست خوردند و کشته شدند و به سوی آتش رهسپار گشتند و آنچه در این راه مصرف کردند مایه‌ی حسرت آنان گردید. «۱» ای بسا امساک کز انفاق به مال حق را جز به امر حق مده (مولوی) ۲. آیه‌ی فوق اشاره به جنگ بدر است، اما مطلب آیه کلی است و شامل تمام کمک‌های مشرکان در مبارزات ضد اسلامی می‌شود. ۳. در این آیه سه مجازات برای کافران پیش بینی شده است: حسرت و پشیمانی، شکست در جنگ و گرفتاری در آتش جهنّم. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۷۹ ۴. از آن جا که مشرکان و مزدوران جنگی آنها به کار خود ایمان ندارند و به خاطر پول و شهوت می‌جنگند، به‌زودی از مؤمنانی که در راه اهداف مقدس می‌جنگند، شکست می‌خورند. ۵. کافران سرمایه‌ی خود را از دست داده و شکست خورده و چیزی به دست نیاورده‌اند و این سبب حسرت و اندوه آنان است، در حالی که اگر مؤمنان سرمایه‌ای را در راه خدا خرج کنند، حتی اگر در ظاهر شکست بخورند، باز هم حسرت و اندوه ندارند، چرا که پاداش آنان نزد خدا محفوظ است. ۶. دشمنان اسلام قبل از شکست خوردن نیز متوجه بیهودگی مبارزه‌ی خود با اسلام می‌شوند، از این رو اندوهگین‌اند. این یکی از مجازات‌های آنها در این دنیاست. ۷. برخی از مفسران نوشته‌اند که آیه‌ی فوق یکی از اخبار غیبی قرآن است که از حوادث آینده و شکست کفار خبر می‌دهد و تحقّق این آیه یکی از نشانه‌های راستی دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ثروتی که در راه باطل خرج شود، مایه‌ی حسرت خواهد شد. ۲. فرجام کافران، شکست و عذاب است. ۳. با راه خدا مبارزه نکنید که این کار محکوم به شکست است. ***

اهداف جهاد اسلامی چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی انفال به جداسازی پاکان از ناپاکان در مبارزات و فرجام عذاب‌آلود افراد ناپاک اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۰ ۳۷. لِیَمِیزَ اللّهُ الْخَبِیثَ مِنَ الطَّیِّبِ وَیَجْعَلَ الْخَبِیثَ بَعْضَهُ عَلَی بَعْضٍ فَیَرْکُمَهُ جَمِیعاً فَیَجْعَلَهُ فِی جَهَنَّمَ أُولَئِکَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (این‌ها همه) به خاطر آن است که خدا ناپاک را از پاک جدا سازد؛ و ناپاک [ان ، برخی آن [ان را بر برخی [دیگر] گذارد، و همگی آن [ان را متراکم سازد، و در جهنّم قرارش (ان) دهد؛ تنها آنان زیانکارانند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به هدف درگیری‌های مردم طرف‌دار حق و باطل و تلاش‌های آنان اشاره کرده است، که همان جداسازی مؤمنان پاک از کافران ناپاک است؛ یعنی در این کشمکش‌هاست که افراد پاک و با ایمان و راست‌گو شناخته می‌شوند. این صدف‌ها نیست در یک مرتبه در یکی دُرّ است و در دیگر شبه (مولوی) ۲. این یک سنت و روش الهی است که همیشه پاک از ناپاک، مخلص از ریاکار و مجاهد راستین از دروغین و کارهای الهی از کارهای شیطانی و برنامه‌های انسانی از کارهای ضد انسانی شناخته می‌شوند و صف‌ها از یک‌دیگر جدا می گردند. ۳. افراد ناپاک حقوق و حریم دیگران را رعایت نمی کنند و هر گاه در یک

جا جمع شوند هم دیگر را نیز تحت فشار قرار می‌دهند و وسیله‌ی عذاب خود را فراهم می‌سازند و چون سرمایه‌های وجودی خود را در راه کمال و سعادت مصرف نکرده‌اند، زیانکار می‌شوند و سرانجام راهی دوزخ می‌گردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از سنت‌های الهی، جداسازی پاکان از ناپاکان است. ۲. فرجام افراد ناپاک، زیانکاری و عذاب است. ۳. (مؤمنان راستین و) پاکان را در میدان مبارزه بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۱ قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی انفال با دادن وعده‌ی بخشش گذشته‌ها به کافران و با هشدار به افراد لجوج می‌فرماید: ۳۸. قُل لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ به کسانی که کفر ورزیدند، بگو: «اگر (مخالفت را) پایان دهند، آنچه حقیقتاً در گذشته انجام شده است، برایشان بخشیده خواهد شد؛ و اگر به (وضعیت سابق) بازگردند، پس بیقین سنت (و روش خدا که در مورد) پیشینیان گذشت.» (در مورد آنان نیز اجرا می‌شود.) نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. روش تربیتی قرآن آن است که بشارت و هشدار را با هم توأم می‌کند؛ یعنی همان طور که دشمنانِ حق را تهدید به مجازات می‌کند، راه بازگشت را نیز به روی آنان می‌گشاید و وعده‌ی بخشش می‌دهد. این شیوه در آیه‌ی فوق نیز اجرا شده است. ۲. هر کس مسلمان شود، گذشته‌ی او بخشوده می‌شود؛ برای مثال، اگر کسی مسلمان شود، لازم نیست نمازها و عبادات دیگر را قضا کند و این همان قانون کلی است که می‌گوید: «اسلام ما قبل خود را می‌پوشاند.» و در احادیث اسلامی نیز بدان اشاره شده است. «۱» ۳. مقصود از «سنّت و روش» همان نصرت الهی برای پیامبران و مؤمنان و سرنوشتی است که دشمنان حق در برابر پیامبران گرفتار آن شدند و در برخی آیات قرآن بدان اشاره شده است؛ «۲» همان طور که مشرکان مکه نیز در تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۲ جنگ‌ها سرانجام شکست خوردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسلمان شدن، گناهان قبلی را محو می‌کند. ۲. سنت و روش الهی در برابر کافران، در طول تاریخ ادامه دارد. ۳. کافران دست از مخالفت بردارند تا مورد عفو قرار گیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی انفال به مسلمانان دستور می‌دهد که تا رفع فتنه از جهان به جنگ ادامه دهند و می‌فرماید: ۳۹. وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَاتَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ و با آن (کافر) ان پیکار کنید، تا آشوبگری باقی نماند، و دین یکسره از آنِ خدا باشد. و اگر آنان (به کفر) پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «فِتْنَه» در قرآن کریم گاهی به معنای آزمایش، بلا و فشار می‌آید و در آیه‌ی فوق می‌تواند به معنای شرک و بت‌پرستی باشد که انواع محدودیت‌ها و فشارها را برای جامعه در پی دارد و نیز شامل انواع فشارهای دشمنان در برابر اسلام و آزادی مسلمانان می‌شود. «۱» ۲. این آیه به دو هدف عمده‌ی جهاد اسلامی اشاره کرده است: نخست، بر چیدن بساط بت‌پرستی و شرک که در حقیقت نوعی خرافه و انحراف است و دوم، به دست آوردن امنیت و از بین بردن فتنه‌ها تا زمینه‌ای برای آزادی بیان و تبلیغ و نشر اسلام شود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۳ ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تأویل و تفسیر نهایی این آیه هنوز فرا نرسیده است و هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که زمان او را درک کنند، تأویل این آیه را خواهند دید. به خدا سوگند! در آن زمان دین محمد صلی الله علیه و آله به تمام نقاطی که شب آن را فرا می‌گیرد، خواهد رسید و در روی زمین مشرکی باقی نخواهد ماند. «۱» ۴. با فتنه‌های درونی و بیرونی مبارزه کنید: امام عارفان، در تفسیری دیگر از آیه‌ی فوق می‌نویسد: فرزندم! از خودبینی و خودخواهی درآی، که این ارث شیطان است، ... و بدان که تمام گرفتاری‌های بنی‌آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است؛ و شاید آیه‌ی شریفه‌ی «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» «۲» در بعضی مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه‌ی فتنه- که شیطان بزرگ و جنود آن [است که در تمام اعماق قلوب انسان‌ها شاخه و ریشه دارد- باشد؛ و هر کس برای رفع فتنه از درون و برون باید مجاهده نماید و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید، همه چیز و همه کس اصلاح می‌شود. «۳» البته حدیث فوق از باب تطبیق بر کامل‌ترین مصداق آیه است که در آن زمان همه‌ی فتنه‌ها از زمین رخت برمی‌بندد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالَم. ۲. تا زمانی که کافران به مسلمانان فشار می‌آورند با آنان بجنگید، اما هرگاه دست برداشتند با آنان رفتار مناسب داشته

باشید. ۳. دین (اسلام) را بر جهان حاکم کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی انفال بار دیگر به مسلمانان تسلّی می‌دهد و با وعده‌ی یاری خدا با آنان می‌فرماید: ۴۰. وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ و اگر (کافران) روی برتابند، پس بدانید که خدا سرپرست شماست؛ چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاوری! نکته‌ها و اشاره‌ها: آیه اشاره دارد که مولای شما خداست؛ بنابراین برای شما تفاوتی ندارد که کافران روی خوش به شما نشان بدهند یا ندهند؛ چون آنان سرنوشت دنیا و آخرت شما را تعیین نمی‌کنند؛ البته شما در هدایت آنان بکوشید و با خرافات و انحرافات آنان مبارزه کنید، اما نگران نتیجه نباشید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر دشمن از فتنه‌گری و سرپیچی دست برنداشت، (شما بیم نداشته باشید، که خدا با شماست). ۲. اگر مولای نیکو و یاور خوب می‌خواهید خدا را سرپرست خود کنید. ۳. شما در برابر کافران به وظیفه‌ی خود عمل کنید و نگران نتیجه نباشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۵

قانون الهی خمس و موارد مصرف آن

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی انفال به خمس و روش تقسیم آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۱. وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِن شَيْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ وَاللّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بدانید که هر چیزی از غنیمت به دست آورید، پس یک پنجم آن فقط برای خدا، و برای فرستاده [اش ، و برای نزدیکان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه مانده (از آنها) است؛ اگر به خدا و آنچه بر بنده‌مان، در روز جدایی [حق از باطل ، روزی که دو گروه (مؤمنان و کافران در نبرد بدر با هم) روبرو شدند، فرود آوردیم، ایمان آورده‌اید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در جنگ بدر هنگامی که مسلمانان پیروز شدند و غنایمی به دست آوردند، گروهی بر سر تقسیم غنایم به مشاجره پرداختند و طبق آیه‌ی اول سوره‌ی انفال، غنایم در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گرفت، تا هر چه صلاح می‌داند انجام دهد. این آیه مشخص کرد که پیامبر چهار پنجم غنایم را بین رزمندگان تقسیم کند و یک پنجم آن را برای مصارفی خاص نگاه دارد. «۱» ۲. واژه‌ی «غَنِمْتُم» که از کلمه‌ی «غنیمت» است، در اصل به معنای دست‌رسی پیدا کردن به چیزی، بدون سختی است، سپس در مورد هر چیزی که انسان از دشمن یا غیر دشمن به دست می‌آورد، به کار رفته است؛ «۲» بنابراین واژه‌ی غنیمت شامل غنایم جنگی و هر گونه بهره‌ای می‌شود که تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۶ انسان در زندگی به دست می‌آورد؛ «۱» بنابراین خمس، یعنی ۲۰٪ مالیات، به غنایم جنگی و درآمد خالص اضافی افراد تعلق می‌گیرد. ۳. این آیه در مورد جنگ بدر فرود آمده است، اما منحصر در آن نیست و یک قانون کلی را در مورد هر گونه بهره و فایده‌ی زندگی و غنیمت جنگی بیان می‌کند. این مطلب، هم از معنای لغویِ «غنیمت» به دست می‌آید که معنایی عام دارد، و هم از احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود. «۲» ۴. خمس در بخش دوم، یعنی در مورد درآمد خالص اضافی، به چیزهایی تعلق می‌گیرد که از مخارج سالیانه‌ی معمولی انسان اضافه بیاید؛ از این رو این بخش از خمس معمولًا به صورت سالیانه محاسبه می‌شود، که در آن صورت خمس را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام و یا جانشین او یعنی فقها و مراجع تقلید می‌دهند تا در موارد آن مصرف کنند. ۵. در این آیه موارد شش گانه‌ی مصرف خمس مشخص شده است: خدا، پیامبر، خویشاوندان پیامبر (: امامان)، یتیمان، بینوایان و در راه‌ماندگان. ۶. مقصود از «ذی القُربی در آیه‌ی فوق همه‌ی خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؛ زیرا اگر سهمی از خمس متعلق به خاندان پیامبر باشد، این نوعی تبعیض است؛ پس مقصود از ذی القُربی امامان از خاندان نبوت‌اند، که رهبران حکومت اسلامی هستند؛ یعنی در این جا سهم خدا و پیامبر و ذی القربی در اختیار آنان قرار می‌گیرد تا مخارج زندگی ساده‌ی خویش را از آن برگیرند و بقیه را در مخارج گوناگون رهبری امت و نیازهای جامعه مصرف کنند. «۳» ۷. مقصود از یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان، بنی هاشم و سادات تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۷ هستند؛ چرا که در قانون اسلام، زکات برای

یتیمـان و بینوایـان و در راه مانـدگان غیر سـادات است و خمس برای این سه گروه از سادات است. این مطلب در احادیث زیادی از اهل بیت علیهم السلام بیان شده است؛ «۱» از جمله در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا هنگامی که زکات را بر ما حرام کرد، خمس را برای ما قرار داد؛ بنابراین، زکات برای ما حرام و خمس برای ما حلال است. «۲» ۸. توجه به این نکته لازم است که اختصـاص خمس به سـادات تبعیض نیست؛ چرا که اولًا، نیمی از خمس که مخصـوص سـادات است، بایـد به نیازمنـدان و یتیمـان و در راه مانـدگان آنها داده شود و بیش‌تر از احتیاجـات یـک سال هم به آنان تعلق نمی‌گیرد. و ثانیاً، سادات حق ندارنـد از زکـات چیزی اسـتفاده کننـد و از خمس به جـای آن مصـرف می‌کننـد و حتی اگر خمس از مصـرف آنان زیادتر بود، به بیت المال بازمی‌گردد و در موارد دیگر مصـرف می‌شود. و ثالثاً، اسـلام خواسته است که خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه و آله از زکات، که جزء اموال عمومی مسـلمانان است، دور بمانند، تا بهانه‌ای به دست مخالفان اسـلام نیفتد که آنان را متهم سازند. ۹. مقصود از «سهم خـدا» تأکید بر اهمیت خمس و تثبیت ولایت و حکومت پیامبر و امام است، و گرنه خدا نیازی به اموال مردم ندارد. ۱۰. خمس برای مقام پیامبر صـلی الله علیه و آله، یعنی رسالت اوست، نه شـخص ایشان؛ و سهم خدا هم در اختیار رسول است و سهم رسول هم پس از ایشان در اختیار امام قرار می‌گیرد و تصمیم‌گیری در مورد سه سهم یاد شده، با امام تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۸ است «۱» (همـان طور که در زمـان غیبت بـا جانشـینان ایشان است). ۱۱. در آیه‌ی فوق روی سـخن بـا مؤمنـان نبرد بـدر است، امـا با این حال می‌گویـد: «اگر ایمان به خـدا و آیات او داریـد.»؛ یعنی اشاره می‌کنـد که ادعای ایمان به تنهایی کافی نیست و شـرکت در جهاد نیز نشانه‌ی ایمان کامل نیست؛ مؤمن کامل کسی است که در برابر همه‌ی دستورات اسلامی، از جمله قانون خُمس، تسلیم باشد. ۱۲. در آیه‌ی فوق، روز جنـگ بـدر، روز «فُرقـان» نامیـده شـد، یعنی روز جـدایی حق از باطـل؛ چون در آن روز سـخت، مؤمنـان راستین از مدعیان دروغین شناخته شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خُمس (غنایم جنگی و درآمدهای خالص) مالیاتی الهی است که موارد مصرف آن مشـخص است. ۲. محرومیت‌زدایی یکی از برنامه‌هـای اسـلام است. ۳. روز جنـگ، روز جـدایی حق از باطـل و راست‌گویان از دروغ‌گویـان است. ۴. نشـانه‌ی ایمـان کامـل، تسـلیم در برابر همه‌ی قوانین خـداست. ۵. خُمس بدهیـد تـا هزینه‌ی سـادات محروم و رهبران اسـلامی تـأمین شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهـل و دوم سوره‌ی انفـال به رویارویی نابرابر نبرد بـدر و اهـداف آن اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۴۲. إِذْ أَنْتُم بِالْعُـدْوَةِ الـدُّنْیَا وَهُم بِالْعُـدْوَةِ الْقُصْوَی وَالرَّکْبُ أَسْـفَلَ مِنکُمْ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِی الْمِیعَادِ وَلکِن لِیَقْضِـیَ اللّهُ أَمْرًا کَانَ مَفْعُولًا لِیَهْلِکَ مَنْ هَلَکَ عَن بَیِّنَةٍ وَیَحْیَی مَنْ حَیَّ عَنْ بَیِّنَةٍ وَإِنَّ اللّهَ لَسَـمِیعٌ عَلِیمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۸۹ آن گـاه که شـما در طرف پـایین (و نزدیـک مـدینه) بودیـد، و آنان در طرف بالا (و دورتر از مـدینه) بودنـد، و کاروان (تجاری قریش)، فروتر از شما بود، و اگر (بر فرض) با یکدیگر قرار می‌گذاشتید، حتماً در وعده‌گاه اختلاف می‌کردید، و لیکن (همه این‌ها) برای آن بود که خـدا، کـاری را که می‌بـایست انجـام شود، تمـام کنـد؛ تـا هر کس که هلاـک (و گمراه) می‌شود، بـا دلیلی روشـن هلاک شود؛ و هر کس که زنـده (و هـدایت) می‌شود با دلیلی روشن زنـده شود؛ و قطعاً خـدا شـنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشاره به موقعیت مسـلمانان و مشـرکان قریش در جنگ بدر دارد؛ زیرا در میدان بدر، مسلمانان در طرف شمالی قرار داشتند «۱» که به مـدینه نزدیک‌تر بود «۲» و مشـرکان در سـمت جنوب بودند که دورتر بود؛ و یا اشاره بدان دارد که احتمالًا محل اسـتقرار مسـلمانان پایین‌تر و محل دشـمن مرتفع‌تر بود؛ که این امتیازی برای دشـمن بود. ۲. کـاروان تجاری قریش در نقطه‌ی پایین‌تری قرار داشـت؛ زیرا ابـو سـفیان هنگـامی که از حرکـت سـپاه اسـلام بـاخبر شـد، مسـیر کـاروان تجـاری خـویش را تغییر داد و از بیراهه و از حاشـیه‌ی دریای احمر با سرعت به طرف مکه رفت. ۳. شـرایط ابتدایی جنگ بدر بسیار مشکل بود به طوری که دشمنان هم در بالا دست و هم در پایین دست مسلمانان بودند و آنان از نظر امکانات و موقعیت در سطح پایین‌تری قرار داشتند و اگر از قبل می‌دانستند تن به تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۰ چنین جنگی نمی‌دادند و اصولًا با آن مخالفت می‌کردند. ۴. مقصود از «حیات و هلاکت» همان هـدایت و گمراهی است؛ «۱» یعنی کسـی که دلایل آشـکار و پیروزی معجزه‌آسای مسـلمانان را در جنگ بـدر ببیند و باز هم

گمراه شود، خود را به هلاکت افکنده است و در نهایت به عذاب هلاک کننده‌ای گرفتار می‌شود و کسی که این دلایل را بنگرد و به حقانیّت پیامبر و اسلام پی ببرد و هدایت شود، در حقیقت زندگی و حیات تازه‌ای یافته است و در نهایت به حیات جاویدان می‌رسد؛ چرا که حجّت بر هر دو گروه تمام شده است. ۷. جریان نبرد بدر دو هدف داشت: نخست آن که، اراده‌ی الهی برای پیروزی حق تحقّق یابد و دوم آن که، هدایت‌ها و گمراهی‌ها، هلاکت‌ها و زندگی‌ها با بینش صورت پذیرد و دلایل حق برای همه آشکار شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا مؤمنان ضعیف را بر مشرکان قوی پیروز کرد تا حق برای همه آشکار شود. ۲. یکی از اهداف جنگ‌ها روشن شدن دلایل حق و بینش یافتن مردم و اتمام حجّت است. ۳. از ماجرای جنگ بدر عبرت بگیرید و آگاهانه راه هدایت و حیات را انتخاب کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و سوم سوره‌ی انفال به امدادهای الهی در جنگ بدر از طریق رؤیای پیامبر اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۳. إِذْ یُرِیکَهُمُ اللّهُ فِی مَنَامِکَ قَلِیلًا وَلَوْ أَرَاکَهُمْ کَثِیراً لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِی الْأَمْرِ وَلکِنَّ اللّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ آن گاه که خدا آن (مشرک) ان را در خوابت به تو، اندک نمایاند؛ و اگر (بر فرض) آنان را به تو فراوان می‌نمایاند، حتماً ترسان و سست می‌شدید! و در مورد کار (زار با آنان) اختلاف می‌کردید؛ و لیکن خدا (شما را) به سلامت داشت، [چرا] که او به (اسرار) درون سینه‌ها، داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر صلی الله علیه و آله صحنه‌ای از نبرد بدر را در خواب دید که تعداد کمی از دشمنان در برابر مسلمانان حاضر شده بودند و این مژده‌ی پیروزی بود. پیامبر صلی الله علیه و آله این خواب را برای مسلمانان حکایت کرد و سبب تقویت روحیه‌ی آنان و پیش رفتن به سوی میدان نبرد شد. ۲. خواب‌ها معمولًا جنبه‌ی اشاره و تعبیر دارند؛ یعنی چهره‌ی باطنی مسئله در خواب خودنمایی می‌کند؛ و از آن جا که نفرات و تجهیزات مشرکان به ظاهر زیاد بود ولی در حقیقت ضعیف و ناتوان بودند، در خواب حقیقت امر به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داده شد. «۱» ۳. گروهی از مسلمانان، اگر از قدرت و سپاه دشمن در جنگ بدر باخبر می‌شدند، سست می‌شدند و به مجادله با دیگران می‌پرداختند و در میدان مبارزه حاضر نمی‌شدند، ولی گروه دیگری از مؤمنان تسلیم محض خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. آری؛ همیشه این دو گروه در بین مسلمانان هستند و همه‌ی مؤمنان در یک سطح قرار ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خواب یکی از راه‌های امدادرسانی الهی به مؤمنان است. «۱» ۲. اطلاعات و آمار نظامی را که سبب تضعیف روحیه‌ی رزمندگان می‌شود، در اختیار آنان قرار ندهید (و اسرار نظامی را حفظ کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی انفال به امدادهای دیگر خدا در جنگ بدر از طریق کوچک نمایی اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۴. وَإِذْ یُرِیکُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَیْتُمْ فِی أَعْیُنِکُمْ قَلِیلًا وَیُقَلِّلُکُمْ فِی أَعْیُنِهِمْ لِیَقْضِیَ اللّهُ أَمْراً کَانَ مَفْعُولًا وَإِلَی اللّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ و آن گاه که (در میدان بدر) با هم رو به رو شدید، آن (مشرک) ان را در چشمانتان به شما اندک نمایاند؛ و شما را (نیز) در چشمانشان اندک می‌نمود؛ تا خدا، کاری را که می‌بایست انجام شود، تمام کند؛ و [همه کارها فقط به سوی خدا بازگردانده می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از امدادهای الهی در جنگ بدر کوچک‌نمایی بود؛ یعنی انبوه لشکر دشمنان در نظر مسلمان اندک جلوه می‌کرد و دشمنان نیز مسلمانان را اندک می‌دیدند. ۲. این که مسلمانان انبوه لشکر دشمن را کوچک می‌دیدند، به خاطر آن بود که هراس به خود راه ندهند و شجاعانه بر دشمن بتازند. اما این که دشمنان مسلمانان را اندک می‌دیدند، به خاطر آن بود که بر آمادگی خود نیفزایند و از اقدام به جنگی که سرانجامش شکست آنان بود، منصرف نشوند. این دو مسئله اثر عمیقی در پیروزی مسلمانان داشت. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۳ ۳. در آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی آل عمران آمده است که کافران، مسلمانان را دو برابر می‌دیدند و در آیه‌ی فوق آمده است که کافران مؤمنان را اندک می‌دیدند. این دو مطلب شاید اشاره به دو مرحله از جنگ بدر است که مشرکان در مرحله‌ی نخست جنگ، مؤمنان را اندک می‌دیدند و از این رو برنامه‌ریزی جدّی برای مبارزه نمی‌کردند و از قدرت مسلمانان غافل شدند، ولی پس از شروع جنگ که ضربات کوبنده‌ی سپاه اسلام بر آنان وارد شد، تصور می‌کردند که مسلمانان دو برابر شده‌اند «۱» و هر دو از امدادهای الهی بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهره‌برداری از حواس ظاهری در کوچک‌نمایی، از وسایل پیروزی و امداد الهی در

جنگ‌هاست. «۲» ۲. در هنگـام نبرد همه‌ی نفرات و تجهیزات خود را برای دشـمن آشـکار نسازیـد (تا غافل شود و بر آمادگی خود نیفزاید). ۳. (نقاط ضـعف دشـمنان را آشـکار کنیـد و) آنان را در نظر رزمندگان اسـلام اندك جلوه دهید (تا دچار هراس نشوند). *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی انفال مسـلمانان را به پایـداری در نبرد و یاد خـدا فرا می‌خوانـد و می‌فرمایـد: ۴۵. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذَا لَقِیتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْکُرُوا اللّهَ کَثِیراً لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۹۴ ای کسـانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، پس ثابت قدم باشـید؛ و خدا را فراوان یاد کنید؛ باشد که شـما رستگار (و پیروز) شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ایمان، در پایداری رزمندگان در برابر دشـمن تأثیر دارد؛ بلکه یکی از نشانه‌های بارز ایمـان ثبـات قـدم در همه‌ی زمینه‌هـا و به ویژه در پیکار با دشـمنان حق است. ۲. توجه به خـدا روحیه‌ی رزمندگان اسـلام را تقویت می‌کند و آنان احساس تنهایی در میدان نمی‌کنند و تکیه‌گاه نیرومندی را در کنار خود احساس می‌کنند که هیچ قدرتی در برابر آن مقاومت نمی‌کنـد؛ یاد خـدا به مؤمنان، آرامش، قوت و قـدرت و پای‌مردی می‌بخشد. ۳. مقصود از یاد خـدا، تنها ذکر لفظی نیست، بلکه خـدا را در درون جـان حاضـر دیـدن و به یـاد علم و قـدرت بی‌پایان و رحمت گسترده‌ی او بودن است. «۱» ۴. امام سجاد علیه السـلام در دعاهای صـحیفه‌ی سـجادیه به برخی دیگر از آثار یاد خدا بر رزمندگان اشاره کرده، می‌فرماید: (پروردگارا! در پرتو یاد خویش) یـاد دنیـای فریبنـده را از دل این پاسـداران مبارز بیرون کن و توجّه به زرق و برق اموال را از قلب آنها دور ساز و بهشت را در برابر چشـمان (و فکر) آنها قرار ده. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان، مقاومت و یاد خـدا در جبهه‌ها، رمز پیروزی و رسـتگاری رزمندگان است. ۲. (در کنار توجه به تجهیزات نظامی) ابعاد معنوی رزمنـدگان را تقویت کنید تا پیروز شوید. ***

عوامل سستی در جنگ (اختلاف و ...)

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و شـشم سوره‌ی انفال به عوامل مؤثر در قوت و شوکت مسـلمانان اشاره می‌کنـد و با نفی کشـمکش‌های اجتماعی می‌فرماید: ۴۶. وَأَطِیعُوا اللّهَ وَرَسُولَهُ وَلَاتَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِیحُکُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِینَ و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنیـد؛ و با همـدیگر کشـمکش مَکنیـد که سـست می‌شوید، و مهابت شـما از بین می‌رود! و شـکیبایی کنید [چرا] که خدا با شکیبایـان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اختلافـات درونی مسـلمانان سـبب سـستی آنان در انجام کارهای مهم و از بین رفتن عظمت و شوکت آنان می‌شود «۱» و این امر، به ویژه در جنگ‌ها مؤثر است و سپاهیان را به شکست و هزیمت می‌کشاند. البته اختلاف نظر و سلیقه‌ی افراد در امور اجتماعی و سیاسـی و مذهبی امری طبیعی است ولی چنان چه به صورت جناح‌بندی‌های حادّ اجتماعی و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۶ سیاسـی درآید و همراه با تعصّب و لجاجت و رقابت منفی گردد، خطرناك می‌شود. ۲. در آیه‌ی قبل دعوت به ثبات قدم شد و این آیه مسـلمانان را به اطاعت از خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و صبر فرا می‌خواند. تفاوت ثبات قدم با صبر این است که ثبـات قـدم بیش‌تر جنبه‌ی جسـمانی و ظاهری دارد، اما صبر و اسـتقامت بیش‌تر جنبه‌های روانی و درونی دارد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اختلافات و درگیری‌های درونی، از عملکرد شـما می‌کاهد و مهابت بیرونی شـما را از بین می‌برد. ۲. با اطاعت از برنامه‌هـا و رهـبران الهی و حفـظ اتحـاد، بر قوّت و شوکـت خود بیفزاییـد. ۳. اگر می‌خواهیـد خدا همراه و یاور شـما باشد، شـکیبا باشـید. *** قرآن کریـم در آیـه‌ی چهـل و هفتم سـوره‌ی انفـال مسلمانان را از مـانع تراشـی، ریاکـاری و سـرمستی منع می‌کنـد و می‌فرماید: ۴۷. وَلَا تَکُونُوا کَالَّذِینَ خَرَجُوا مِن دِیَارِهِم بَطَراً وَرِئَاءَ النَّاسِ وَیَصُدُّونَ عَن سَبِیلِ اللّهِ وَاللّهُ بِمَا یَعْمَلُونَ مُحِیطٌ و همانند کسانی مباشـید که از روی سـرمستی و خودنمایی در برابر مردم، از سـرزمین‌شان (به سوی میـدان بدر) بیرون آمدند، و (مردم را) از راه خـدا باز می‌دارنـد؛ و خـدا به آنچه انجام می‌دهنـد، احاطه دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسـران حکایت کرده‌اند که در هنگامه‌ی نبرد بـدر، ابو سـفیان با تردستی، کاروان تجارتی قریش را نجات داد و به ارتش مشـرکان مکه پیام داد تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم،

ص: ۹۷ که نیازی به پیکار شما نیست، ولی «ابوجهل» با غرور و تعصب سوگند یاد کرد که ما به «بدر» می‌رویم و سه روز در آن جا می‌مانیم و می‌خوریم و می‌نوشیم و می‌نوازیم، تا قدرت ما برای تمام عرب تثبیت شود، اما سرانجام شکست خوردند و جام مرگ نوشیدند و نوحه‌گران به عزایشان نشستند. این آیه به همین جریان اشاره می‌کند و به مسلمانان هشدار می‌دهد که همانند آنان نباشید. «۱» ۲. مشرکان، هم هدفشان نامقدس بود و هم وسایلی که در راه این هدف به کار می‌بردند. آنان هدفشان جلوگیری از راه خدا بود و با عیش و هواپرستی و ریاکاری می‌خواستند به این هدف برسند که در هر دو مورد شکست خوردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غرور و ریاکاری از آفات سپاه است. ۲. سرمستی و ریاکاری نکنید که این امور از اخلاق مخالفان راه خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی انفال، با بیان وسوسه‌ها و حمایت‌های نافرجام شیطان نسبت به مشرکان، می‌فرماید: ۴۸. وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَاغَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِىءٌ مِنكُمْ إِنِّى أَرَى مَالا‌تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللّهَ وَاللّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ و (به یاد آورید) هنگامی را که شیطان، کارهای آن (مشرک) ان را در نظرشان آراست، و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نمی‌گردد؛ و به راستی که من، همسایه (و پناه) شما هستم.» و هنگامی که دو گروه (کافران، و مؤمنان) یکدیگر را دیدند، (شیطان) به پشت (سر) ش تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۸ برگشت و گفت: «در حقیقت من نسبت به شما بی‌تعهدم؛ براستی من چیزی را می‌بینم که [شما] نمی‌بینید؛ در واقع من از خدا می‌ترسم، و خدا سخت کیفر است!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. همان طور که مردان حق در مسیر خویش مورد تأیید پروردگار و فرشتگان او هستند، باطل گرایان نیز در زیر چتر وسوسه‌های شیطان و فریبکاری شیطان‌صفتان هستند. ۲. جلوه‌گری و زینت دادن شیطان از طریق تحریک هوس‌ها و صفات زشت انسان است که چهره‌ی عمل را در نظرش زیبا جلوه می‌دهد تا آن را نیکو بپندارد و مجذوب آن شود. ۳. در مورد راه نفوذ شیطان در دل مشرکان و گفت و گوی او با آنها، مفسران قرآن دو دیدگاه دارند: برخی بر آن‌اند که این گفت و گوها از طریق وسوسه‌های باطنی صورت گرفت، اما برخی دیگر بر آن‌اند که شیطان به صورت انسانی ظاهر شد و با مشرکان سخن گفت و در هنگام شکست فرار کرد. «۱» ۴. واژه‌ی «جار» به معنای همسایه است؛ یعنی شیطان مانند همسایه‌ای وفادار و دل سوز، از هیچ گونه حمایتی نسبت به مشرکان دریغ نمی‌ورزد. البته این احتمال نیز وجود دارد که منظور ا ز «جار» در این جا پناهگاه باشد؛ زیرا عرب هنگام خطر به دوستان خود پناه می‌دادند و از آنان حمایت تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۹۹ می‌کردند و شیطان نیز چنین می‌کند. «۱» ۵. شیطان گفت: «من در حقیقت چیزهایی می‌بینم که شما نمی‌بینید.» شاید مقصود او، آثار پیروزی مسلمانان و حمایت‌های الهی و یاری فرشتگان بود که شیطان آنها را درک می‌کرد، اما مشرکان نمی‌دیدند. ۶. همان طور که قبلًا بیان کرده‌ایم، واژه‌ی شیطان به معنای هر موجود شرور است و شامل انسان‌های شیطان صفت نیز می‌شود و ابلیس یکی از شیاطین است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از راه‌های فریبکاری شیطان، زیبا جلوه دادن بدی‌هاست (پس مراقب باشید). ۲. شیطان و شیطان‌صفتان، افراد را برای فسادگری توجیه و تحریک می‌کنند (پس مواظب باشید). ۳. به وعده‌های شیطان و شیطان‌صفتان اعتماد نکنید که بی‌وفا هستند و در هنگام نیاز دوستانشان را تنها می‌گذارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی انفال به واکنش منفی منافقان در صحنه‌ی بدر و لزوم توکّل بر خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۴۹. إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ غَرَّ هؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۰ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ فَإِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ آن گاه که منافقان، و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، می‌گفتند: «این (مسلمان) ان را، دینشان فریب داده است.» و هر کس بر خدا توکّل کند، پس (پیروز می‌گردد؛ چرا) که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان و بیماردلان «۱» در ظاهر با مسلمانان بودند، اما در باطن متمایل به کفر بودند و به همین دلیل پیروزی مسلمانان در جنگ بدر را برنمی‌تافتند و علیه مسلمانانِ پیروز تبلیغات می‌کردند؛ و این یکی از نشانه‌ها و راه‌های شناخت منافقان است. ۲. مقصود از توکل بر خدا این است که انسان پس از بسیج همه‌ی نیروهایش خود را به خدا بسپارد و از او یاری بجوید، پس منظور از توکّل ترک تلاش نیست. ۳. در این آیه به دو صفت «عزیز» و «حکیم» خدا اشاره

شـده است. صـفت «عزیز» به قـدرت شـکست‌ناپذیر خـدا اشـاره دارد که هیـچ کس نمی‌توانـد در مقابل آن مقاومت کنـد و صـفت «حکیم» به فرزانگی خـدا اشـاره دارد که بر طبق حکمت، دوسـتان مُتوکّل خود را تنها نمی‌گـذارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. افرادی که روحیه‌ی ناسـالم دارنـد، بـا منافقـان هم‌صـدا می‌شونـد و علیه پیروزی‌هـای مؤمنـان تبلیغات می‌کننـد. ۲. بر قـدرتی توکّل کنیـد که شکست‌ناپـذیر و حمایتش حکیمانه باشد. تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۱۰۱ ۳. منافقـان و بیماردلان را از تبلیغات ضـد جهاد و ضـد مؤمنان بشناسـید. *** قرآن کریم در آیات پنجاهم و پنجاه و یکم سوره‌ی انفال با به تصویر کشـیدن صـحنه‌ی دردناک مرگ کـافران و با اشاره به علت مجازات آنان می‌فرمایـد: ۵۰ و ۵۱. وَلَوْ تَرَی إِذْ یَتَوَفَّی الَّذِینَ کَفَرُوا الْمَلَائِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِیقِ* ذلِکَ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیکُمْ وَأَنَّ اللّهَ لَیْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِیدِ و اگر (بر فرض) می‌دیـدی هنگـامی را که فرشـتگانِ (مرگ، جـان) کسانی را که کفر ورزیدنـد، به طور کامل می‌گرفتنـد، در حالی که بر صورتشان و پشتشان می‌زدنـد و (می‌گفتنـد:) عـذاب سوزان را بچشـید!* این (عـذاب) به خاطر دسـتاوردهای پیشـین شـماست؛ و [به خاطر] این که خـدا هرگز نسبت به بنـدگان بیـدادگر نیست. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیه، یـا اشـاره به مرگ کـافران در میـدان بـدر است و یـا اشـاره به مرگ دردناک همه‌ی کافران است که در لحظه‌ی مرگ، فرشـتگان عـذاب دردناکی بر آنان وارد می‌سازند. «۱» تفسـیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است و تفسـیر دوم نیز از آیه قابل اسـتفاده است. «۲» ۲. مقصود از «چشـیدن عـذاب سوزان» در این آیه، مجـازات قیامت و یا برزخ است که نتیجه‌ی کردار کافران است؛ البته مانعی ندارد که هر دو تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۲ مجازات مقصود باشد، ولی ظاهر آیه با مجازات برزخی سازگارتر است. ۳. به کار بردن تعبیر «دست‌های شـما» در آیه‌ی فوق برای آن است که انسان غالباً اعمال خویش را با دست انجام می‌دهـد، و گر نه این آیه شامل همه‌ی اعمال بـدنی و روحی می‌شود. «۱» اعمال ظالمانه، کفرآمیز، حسادت‌آمیز و لجـاجت‌آمیز از عوامـل عـذاب است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قهر الهی نسبت به کـافران، از لحظه‌ی جـان دادن آغـاز می‌شـود. ۲. اگر می‌خواهیـد گرفتار عـذاب سوزان الهی و مرگ دردناک نشویـد، دست از کفر بردارید. ۳. مجازات‌های الهی بر اساس عـدالت و به خـاطر اعمال انسان‌هاست. «۲» *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجـاه و دوم سـوره‌ی انفـال به قـانون و سـنت ثـابت الهی در مورد کـافران گناهکار اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۵۲. کَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ کَفَرُوا بِآیَاتِ اللّهِ فَأَخَذَهُمُ اللّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللّهَ قَوِیٌّ شَدِیدُ الْعِقَابِ (شیوه آنان) هم چون شیوه فرعونیان، و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ به آیات خدا کفر ورزیدند (و نشانه‌های خـدا را انکار کردنـد،) پس خـدا به [سـزای پیامدهای (گناهان) شان (گریبان) آنان را گرفت؛ [چرا] که خدا نیرومندی سـخت کیفر است! تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۱۰۳ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. سـرنوشت و کیفر مشـرکان جنگ بدر، یک مورد اسـتثنایی در تاریـخ نبود. این سـنت، قـانون و روش الهی در برخورد بـا این گونه افراد در طول تاریـخ است و این کیفر قبلًا در مورد فرعونیان نیز اجرا شد. ۲. در این آیه به دو عامـل انحراف و مجـازات اقوام پیشـین، یعنی کفر و انکار نشانه‌های خـدا، و گناه و سرکشـی در برابر خـدا، اشاره شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر ملتی که راه انحراف و کفر در پیش گیرد، کیفر می‌بینـد. ۲. گناه عامل گرفتاری و عذاب است. ۳. از سرنوشت فرعونیان عبرت بگیرید و به راه کفر و گناه نروید که گرفتار می‌شوید. ***

قانون: تاثیر تغییرات درونی ملت ها در سرنوشت آنها

قرآن کریم در آیه‌ی پنجـاه و سوم سوره‌ی انفـال به قـانون ثـابت الهی در مورد هم بسـتگی سـرنوشت ملت‌ها با تغییرات درونی آنها اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۵۳. ذلِکَ بِأَنَّ اللّهَ لَمْ یَکُ مُغَیِّراً نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَی قَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا مَابِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللّهَ سَمِیعٌ عَلِیمٌ این (کیفرهـا) بـدان سبب است که خـدا، هیـچ نعمتی را که به گروهی داده، تغییر نمی‌دهـد، تـا این که آنچه را در خودشان است تغییر دهند؛ و این که خدا، شنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این یک قانون عمومی در سرنوشت ملت‌هاست که «فیض الهی بیکران و همگانی است، ولی به تناسب شایسـتگی‌ها به مردم داده می‌شود و بر اساس تغییرات درونی افراد از آنها گرفته می‌شود». تفسیر قرآن

مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۴ ۲. در این جا سه قانون الهی وجود دارد: اول آن که خدا نعمت‌های مادی و معنوی خویش را به همه‌ی ملت‌ها می‌دهد؛ زیرا رحمت او عام است و شامل همه‌ی افراد می‌شود؛ و دوم آن که، اگر ملتی از این نعمت‌ها برای تکامل خویش استفاده کردند و سپاس‌گزار بودند، نعمتش را پایدار می‌کند و افزون می‌سازد؛ و سوم آن که، اگر این نعمت‌ها وسیله‌ی سرکشی و ستمکاری مردم شد، آنها را باز پس می‌گیرد و یا به بلا تبدیل می‌کند. ۳. سرنوشت تاریخی انسان‌ها تابع «جبر تاریخ» و «جبر زمان و محیط» نیست. عامل سازنده‌ی تاریخ همان دگرگونی‌هایی است که در روش، اخلاق، فکر و روح انسان و با اراده‌ی خودش به وجود آمده است. آیه‌ی فوق برترین قانون حیات انسان‌ها را بیان می‌کند و آن این که «گرداننده‌ی اصلی تاریخ خود انسان و حالات و صفات درونی اوست.» ۴. اگر مسلمانان به سازندگی خویش بپردازند و با حفظ وحدت تلاش کنند هم چون چند قرن صدر اسلام به عزت و عظمت دست می‌یابند و اگر سست و پراکنده شوند، دچار ضعف و ذلّت می‌شوند. ۵. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که فرمودند: خدا هیچ نعمتی را که به بنده‌ای بخشیده از او نمی‌گیرد مگر این که گناهی کند که به خاطر آن مستحقّ سلب آن نعمت شود. «۱» و در حدیثی دیگری حکایت شده است: هیچ چیز همانند ستم، نعمت‌های الهی را تغییر نمی‌دهد؛ چون خدا ناله‌ی مظلوم را می‌شنود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سبب دگرگونی و زوال نعمت‌ها از ناحیه‌ی شماست، و گر نه مواهب الهی زوال ناپذیر است. ۲. علل بدبختی ملت‌ها را در تغییرات منفی درون آنها جست‌وجو کنید. ۳. سرنوشت ملت‌ها به دست خود آنها، و سعادت و شقاوت آنها در گرو تحوّلات درونی آنهاست. ۴. تحوّل درونی افراد، جامعه را از درون متحوّل می‌سازد و این تحوّل‌ها زمینه‌ساز انقلاب و تحوّل در نعمت‌هاست. «۱» ۵. خدا از اعمال و افکار شما آگاه است و اگر تغییر منفی ببیند، به تناسب، نعمت‌هایش را تغییر می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی انفال بار دیگر با یاد آوری قانون ثابت الهی در مورد کافران گناهکار، می‌فرماید: ۵۴. كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ (شیوه آنان) هم چون شیوه فرعونیان و کسانی است که پیش از آنان بودند؛ آیات پروردگارشان را دروغ انگاشتند؛ پس آنان را به خاطر پیامدهای (گناهان) شان، هلاک کردیم؛ و فرعونیان را غرق نمودیم؛ و همگی ستمکار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مضمون آیه‌ی پنجاه و دوم همین سوره، با آیه‌ی فوق همگون بود. این یکی از اصول بلاغت و یک شیوه‌ی مؤثر تربیتی است که در مورد مسائل تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۶ حیاتی و حساس، مطلب تکرار و تأکید شود و قرآن که کتاب هدایت و تربیت است از این شیوه استفاده کرده است. ۲. بین دو آیه‌ی فوق تفاوت وجود دارد؛ یعنی آیه‌ی پنجاه و دوم به مجازات‌های الهی در برابر انکار آیات خدا و گناهان اشاره دارد و وضع مشرکان عرب را در زمینه‌ی کفر و گناه به فرعونیان تشبیه می‌کند، ولی این آیه بعد از اشاره به تغییر نعمت‌های دنیا در اثر تحوّلات درونی انسان‌ها (در آیه‌ی قبل)، از غرق شدن فرعونیان و تأکید بر ستمگری و تکذیب‌گری آنان سخن می‌گوید و سپس حال مشرکان عرب در این موارد را به فرعونیان تشبیه می‌کند. ۳. مقصود از ستم در آیه‌ی فوق، ظلم به خویشتن و دیگران است؛ چون فرعونیان هم خود را از کمال محروم ساختند، هم به بنی اسرائیل و پیامبران الهی ستم کردند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب آیات الهی، ستمکاری و گناهکاری از عوامل هلاکت ملت‌هاست. ۲. از سرنوشت ستمکاران تاریخ درس عبرت بگیرید (و راه آنان را ادامه ندهید). *** قرآن کریم در آیات پنجاه و پنجم و پنجاه و ششم سوره‌ی انفال به بدترین مردمان، یعنی کافران پیمان‌شکن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵ و ۵۶. إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَايُؤْمِنُونَ* الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَايَتَّقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۷ بیقین، بدترین جنبندگان نزد خدا، کسانی هستند که کفر ورزیدند و آنان ایمان نمی‌آورند.* (همان) کسانی که با آنان پیمان بستی، سپس در هر مرتبه پیمانشان را می‌شکنند؛ و آنان خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان مدینه، قبل از ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، طبق بشارت‌هایی که به آنان رسیده بود، منتظر وی بودند و نسبت به او اظهار علاقه و ایمان می‌کردند، ولی بعد از آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگامی که

منافع مادی خود را در خطر دیدند، به کفر گراییدند و در بی‌ایمانی خود سرسخت شدند و ضربات سختی از طریق پیمان‌شکنی بر مسلمانان وارد کردند. ۲. پیامبر صلی الله علیه و آله با یهودیان مدینه پیمان بسته بود که به مشرکان کمک نکنند و در صدد آزار مسلمانان برنیایند، ولی یهودیان مدینه و اطراف آن، بارها پیمان شکستند و به مشرکان کمک کردند و آیه‌ی فوق به پیمان‌شکنی‌های مکرر آنان اشاره می‌کند. ۳. آیه‌ی فوق کافران را بی‌ارزش‌ترین و بدترین موجودات زنده‌ی این جهان معرفی می‌کند؛ چرا که از نعمت‌های الهی در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله استفاده می‌کردند، ولی ناسپاس بودند و ایمان نمی‌آوردند و با پیمان‌شکنی از پشت به مؤمنان ضربه می‌زدند. ۴. در آیه‌ی ۲۲ همین سوره بیان شد که بدترین جنبندگان کسانی هستند که از ابزارهای شناخت بهره نمی‌برند و خردورزی نمی‌کنند و اینک در این آیه می‌فرماید: بدترین جنبندگان کسانی هستند که کفر می‌ورزند. از این دو آیه روشن می‌شود که اگر انسان از عقل خود استفاده کند، خداشناس می‌شود و ایمان می‌آورد؛ و مشکل اصلی کافران در همین مورد است. ۵. هر چند یهودیان را مصداق آیه‌ی فوق معرفی کرده‌اند، اما آیه یک تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۸ مطلب کلی را بیان می‌کند که شامل همه‌ی کافران پیمان‌شکن می‌شود. ۶. مرحله‌ای از تقوا و خودنگه‌داری شامل همه‌ی انسان‌ها، اعم از مسلمان و کافر می‌شود و آن مرحله‌ی جوانمردی و زیر پا نگذاشتن اصول انسانی، مثل عهد و پیمان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بدترین موجودات کافران پیمان‌شکن هستند. ۲. به پیمان خود وفادار باشید و ایمان آورید تا در زمره‌ی جنبندگان شرور در نیایید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هفتم سوره‌ی انفال خواستار شدت عمل در برابر پیمان‌شکنان شده، می‌فرماید: ۵۷. فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ و اگر در جنگ آنان را یافتی، پس (با حمله) به آنان، کسانی را که پشت سرشان هستند، تار و مار کن؛ باشد که آنان متذکّر شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دستور شدت عمل با پیمان‌شکنان برای آن بود که دشمنان اسلام عبرت بگیرند و از پیمان‌شکنی و جنگ با مسلمانان بپرهیزند. ۲. در برابر کافران پیمان‌شکن هوشیار باشید و از موضع‌گیری‌های آنان با سرعت و دقت آگاه شوید «۱» و پیش از آن که شما را غافل‌گیر کنند، صاعقه‌وار بر آنان فرود آیید و آن چنان به آنان یورش ببرید که گروه‌های دیگر از دشمنان و پیمان‌شکنان متفرّق گردند «۲» و فکر حمله را از سر بیرون کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۰۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کیفر پیمان‌شکنانی که امنیت و ثبات جامعه را بر هم می‌زنند، آن است که وحشت زده و متفرق شوند. ۲. پیمان‌شکنان را تحت نظر بگیرید و با آنان سخت برخورد کنید، تا دیگران از سرنوشت آنان عبرت بگیرند. ۳. آموزه‌ی نظامی آیه آن است که در حمله به دشمن از اصول غافل‌گیری و تفرقه‌افکنی و وحشت‌آفرینی در میان آنان استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی انفال دستور دیگری در مورد رفتار با پیمان‌شکنان می‌دهد و می‌فرماید: ۵۸. وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللّهَ لَايُحِبُّ الْخَائِنِينَ و اگر از گروهی، ترس خیانت داری، پس (پیمانشان را) عادلانه به سویشان بینداز! [چرا] که خدا خیانت‌کاران را دوست ندارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اجازه داده شد که هنگام ترس از خیانت و پیمان‌شکنی دشمن، پیمان آنان را عادلانه و علنی «۱» لغو و اعلام نماید، «۲» البته این ترس پس از مشاهده‌ی ک نشانه‌های پیمان‌شکنی و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۰ حمله‌ی غافل‌گیرانه‌ی دشمنان است. ۲. روی سخن آیه با پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما مطلب آیه شامل همه‌ی مسلمانان و پیمان‌های آنها می‌شود. ۵. مسلمانان مواظب باشند مورد حمله‌ی غافلگیرانه‌ی پیمان‌شکنان قرار نگیرند، ولی در همان حال اصول انسانی را در حفظ تعهدات رعایت بنمایند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پای‌بندی به تعهدات برای مسلمانان تا وقتی لازم است که بیم توطئه و خیانت نباشد. ۲. خیانت نکنید که خدا خائنان را دوست ندارد. ۳. جنگ کردن قبل از اعلام آن، خیانت است. «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی انفال به کافران پیمان‌شکن هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۵۹. وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَايُعْجِزُونَ و کسانی که کفر ورزیدند، نپندارند که پیشی جسته‌اند؛ [چرا] که آنان (خدا را) ناتوان نمی‌سازند. نکته‌ها و اشاره‌ها: کافران خیال می‌کنند که با اعمال خیانت‌آمیز پیروز شده و پیش‌دستی کرده‌اند، در حالی که در حقیقت این گونه نیست. آنان

مقدمات شکست خود را فراهم کرده‌اند؛ چون از این به بعد در امان نخواهند بود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران، پیمان‌شکنی و خیانت نکنند که به جایی نمی‌رسند. ۲. خدا تواناست و کسی نمی‌تواند او را عاجز کند و بر او سبقت بگیرد و پیروز شود. ***

آمادگی نظامی بازدارنده در برابر دشمنان

قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی انفال خواستار آمادگی نظامی همه‌جانبه‌ی مسلمانان در برابر دشمنان می‌شود و می‌فرماید: ۶۰. وَأَعِدُّوا لَهُم مَااستَطَعْتُم مِن قُوَّةٍ وَمِن رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَاتُظْلَمُونَ و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) ان، آماده سازید؛ در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنتان و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را،- که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آنها را می‌شناسد- بترسانید. و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «قُوَّة» به معنای قدرت و نیروست، اما این کلمه‌ی کوچک و پرمعنا شامل انواع وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر و تمام نیروها و امکانات مادی و معنوی می‌شود. جالب این است که این واژه یک معنای سیال دارد که در طی زمان کهنه نمی‌شود و در هر عصری مصادیق نو می‌یابد و شامل سلاح‌های جدید می‌شود و این یکی از رمزهای جاودانگی دفاع اسلامی است. ۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از قُوّه، «تیر یا شمشیر و سپر و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۲ یا هرگونه اسلحه و نیز سیاه کردن موهای سفید سربازان است «۱» (تا سربازان را جوان‌تر نمایش دهد)». البته این احادیث مصداق‌ها و موارد قوت را بیان می‌کنند، وگرنه مفهوم قوت شامل همه‌ی قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی می‌شود که می‌تواند در برابر دشمن حالت بازدارنده داشته باشد. ۳. حکایت شده که در جنگ «حُنَین» به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یَمن» اختراع شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فوراً کسانی را به آن جا فرستادند تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند. «۲» ۴. این که در آیه‌ی فوق پس از بیان قوت، مسئله‌ی «اسب‌های ورزیده و آماده» را بیان کرد، از باب ذکر خاص پس از عام است؛ یعنی یک دستور عام برای همه‌ی عصرها و سپس دستوری خاص برای آن عصر بیان نمود؛ چرا که اسب در میدان‌های نبرد آن روزگار نقش تانک و زره‌پوش امروز را داشت. البته این احتمال نیز هست که مقصود از این واژه محافظت مرزها باشد. «۳» دانی که چه گفت زال با رستم گُرد دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد (سعدی) ۵. در این آیه اهداف آمادگی نظامی و جهاد اسلامی را دو چیز بیان کرد: الف) بازدارندگی و به هراس انداختن دشمنان خدا و مردم؛ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۳ ب) تلاش در راه خدا (و در مسیر احیای حق و عدالت). یعنی آمادگی نظامی و جهاد اسلامی برای تصاحب اموال و سرزمین دیگران یا استعمار و استثمار آنان و با انگیزه‌های شخصی و غارتگری نیست. ۶. دشمنان حق و عدالت و استقلال و آزادی ملت‌ها بر اساس منطق و اصول انسانی عمل نمی‌کنند، بلکه در صورتی که ملت‌های مسلمان ضعیف باشند، هرگونه بتوانند، نظرهای خود را بر آنان تحمیل می‌کنند؛ از این روست که مسلمانان نیاز به یک نیروی نظامی قوی و بازدارنده دارند که دشمنان را به هراس اندازد. اگر مسلمانان به همین آیه‌ی قرآن عمل می‌کردند، امروز کشورهای اسلامی این گونه مورد تهاجم استکبار جهانی قرار نمی‌گرفت. «۱» ۷. در این آیه، واژه‌ی «دشمن خدا» با «دشمن مردم» همراه شده است تا نشان دهد که دشمنی کافران با مردم مسلمان در حقیقت همان دشمنی با خداست و هدف جهاد، حفظ مردم و توحید است. ۸. در این آیه به دشمنان ناشناخته‌ای اشاره شده است که خدا از آنها خبر دارد ولی مردم خبر ندارند. مقصود از دشمنان ناشناخته در این آیه، یا یهودیان مدینه و یا منافقان و یا دشمنان آینده‌ی اسلام، یعنی ابرقدرت‌های روم و دربار ساسانیان هستند. البته ممکن است آیه‌ی فوق شامل همه‌ی این موارد و دشمنان ناشناخته‌ی مسلمانان در طول تاریخ بشود. ۹. از واژه‌ی «شیء» استفاده می‌شود که

کمک به جبهه‌ها منحصر در کمک‌های مالی نیست، بلکه هر کس می‌تواند از راه مال، جان، فکر، قلم، زبان، آبرو و اطلاعات کمک کند. «۲» ۱۰. جمله‌ی «به شما ستم نمی‌شود.»، یا اشاره به آن است که پاداش شما تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۴ را کامل، بلکه بیش‌تر می‌دهند و یا اشاره به آن است که اگر آمادگی نظامی داشته باشید، دشمنان نمی‌توانند به شما ظلم کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آن گاه آماده‌ی دفاع شوید، بلکه از پیش آمادگی نظامی در برابر هجوم‌های احتمالی را داشته باشید. ۲. اسلام نیروهای نظامی بازدارنده می‌خواهد؛ یعنی قدرتی با شوکت که بتواند دشمنان را به هراس اندازد و فکر حمله را از سر آنها بیرون کند. ۳. فقط روی دشمنان شناخته شده حساب نکنید، بلکه آمادگی خود را برای دشمنان احتمالی و بالقوه هم حفظ کنید. ۴. در جهاد اسلامی، دفاع از توحید و مردم مطرح است، نه اغراض شخصی و استعماری. ۵. برای آمادگی دفاعی، هم به نیرو و تجهیزات توجه کنید و هم به پشتیبانی‌های مالی. ۶. کمک‌های مالی به جبهه‌ها، (سبب قدرت و امنیت می‌شود و) نتیجه‌اش (از طریق عزّت و بهبود وضع اقتصادی) به خود کمک کنندگان بازمی‌گردد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی انفال دستور صلح‌طلبی می‌دهد و می‌فرماید: ۶۱. وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و اگر (دشمنان) به صلح متمایل شوند، پس (تو نیز) بدان گرای؛ و بر خدا توکّل کن! [چرا] که در حقیقت تنها او شنوا [و] داناست. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دستور صلح از اختیارات رهبری است؛ از این رو آیه‌ی فوق به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که اگر دشمنان متمایل به صلح شدند «۱» (و اگر شرایط عاقلانه و عادلانه‌ای برای صلح بود)، آن را بپذیرد. ۲. از آن جا که در هنگام صلح افراد گرفتار تردید می‌شوند، با دستور به توکّل بر خدا، این تردیدها را برطرف می‌سازد؛ چون او تکیه‌گاه مؤمنان است و گفت و گوهای آنان را می‌شنود و از نیّات آنها باخبر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام صلح‌طلب است، نه جنگ‌طلب. ۲. صلح با دشمنان را ترجیح دهید و بر خدا تکیه کنید که شما را تحت نظر دارد (و حمایت می‌کند). ***

نشانه های خدا

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی انفال با هشدار در مورد حیله‌های دشمنان در مورد صلح، و یادآوری امدادهای الهی می‌فرماید: ۶۲. وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللّهُ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ و اگر بخواهند به تو نیرنگ زنند، پس براستی خدا برای تو کافی است؛ او کسی است که تو را، با یاری خود و با مؤمنان، تأیید کرد؛ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اگر دشمنان در مورد پیشنهاد صلح حسن نیت دارند و نیرنگشان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۶ یقینی نیست، می‌توان با هوشیاری و توکل آن را پذیرفت، ولی اگر رهبر مسلمانان یقین به نیرنگ دشمنان دارد، حساب دیگری دارد. ۲. خدا بارها خطرهای بزرگ و نقشه‌های دشمنان علیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را خنثی کرد و او را در برابر همه‌ی این مشکلات حفظ کرد؛ پس باز هم می‌تواند حیله‌های آنان را خنثی سازد و به او یاری رساند. ۳. در برخی از احادیث آمده است که مقصود از «تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله‌ی مؤمنان»، همان پشتیبانی و تأیید ایشان توسط امام علی علیه السلام است. «۱» البته این گونه احادیث مصداق کامل مؤمنان را بیان می‌کند که فداکاری‌ها و تلاش‌های امام علی علیه السلام است، ولی مطلب آیه منحصر در ایشان نیست و یاران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله، مثل حمزه نیز ایشان را یاری کردند. آری؛ یکی از نعمت‌ها و امدادهای الهی برای رهبران الهی، دوستان و یاران مؤمن است که گرد آنها جمع می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای رهبران الهی! به وظیفه‌ی خود عمل کنید و از فریب دشمن نهراسید که خدا و مؤمنان پشتیبان شما هستند. ۲. امدادهای الهی، در کنار حمایت‌های مردمی است (و مردم پشتیبان رهبر اسلام‌اند). «۲» *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی انفال به همدلی مسلمانان به عنوان یک هدیه‌ی الهی اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۳. وَأَ لَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَاأَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلكِنَّ اللّهَ أَ لَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ تفسیر

قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۷ و میان دل‌های آنان الفت برقرار کرد، اگر (بر فرض) همه آنچه را که در زمین است مصرف می‌کردی، میان دل‌هایشان الفت برقرار نمی‌کردی؛ و لیکن خدا میان آنان الفت ایجاد کرد؛ [چرا] که او شکست‌ناپذیری فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در میان مسلمانان صدر اسلام انواع اختلافات نژادی، قومی، قبیله‌ای، طبقاتی و مذهبی وجود داشت و سبب خون‌ریزی‌ها و کشمکش‌های فراوان می‌شد که نمونه‌ی آن را در درگیری و انتقام‌گیری‌های زنجیره‌وار دو قبیله‌ی اوس و خزرج می‌بینیم. این کینه‌ها آن‌چنان ریشه‌دار بود که به صورت عادی ممکن نبود از بین برود، اما در پرتو اسلام و نور قرآن، در شخصیت آنان انقلابی ایجاد شد و افکار و اخلاق و آرمان‌هایشان دگرگون شد و در بین آنان محبت ایجاد شد و همگی در یک صف در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفتند و پیروز شدند. اگر مسلمانان عصر ما نیز با یک‌دیگر هم دلی داشته باشند، می‌توانند بر مشکلات پیروز شوند. ۲. در آیه‌ی فوق به صفت «عزّت» و «حکمت» الهی اشاره شد که با محتوای آیه تناسب دارد. عزّت او ایجاب می‌کند که شکست‌ناپذیر باشد و بتواند دل‌های پرکینه را به هم نزدیک کند و حکمت او ایجاب می‌کند که کارهایش از روی حساب باشد و دل‌های پراکنده را متحد و متمایل به پیامبر سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هم دلی و الفت دل به دست خداست و بدون خواست خدا مصرف ثروت‌ها در این زمینه چندان کارساز نیست. ۲. ارزش هم‌دلی و الفت مردم را بدانید (و با تفرقه‌افکنی این نعمت را از دست ندهید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۸ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی انفال با اشاره به حمایتگران رهبران الهی می‌فرماید: ۶۴. یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ حَسْبُکَ اللّهُ وَمَنِ اتَّبَعَکَ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ ای پیامبر! خدا، و کسانی از مؤمنان که از تو پیروی می‌کنند، برای تو کافی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران حکایت کرده‌اند که طایفه‌ای از یهودیان «بَنی قُریظه» و «بَنی نَظیر» به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتند: ما حاضریم تسلیم تو شویم و از تو پیروی کنیم. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله هشدار داد که به آنان اعتماد و تکیه نکند و فقط خدا و مؤمنان را تکیه گاه خود قرار دهد. «۱» ۲. برخی از دانشمندان اهل سنت نیز حکایت کرده‌اند که آیه‌ی فوق در مورد علی بن ابی طالب فرود آمده است؛ یعنی مقصود «از مؤمنین» اوست. «۲» البته این گونه شأن نزول‌ها و احادیث، معنای آیه را منحصر و محدود نمی‌کند، بلکه مقصود بیان مصادیق کامل آیه است؛ یعنی امام علی علیه السلام نمونه‌ی کامل یک انسان مؤمن است که حامی پیامبر صلی الله علیه و آله است، هر چند مؤمنان دیگر نیز می‌توانند یاور پیامبر صلی الله علیه و آله باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا و مؤمنان حامی رهبران الهی هستند. ۲. رهبران اسلام به حمایت غیرمؤمنان چشم دل ندوزند. ۳. مؤمنان دست از پیروی و حمایت رهبر اسلام برندارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۱۹ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی انفال به تشویق مؤمنان برای جهاد و به هم زدن توازن قوا در جنگ فرمان می‌دهد و می‌فرماید: ۶۵. یَا أَیُّهَا النَّبِیُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی الْقِتَالِ إِن یَکُن مِنکُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ یَغْلِبُوا مِاْئَتَیْنِ وَإِن یَکُن مِنکُمْ مِائَةٌ یَغْلِبُوا أَلْفاً مِنَ الَّذِینَ کَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَایَفْقَهُونَ ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (و جهاد) برانگیز. اگر از شما بیست [نفر] شکیبا باشند، بر دویست [نفر] پیروز می‌شوند؛ و اگر صد [نفر] از شما باشند، بر هزار [نفر] از کسانی که کفر ورزیدند، پیروز می‌گردند؛ به سبب این که، آنان گروهی هستند که به طور عمیق نمی‌فهمند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یکی از دستورات نظامی اسلام را در مورد مقدمات رزم یادآوری کرده و آن این که لازم است قبل از شروع جنگ رزمندگان را از نظر روحی تقویت و تشویق کرد. ۲. تشویق مجاهدان در جبهه‌ها به وسیله‌ی آیات قرآن، وعده‌های الهی، تقویت روح ایمان، بیان مقامات شهدای راه حق و بیان آثار پیروزی بر دشمن و یاد خدا، از بهترین راه‌های تحریک روح سلحشوری و پای‌مردی در سربازان است. ۳. در آیه‌ی فوق این قانون نظامی اسلام بیان شده که مسلمانان منتظر توازن قوا نباشند، بلکه اگر تعداد رزمندگان اسلام یک دهم نیروهای دشمن هم بود، باز وظیفه‌ی جهاد بر عهده‌ی آنهاست. «۱» البته این قانون در آیه‌ی بعد با شرایط خاصی به دو برابر تخفیف داده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۰ ۴. این آیه عدم درک و آگاهی عمیق کافران را سبب پیروزی تعداد اندک مسلمانان بر آنان بیان کرده است. آری؛ مؤمنان راه و هدف خود و آثار مثبت آن را می‌شناسند و حقیقت شهادت را سعادت

می‌دانند و به هدف مقدس خویش ایمان دارند، این شناخت و ایمان به آنان صبر و پای‌مردی می‌بخشد. اما کافران بت‌پرست، چون نمی‌دانند برای چه می‌جنگند و سرانجام آنان مبهم است و تنها از روی عادت و تقلید یا تعصّب خشک به جنگ آمده‌اند، سست و ضعیف هستند و در نهایت شکست می‌خورند. ۵. بیان تعداد بیست و صد نفر، در آیه‌ی فوق از باب مثال است، وگرنه اصل همان کیفیت رزمندگان از نظر ایمان و پایداری است که در آیه به آن اشاره شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از وظایف رهبر و فرمانده‌ی نظامی، تشویق مردم به جهاد است. ۲. تبلیغات مثبت در جنگ‌ها، یک ضرورت نظامی است. ۳. عامل تعیین کننده‌ی پیروزی در جنگ، ایمان و استقامت است، نه تعداد نفرات. ۴. برای پیروزی سپاه، به تقویت روحی و علمی آنها بپردازید. ۵. سربازان اسلام، بر خلاف دشمنان، دارای سه ویژگی ایمان، صبر و آگاهی هستند. ۶. عدم آگاهی سربازان، عامل شکست آنها در جنگ است (پس شناخت، عامل پیروزی آنان است). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۱ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی انفال در مورد وظایف نظامی، به مسلمانان تخفیف می‌دهد و می‌فرماید: ۶۶. الآنَ خَفَّفَ اللّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفاً فَإِن يَكُن مِنكُم مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَينِ وَإِن يَكُن مِنكُمْ أ لْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللّهِ وَاللّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ هم اکنون خدا به شما تخفیف داد، و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ پس اگر از شما صد [نفر] شکیبا باشند، بر دویست [نفر] پیروز می‌شوند؛ و اگر از شما هزار [نفر شکیبا] باشند، با رخصت الهی، بر دو هزار [نفر] پیروز خواهند شد؛ و خدا با شکیبایان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی قبل وظیفه‌ی مسلمانان را معین کرد که هر کس باید در مقابل ده برابر از دشمنان مقاومت کند و در این آیه وظیفه‌ی آنان را پایداری در مقابل دو برابر دشمن معین کرد. آیه‌ی اول در مورد مسلمانانی است که افرادی ورزیده و با ایمان قوی هستند، که هر یک لازم است در مقابل ده نفر بجنگد، اما آیه‌ی دوم اشاره به هنگامی دارد که مسلمانان گرفتار سستی شده‌اند و افراد ناآزموده در میان آنان وجود دارند، که در این جا لازم است هر یک از افراد سپاه اسلام در مقابل دو نفر مقاومت کند و صحنه را ترک نکند. «۱» ۲. این آیه بار دیگر تأکید می‌کند که منتظر توازن قوا با دشمنان نباشید و اگر عدّه‌ی آنان دو برابر شما هم بود، در برابرشان بجنگید؛ چرا که ایمان و صبر، تعادل قوا را به نفع مسلمانان به هم می‌زند و امدادهای الهی را به کمک تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۲ آنها می‌فرستد. ۳. در تاریخ اسلام غالباً تعادل قوا به نفع دشمن بود و سپاهیان اسلام با تعداد کم‌تری در برابر دشمن قرار می‌گرفتند، همان طور که در جنگ بدر با حدود سیصد نفر بر هزار نفر پیروز شدند. مسلمانان عصر ما نیز که در برابر دشمنان کوچکی هم چون اسرائیل قرار گرفته‌اند، اگر خود را مجهّز به ایمان، استقامت و آگاهی کنند، امدادهای الهی نیز به یاری آنان می‌آید و بر دشمنان پیروز می‌گردند. ۴. تعبیر «بِاذنِ اللّه» (: با رخصت و اجازه‌ی قبلی خدا) اشاره دارد که امدادهای الهی و کمک‌های غیبی و معنوی و لطف و رحمت پروردگار شامل حال چنین مجاهدان با ایمان و پر استقامتی می‌شود، ولی باید مواظب باشند که مغرور نشوند و بدانند که هر چه هست از خداست. ۵. از این آیه می‌توان معیار مقاومت و فرار در جنگ را به دست آورد؛ یعنی اگر مسلمانی در جنگ از برابر دو نفر بگریزد، از جنگ فرار کرده و مسئول است، اما اگر از برابر سه نفر یا بیش‌تر بگریزد، «فرار کننده» و خطاکار به شمار نمی‌آید. همین مطلب در برخی احادیث از امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است. «۱» ۶. خدا به گذشته و حال و آینده علم دارد، ولی آیه‌ی فوق می‌فرماید: «خدا دانست که در شما ضعف است.»؛ پس منظور از علم در این آیه «معلوم شدن مطلب و تحقق یافتن آن» است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در آیین‌نامه‌های نظامی، برای شرایط مختلف، وظایف متفاوتی در نظر بگیرید و به فکر شرایط ضعف نیز باشید. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۳ ۲. در برابر دشمنانِ دو برابر خودتان، استقامت کنید که پیروز می‌شوید؛ چون «خدا با صابران است». ۳. مسلمانان حق ندارند از برابر دشمنانِ دو برابر خود بگریزند. ۴. عامل ضعف مسلمانان، در درون آنهاست. «۱» *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی انفال دستوراتی درباره‌ی اسیران جنگی بیان می‌کند و می‌فرماید: ۶۷. مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أن يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللّهُ يُرِيدُ الآخِرَةَ وَاللّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ برای هیچ پیامبری سزاوار نیست که برای او اسیرانی باشد، تا این که در [سر] زمین (نبرد) کاملًا مسلّط شود. (شما

کالای زودیاب و) ناپایدارِ دنیا را می‌خواهید؛ و [لی خدا (هدف نهایی و امور پایدار) آخرت را می‌خواهد؛ و خدا شکست ناپذیری فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مسلمانان در جنگ بدر سعی داشتند که تا ممکن است دشمنان را اسیر کنند، تا در برابر آزادی آنان «فِدیه» یا تاوان بگیرند که مبلغ قابل توجهی می‌شد. این کار گاهی خوب بود، اما قبل از اطمینان کامل از شکست دشمن، کار خطرناکی بود؛ زیرا مشغول شدن به گرفتن اسیر و بستن و انتقال او به پشت جبهه، رزمندگان را از هدف اصلی بازمی‌داشت و به دشمن فرصت حملات مجدد می‌داد. ۲. خطاب آیه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت تکلیف همه‌ی مسلمانان را در جنگ‌ها روشن کرده، قوانین نظامی را در مورد اسیران بیان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۴ می‌کند؛ یعنی مسلمانان حق دارند پس از آن که ضربه‌های کاری بر دشمن وارد کردند و از شکست دشمن اطمینان یافتند و بر منطقه‌ی نظامی سیطره پیدا کردند «۱» دست از کشتن دشمن بردارند و آنان را اسیر کنند و این یک عمل انسانی است که قرآن آن را تأیید می‌کند. ۳. توجه رزمندگان به امور ناپایدار دنیوی، «۲» آنها را از اهداف نهایی، یعنی پیروزی بر دشمن و سعادت و پاداش اخروی، غافل می‌سازد و به کار جنگ لطمه وارد می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به خاطر منافع زودگذر، منافع مستمر آینده را به خطر نیفکنید. ۲. متوجه خطر دنیاگرایی رزمندگان در شرایط جنگی باشید. ۳. قرآن یک کتاب جامع‌نگر است که حتی در مسائل نظامی به مسلمانان رهنمودهای کلی ارائه می‌کند. ۴. آموزه‌ی نظامی آیه آن است که گرفتن اسیر پس از تثبیت موقعیت نظامی مانعی ندارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۵ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی انفال مسلمانان را در مورد اسیران جنگ بدر ملامت می‌کند و به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۸. لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيما أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ اگر قبلًا از جانب خدا مقرر نشده بود، (که بدون ابلاغ کیفر ندهد،) به خاطر آنچه (از اسیران) گرفتید، حتماً عذاب بزرگی به شما می‌رسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد تفسیر این آیه مفسران قرآن احتمالات متعددی را مطرح کرده‌اند؛ برخی آن را مربوط به فِدیه و تاوان گرفتن در برابر اسیران جنگی دانسته «۱» و برخی مربوط به گرفتن اسیر قبل از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر دانسته‌اند، که هنوز حکم آن از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله بیان نشده بود. ظاهر این آیه و سیاق آن با تفسیر دوم سازگارتر است. ۲. سنت پروردگار آن است که نخست قانون را بیان می‌کند، سپس متخلفان را مجازات می‌کند و اگر این سنت نبود، خداوند در مورد گرفتن اسیر و به خطر انداختن موقعیت سپاه اسلام کیفر بزرگی به مسلمانان می‌داد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اعمالتان گاهی شما را مستحق عذاب می‌کند، اما خدا طبق سنت (و لطف) خویش از آنان درمی‌گذرد. ۲. بدون اجازه و هماهنگی، در جنگ‌ها اسیر نگیرید که ممکن است پیامدهای منفی داشته باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی انفال با اشاره به حلال بودن غنایم جنگی، مردم را به پارسایی فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۶۹. فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّباً وَاتَّقُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ و از آنچه به غنیمت گرفته‌اید، در حالی که حلال [و] پاکیزه است، بخورید؛ و از [عذاب خدا [خودتان را] حفظ کنید؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. شأن نزول: حکایت شده که بعد از پایان جنگ بدر و گرفتن اسیران جنگی، گروهی از مسلمانان به پیامبر صلی الله علیه و آله مراجعه کردند و گفتند اسیران را به ما ببخش تا در برابر آزادی آنها تاوان بگیریم (و پیامبر صلی الله علیه و آله منتظر بود تا این که) آیه‌ی فوق فرود آمد و اجازه‌ی گرفتن فدیه و تاوان در برابر اسیران را داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در عصر ظهور اسلام، با اسیران جنگی به سه صورت عمل می‌شد؛ یا آنان را می‌کشتند، یا به بردگی می‌گرفتند و یا در مقابل فدیه و تاوان آزادشان می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۷ این آیه تاوان اسیران را حلال اعلام کرده است. «۱» ۲. در پایان جنگ بدر هفتاد نفر اسیر شده بودند، که برای آزادی آنان فدیه یا تاوان مشخص شد؛ یعنی خانواده‌های ثروتمند چهار هزار درهم و خانواده‌های کم ثروت یک هزار درهم بپردازند و اسیر خود را آزاد کنند. ۳. تاوان اسیران جنگی در حقیقت عوض خسارت‌های مالی و انسانی سپاه اسلام بود و نیز می‌توانست حقّ مسلمانان مهاجر در برابر اموالی باشد که مشرکان در مکه از آنان مصادره کرده بودند. ۴. تاوان و فدیه‌ی اسیران جنبه‌ی الزامی ندارد و حکومت اسلامی می‌تواند در صورتی که صلاح

بداند، اسیران را مبادله یا آزاد سازد؛ همان طور که در آیه‌ی چهارم سوره‌ی محمد صلی الله علیه و آله نیز اشاره شده است. ۵. سفارش به پارسایی و حفظ خود از مخالفت و عذاب الهی بدین معناست که حلال بودن غنایم جنگی یا اسیر گرفتن، نباید هدف اصلی رزمندگان باشد و انگیزه‌ی الهی آنان را در جهاد تحت شعاع قرار دهد. ۶. در تاریخ آمده است که «ابوالعاص»، داماد پیامبر صلی الله علیه و آله، در میان اسیران جنگی بود و همسرش زینب گردن‌بند خدیجه را به عنوان تاوان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و حضرت با دیدن آن به یاد فداکاری خدیجه افتاد و اندوهگین شد و برای او طلب رحمت کرد؛ سپس از مسلمانان اجازه گرفت و آن گردن‌بند را نپذیرفت و ابوالعاص را به شرطی آزاد کرد که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را به مدینه بفرستد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. غنایم جنگی و تاوان اسیران (با شرایطی خاص) بر مسلمانان حلال است. ۲. غذای خود را از چیزهای حلال و پاکیزه انتخاب کنید و با رعایت تقوا مصرف کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی انفال با دلداری دادن به اسیران جنگی و تشویق آنها به اصلاح خود می‌فرماید: ۷۰. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِمَن فِي أَيْدِيكُم مِنَ الْأَسْرَى إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرَاً يُؤْتِكُمْ خَيْراً مِمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِر لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ای پیامبر! به کسانی از اسیران که در دستان شما هستند، بگو: «اگر خدا، خیری در دل‌های شما بداند، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما می‌دهد؛ و شما را می‌آمرزد.» و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به روشنی اسیران را به طرف اصلاح و ایمان دعوت و تشویق می‌کند و به آنان وعده‌ی پاداش‌های مادی و معنوی می‌دهد. «۱» آری؛ اسلام برای اصلاح، تربیت و هدایت اسیران جنگی اهمیت ویژه‌ای قایل شده است و جهاد اسلامی برای آزادی و اصلاح انسان‌ها و گسترش حق و عدالت صورت می‌گیرد. ۲. حکایت شده که بعد از جنگ بدر گروهی از انصار خواستند عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله را بدون فدیه آزاد کنند، اما پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت و عباس گفت: اگر فدیه دهم بی‌پول می‌شوم؛ و حضرت فرمود: پولی نزد ام الفَضل تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۲۹ گذارده‌ای. از آن فدیه بده. عباس از این خبر غیبی تعجب کرد و مسلمان شد و همه‌ی اسیران بدر به مکه بازگشتند، مگر عباس و عقیل و نوفل که ایمان آوردند و در مدینه ماندند. بعد از مدتی اموالی به دست پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و ایشان مقداری از آن را به عباس دادند و سپس آیه‌ی فوق را تلاوت نمودند «۱» و به این مطلب اشاره کردند که این اموال جبران تاوانی است که در اسارت از شما گرفتیم. از این گونه احادیث استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله در صدد بود که بعد از مسلمان شدن اسیران، اموالی را که اسیران به عنوان تاوان داده بودند به آنان بازگرداند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با اسیران جنگی چنان رفتار کنید که زمینه‌ساز هدایت و ارشاد آنان شود. «۲» ۲. قوانین نظامی (از جمله تاوان) را در مورد اسیران اجرا کنید که خدا زیان‌های مالی اسیران نیکوسیرت را جبران می‌کند. ۳. شما نیّت نیک (و ایمان) داشته باشید تا خدا شما را بیامرزد و خسارات مالی شما را جبران نماید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی انفال با هشدار به مسلمانان در مورد خیانت‌کاران، می‌فرماید: ۷۱. وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۰ و [لی اگر بخواهند به تو خیانت کنند، پس پیش از (این نیز) به خدا خیانت کردند؛ و (خدا شما را) بر آنان مسلّط کرد؛ و خدا دانای فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به مسلمانان هشدار می‌دهد که ممکن است برخی از اسیران از برنامه‌های انسانی و برخورد نرم اسلامی با آنان سوء استفاده کنند و بخواهند در ظاهر مسلمان شوند و در صدد خیانت و انتقام‌جویی برآیند، که باید مسلمانان هوشیار باشند و جلوی خیانت‌کاران را بگیرند. ۲. مقصود از خیانت قبلی دشمنان به خدا آن است که آنان ندای فطرت خویش و حکم عقل را پشت سر انداختند و برای خدا شریک قایل شدند و بر خلاف تعالیم قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله به بت‌پرستی روی آوردند. «۱» ۳. در این آیه دو صفت «علم» و «حکمت الهی» آورده شده است؛ یعنی خدا از نیّت‌ها و کارها آگاه است و دستورات او در مورد اسیران بر اساس حکمت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خیانت‌کاری دشمنان اسلام سابقه‌ای تاریخی دارد، ولی در نهایت پیروزی از آن مسلمانان است. ۲. خیانت به رهبر اسلام از خیانت به خدا جدا نیست. ۳. مخالفان اسلام خیانت نکنند که ره به جایی نمی‌برند. ***

چهار گروه و قوانین آنها

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی انفال با اشاره به سه گروه مهاجران، انصار و مؤمنان غیرمهاجر و لزوم امـدادرسانی به آنان می‌فرماید: ۷۲. إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ وَالَّذِینَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولئِکَ بَعْضُهُمْ أَوْلِیَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِینَ آمَنُوا وَلَمْ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۱ یُهَاجِرُوا مَا لَکُمْ مِن وَلَایَتِهِم مِن شَیْءٍ حَتَّی یُهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوکُمْ فِی الدِّینِ فَعَلَیْکُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَی قَوْمٍ بَیْنَکُمْ وَبَیْنَهُم مِیثَاقٌ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ در حقیقت کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و با اموالشان و جان‌هایشان در راه خـدا جهاد کردند، و کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، آنان، برخی‌شان یاران برخی [دیگر] اند؛ و کسانی که ایمان آوردنـد و مهاجرت نکرده‌اند، هیچ گونه ولایت (و یاری) آنان بر عهده شـما نیست؛ تا این که هجرت کنند؛ و اگر در مورد دینِ (خود) از شما یاری طلبند، پس بر شما یاری (آنان واجب) است؛ مگر بر ضد گروهی که میان شما و میان آنان، پیمان محکمی است؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نوعی از پیوندهای اجتماعی جامعه‌ی اسلامی را مشـخص می‌کنـد و روابـط سه گروه از مسـلمانان را بیـان می‌کنـد که عبارت‌انـد از: مهـاجران نخسـتین، انصـار و مؤمنـانی که هنـوز مهاجرت نکرده‌اند. ۲. برای گروه مهـاجران چهـار ویژگی «ایمان، هجرت، جهاد اقتصادی و جهاد جانی»، اما برای انصار دو ویژگی «پناه دادن به مؤمنان مهاجر و یاری‌گری» بر شـمرده شـده است. ۳. مهاجران و انصار دو رکن اساسـی جامعه‌ی اسلامی مدینه بودند، که بر اساس آیه‌ی فوق در برابر یک‌دیگر متعهـد و مسـئول شـناخته شدند. آنان به یک‌دیگر یاری می‌رساندند و از هم دیگر بی‌نیاز نبودند. ۴. اگر کسـی مسـلمان شود و بدون عذر در سـرزمین کفر بماند، مسـلمانان نسبت به او مسئولیتی ندارند، ولی اگر دین او در خطر بیفتد و از مسـلمانان یاری بطلبد، مسـلمانان موظف‌اند که به او کمک کنند. این اسـتثنا نشان تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۱۳۲ می‌دهـد که اسـلام برای حفظ دین و عقیده‌ی مردم بیش از هر چیز اهمیت قایل است. ۵. قرآن کریم در این آیه مـوردی را که مسـلمانان با بیگانگان پیمان بسـته‌اند اسـتثنا می‌کند و می‌گوید: «در این صورت مسلمانان حق حمایت از دین مسلمانان غیرمهاجر را هم ندارند». این مطلب نشان می‌دهد که اسلام به عهد و پیمان بسیار اهمیت می‌دهد و عهدشکنی را به شدت ردّ می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مهاجران و انصار حمایتگر و مدافع یک‌دیگرند؛ چون پیوند نوین اجتماعی دارند. ۲. احترام به پیمان‌های بین المللی اسلام با کفّار، مهم‌تر از حمایت از مسلمانان است. ۳. مؤمنانی که در سرزمین کفر زندگی می‌کنند به سوی جامعه‌ی اسلامی هجرت کنند تا از ولایت و حمایت آن برخوردار شونـد. ۴. از عقیده و دین مسـلمانانی که در سـرزمین کفار زندگی می‌کنند حمایت کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتـاد و سوم سوره‌ی انفـال بـا اشاره به هم‌بسـتگی کافران و هشـدار در مورد پیامـدهای ترک دسـتورات الهی می‌فرماید: ۷۳. وَالَّذِینَ کَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِیَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَکُن فِتْنَةٌ فِی الْأَرْضِ وَفَسَادٌ کَبِیرٌ و کسانی که کفر ورزیدند، برخی آنان یاوران برخی [دیگر] انـد؛ اگر این (دسـتورات) را انجام ندهیـد، آشوبگری و تباهی بزرگی در زمین روی می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق این هشـدار را به مسـلمانان می‌دهد که کافران حمایت‌گر یک‌دیگرند و اگر شما ولایت مؤمنان را رعایت نکنیـد و از دسـتورات الهی پیروی نکنید، کافران بر شـما طمع می‌کنند و گرفتار فتنه و تباهی می‌شوید. ۲. مقصود از «فتنه» در این جا هر گونه اختلاف و پراکندگی و تزلزل در مبانی عقیدتی مسـلمانان بر اثر وسوسه‌های دشمنان است؛ و مقصود از «فسـاد»، هر گونه نابسامانی و خرابی نظام‌های اجتماعی است که سـبب ریخته شـدن خون بی‌گناهان و ناامنی می‌شود. «۱» ۳. هر گاه مسـلمانان پیونـدهای اجتماعی خود را رعایت نکننـد و به یک‌دیگر امـداد نرسانند، گرفتار دسـیسه‌های دشـمن می‌شوند و نقشه‌هـای آنـان در برانـداختن آیین حق و عـدالت کـارگر می‌شود، که این بالاـترین فتنه و فساد است. ۴. برخی مفسـران از این آیه اسـتفاده کرده‌انـد که اگر قراردادهـای بین المللی با کافران را به خاطر حمایت از مسـلمانان غیرمهاجر، رعایت نکنیـد، همه‌ی کافران علیه شـما بسیـج خواهند شد و فتنه‌ای بزرگ پیش خواهد آمد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رعایت نکردن دسـتورات الهی سبب فتنه و

تباهی بزرگی می‌شود. ۲. کافران را مردمی پراکنده ندانید، آنان هم‌بستگی دارند (و در مواقع لزوم علیه شما متحد می‌شوند). ***

تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۴ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی انفال مؤمنان حقیقی و پاداش آنان را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۷۴. وَالَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ وَالَّذِینَ آوَوا وَنَصَرُوا أُولئِکَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقّاً لَهُم مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ کَرِیمٌ و کسانی که ایمان آوردند و هجرت نمودند و در راه خدا جهاد کردند، و کسانی که پناه دادند و یاری نمودند، تنها آنان مؤمنان حقیقی‌اند؛ برای آنان، آمرزش و روزیِ ارجمندی است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بار دیگر به مهاجران و انصار و ویژگی‌های برجسته‌ی آنان و پاداش‌های ارزشمندشان اشاره شده است. این مطلب ارزش این افراد و صفات آنها را از نظر اسلام نشان می‌دهد. ۲. هجرت و جهاد دو عامل اصیل پیروزی اسلام بر کفر بود و اگر هجرت نبود، اسلام در محیط مکه محبوس می‌شد. آری؛ هجرت اسلام را از شکل منطقه‌ای بیرون آورد و به صورت بین‌المللی درآورد و جهاد به مسلمانان رشد داد و به آنان آموخت که در برابر دشمنانِ بی‌منطق بر قدرت حق تکیه کنند. ۳. در اسلام چند هجرت واقع شده است: اول، هجرت مسلمانان از مکه به حبشه که بذر اسلام را در آفریقا پاشید. دوم، هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان از مکه به مدینه که به آنان «مهاجرین بدر» یا «المهاجرون الاولُون» گویند. سوم، هجرت گروهی از مسلمانان پس از صلح حُدیبیه، از مکه به مدینه که «هجرت ثانیه» خوانده می‌شود. «۱» ۴. هجرت هنوز هم یک قانون زنده در اسلام است و هر گاه شرایط زندگی تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۵ مسلمانان، مانند مسلمانان صدر اسلام در مکه، سخت شود، قانون هجرت درباره‌ی آنها برقرار خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان حقیقی را از ایمان، هجرت، جهاد، پناه دادن و یاری کردن مهاجران بشناسید. ۲. در شرایط خاص به وظایف اسلامی خود درباره‌ی هجرت و جهاد و پناه دادن و یاری‌گری مهاجران عمل کنید تا به آمرزش الهی و رزق شایسته برسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی انفال با اشاره به مهاجرین جدید، به رده‌بندی خویشاوندان اشاره کرده، می‌فرماید: ۷۵. وَالَّذِینَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَکُمْ فَأُولئِکَ مِنکُمْ وأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَی بِبَعْضٍ فِی کِتَابِ اللّهِ إِنَّ اللّهَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ و کسانی که بعد از [آن ایمان آورده و هجرت کرده و همراه شما جهاد نموده‌اند، پس آنان از شما هستند؛ و خویشاوندان، برخی آنان، نسبت به برخی [دیگر] در کتاب خدا، سزاوارترند. براستی که خدا به هر چیزی داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. جامعه‌ی اسلامی، یک جامعه‌ی مداربسته و انحصاری نیست، بلکه درهای آن به سوی همه‌ی مؤمنان و مهاجران و مجاهدان آینده نیز گشوده است و همگی جزء جامعه‌ی اسلامی به شمار می‌آیند. ۲. قانون ارث در زمان جاهلیت عرب از سه راه «فرزند پسر بودن»، «پسرخواندگی» و «پیمان» بود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۶ در آغاز اسلام نیز به همین روش عمل می‌شد تا این که قانون «برادری اسلامی» جای آن را گرفت و تنها مهاجران و انصار، که با یک‌دیگر پیمان برادری بسته بودند، از یک‌دیگر ارث می‌بردند و بعد از مدتی ارث اسلامی به خویشاوندان نسبی و سببی تعمیم یافت و قانون نهایی ارث فرود آمد. «۱» ۳. این آیه به معنایی گسترده از ولایت و اولویت خویشاوندان نسبت به یک‌دیگر اشاره می‌کند که شامل مصادیقی هم چون ارث بردن خویشاوندان از هم، اولویت افراد در احکامی مثل غُسل دادن میّت و حتی جانشینی امام علی علیه السلام به جای پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شود؛ از این رو در برخی احادیث در مورد امامت فرزندان امام حسین علیه السلام نیز به این آیه استدلال شده است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آغوش جامعه‌ی اسلامی به روی مؤمنان و مجاهدان و مهاجران جدید باز است. ۲. مهاجران و مجاهدان جدید را از خودتان بدانید (و آنها را بپذیرید). ۳. خویشاوندان حقوقی دارند (آنها را بشناسید و حق آنها را ادا کنید). «۳» *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۳۷

بخش دوم: سوره‌ی توبه

اشاره

قوانین اساسی ارتباطات مسلمانان با مشرکان افشاگری در مورد حالات روانی و درونی منافقان

اول: سیمای سوره‌ی توبه

اشاره

سیمای سوره توبه شمارگان سوره‌ی توبه در مدینه فرود آمد و دارای ۱۲۹ آیه و ۴۰۹۸ کلمه و ۱۰۴۸۸ حرف است. نزول این سوره صد و سیزدهمین سوره‌ی نازل شده بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ یعنی بعد از سوره‌ی مائده و در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده و در ترتیب فعلی قرآن نهمین سوره به شمار رفته است. مفسران آغاز نزول سوره‌ی توبه را در سال نهم هجری می‌دانند، و مطالعه آیات آن نشان می‌دهد که قسمتی از آن پیش از جنگ تبوک و قسمتی پس از مراجعت از جنگ نازل شده است، و ۲۸ آیه آغاز این سوره به وسیله علی علیه السلام در مراسم حج به مردم ابلاغ شد. «۱» نام‌ها نام‌های این سوره عبارت‌اند از: توبه، برائت، فاضِحَه، حافِرَهٔ، العذاب، سَیف، مُخْزِیه، مُنَکِلّهٔ، المُنقرهٔ و المُشَقْشَقَهٔ. واژه‌ی «توبه» به معنای «بازگشت» است و سبب نام‌گذاری این سوره به این نام، آیات ۱۱۷ و ۱۱۸ آن است که جریان پذیرفته شدن توبه یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و متخلفان از جنگ تبوک را بیان کرده است و به طور کلی، در این سوره درباره‌ی توبه سخن فراوانی رفته است. واژه‌ی «برائت» به معنای تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۰ «بی‌زاری جستن» است و به خشم خدا و پیامبرش نسبت به مشرکان اشاره دارد که در روز حج اکبر به همه مردم اعلان شد و در آیه‌ی یکم تا سوم این سوره آمده است. نام‌های دیگر این سوره، اغلب بدین جهت است که اسرار منافقان در این سوره افشا شده و رسوایی و ذلت آنان را به دنبال آورده است.

فضایل

درباره‌ی فضیلت خواندن این سوره از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هر کس سوره‌ی برائت و انفال را در هر ماه بخواند، روح نفاق در او داخل نمی‌شود و از پیروان راستین علی علیه السلام خواهد بود. «۱» تذکر: همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، تأثیرها و ثواب‌های هر سوره، برای قرائت و عمل به مفاد آن است و رابطه‌ی این سوره با امام علی علیه السلام در این است که ۲۸ آیه‌ی اول این سوره توسط آن حضرت در مراسم حج به مردم ابلاغ شد. ویژگی‌ها این سوره تنها سوره قرآن کریم است که با «بسم اللَّه الرحمن الرحیم»، آغاز نمی‌شود، و در این سوره ۱۶ آیه درباره‌ی توبه است.

اهداف

اهداف اساسی که در سوره‌ی توبه پی‌گیری شده است عبارت‌اند از: الف) بیان قوانین اساسی ارتباطات مسلمانان با مشرکان که شالوده‌ی حکومت اسلامی بر آن نهاده شده است. ب) افشاگری در مورد حالات روانی و درونی منافقان و پیروان سست عنصری که در لابه‌لای صفوف مؤمنان رخنه کرده بودند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۱

مطالب

الف) عقاید بیان انحراف اهل کتاب از حقیقت توحید و فرزند قرار دادن برای خدا (آیات ۳۰- ۳۱). ب) اخلاق ۱. سرزنش افراد تنبل و سست عنصری که با بهانه‌های مختلف به جهاد نمی‌روند؛ ۲. مدح و ستایش مؤمنان راستین و مهاجران نخستین (آیات ۲۰ و ۱۰۰). ج) احکام و قوانین ۱. بیان الغای پیمان با مشرکان و قطع رابطه با آنان و ممنوعیت حج انجام دادن مشرکان (آیات ۱- ۲۷)؛

۲. دستور به دادن زکات و پرهیز از تراکم ثروت (آیه ۱۰)؛ ۳. بیان لزوم تحصیل علم (آیه ۱۲۲)؛ ۴. بیان ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام (آیه ۳۶)؛ ۵. بیـان حکم گرفتن جزیه (مالیـات) از اهل کتاب. د) داسـتان‌ها ۱. داسـتان جنـگ تبوک و توبه متخلفان از جنگ (آیات ۴۱ و ۱۱۸)؛ ۲. اشاره‌ای به جنگ حُنین (آیه ۲۵)؛ ۳. اشاره‌ای به قوم نوح، عاد، ثمود، ابراهیم، مدین و مؤتفکات (آیه ۷۰). ه) مسائل فرعی ۱. بیان نشانه‌های منافقان و سرنوشت آنان (آیات ۴۵ به بعد)؛ ۲. هشدار به مسلمانان در مورد توطئه دشمنان در مسجد ضرار (آیه ۱۰۷)؛ ۳. دعوت مسلمانان به اتحاد؛ ۴. ترسـیم خطمشی حکومت اسلامی با گروه‌ها و جناح‌های مخالف؛ ۵. بیان اهمیت جهاد در راه خدا (آیه ۴۱)؛ ۶. تشویق مردم برای تعمیر مساجد (آیه ۱۸). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۲

دوم: محتوای سوره‌ی توبه

قرآن کریم در نخستین آیه‌ی این سوره از مشرکان اعلام بیزاری کرده و می‌فرمایـد: ۱. بَرَاءَةٌ مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی الَّذِینَ عَاهَدْتُم مِنَ الْمُشْرِکِینَ (این آیات، اعلام) عدم تعهّدی است، از طرف خدا و فرسـتاده‌اش نسبت به کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بسته‌اید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر طبق نقل بسـیاری از مفسـران و محدثان و مورخان اسلام، هنگامی که آیه‌ی فوق و بیست و هفت آیه بعد از آن فرود آمد و پیمان‌های مشـرکان را لغو کرد، پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله این فرمان را برای ابلاغ، به ابوبکر داد تا در مراسم حج بر مردم بخواند؛ سـپس آن را به فرمان جبرئیل باز پس گرفت و ابلاغ آن را به علی علیه السلام واگذار کرد تا در روز حج اکبر برای مردم بخواند و فرمود: ابلاغ این سوره تنها باید به واسـطه‌ی کسـی باشد که او از من است و من از او هستم. این ماجرا به عنوان فضیلت بزرگی برای امام علی علیه السـلام ثبت و در بسـیاری از کتاب‌های شیعه و اهل سنت از راه‌های مختلفی حکایت شده است. «۱» ۲. این آیه به سال هشـتم هجری مربوط است که مکه فتح شده بود؛ اما تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۳ مشرکان همچنان برای انجـام مراسم عبـادی خود که آمیخته با خرافات و انحرافات بود، به مکه می‌آمدنـد و گاهی برهنه به طواف کعبه می‌پرداختنـد. این وضع برای مسـلمانان تحمّل‌ناپـذیر بود، آیه‌ی فوق و آیات بعـد از آن فرود آمد و به این وضع نامطلوب خاتمه داد. ۳. در محیط دعوت اسـلام، در عصـر پیامبر صـلی الله علیه و آله گروه‌های مختلفی وجود داشـتند که برخی با مسـلمانان پیمانی نداشـتند، و برخی دیگر پیمان موقت در مدت معیّنی داشتند، و برخی نیز پیمان‌های دائمی داشتند، ولی درصدد پیمان‌شکنی و یافتن فرصتی برای حمله به مسـلمانان بودنـد. «۱» ایـن آیـه پیمـان مسـلمانان بـا گروه اخیر را لغـو و عـدم تعهّـد نسـبت بـه آنـان را اعلاـم کرد، «۲» تا فرصـت پیمان‌شـکنی، توطئه و شبیخون به مسـلمانان را پیدا نکنند. ۴. با این‌که اسـلام به وفای عهد بسـیار اهمیت می‌دهد، از این آیه استفاده می‌شود که هرگـاه نشانه‌هـایی از توطئه و نقض پیمـان مشاهـده شـد، مسـلمانان حق دارنـد، پیمـان را یک‌جـانبه لغو کننـد، ولی باید جوانمردانه لغو پیمان را اعلام نماینـد. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. خدا و رسول نسـبت به مشـرکان (پیمان‌شکن) تعهّدی ندارند. ۲. از مشـرکان بیزاری بجویید و برائت خود را اعلام کنید. *** تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۴ قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی توبه به مشـرکان چهار ماه برای تفکر و گردش فرصت داده و می‌فرماید: ۲. فَسِیحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللّهِ وَأَنَّ اللّهَ مُخْزِی الْکَافِرِینَ پس چهـار مـاه (مهلت داریـد که آزادانه) در زمین گردش کنیـد، و بدانیـد که شـما عاجز کننـده خـدا نیستیـد، و (بدانیـد) که خدا رسوا کننده‌ی کافران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به مشـرکان بت‌پرست چهار ماه مهلت داده شد، تا در زمین گردش «۱» و سـیر و سیاحت و تفکر کنند و تصمیم بگیرند که پس از انقضای چهار ماه یا از آیین بت‌پرستی دست بردارنـد و یـا برای پیکـار آمـاده شونـد. از این مطلب اسـتفاده می‌شود که اسـلام می‌خواسـته اصول انسـانی و تربیتی رعایت گردد و مسـلمانان بدون مقدمه به دشـمن حمله نکنند. ۲. اسـلام در برابر کـافران دو گونه برخورد دارد: گروهی از کـافرانِ اهل کتاب مانند یهودیـان و مسیحیان را تحمّـل می‌کنـد و پیمـان آنـان را- در صورتی که توطئه نکننـد- محترم می‌شـمارد و آنان می‌تواننـد در پناه حکومت اسـلامی زنـدگی کننـد. اما با گروهی از کافران، مانند بت‌پرسـتان، به شدت برخورد می‌کند و با لغو پیمان، به آنان اخطار

می‌نمایـد که بین جنگ و تسلیم یکی را انتخاب کننـد؛ زیرا بت‌پرستی یک مـذهب و دین نیست، بلکه یک روش خرافی و موهوم است که با منطق و عقل سازگار نمی‌باشد؛ از این رو، برای اسلام تحمّل‌ناپذیر بوده و بساط آن را بر می‌چیند. ۳. اعلام برائت توسط امام علی علیه السلام در روز دهم ذی الحجه یعنی عید تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۵ قربان بود؛ بنابراین، پایان مهلت، روز دهم ماه ربیع الثانی سال بعـد بوده «۱» و در تفاسیر آمده است که بسیاری از بت‌پرستان از این مهلت چهار ماهه استفاده کردند و با مطالعه بیش‌تر در تعالیم اسلام، مسلمان شدنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به دشـمنان اسلام فرصت تفکر وتصمیم‌گیری دهید (تا شاید هدایت شوند). ۲. اسلام اجازه نمی‌دهد مسلمانان ناجوانمردانه و بدون اعلام قبلی به دشمن حمله کنند. ۳. فرار از حکومت الهی و ناتوان کردن خدا ممکن نیست. ۴. آیه به مشرکان اعلام می‌کنـد دست از کفر بردارید که فرجام کافران، خواری و رسوایی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی توبه بار دیگر بر بیزاری از مشرکان تأکید کرده و می‌فرمایـد: ۳. وَأَذَانٌ مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی النَّاسِ یَوْمَ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ أَنَّ اللّهَ بَرِیءٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَیْرٌ لَکُمْ وَإِن تَوَلَّیْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّکُمْ غَیْرُ مُعْجِزِی اللّهِ وَبَشِّرِ الَّذِینَ کَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِیمٍ و (این آیات،) اعلامی است از طرف خـدا و فرستاده‌اش به مردم، در روز [: عیـد قربان حج بزرگ [به این که: خـدا و فرستاده‌اش نسبت به مشرکان تعهّدی ندارنـد! و اگر توبه کنید، پس آن برای شما بهتر است؛ و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۶ اگر روی برتابیـد، پس بدانیـد که شـما عاجز کننـده خدا نیستید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، به عذابی دردناک مژده ده! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اعلام عمومی برائت و بیزاری از مشرکان در ایام حـج و در روز عید قربان به واسطه‌ی امام علی علیه السلام صورت پذیرفت «۱» تـا همه مسلمانان و غیرمسلمانان از آن آگاهی یابنـد و راه بهانه جویان بسته شود و از این رو است که فرمود: به همه مردم اعلام می‌شود و نفرمود: فقط به مشرکان اعلام می‌شود. ۲. در اعلامیه عمومی که به واسطه‌ی امام علی علیه السلام قرائت شد، مواد چهارگانه ذیل اعلام گردید: الف) الغای پیمان مشرکان؛ ب) ممنوعیت شرکت مشرکان در مراسم حج سال آینـده؛ ج) ممنوعیت طواف افراد برهنه به دور کعبه؛ د) ممنوعیت ورود مشرکان در خانه خـدا «۲». ۳. مقصود از «الحـج الاکبر» در این آیه همان روز عید قربان سال هشتم هجری است. در احادیث اسلامی آمده است که در آن سال مسلمانان و مشرکان در مراسم حـج شرکت کرده بودند؛ از این رو، به آن حج بزرگ گفته شد، و یا به خاطر آن‌که مراسم حج، بزرگ‌تر از مراسم عمره است، به آن «حـج اکبر» گفته می‌شود «۳». ۴. قبول آیین توحیـد در دنیـا و آخرت به سود مردم است، و تمـام نابسامانی‌هـا در پرتو آن سامان می‌یابـد؛ یعنی پذیرش اسلام برای خدا و پیامبر سودی ندارد، بلکه سود آن به خود افراد باز می‌گردد. ۵. قرآن کریم در آیه‌ی فوق از روش «تشویق و تهدید» استفاده کرده است تا مردم را هدایت کند و این یکی از شیوه‌های تربیتی قرآن کریم است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهترین زمـان و مکان و حضور همگانی را برای اعلام عمومی انتخاب کنیـد (تا تاثیر بیش‌تری داشته باشد و زمینه‌ی بهانه جویی‌ها برداشته شود). ۲. این آیه به رهبران الهی و مبلغـان دینی می‌آموزد که برای تربیت و هـدایت مردم از شیوه هشـدار و تشویق در کنار هم استفاده کننـد. ۳. خـدا و رهبران الهی نسبت به مشرکان پیمان شکن، تعهدی ندارند. ۴. راه بـازگشت و توبه به سوی مخالفـان اسلام بـاز است. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهـارم سوره‌ی توبه پیمان گروهی از مشرکان را محترم شمرده و می‌فرماید: ۴. إِلَّا الَّذِینَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ ثُمَّ لَمْ یَنقُصُوکُمْ شَیْئاً وَلَمْ یُظَاهِرُوا عَلَیْکُمْ أَحَداً فَأَتِمُّوا إِلَیْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَی مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَّقِینَ مگر کسانی از مشرکان که [با آنان پیمان بستیـد، سپس هیچ چیزی (از تعهدات خود را) نسبت به شما فروگذار نکرده‌اند، و هیچ کس را بر ضدّ شـما پشتیبانی ننموده‌اند؛ پس پیمان آنان را تا پایان مدّتشان، نسبت به آنان محترم شمرید؛ [چرا] که خـدا پارسایـان (خود نگه‌دار) را دوست دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. الغای یک‌جانبه‌ی پیمان‌های مشرکان، مخصوص کسانی بوده که نشانه‌هایی از آمادگی آنان برای پیمان‌شکنی ظاهر شـده بود؛ اما کسانی که بر پیمان خود استوار بودند، پیمانشان محترم شمرده شد. ۲. از گزارش‌های مورّخان و مفسران استفاده می‌شود که مقصود از کسانی که پیمان مدّت‌دار داشتند و بر مواد پیمـان خود وفادار ماندنـد، تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۱۴۸ طایفه‌هـای «بَنی کَنانه»، «بَنی ضَمْرة» «۱» و احتمالًا «بنی

خُزاعهٔ» «۲» بوده‌انـد که پیمان آتش بس با پیامبر داشـتند و نُه ماه آن باقی مانـده بود و پیامبر تا پایان مدت نسبت به پیمانشان وفادار ماند. ۳. از این آیه اسـتفاده می‌شود که وفـاداری به پیمـان بـا تقوا و پارسـایی ارتبـاطی تنگاتنگ دارد و یکی از نشانه‌های تقواست. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. هر کس پیمـانش را با شـما رعایت کرد، پیمان او را محترم بشـمارید. ۲. وفـاداری به پیمان لازم است، اگرچه طرف مقابل مشـرک باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی توبه به لزوم برخورد شدید با مشرکان و باز بودن راه توبه اشاره کرده و می‌فرماید: ۵. فَإِذَا انسَـلَخَ الْأَشْـهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِن تَـابُوا وَأَقَامُوا الْصَّلَـاةَ وَآتَوُا الزَّكَـاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ و هنگامی که ماه‌های حرام سپری شـد، پس مشـرکان را هر کجا آنان را یافتیـد به قتل رسانیـد؛ و آنان را (به اسارت) بگیرید؛ و آنان را بازداشت کنید؛ و در هر کمینگاه، بر [سـر راه آنان بنشـینید. و اگر توبه کننـد، و نماز را به پا دارنـد، و [مالیاتِ زکات را بپردازنـد، پس رهایشان سازیـد؛ [چرا] که خدا بسـیار آمرزنده [و] مهرورز است. تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۴۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «ماه‌های حرام» در این آیه همان چهار ماه مهلتی اسـت که در ابتـدای سوره برای مشـرکان قرار داده شـده بود که از دهم ذی الحجه سـال نهم هجری آغاز شـد و دهم ربیع الثانی سال دهم هجری پایان یافت. به این مطلب در احادیث متعـددی نیز اشاره شـده است «۱». ۲. در این آیه چهار دسـتور شدید در مورد مشرکان پیمان‌شـکن صادر شده است که عبارت‌اند از: «بسـتن راه‌ها بر آنان، محاصـره کردن، «۲» اسـیر ساختن و کشـتن آن‌ها در هر مکان و زمان.» «۳» انتخـاب یکی از این چهار دسـتور به صورت اختیاری نیست، بلکه بر اساس شـرایط زمانی و مکانی و به تناسب اشـخاص مورد نظر عمل می‌شود تا مشـرکان به طور کامل در فشار قرار گیرنـد. ۳. اسـلام به آزادی مذهبی و ترک اجبار پیروان ادیان اهمیت می‌دهد، ولی این مطلب منحصـر به پیروان ادیان آسـمانی هم‌چون آیین‌های یهود و مسیحیت است؛ بنابراین، برخورد شدید اسلام با مشـرکان بدین جهت است که بت‌پرستی و شـرک، از نظر اسـلام یک برنامه خرافی و نوعی بیماری بشـریت است که باید ریشه کن شود. ۴. این آیه در همان حال که با مشـرکان به شدت برخورد می‌کند، راه بازگشت را می‌گشاید و اشاره می‌کند که اگر مشرکان توبه کردند و به وظایف تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۰ اسلامی خود عمل نمودند، در امنیت هستند و از نظر حقوق و احکام با سایر مسـلمانان تفاوتی ندارند. ۵. آیه‌ی فوق بر دو وظیفه بزرگ اسـلامی یعنی نمـاز و زکات تاکیـد کرده است؛ زیرا ادای این دو وظیفه‌ی بزرگ، نشـانه‌ای از اسـلام و توبه افراد مشـکوک به شـمار می‌آیـد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. مشــرکان را (پس از طیّ مراحل دعوت و اسـتدلال و پیمان بستن، اگر باز توطئه کردند) به شدّت سرکوب کنید. ۲. در پی دشـمن بروید و راه‌ها را کنترل کنید و در کمین توطئه‌گران پیمان‌شکن باشید. ۳. توبه مشـرکان پذیرفتنی است، به شرط آن‌که همراه با عمل باشد (نه فریب‌کارانه). ۴. نماز و زکات نشانه‌ی توبه است و کسـی که به این شـعائر دینی می‌پردازد، از تعرّض مسلمانان در امان است. ۵. تنها راه برخورد با مشرکان کشـتن آن‌هـا نیست، بلکه محاصـره و اسـارت نیز از راه‌هـای دیگر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی شـشم سـوره‌ی توبه، به دشـمنان اسـلام نیز حق پناهنـدگی و فرصت شـنیدن و تفکر و انتخاب آزادانه داده و می‌فرمایـد: ۶. وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَايَعْلَمُونَ و اگر یکی از مشـرکان از تو پناهنـدگی خواست، پس به او پناه ده تا سخن خدا را بشـنود؛ سپس او را به محل امنش برسان؛ این بدان سـبب است که آنان گروهی هسـتند که نمی‌دانند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حکایت شده که پس از الغای پیمان مشـرکان، یکی از بت‌پرسـتان از حضـرت علی علیه السـلام پرسید: اگر کسی از ما بعد از گذشتن این چهار ماه بخواهد پیامبر را ملاقات کند و مسائلی را با او در میان گذارد و یا سخن خدا را بشـنود، در امنیت خواهد بود؟ حضرت پاسخ داد: آری؛ سپس این آیه را گواه آورد «۱». ۲. برخی مورّخان حکایت کرده‌اند که پس از فتح مکه، پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله به مشرکان جنایت‌کار نیز فرصت بازگشت به مکه و مطالعه داد، و به «عُمیر بن وَهَب» که از آن حضـرت دو مـاه فرصت مطـالعه می‌خـواست، چهـار مـاه مهلت داد؛ البته معمولًا این افراد پس از تفکر و آشـنایی با تعالیم حیات بخش اسلام، مسلمان می‌شدند «۲». ۳. در آیات پیشین دستور سخت‌گیری در مورد مشرکان داده شد، ولی در این آیه

مطلب تعـدیل و به نرمی با مشـرکان برخورد شـده است، و این روشـی تربیتی است که شـدّت عمل را با نرمش بیامیزنـد تا نسـخه‌ای شفابخش به دست آید. ۴. هدف اسلام از برخورد با مشرکان گسترش حق، عدالت و توحید است؛ از این رو، به مخالفان پناهندگی و فرصت می‌دهد تا آزادانه در سرزمین اسلام رفت و آمد کنند و سخنان حق را بشنوند و به مطالعه و تفکر بپردازند، تا شاید هدایت شوند. ۵. عامـل مهم بی‌ایمـانی و شـرک، ناآگاهی است؛ همان‌گونه که سرچشـمه اصـلی ایمان، علم و آگاهی است؛ بنابراین، برای ارشـاد مردم لازم است امکانات کافی برای مطالعه و انـدیشه فراهم شود، تا به راه حق رهنمون شونـد. تفسـیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۱۵۲ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. افراد دشـمن حق پناهنـدگی مطالعاتی دارند. ۲. ریشه‌ی شـرک، ناآگاهی است (پس سـطح آگاهی افراد را بالا ببرید تا توحیدگرا شوند). ۳. به دشمنان اسلام فرصت مطالعه، تفکر و انتخاب آزادانه بدهید و در مدت مطالعه، سلامتی و امنیت آن‌هـا را تضـمین نماییـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی توبه، به دلیـل الغـای پیمان مشـرکان و موارد اسـتثنای آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۷. كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِندَ اللّهِ وَعِندَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِندَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ چگونه برای مشرکان پیمانی نزد خدا و نزد فرستاده‌اش خواهد بود؟! مگر کسانی که کنار مسجد الحرام (با آنان) پیمان بسته‌اید، و تا هنگامی که با شـما (بر عهد خود) پایدارند، پس (شـما نیز بر عهد) آنان پایدار باشید؛ [چرا] که خدا پارسایان (خود نگه‌دار) را دوست دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که مشرکان نباید انتظار داشته باشند خدا و فرسـتاده‌اش پیمـان آنـان را لغو نکننـد، در حـالی که آنـان بارهـا در عمـل نشـان داده بودنـد که هرگاه دسـتشان برسـد، ضـربه‌ای بر مسلمانان وارد می‌سازند. ۲. مقصود از نزد مسـجد الحرام، همان منطقه حرم یعنی منطقه‌ای تا فاصـله ۴۸ مایلی اطراف مکه است «۱» که صـلح حدیبیه و پیمان‌های پیامبر صـلی الله علیه و آله با قبایل عرب در این منطقه بسته شد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۳ ۳. مقصود این آیه از گروهی که اطراف مسـجد الحرام بـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله پیمـان بسـتند و بر پیمـان خود وفـادار ماندنـد، طوایفی مانند «بنو ضَمرة» بودند که ذیل آیه‌ی چهارم درباره‌ی آن‌ها سـخن گفته شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وفای به عهد با دشمنان اسـلام نیز لازم است؛ البته تا هنگامی که آنان به پیمان خود وفادارند. ۲. خدا انسان‌های پارسا را دوست دارد. ۳. خدا و فرستاده‌اش، پیمان مشـرکان عهدشـکن را به رسـمیت نمی‌شناسـند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتم سوره‌ی توبه به پیمان شـکنی و فریب‌کاری مشـرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸. كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَايَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلّاً وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ چگونه (برای مشرکان پیمانی باشد) و حال آن که اگر بر شـما غالب شوند، درباره شما هیچ خویشاوندی و هیچ تعهّدی را رعـایت نمی‌کننـد؟! شـما را بـا دهـان (و سـخنان) شـان خشـنود می‌کننـد، و حـال آن کـه دل‌هایشـان امتنـاع می‌ورزد؛ و اکـثر آنـان نافرمانبردارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان قریش اگرچه با پیامبر صلی الله علیه و آله و گروهی از مسلمانان خویشاوند تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۱۵۴ بودنـد «۱»، به این موضوع اعتنـایی نمی‌کردنـد؛ همـان‌گونه که پیمـان خود را بـا پیـامبر در عمـل رعایت نمی‌کردند. «۲» ۲. این آیه اشـاره دارد که دل‌هـای مشـرکان با زبانشان همسان نیست؛ زیرا دل‌های آن‌ها پر از کینه و انتقام جویی و سنگـدلی و بی‌اعتنـایی به پیمـان و رابطه خویشاونـدی است، هر چنـد بـا زبانشـان اظهار دوستی کننـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اکثریت مشرکان انسان‌هایی فاسق، فرمان‌گریز و دو چهره هستند. ۲. عمق کینه دشـمن را در هنگام قدرتش بشناسید، نه در هنگام ضعف. ۳. فریب ظاهرسازی و تبلیغات دشـمن را نخورید؛ آنان اگر بر شـما تسلط یابند، اصول انسانی را رعایت نمی‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی توبه، به مخالفت مشرکان با راه خدا و بدکاری آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹. اشْتَرَوْا بِآيَاتِ اللّهِ ثَمَناً قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَاكَانُوا يَعْمَلُونَ (مشـرکان) آیات خدا را به بهای اندکی فروختند؛ و (مردم را) از راهش بازداشتند؛ براستی چه بد است، آنچه را آنان همواره انجام می‌دادند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حکایت شده که «ابو سفیان» غذایی تهیه کرد و گروهی را به مهمانی فراخواند، تا از این طریق دشمنی آنان را در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله بر انگیزد. برخی مفسـران این آیه را اشاره به جریان یاد شـده دانسـته‌اند، ولی مفهوم آیه وسـیع است و شامل موارد مشابه نیز می‌شود که افرادی برای

حفظ منافع مادی خود از آیات الهی چشم‌پوشی کنند «۱». ۲. مشرکان، آیات الهی را با بهای ناچیز مادی معاوضه کردند و از آن‌جا که آیـات الهی ارزش زیـادی دارد، متـاع دنیـوی در برابر آن بسیـار نـاچیز است؛ پس در هر صورت این افراد زیان‌کـار شده‌انـد. ۳. بـدکرداری مشـرکان به این جهت بود که هم خود را از سـعادت و هدایت الهی محروم ساختند و هم مانع سـعادت دیگران شدند، و چه عملی از این بدتر است که انسان بار گناه خود و دیگران را بدوش کشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در برابر از دست دادن آیات الهی هر چه به دست آوریـد، انـدک است. ۲. مشـرکان را از مخالفت آنان با راه خـدا و بـدکرداری و دین فروشـی آن‌ها بشناسـید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی توبه، با اشاره به تجاوزکاری و عهدشـکنی مشـرکان می‌فرماید: ۱۰. لَايَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ درباره‌ی هیـچ مؤمنی، هیچ خویشاوندی وتعهدی را رعایت نمی‌کنند؛ وتنها آنان تجاوزکارانند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه در حقیقت تأکید مطالب آیه‌ی هشتم همین سوره است، با این تفاوت که در آیه‌ی هشـتم سـخن از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، ولی این آیه از هر فرد با ایمان سخن می‌گوید. ۲. مشرکان با همه‌ی افراد با ایمان دشـمنی دارند، و این مطلب مربوط به مسـلمانان نیست؛ بنابراین، اینان دشمنان حق، آیین توحید و همه‌ی مؤمنان هستند «۱». آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. پیمـان شـکنی نوعی تجـاوزگری است. ۲. مشـرکان، حرمت و پیمـان هیـچ مـومنی را محـترم نمی‌شـمارند. ۳. مشرکان را از پیمان شکنی و تجاوزگری آنان بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی یازده سوره‌ی توبه، بار دیگر راه بازگشت را برای مخالفان اسـلام می‌گشاید و می‌فرماید: ۱۱. فَإِن تَـابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الـدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ و اگر توبه کنند، و نماز را به پا دارند، و [مالیاتِ زکات را بپردازند، پس برادران دینی شما هستند؛ و آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند، تشریح می‌کنیم. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پنجم این سوره نیز مضـمون آیه‌ی فوق آمـده که در این‌جا مورد تأکید قرار گرفته است، و این خود از فنون فصاحت و بلاغت به شـمار می‌رود که مطالب پر اهمیت با تعبیرهای گوناگون تکرار شود، و از آن‌جا که مسئله بت‌پرستی و ضربه نهایی بر پیکر آن در محیط اسلام و برچیدن آخرین آثار آن از مسائـل بسیـار مهم می‌باشـد، قرآن این مطلب را با عبارتی جدیـد و نکاتی تازه تکرار کرده است. ۲. در آیه‌ی پنجم سـوره‌ی توبه آمـده بود: اگر مشـرکان توبه کردنـد و وظـایف خود را انجـام دادنـد، مزاحم آن‌هـا نشویـد، و راهشـان را بـاز گذاریـد؛ امـا این آیه می‌فرماید: اگر مشـرکان توبه کردند، برادر دینی شما هستند و این لطف بالاتری نسبت به آنان است که عواطف و فکر آنان را برای پذیرش اسـلام آماده‌تر می‌سازد. ۳. تعبیر «برادران دینی» که در آیه‌ی فـوق به آن اشـاره شـده، یکی از لطیف‌ترین تعبیرهـا در مورد پیونـد عـاطفی و مسـاوات افراد جـامعه است؛ یعنی همـان‌گونه که میان برادران تفاوتی نیست و در حقوق با هم مساوی هسـتند و در مشـکلات یار یک‌دیگر و به هم‌دیگر محبت می‌کنند، مسـلمانان نیز این‌گونه‌اند. ۴. در عصـر حاضر، مسلمانان جهان نیاز شدیدی به رابطه عاطفی و مساوات دینی در قالب پیونـد برادری دینی دارنـد، تا شـکاف‌های قومی، نژادی و طبقاتی آنان را به برادری اسـلامی تبـدیل کنـد؛ امـا صـد افسـوس کـه جـامعه مسـلمانان در عصـر حاضـر از ایـن پیونـد بـه دور افتـاده و برادران دیروز، بر اثر غفلـت و دسیسه‌های استعمارگران، در برابر هم صف کشـیده‌اند و این یکی از اسـرار عقب مانـدگی مسـلمانان است. ۵. از این آیه اسـتفاده می‌شود که اسـاس روابط عاطفی در اسـلام، مکتب است و برادری دینی در کنار برادری خونی مطرح می‌باشـد؛ یعنی ممکن تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۱۵۸ است کسـی برادر خونی ما نباشـد، ولی برادر دینی ما باشـد و نیز ممکن است کسـی برادر پدری یا مـادری مـا باشـد، ولی برادر دینی نباشـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با توبه کننـدگان برخوردی برادرانه داشـته باشـید. ۲. برادری حقیقی همان برادری عقیدتی و دینی است. ۳. نماز خواندن و زکات‌دادن، از نشانه‌های توبه واقعی و برادری دینی است. ***

پیشوایان کفر را بکشید

قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی توبه، خواستار برخورد شدید با پیمان شکنان می‌شود و می‌فرماید: ۱۲. وَإِن نَكَثُوا أَيْمَانَهُم مِن

بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِی دِینِکُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْکَفْرِ إِنَّهُمْ لَاأَیْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ یَنتَهُونَ و اگر سوگندهایشان را پس از پیمانشان شکستند، و در دین شما طعنه زدند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ [چرا] که آنان هیچ سوگندی برایشان (معتبر) نیست، تا شاید آنان (به کار خود) پایان دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ظاهراً مقصود از «عهد» و «ایمان» در این آیه همان پیمان آتش بس مشرکان با مسلمانان است، و از آن‌جا که مشرکان در عمل این پیمان را نقض کرده و آمادگی نقض کامل آن را در آینده داشتند؛ از این رو، این پیمان دیگر ارزشی نداشت. ۲. به باور برخی مفسران، مقصود از این آیه یهودیان یا اقوامی مانند رومیان بودند که در آینده با مسلمانان درگیر می‌شدند و یا منظور افراد مرتد و یا قریش بودند؛ اما همه این احتمال‌ها مردود است؛ «۱» زیرا مخاطبان آیات تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۵۹ فوق مشرکان هستند و براساس سیاق روشن می‌شود که مقصود گروهی از بت‌پرستان اطراف مکه یا سایر نقاط حجاز بوده‌اند. که در عمل پیمانشان را نقض کرده بودند، هر چند که مفهوم آیه به یک گروه و یا یک عصر خاص منحصر نیست و آیه در حقیقت یک دستور العمل همیشگی برای مبارزه مسلمانان با سران کفر است. ۳. در برخی احادیث، این آیه بر آتش افروزان جنگ جمل، یعنی ناکثین، تطبیق شده است. و این‌گونه احادیث از باب تطبیق بر مصادیق جدید در زمان‌های بعد است که وضعیتی مشابه مشرکان پیمان‌شکن داشته‌اند «۱». ۴. در آیه بیان شده که با سران کفر مبارزه کنید و نمی‌گوید با کافران معمولی و توده‌ی مردم آن‌ها مبارزه کنید؛ زیرا آنان از پیشوایان کفر و سرچشمه‌های فتنه و فساد پیروی می‌کنند؛ بنابراین، ریشه را بسوزانید و همت بلند دارید که طرف اصلی شما سران کفر هستند. ۵. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام نقل شده که با اشاره به این آیه فرمودند: طعنه زنندگان به دین کافرند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با پیمان‌شکنان و توهین‌کنندگان به دین، به شدّت برخورد کنید. ۲. در مبارزه، به سراغ سران دشمن و مراکز فرماندهی آنان بروید و آن‌ها تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۶۰ را از پای در آورید. ۳. هدف جهاد اسلامی پایان دادن به توطئه و عهدشکنی دشمنان اسلام است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی توبه، با اشاره به عوامل جنگ با مشرکان، به مسلمانان هشدار می‌دهد از پیکار با دشمن نهراسند، و می‌فرماید: ۱۳. أَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْماً نَکَثُوا أَیْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُم بَدَءُوکُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللّهُ أَحَقُّ أَن تَخْشَوْهُ إِن کُنتُم مُؤْمِنِینَ چرا با گروهی که سوگندهایشان را شکستند، و آهنگ اخراج فرستاده [خدا] کردند، پیکار نمی‌کنید؟! و حال آن که آنان نخستین بار (پیکار) با شما را آغاز کردند؛ آیا از آنان می‌هراسید؟! اگر مؤمنید، پس خدا سزاوارتر است که از (مخالفت) او بهراسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات این آیه نشان می‌دهد در میان مسلمانان، گروهی وجود داشتند که از جنگ با دشمن و قدرت آن‌ها می‌ترسیدند که قرآن به آن‌ها هشدار می‌دهد. ۲. شاید که برخی مسلمانان می‌پنداشتند لغو پیمان با مشرکان صحیح نیست؛ از این رو، به آنان پاسخ داده می‌شود که مشرکان خود مقدمات پیمان‌شکنی را فراهم کردند و در جنگ پیش‌قدم شدند. ۳. ظاهراً مقصود از «بیرون کردن فرستاده خدا» اخراج پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه در هنگام هجرت ایشان است؛ زیرا نخست قصد اخراج ایشان را داشتند؛ سپس نظرشان تغییر کرد و تصمیم به قتل او گرفتند و این موضوع بیان یک خاطره دردناک از جنایات بت‌پرستان است. ۴. از این آیه استفاده می‌شود که مشرکان پیمان‌شکن مهاجم بودند و مسلمانان نبردی دفاعی داشتند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۶۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اهداف جنگ و سوابق دشمن را برای رزمندگان بیان کنید تا انگیزه بیش‌تری برای پیکار داشته باشند. ۲. با پیمان شکنانی که به رهبر اسلام توهین کرده و آغازگر نبردند، پیکار کنید. ۳. مؤمن واقعی از (عذاب) خدا می‌هراسد نه از مردم. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی توبه، مسلمانان را به مبارزه با مشرکان فرا خوانده، نتایج آن را بر می‌شمرد و می‌فرماید: ۱۴. قَاتِلُوهُمْ یُعَذِّبْهُمُ اللّهُ بِأَیْدِیکُمْ وَیُخْزِهِمْ وَیَنصُرْکُمْ عَلَیْهِمْ وَیَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ با آن (مشرک) ان پیکار کنید، تا خدا آنان را با دستان شما مجازات کند؛ و رسوایشان سازد و شما را بر آنان یاری گرداند و سینه‌های گروه مؤمنان را شفا بخشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران بر این باورند که مقصود از «گروه مؤمنان» در این آیه، طایفه «بنی خُزاعه» می‌باشد که گروهی از بت‌پرستان ناجوانمردانه بر آنان حمله کردند و یا مقصود گروهی از مسلمانان یمن هستند که وقتی به مکه آمدند، مورد آزار

بت‌پرستان قرار گرفتند؛ اما بعید نیست آیه شامل همه مؤمنانی بشود که به نوعی تحت فشار بت‌پرستان قرار گرفته بودند. ۲. از این آیه استفاده می‌شود که رزمندگان اسلام عوامل اجرایی الهی هستند که خدا به دست آنان دشمنانش را عذاب می‌کند. ۳. این‌که در آیه می‌فرماید: «با مشرکان بجنگید، خدا آنان را به دست شما عذاب می‌کند» بر جبر دلالت ندارد، بلکه منظور آن است که خدا قدرتی در تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۶۲ اختیار رزمندگان اسلام گذاشته و نیّت پاکی به آنان داده که می‌توانند با آزادی اراده این کار را انجام دهند؛ همان گونه که به دوست خود می‌گوییم: امیدوارم خدا با دست تو این کار را اصلاح کند. ۴. سرنوشت مسلمانان در مسائل اجتماعی با هم پیوند دارد، و پیروزی گروهی، موجب شفا و آرامش دل سایر مؤمنان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از سنت‌های الهی آن است که خدا کارهای خود را از مسیر طبیعی آن انجام می‌دهد. ۲. جنگ با دشمنان اسلام دست کم چهار نتیجه دارد: پیروزی، عذاب دشمنان، رسوایی آنان و شفای دل مؤمنان. ۳. با دشمنان اسلام پیکار کنید تا نتایج شیرین آن را بچشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی توبه، به نتایج دیگر جهاد با دشمنان اسلام و باز بودن راه توبه اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۵. وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللّهُ عَلَى مَن يَشَاءُ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ و خشم شدیدِ دل‌های آنان را [از میان ببرد؛ و خدا توبه‌ی هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد؛ و خدا دانای فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل یکی از نتایج مبارزه با دشمنان را «شفای دل مؤمنان» معرفی کرد و اینک «فروکش کردند خشم دل مؤمنان» را یکی دیگر از آثار مبارزه معرفی می‌کند. ممکن است این مطلب نوعی تأکید باشد و یا جمله اول، به بهبودی ناراحتی‌ها و درد دل‌های مؤمنان اشاره کند و جمله دوم به آرامش دل آنان بر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۶۳ اثر شکست دشمن اشاره داشته باشد. آری جهاد و پیروزی موجب آرامش روحی و روانی و رفع نگرانی‌ها و تامین کننده بهداشت روانی جامعه است. ۲. در این آیه اشاره شده که ممکن است برخی مشرکان در آینده توبه کنند و خدا توبه‌ی آنان را بپذیرد، و این نوعی بشارت به مسلمانان بود؛ از این رو، برخی مفسران این آیات را از اخبار غیبی قرآن دانسته‌اند؛ زیرا آنچه قرآن بیان کرد، به وقوع پیوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهاد کنید تا بهداشت روانی مومنان تامین شود. ۲. خدا راه توبه و بازگشت را به روی دشمنان اسلام نیز باز گذاشته است. ***

آزمایش الهی و اهداف آن

قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی توبه، به آزمون انسان‌ها از طریق جهاد و حفظ اسرار اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۶. أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن دُونِ اللّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ آیا پنداشتید که رها می‌شوید، و حال آن که خدا هنوز کسانی از شما را که جهاد کردند، و جز خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان را، مَحرم اسرار نگرفته‌اند، (از دیگران) معلوم نداشته است؟! و خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشاره دارد که تنها با ادعای ایمان کارها سامان نمی‌یابد و شخصیت انسان روشن نمی‌شود مگر آن‌که با دو چیز آزمایش شود: نخست، مبارزه با دشمنان خارجی؛ یعنی جهاد در راه خدا. و دوم، مبارزه با دشمنان داخلی؛ یعنی حفظ اسرار و ترک همکاری با تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۶۴ منافقان و دشمنان. «۱» ۲. مقصود از «دانستن خدا» در آیه‌ی فوق همان «تحقق خارجی مطلب» و نفی معلوم است؛ یعنی خدا هنوز معلوم نداشته است، و گرنه بر طبق دلایل عقلی و آیات قرآن، خدا از همه چیز آگاه است. ۳. مقصود خدا از آزمایش انسان‌ها کشف امور مجهول نیست، بلکه برای پرورش و شکوفا کردن استعدادها و آشکار کردن اسرار درون انسان‌هاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا با جهاد و حفظ اسرار، مسلمانان را آزمایش می‌کند. ۲. اسرار جامعه اسلامی را جز با خدا و رسول و مؤمنان در میان نگذارید. ۳. ادعای ایمان کافی نیست و در آزمایش‌هاست که مؤمنان واقعی شناخته می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی توبه، آباد کردن مساجد توسط مشرکان را ممنوع اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۱۷. مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَن يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللّهِ شَاهِدِينَ عَلَى أَنْفُسِهِم بِالْكُفْرِ أُولئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ برای مشرکان سزاوار نیست (و حق

ندارنـد) که مساجـد خـدا را آباد کنند؛ در حالی که بر ضد خودشان به کفر گواهی می‌دهند! آنان اعمالشان تباه شده است؛ و آنان در آتشِ (دوزخ)، ماندگارنـد. تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۱۶۵ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیه در بـاره‌ی مسجد الحرام است، ولی حکم آن به مسجد الحرام اختصاص نـدارد و شامل همه مسـجدها می‌شود. ۲. گواهی مشـرکان بر کفرشان، از سخنان، کردار، مراسم عبادی و حـج آنان آشـکار می‌شد. ۳. شایـد پس از لغو پیمـان بـا مشـرکان و فرمـان مبارزه با آنان، یکی از موضوع‌هایی که مطرح شد، آن بود که حضور مشـرکان و کمک‌های مالی آنان سبب آبادی مسجد الحرام می‌شود؛ پس چرا آن‌ها را برانیم. این آیه در پاسخ به این پندار اعلام می‌کند که اعمال مشـرکان به خاطر کفرشان بی‌ارزش است، و از نیّت‌های ناپاک، عمل پاک و محصول مفیـد خدا پسـندانه به وجود نمی‌آید. ۴. عمران و آبـادی مساجـد شامـل آبـادی ساختمـان و تأسیسات و نیز اجتماع و آبادی معنوی آن‌هاست. ۵. از آیه استـفاده می‌شود که مشرکان نه حق شرکـت در مساجد را دارند و نه می‌توانند در تعمیر و بنای ساختمان مساجد کمک کنند و همه این امور باید به دست مسـلمانان انجام گیرد. ۶. از این آیه و آیه بعد این مطلب نیز استـفاده می‌شود که مسلمانان حق ندارنـد هـدایا و کمک‌هـای مشـرکان و کافران را برای ساختمان مساجـد بپذیرنـد. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. هر شخصـی و هر سرمایه‌ای شایسـتگی نـدارد که در راه آبادانی مساجـد به کار گرفته شود. ۲. دست کفار را از مراکز مـذهبی مسـلمانان کوتاه کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۱۶۶ قرآن کریم در آیه‌ی هیجـدهم سوره‌ی توبه، شـرایط پنـج‌گانه آباد کنندگان مساجد را بیان می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۸. إِنَّمَـا یَعْمُرُ مَسَاجِـدَ اللّهِ مَنْ آمَنَ بِـاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاهَ وَآتَی الزَّکَاهَ وَلَمْ یَخْشَ إِلَّا اللّهَ فَعَسَـی أُولئِکَ أَن یَکُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِینَ تنها کسـی مساجد خدا را آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده، و نماز را به پا داشته، و [مالیاتِ زکات را بپردازد، و جز از خـدا نهراسـیده است؛ و امیـد است که اینان از ره‌یافتگان باشـند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. دو شرط اول آباد کننـده‌ی مساجـد، یعنی ایمان به مبدأ و معاد، اعتقاد و زیر بنایی است؛ و بدون آن‌ها هیچ عمل پاک، شایسـته و خالصـی از انسان سر نمی‌زند. ۲. شرایط سوم و چهارم آباد کننده‌ی مساجد، یعنی نماز خواندن و زکات دادن، از شرایط عملی است؛ یعنی آباد کننده‌ی مسـجد، هم باید از راه نماز ارتباطی اسـتوار با خدا برقرار کند و هم پیوندش با خلق خدا از راه پرداخت زکات برقرار باشد. ۳. شـرط پنجم آبـاد کننـده‌ی مسـجد آن است که قلبش مملو از عشق به خـدا باشـد، و تنهـا در برابراو احسـاس مسـئولیت کنـد و از بندگان خدا نهراسد. ۴. همان‌گونه که ذیل آیه‌ی قبل بیان شد، مقصود از آباد کردن مساجد، هم آبادی مادی و هم معنوی است، و اموری ماننـد تعمیر، نظافت، فرش، روشـنایی، تـدریس، تبلیغ و عمران معنوی را در برمی‌گیرد. ۵. از آیه بـا توجه به انحصاری که از واژه‌ی «انّما» به دست می‌آید، استـفاده می‌شود که پاسداران و سـرپرست‌های مساجد نیز باید از میان انسان‌های مؤمن، شایسته کردار و شـجاع انتخـاب شونـد و دست‌هـای ناپـاک و آلوده از مراکز عبادی و محل اجتماع مسـلمانان کوتاه گردد. بر در میخانه رفتن کار یک‌رنگـان بـود خود فروشـان را به کوی می فروشـان راه نیست (حـافظ) ۶. این‌که در بـاره‌ی آبـاد کننـده‌ی مساجـد فرمود: «جز از نافرمانی خدا نهراسـند» اشاره به آن است که آبادی و نگه‌داری مادی و معنوی مساجد، جز در سایه شهامت و شجاعت ممکن نیست و این‌گونه افراد هسـتند که می‌تواننـد مساجد را به کانون‌های انسان‌سازی و کلاس‌های عالی تربیتی و ضد سـتم تبدیل کنند و تحت تأثیر هیچ قدرتی قرار نگیرند و جز برنامه‌های الهی در مسـجد پیاده نکنند. ۷. در احادیث اسلامی بر اهمیت بنای مساجد تأکید شده است؛ همان‌گونه که در حـدیثی از پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله آمـده است: هر کس مسـجدی بنا کنـد، هر چنـد به اندازه لانه مرغی باشد، خدا خانه‌ای در بهشت برای او خواهد ساخت. «۱» و نیز در حدیث دیگری از ایشان نقل شده است: هر کس چراغی در مســجدی برافروزد، فرشــتگان و حمـل کننــدگان عرش الهی، تـا هنگـامی کـه نـور آن چراغ در مســجد می‌تابـد، برای او آمرزش می‌خواهند. «۲» ۸. در احادیث اسـلامی برای کسانی که به مسـجد رفت و آمـد می‌کنند، بهره‌های فراوانی ذکر شده است؛ از جمله: پیـدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌هـای مفیـد و ارشـاد شـدن، دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی. «۳» تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۱۶۸ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. آبـادی مادی و معنوی مساجـد منحصـراً در اختیار انسان‌های مؤمن، شایسـته

کردار و شجاع است. ۲. آبادی مساجد زمینه ساز رسیدن به (مراتب عالی) هدایت است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی توبه، برتری مؤمنان مجاهد را بر خادمان مسجد الحرام یادآوری کرده و می‌فرماید: ۱۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَایَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ کَمَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِ اللّهِ لَایَسْتَوُونَ عِندَ اللّهِ وَاللّهُ لَایَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ آیا آب دادن به حاجیان، و آباد ساختن مسجد الحرام را، همانندِ (کار) کسی قرار دادید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟! (این دو گروه) نزد خدا مساوی نیستند؛ و خدا گروه ستمکاران را راه‌نمایی نمی‌کند. شأن نزول: داستان نزول این آیه در کتاب‌های شیعه و اهل سنت این‌گونه حکایت شده که «عباس» عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و «شَیْبَه» به یک‌دیگر افتخار می‌کردند و عباس به آب‌رسانی خود به حاجیان می‌بالید و شیبه به کلیدداری و تعمیر مسجد الحرام افتخار می‌کرد. علی علیه السلام که سخنان آنان را شنید، فرمود: من با سنّ کم خود، به این افتخار می‌کنم که شما با جهاد من ایمان آوردید. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۶۹ عباس ناراحت شد و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله از علی علیه السلام شکایت کرد و آیه‌ی فوق به این مناسبت فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه «سِقَایَة» به معانی «آب دادن»، «وسیله آب دادن»، «پیمانه آب» و نیز «ظرف بزرگ آب» مثل حوض، آمده است. در مسجد الحرام، در میان چشمه‌ی زمزم و خانه کعبه محلی وجود داشته که به نام «سِقایةُ العباس» مشهور بوده است؛ گویا در آن‌جا ظرف بزرگی می‌گذاشتند، تا حاجیان از آن آب بردارند. ۲. منصب کلیدداری و آبادانی مسجد الحرام احترام فوق العاده داشت؛ زیرا کعبه مقدس‌ترین و بزرگ‌ترین کانون مذهبی حتی در زمان جاهلیت به شمار می‌آمد. ۳. در سرزمین خشک حجاز غالب ایام سال هوا گرم است، و حاجیان نیاز شدیدی به آب دارند، و از این رو، منصب آب‌رسانی و سقایت حاجیان مهم بوده است و این مقام در ردیف منصب کلیدداری خانه کعبه به شمار می‌آمده است. ۴. از این‌که ایمان به خدا و قیامت در برابر آب‌رسانی و آبادانی مسجد الحرام قرار گرفته، استفاده می‌شود که آیه‌ی فوق بین حالت شرک و ایمان مقایسه می‌کند، و شاید از این روباشد که در پایان آیه به هدایت نشدن ستمکاران اشاره شده است؛ زیرا اعمال نیک مشرکان نیز با ظلم شرک همراه بوده است «۲». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۰ ۵. این آیه در مورد امام علی علیه السلام فرود آمده است، ولی مطلب آیه منحصر به شأن نزول نیست و شامل برتری مجاهدان و مهاجران دیگر نیز می‌شود، هر چند علی علیه السلام بالاترین مصداق آیه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رزمندگان با ایمان از خادمان مسجد الحرام برترند. ۲. مؤمنان مجاهد را در ارزش‌های اجتماعی و ارائه خدمات با دیگران مساوی قرار ندهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی توبه، بار دیگر برتری مهاجران رزمنده و مؤمن را بیان کرده و می‌فرماید: ۲۰. الَّذِینَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِندَ اللّهِ وَأُولئِکَ هُمُ الْفَائِزُونَ کسانی که ایمان آورده، وهجرت کرده، ودر راه خدا بااموالشان و جان‌هایشان جهاد نمودند، نزد خدا رتبه‌ای والاتر دارند؛ و تنها آنان کامیابند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بیان کرده که ملاک برتری نزد خدا، سه چیز است: ایمان، هجرت و جهاد با مال و جان «۱». مترس از جان فشانی گر طریق عشق می‌پویی چو اسماعیل باید سرنهادن روز قربانی ۲. در آیه اشاره شده که جهاد و کوششی در نزد خدا فضیلت دارد که در راه خدا باشد؛ یعنی با نیّت صحیح و در راستای اهداف الهی صورت پذیرد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستگاری و سعادت تنها در سایه ایمان، هجرت و جهاد به دست می‌آید. ۲. مؤمنان مهاجر و مجاهد را تکریم کنید و آنان را (در امتیازها) بر دیگران برتری دهید. *** قرآن کریم در آیات بیست و یکم و بیست و دوم سوره‌ی توبه، به پاداش‌های رزمندگان مؤمن و مهاجر اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۱ و ۲۲. یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِیهَا نَعِیمٌ مُقِیمٌ* خَالِدِینَ فِیهَا أَبَداً إِنَّ اللّهَ عِندَهُ أَجْرٌ عَظِیمٌ پروردگارشان آنان را مژده می‌دهد به رحمتی از جانب خویش، و خشنودی و باغ‌های (بهشتی) که در آن جا نعمت‌های پایداری برای آنان است؛* در حالی که در آن جا جاودانه ماندگارند، براستی که خدا، نزدش پاداشی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین، سه ویژگی انسان‌های برتر یعنی ایمان، هجرت و جهاد طرح گردید و در این آیات، سه موهبت و پاداش به آنان یعنی رحمت، خشنودی الهی و بهشت طرح گردیده است. ۲. در این آیه

پروردگـار خود به رزمنـدگان بشارت می‌دهـد، و این نشان دهنـده‌ی عظمت و جایگاه رفیع آنان نزد پروردگار است. حریم عشق را درگه بس بالاـتر از عقـل است کسـی آن آسـتان بوسـد که جـان در آستین دارد (حافظ) ۳. از آیه اسـتفاده می‌شود که نعمت‌هـای بهشتی بر خلاف کالاهای دنیوی، پایدار و همیشگی است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۲ بزن شمشیر و مُلک عشق بستان که ملـک عشق، ملک پایـدار است ۴. مقـام «رِضوان» یعنی خشـنودی خـدا، از بزرگ‌ترین مواهب و مقامـاتی است که خـدا به مؤمنـان مجاهـد می‌بخشـد، و این چیزی غیر از بهشت و رحمت الهی است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام مؤمنان مهاجر و مجاهد، بهشـت جاویدان، رضوان و رحمت الهی است. ۲. برای رزمندگان مؤمن و مهاجر پاداش‌های بزرگی در نظر بگیرد. ***

تقدیم پیوند مکتبی بر پیوند خویشاوندی

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی توبه، به مؤمنان در مورد همکاری با پـدران و برادران کافرشان هشـدار داده و می‌فرماید: ۲۳. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَاتَتَّخِذُوا آبَاءَکُمْ وَإِخْوَانَکُمْ أَوْلِیَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْکُفْرَ عَلَی الْإِیمَانِ وَمَن یَتَوَلَّهُم مِنکُمْ فَأُولئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ ای کسانی که ایمان آورده‌ایـد! اگر پـدران شـما و برادرانتان، کفر را بر ایمان ترجیـح دهنـد، (آنان را) سـرپرست و یاور مگیریـد! و هر کس از شـما که آنان را یاور و سـرپرست (خود) قرار دهد، پس تنها آنان سـتمکارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که به مسلمانان دسـتور جهاد با کافران داده شـد، برخی می‌دیدند خویشاوندانشان در میان مشـرکان بت‌پرست هسـتند، که در صورت جنگ باید از آنـان چشم بپوشـند. آیه نـاظر به حـال این افراد بوده و با بیان قاطعی به آنان هشـدار می‌دهـد. ۲. در این آیه اشـاره شـده کسانی که پدران و برادران کافر خود را به عنوان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۳ یاور برگزینند، ستمکارند؛ زیرا این افراد در اثر پیوند با بیگانگـان و دشـمنان خـدا، هم به خویشـتن، هم به جامعه و هم به فرسـتاده‌ی خـدا سـتم کرده‌انـد. دشـمن اگر دوست شود چنـد بار صاحب عقلش نشـمارد به دوست (سـعدی) ۳. مقصود آیه بریـدن پیونـد دوسـتی و محبت بـا خویشاونـدان و قطع رحم نیست، بلکه منظور آن است که بر سـر دو راهی‌ها نبایـد دوستی خویشاونـدان مانع اجرای حکم خـدا و جهاد در راه او گردد و انسان را از هدف مقدسش باز دارد و از این رو است که در آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی لقمان می‌خوانیم: «اگر پدر و مادر تو اصرار دارند چیزی را که شریک خـدا نمی‌دانی، برای او شـریک قرار دهی، هرگز از آنـان اطـاعت مکن، ولی در زنـدگی دنیـا با آنان به نیکی رفتار کن.» ۴. از آیه استفاده می‌شود که پدران کافر بر فرزندان مسلمان ولایت ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ضوابط مکتبی را بر روابط خانوادگی مقدم بدارید. ۲. هر کس ولایت کافران را بپذیرد، از سـتمکاران به شمار می‌آید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی توبه، بـه مسـلمانان هشـدار می‌دهـد کـه هـدف را از همـه چیز مهم‌تر بداننـد و می‌فرمایـد: ۲۴. قُلْ إِن کَانَ آبَاؤُکُمْ وَأَبْنَاؤُکُمْ وَإِخْوَانُکُمْ وَأَزْوَاجُکُمْ وَعَشِیرَتُکُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسَادَهَا وَمَسَاکِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَیْکُم مِنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِی سَبِیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یَأْتِیَ اللّهُ بِأَمْرِهِ وَاللّهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفَاسِقِینَ (ای پیامبر) بگو: «اگر پدران شـما و فرزندانتان و برادران شما و همسرانتان و خانـدان شـما، و اموالی کـه آنهـا را بـه دسـت آورده‌ایـد، و داد و سـتدی کـه از کسـادی آن هراسـناکید، و خانه‌هـایی کـه به آن خشـنودید، نزد تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۴ شـما از خـدا و فرسـتاده‌اش و جهـاد در راه او محبوب‌تر است، پس در انتظار باشـید تا خـدا فرمان (عـذاب) ش را (به اجرا در) آورد! و خدا گروه نافرمانبردار را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هنگامی که به مسـلمانان دسـتور جهاد داده شـد، برخی به فکر پدران، برادران و فرزندان کافر خویش بودند که می‌بایست با آنان بجنگند، و برخی دل در گرو سـرمایه‌ها و تجـارت خویش داشـتند که تا حـد زیادی در دست مشـرکان بود و با مسافرت‌های آنان به مکه رونق می‌گرفت و گروهی نیز که خانه‌های خوبی در مکه داشـتند، از ویرانی یا تعطیلی آن‌ها در جنگ هراس داشتند. این آیه ناظر به حال این افراد بوده و به آنان سـخت هشـدار می‌دهـد. ۲. در آیه به سـرمایه‌های هشت‌گانه زنـدگی مادی بشـر اشاره شـده است که چهار قسـمت آن‌هـا یعنی پـدران، فرزنـدان، برادران و همسـران، به گروه خویشـان نزدیـک مربوط است و قبیله نیز به گروه اجتماعی بشـر

مربوط می‌باشد و دو قسمت نیز به سرمایه و کار انسان‌ها ارتباط دارند و سرانجام به مسکن و خانه‌های پر ارزش اشاره شده است. ۳. مقصود آیه آن نیست که انسان سرمایه‌های اقتصادی و عواطف انسانی خود را نادیده بگیرد، بلکه منظور آن است که معیار ایمان واقعی را بیان کند. مؤمن واقعی کسی است که بر سر دو راهی حق و باطل، عشق به امور اقتصادی و زن و فرزند و خویشان، او را از خدا، پیامبر و جهاد باز نکند؛ مؤمن واقعی کسی است که امور اقتصادی در نظرش از دین او مهم‌تر نباشد. ۴. آیه شامل همه‌ی مسلمانان در همه‌ی عصرها می‌شود؛ در جهان امروز نیز اگر مسلمانان برای جهاد آماده نباشند و منافع مادی خود را بر رضای خدا و رسول ترجیح دهند، آینده آنان تاریک خواهد شد و به خطر خواهند افتاد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۵ ۵. ترجیح امور مادی بر خدا، پیامبر و جهاد، نوعی نافرمان‌برداری و فسق است، و این گونه دل‌باختگان زرق و برق زندگی مادی، شایستگی هدایت الهی را ندارند. ۶. در آیه، با جمله‌ای مبهم و سربسته دل‌باختگان دنیا تهدید شده‌اند؛ یعنی کسانی که منافع مادی خود را بر رضای خدا مقدم می‌دارند، صبر کنند تا کیفر الهی برسد، و یا این‌که خدا پیروزی پیامبرش را از راه دیگری و به واسطه‌ی افراد شایسته‌تری تحقق بخشد. ۷. آیه نفرموده است که خویشاوندان و سرمایه‌های مادی خود را دوست نداشته باشید، بلکه فرموده است آن‌ها را بیش‌تر از خدا و پیامبرش و جهاد دوست نداشته باشید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مسلمانان آماده باشند، در راه اهداف عالی اسلامی از همه چیز و همه کس خود بگذرند. ۲. ایمان واقعی افراد بر سر دو راهی‌ها آشکار و شناخته می‌شود. ۳. رفاه‌طلبانِ مسئولیت‌گریز، مشمول هدایت الهی نمی‌شوند. ۴. دوستی خدا و رسول و جهاد نباید از دوستی خویشان و سرمایه‌هایتان بیش‌تر باشد. ***

جریان جنگ سخت حنین

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی توبه، با اشاره به شکست مسلمانان در جنگ حُنَین با وجود جمعیت بسیار اشاره کرده و می‌فرماید: ۲۵. لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُدْبِرِينَ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۶ قطعاً خدا شما را در مکان‌های زیادی، و در روز حُنَیْن یاری کرد؛ آن هنگام که تعداد زیادتان، شما را به شگفت آورد، و [لی هیچ چیزی (از خطر) را از شما دفع نکرد، و زمین با گستردگی‌اش بر شما تنگ شد؛ سپس در حالی که پشت (به دشمن) کرده بودید، روی برتافتید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «حُنَین» نام سرزمینی در نزدیکی شهر طائف است که در سال هشتم هجری پس از فتح مکه، جنگی بین مسلمانان و باقیمانده مشرکان اطراف مکه در آن منطقه رخ داد. در این جنگ سپاه اسلام به دوازده هزار نفر می‌رسید که ده هزار نفر از مسلمانان شرکت کننده در فتح مکه و دو هزار نفر از تازه مسلمانان بودند و سپاه دشمن از قبایل سرسختی هم‌چون «هَوازِن» به سرپرستی «مالك بن عَوف» تشکیل شده بود که توطئه کردند تا به مسلمانان حمله کنند. خبر که به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، دستور داد سپاه اسلام به طرف حُنین حرکت کنند. سپاه بزرگ اسلام که از کثرت جمعیت مغرور بودند، صبح‌گاهان حرکت کردند که با حمله ناگهانی دشمن غافلگیر شدند و پیش‌قراولان سپاه فرار کردند و نظم لشکر در هم ریخت؛ اما گروهی هم‌چون علی علیه السلام مقاومت کردند و فراریان با فریاد عباس- عموی پیامبر- بازگشتند و سرانجام با یاری خدا سپاه دشمن شکست خورد و صد کشته، تعداد زیادی اسیر و غنائم بسیاری به جای گذاشت، و پس از جنگ نمایندگان قبیله‌ی هوازن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و مسلمان شدند. «۱» ۲. واژه‌ی «مَواطِن» جمع «مَوطِن» به معنای محلّی است که انسان برای اقامت دائمی یا موقت خود انتخاب می‌کند. و به میدان نبرد نیز گفته تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۷ می‌شود؛ زیرا رزمندگان برای مدتی در آن‌جا اقامت می‌کنند. ۳. مقصود از میدان‌های بسیار، جنگ‌هایی است که بین مسلمانان و دشمنان اسلام واقع شد. که گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن‌ها حضور داشت و گاهی حضور نداشت که مجموع این جنگ‌ها (غزوه‌ها و سَرایا) به هشتاد مورد می‌رسد «۱». ۴. در جنگ حُنین، پس از شکست ابتدایی، گروهی هم‌چون علی علیه السلام و عباس و چند نفر دیگر که تعدادشان را چهار یا نُه و یا صد نفر نوشته‌اند، در اطراف پیامبر صلی

الله علیه و آله ماندند، و گروه زیادی از افراد تازه مسلمان یا افراد سست عنصر فرار کردند «۲». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر امداد الهی نباشد، از سپاهیان فراوان نیز کاری ساخته نیست. ۲. مسلمانان از سرنوشت سپاه مغرور اسلام در جنگ حُنین درس عبرت بگیرند. ۳. امـدادهای الهی در صـحنه‌های نبرد را یادآوری کنید (تا روحیه و ایمان رزمندگان تقویت شود). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سـوره‌ی توبه، به پیروزی نهـایی مسـلمانان در جنـگ حُنین پس از امـدادهای الهی اشـاره کرده و می‌فرمایـد: ۲۶. ثُمَّ أَنْزَلَ اللّهُ سَکِینَتَهُ عَلَی رَسُولِهِ وَعَلَی الْمُؤْمِنِینَ وَأَنْزَلَ جُنُوداً لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَذلِکَ جَزَاءُ الْکَافِرِینَ تفسـیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۱۷۸ سـپس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد؛ و لشکریانی فرود آورد که آنها را نمی‌دیدید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، عذاب کرد؛ و این کیفر کافران است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «سَکینه» در اصل از ماده «سکون» و به معنای یـک نوع حـالت آرامش واطمینان است، که هرگونه شک، تردیـد، ترس و وحشت را از انسان دور می‌کنـد و او را در برابر حوادث سخت ثابت قـدم می‌گرداند. در برخی احادیث، «سـکینه» به «ایمان» یا «نسـیم بهشتی» معنا شده که با پیامبران الهی همراه بوده اسـت «۱». این تعبیرهـا بـدین جهت است که سـکینه بـا ایمـان رابطه دارد و مؤمنـان هنگـامی که به یـاد لطف و مرحمت الهی می‌افتنـد، بر ایمانشان افزوده «۲» و موجی از امید در دل‌هایشان پدیدار می‌شود. ۲. مقصود از ارتش نامرئی خـدا که در این آیه بدان اشاره شده، فرشـتگان و نیروهـای غیبی الهی است که برای تحکیم و تقویت روحیه مسـلمانان وایجـاد نیروی اسـتقامت در جـان و دل آنـان فرود می‌آمدند «۳». ۳. در آیه آمده است که خدا سـکینه و آرامش را «بر مؤمنان» فرود آورد و نفرمود «بر شما»؛ زیرا در میان جنگجویان مسـلمان برخی افراد منافق و دنیاطلب بودند که سـهمی از این آرامش نداشـتند. ۴. پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله از دشمن ترس نـداشت، بـا این حال، در آیه اشاره شـده که سـکینه و آرامش هم بر پیامبر و هم بر مؤمنان فرود آمـد؛ زیرا پیامبر و تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۷۹ مؤمنان به طور طبیعی از فرار لشـگر اسـلام نگران و مضـطرب بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سزای کفر کافران، عذاب الهی است. ۲. امدادهای الهی رمز پیروزی مسـلمانان در جنگ حُنین بود. ۳. برای پیروزی در جنـگ، تقویت روحی و نیروی کمکی هر دو لازم است. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی توبه، راه بازگشت و توبه را می‌گشایـد و می‌فرمایـد: ۲۷. ثُمَّ یَتُوبُ اللّهُ مِن بَعْدِ ذلِکَ عَلَی مَن یَشَاءُ وَاللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ سپس خـدا- بعـد از این (جنگ حُنَین)- توبه‌ی هر کس را بخواهـد (و شایسـته بدانـد) می‌پذیرد؛ و خدا بسـیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه فعـل «یَتُوبُ» به صورت مضـارع آمده است که بر اسـتمرار دلالت دارد؛ یعنی درهای توبه و بازگشت همواره بر اسـیران و فراریان باز است و هر کس شایسته باشد و به تـوبه واقعی توفیق یابـد و به سوی خـدا بـازگردد، مشـمول لطف الهی می‌شود. ۲. دربـاره‌ی این که مقصـود از «تـوبه» در این آیه چیست، سه احتمال از سوی مفسـران مطرح شـده است: یکم- توبه‌ی مسـلمانان فراری از جنگ؛ دوم- توبه از غرور نسـبت به فزونی جمعیت؛ سوم- توبه‌ی مشـرکان اسیر شـده. البته مفهوم آیه وسیع است و ممکن است همه‌ی این موارد نیز مورد نظر آیه بوده باشد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا همیشه آماده پذیرش توبه کنندگان است. ۲. توبه کنید و به آمرزش و رحمت الهی امیدوار باشید. ***

وظایف مسلمانان در برابر کافران

قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشـتم سوره‌ی توبه، ورود مشـرکان به مسـجد الحرام را ممنوع اعلام می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۲۸. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِکُونَ نَجَسٌ فَلَا یَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَیْلَةً فَسَوْفَ یُغْنِیکُمُ اللّهُ مِن فَضْلِهِ إِن شَاءَ إِنَّ اللّهَ عَلِیمٌ حَکِیمٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تنها مشـرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسالشان، نزدیک مسـجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسـید، پس در آینده اگر خدا بخواهد، شـما را از بخشش‌اش بی‌نیاز می‌سازد؛ [چرا] که خدا دانایی فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی توبه در سـال نهم هجری و بـا اعلاـم برائت از مشـرکان توسـط امـام علی علیه السـلام آغـاز شـد. در بنـد چهارمِ

اعلامیه‌ای که امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت کرد، آمده که مشرکان حق ورود به مسجد الحرام و طواف کعبه را ندارند؛ این آیه نیز همین مطلب را بیان می‌کند. ۲. واژه‌ی «نَجَس» به معنای هرگونه پلیدی است که گاهی به صورت حسّی و گاهی به صورت باطنی می‌باشد و اساساً به هر چیزی که طبع انسان از آن متنفر است، نَجَس گفته می‌شود، از این رو، این واژه به دردهای مزمن، اشخاص پست و شرور و فرسودگی نیز گفته می‌شود، «۱» و از آن‌جا که واژه تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۱ «نَجَس» معانی و مصادیق مختلفی دارد، نمی‌توان گفت این آیه بر نجاست و آلودگی ظاهری کافران مشرک دلالت دارد «۱». ۳. در این آیه به کسانی که می‌پنداشتند با نیامدن مشرکان به مکه، تجارتشان از رونق می‌افتد، پاسخ داده که خدا آن را جبران می‌کند؛ همان‌گونه که با گذشت زمان مشاهده گردید، با گسترش اسلام و روانه شدن سیل حاجیان به سوی مکه، این کمبود جبران شد و شهر مکه با آن‌که از نظر جغرافیایی در شرایط خشک و سنگلاخ قرار دارد، به صورت یک شهر آباد و یکی از کانون‌های تجارت در آمد. ۴. از آن‌جا که شرک یک خرافه تنفرآمیز و پلید است، اسلام با آن به شدت برخورد می‌کند و مشرکان را پلید معرفی می‌نماید. ۵. از دو صفت آخر آیه استفاده می‌شود که احکام و قوانین الهی بر اساس علم و حکمت الهی استوار است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اجازه ندهید مشرکان حتی به مسجد الحرام نزدیک شوند. ۲. روزی شما به دست کافران گردشگر نیست، بلکه به دست خداست. ۳. اگر به خاطر دین و دستورهای الهی با کفار قطع رابطه کردید، از نظر مسائل اقتصادی نگران نباشید که خدا جبران می‌کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست نهم سوره‌ی توبه، وظیفه‌ی مسلمانان را در برابر اهل کتاب (هم‌چون یهودیان و مسیحیان) بیان کرده، می‌فرماید: ۲۹. قَاتِلُوا الَّذِینَ لَایُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلَا بِالْیَوْمِ الآخِرِ وَلَایُحَرِّمُونَ مَاحَرَّمَ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا یَدِینُونَ دِینَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتَابَ حَتَّی یُعْطُوا الْجِزْیَةَ عَن یَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۲ با کسانی پیکار کنید که از افرادی هستند، که کتاب (الهی) به آنان داده شده، که به خدا، و به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند، و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام‌کرده، ممنوع نمی‌دارند، و به دین حق متدیّن نمی‌شوند تا این که [مالیاتِ جِزیه را به‌دست خود بپردازند، درحالی که آنان کوچکند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اسلام با مشرکان به عنوان «خرافه‌پرستان» به شدت برخورد می‌کند و خواستار جنگ با آن‌ها و ریشه‌کن نمودن آن‌ها می‌شود؛ اما در مورد اهل کتاب هم‌چون یهودیان و مسیحیان، یک درجه تخفیف داده، اجازه می‌دهد در کنار مسلمانان زندگی کنند؛ البته در صورتی که تسلیم و حاضر شوند به عنوان یک اقلیّت زندگی مسالمت‌آمیزی با مسلمانان داشته باشند و اسلام را محترم بشمرند و به تحریکات و تبلیغات مخالف اسلام دست نزنند و مالیات خاصی بنام «جِزیه» بپردازند؛ اما در صورتی که این شرایط را رعایت نکنند، اجازه پیکار با آنان را صادر می‌کند. ۲. واژه‌ی «جِزیه» در اصل از ماده «جَزا» گرفته شده و به معنای مالی است که غیر مسلمان در برابر حفظ مال و جانش به واسطه‌ی حکومت اسلامی، به مسلمانان می‌پردازد و این یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که افراد برای دفاع از موجودیّت و استقلال و امنیت کشور می‌پردازند؛ البته از آن‌جا که مسلمانان وظیفه جهاد را بر عهده دارند، این مالیات بر عهده‌ی آنان گذاشته نشده، ولی بر عهده‌ی افرادی هم‌چون اهل کتاب که تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، گذاشته شده است و از این رو است که کودکان، زنان، پیران و نابینایان اقلیّت‌های مذهبی از پرداخت آن معاف می‌باشند و چون این مالیات در برابر تأمین امنیت کافران تحت حمایت حکومت اسلامی است، اندازه مشخصی ندارد و مقدار آن متناسب با توانایی مالی تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۳ مالیات دهندگان است. ۳. در این آیه اشاره شده که «اهل کتاب»، هم‌چون یهودیان و مسیحیان، به خدا و قیامت ایمان ندارند؛ زیرا آنان به نوعی از شرک گرفتارند؛ همان‌گونه که در آیات بعدی اشاره خواهد شد که یهودیان «عُزَیر» و مسیحیان «عیسی را پسر خدا می‌دانستند و نیز در مورد قیامت عقایدی تحریف شده دارند «۱». ۴. در آیه به «رسول» و «دین» اشاره شده است؛ برخی مفسران احتمال داده‌اند که مقصود از آن دو حضرت موسی و عیسی و دین حقیقی آن‌ها باشد؛ اما ظاهر آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دین اسلام مراد است. ۵. در آیه اشاره شده که همه پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین، گرفتار انحراف‌های مذهبی و خرافات و آلودگی‌های حرام شده‌اند؛ «۲» بنابراین، باید فکر مذهبی خود را با اسلام

نوسازی کنند. ۶. واژه‌ی «صاغِرُون» در اصل به معنای کسانی است که به کوچکی راضی شوند؛ یعنی کافران باید مالیات جزیه را به عنوان خضوع در برابر اسلام بپردازند که نشانه‌ای از همزیستی مسالمت‌آمیز و قبول موقعیت یک اقلیت تحت حمایت و احترام به اکثریت است. شایان توجه است که این تعبیر توهین نیست، بلکه در حقیقت اشاره به شرایط تحت الحمایهٔ بودن (اهل ذِمّه بودن) آن‌ها اشاره دارد؛ یعنی اقلیت‌های مذهبی حق ندارند تبلیغات ضد اسلامی داشته باشند، یا با دشمنان همکاری کنند و یا در راه پیشرفت مسلمانان سدّی ایجاد نمایند که با روح خضوع سازگاری ندارد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با کافران لجوج پیکار کنید تا تسلیم شوند. ۲. از کافران اهل ذمّه، مالیات خاص (جزیه) بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی‌ام سوره‌ی توبه، به انحراف‌های عقیدتی یهودیان و مسیحیان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۰. وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللّهِ ذلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَبْلُ قَاتَلَهُمُ اللّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ و یهودیان گفتند: «عُزَیْر پسر خداست.» و مسیحیان گفتند: «مسیح پسر خداست.» این سخن آنان است در حالی که با دهانشان [می‌گویند]، که به گفتار کسانی که قبلًا کفر ورزیدند شباهت دارد، خدا آنان را بکشد، چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه «عُزَیر» در اصل همان «عَزرا» می‌باشد که در تاریخ یهودیان مطرح شده است؛ به این ترتیب که پس از حمله «بُختُ النَصر»- پادشاه بابل- و ویرانی شهرها و معبدهای یهودیان و سوخته شدن تورات و کشتار، اسارت و انتقال آنان به بابل که حدود یک قرن به طول انجامید، و هنگامی که «کورش»- پادشاه ایران- بر حکومت بابل پیروز شد، عَزرا که یکی از بزرگان یهود بود، نزد کورش رفت و شفاعت کرد که یهودیان به شهرهایشان بازگردند و تورات را بر اساس ذهنیات خود بازنویسی کرد. یهودیان چون «عزرا» را نجات‌بخش آیین خویش می‌دانند «۱» و برای او احترام فوق العاده‌ای قائل‌اند، به او لقب «ابنُ اللّه» (: فرزند خدا) دادند. این تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۵ لقب در اصل تشریفی بوده است ولی رفته رفته برخی از مردم عوام پنداشتند که به راستی عُزَیر پسر خداست. این تفکر در برخی از مردم زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز وجود داشت و از این رو، در برابر آیات قرآن که این مطلب را بازگو کرد، اعتراض نکردند. امروزه این تفکر انحرافی رفته رفته از میان یهودیان برچیده شده که در حقیقت، حاصل تلاش قرآن کریم در مبارزه با شرک و انحرافات است. ۲. در حدیثی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از یهودیان پرسید: شما اگر عُزَیر را به خاطر خدمات بزرگش احترام می‌کنید و او را با نام پسر خدا می‌خوانید، پس چرا این نام را بر موسی که از عزیر بیش‌تر خدمت کرد، نمی‌گذارید؟ یهودیان از پاسخ فرو ماندند «۱». ۳. درباره‌ی عقاید مسیحیان در مورد عیسی علیه السلام و پاسخ‌های قرآن کریم در این باره، ذیل آیه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی نساء و آیات ۱۷، ۷۲ و ۱۱۶ سوره‌ی مائده سخن گفتیم و بیان کردیم که مسیح علیه السلام هرگز ادعای خدایی یا پسر خدا بودن نداشت و تنها خود را بنده و پیامبر خدا معرفی می‌کرد، و اصولًا معقول نیست که خدای نامتناهی و غیر مادی با یکی از مخلوقات مادی خود رابطه پدر و فرزندی داشته باشد. ۴. در انجیل‌های مسیحیان پنج بار از «پسر خدا» یاد شده است «۲» که همگی در انجیل «مَرقُس» است؛ برخی موارد از قول ارواح پلید و یک نظامی رومی دشمن نقل شده وبرخی موارد آن نیز بانسخه‌های قدیمی اختلاف تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۶ دارد «۱» و محققّان بر آنند که این اصطلاح (پسر خدا) نیز در اصل تشریفی و برای احترام بوده است ولی با گذشت زمان به معنای حقیقی آن متحوّل شده است «۲». ۵. در این آیه به یک حقیقت جالب اشاره شده که دانشمندان و محققان دین‌شناس پس از قرن‌ها از آن آگاه شدند، و آن مطلب این است که عقاید انحرافی اهل کتاب شبیه عقاید بت‌پرستان قدیمی هم‌چون بودائیان و هندوان است و دانشمندان غرب به این نتیجه رسیدند که حتی عقیده «فرزند خدا» و تثلیث در کتاب‌های هندویی و بودایی یافت می‌شود «۳». ۶. تعبیر «قاتَلَهُم اللّه» در اصل به معنای آن است که «خدا با آنان مبارزه کند و یا آنان را بکشد.» اما برخی مفسران بر آنند که این تعبیر کنایه از لعنت و دوری آنان از رحمت خداست «۴». ۷. از تعبیر قرآن استفاده می‌شود که سخنان یهودیان و مسیحیان درباره‌ی پسر خدا بودن عُزَیر و مسیح، نوعی زبان بازی است که خود آنان نیز به آن عقیده ندارند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عقاید یهودیان و مسیحیان در باره‌ی پیامبران، شرک‌آلود و

انحرافی است. ۲. علیه کژروان و حق‌گریزان شعار دهید و نفرین کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی توبه، با اشاره به انحراف‌ها و شرک عملی یهودیان و مسیحیان می‌فرماید: ۳۱. اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِن دُونِ اللّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلهاً وَاحِداً لَاإِلهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (آنان) دانشمندانِ (نیکو اثرِ) خویش، و راهبانشان و مسیح پسر مریم را پروردگارانی غیر از خدا قرار دادند؛ و حال آن که به آنان فرمان داده نشده بود، مگر آن که معبود یگانه را بپرستند، که هیچ معبودی جز او نیست؛ او منزه است از آنچه (با وی) شریک می‌گردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یهودیان و مسیحیان در برابر عالمان و راهبان «۱» خود سجده و عبادت نمی‌کردند؛ اما از آن‌جا که کورکورانه و بدون قید و شرط از آنان اطاعت و پیروی می‌کردند و حتی قوانینی که بر خلاف حکم خدا وضع می‌کردند، واجب می‌شمردند، در حقیقت آنان را بدون توجه عبادت و اطاعت می‌کردند، و از این رو است که به فرموده‌ی قرآن، آنان عالمان و راهبان را پروردگار خود قرار می‌دادند و این همان مطلبی است که در برخی احادیث نیز بدان تصریح شده است «۲». ۲. قانون‌گذاری مخصوص خداست و هیچ کس حق ندارد چیزی را برای مردم حلال یا حرام کند و تنها کاری که عالمان می‌توانند انجام دهند، کشف قانون‌های پروردگار و تطبیق آن‌ها بر موارد مورد نیاز است؛ بنابراین، اگر شخصی قوانینی ضد احکام الهی وضع کند و کسی آن‌ها را به رسمیت بشناسد و بپذیرد و از آن‌ها پیروی کند، در حقیقت مقام خدایی برای تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۸

جهانی سازی مهدوی

قانون‌گذار بشری قائل شده است و این نوعی شرک عملی یا پرستش غیر خداست. ۳. در این آیه معبود دانستن مسیح در نظر مسیحیان جداگانه ذکر شده است؛ زیرا مسیحیان او را واقعاً خدای حقیقی می‌دانند «۱»، در حالی که نسبت به دانشمندان و راهبان خود، فقط اطاعت بی‌قید و شرط داشتند و از سوی دیگر، عقیده الوهیت در مورد مسیح مخصوص مسیحیان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اطاعت بی‌قید و شرط از قانون‌گذاران بشری، نوعی عبادت غیر خداست. ۲. مواظب باشیم در مورد عالمان دین و پیامبران دچار غُلو نشویم و آنان را در حد پروردگار بالا نبریم. ۳. سخن مشترک همه ادیان، توحید و نفی شرک است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی توبه تشبیه جالبی در مورد تلاش‌های بی‌نتیجه‌ی کافران علیه اسلام بیان کرده و می‌فرماید: ۳۲. يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ [کافران می‌خواهند که نورِ خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند؛ و [لی خدا جز این نمی‌خواهد که نورش را کامل کند، و گر چه کافران ناخشنود باشند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۸۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی راه خدا و آیین اسلام و قرآن کریم به نور و روشنایی تشبیه شده که منشأ حیات، زیبایی، رشد، حرکت و آبادانی در زمین است. آری، اسلام آیینی حرکت آفرین است که جامعه انسانی را در مسیر تکاملی به پیش می‌برد و سرچشمه هر خیر و برکتی است. ۲. در این آیه تلاش دشمنان اسلام به «فُوت کردن با دهان» تشبیه شده است؛ یعنی آنان می‌خواهند نور آفتاب را با دهان خود خاموش کنند و این نهایت حقارت تلاش یک مخلوق ناتوان را در برابر اراده و قدرت بی‌پایان الهی نشان می‌دهد. چراغی را که ایزد برفروزد هر آنکس پف کند ریشش بسوزد (سنایی) ۳. تعبیر «يُطفِئُوا» در آیه‌ی هشتم سوره‌ی صف نیز آمده است، ولی در آن سوره با «لام» همراه است. برخی لغویین بر آنند که این تعبیر در آیه‌ی فوق به خاموش کردن بدون مقدمه و در آیه‌ی هشتم سوره‌ی صف به خاموش کردن همراه با مقدمات و اسباب اشاره دارد. «۱» که در هر دو صورت، این تلاش دشمنان اسلام با شکست روبه‌رو است. ۴. واژه‌ی «يَأبى به معنای امتناع شدید و جلوگیری کردن از چیزی است؛ یعنی اراده حتمی پروردگار آن است که اسلام پیشرفت کند و تکمیل شود و این مژده‌ای برای مسلمانان است. ۵. از این‌که «يُريدُون» در این آیه به صیغه‌ی مضارع آمده است، استفاده می‌شود که توطئه‌های دشمنان علیه اسلام همچنان ادامه خواهد داشت. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیه به‌کافران هشدار می‌دهد که علیه اسلام تلاش نکنید که نافرجام است. ۲. فروغ الهیِ دین اسلام ادامه

خواهد داشت، اگرچه کافران را ناخوش آید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی توبه، با اشاره به پیروزی جهانی اسلام و می‌فرماید: ۳۳. هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه‌ی دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «هدایت»، دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از «دین حق» اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارک آن نیز حق و روشن است. ۲. همراهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با هدایت و دین حق که در این آیه بیان شده، گویا به دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر اشاره دارد؛ زیرا وقتی محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش با حق موافق و طرفدار آن باشد، چنین آیینی به طور طبیعی بر همه‌ی ادیان جهان پیروز می‌گردد. ۳. هر چه دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان‌تر شود، واقعیت‌ها چهره‌ی خود را از پشت تبلیغات مسموم بهتر نشان می‌دهد و موانع برطرف می‌شود و حق همه جا را فرا می‌گیرد و پیروز می‌شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند. آری، حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت، به شکست محکوم است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۱ ۴. برخی مفسران بر این باورند که مقصود از پیروزی اسلام در این آیه، پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان آشکار شده است. برخی دیگر از مفسران با توجه به موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، عقیده دارند که مقصود، پیروزی عملی، عینی و ظاهری است. اما به نظر می‌رسد که آیه شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می‌شود که در تمام جهان تحقق خواهد یافت و این، واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان به تدریج در حال تحقق است. ۵. در احادیث متعددی آمده است زمانی محتوای آیه‌ی فوق تحقق می‌یابد که امام عصر- مهدی آل محمد عجل الله تعالی فی فرجه- ظهور کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «به خدا سوگند! هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.» «۱» البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و به تدریج در حال پیشرفت و تحقق یافتن است، و مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه و پیروزی نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دین حق و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نهایت پیروز می‌شود و بر همه‌ی ادیان جهان غلبه می‌کند. ۲. در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۲ ۳. ناخشنودی مشرکان مانع تحقق اراده‌ی الهی و پیروزی نهایی اسلام نیست. ***

ممنوعیت گنج اندوزی

قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی توبه به خلافکاری عالمان و راهبان یهود و مسیحیت اشاره کرده و با اعلام ممنوعیت زراندوزی، می‌فرماید: ۳۴. یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِنَّ کَثِیراً مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَیَصُدُّونَ عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ وَالَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیمٍ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! قطعاً بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به ناروا می‌خورند، و (مردم را) از راه خدا باز می‌دارند. و کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند، و آن را در راه خدا مصرف نمی‌کنند، پس آنان را به عذابی دردناک مژده ده! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی دانشمندان و راهبان یهودی و مسیحی از چند راه اموال مردم را بدون مجوز و به صورت باطل می‌خوردند: نخست آن‌که حقایق دین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام را کتمان می‌کردند تا مردم به اسلام روی نیاورند و هدایایی که به آنان می‌دادند، قطع نشود «۱». دوم آن‌که با گرفتن رشوه جای حق و باطل را به نفع زورمندان عوض می‌کردند «۲». سوم آن‌که بهشت‌فروشی و گناه‌بخشی می‌کردند و مبالغی در برابر آن می‌گرفتند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۳ ۲. در این آیه بیان شده که برخی دانشمندان و راهبان مسیحی

و یهودی، مردم را از راه خدا باز می‌داشتند، شاید این مطلب در اثر روی آوردن آن‌ها به دنیا و خوردن اموال مردم بود، که سبب بدبینی و دور شدن آن‌ها از خدا می‌شد، و یا این‌که آیات الهی را تحریف می‌کردند و یا مخفی می‌نمودند و مردم را در گمراهی نگه می‌داشتند تا منافع خود را حفظ کنند، و حتی به مخالفان خود اتهام می‌زدند و محاکمه و محکوم می‌کردند، و اگر چنین نمی‌کردند، شاید در جامعه امروز جهان میلیاردها کافر وجود نمی‌داشت. ۳. در آیه فرمود: «کثیراً»؛ یعنی بسیاری از دانشمندان و راهبان، خلاف‌کار هستند و نفرمود تمام آنان این‌گونه‌اند، تا حقوق اقلیت شایسته و سالم آنان محفوظ بماند. ۴. در آیه زراندوزی و جمع‌آوری اموال و فراهم آوردن گنج سرزنش شده است؛ «۱» زیرا هدف و فلسفه اصلی پیدایش پول و طلا «۲» و نقره «۳» برای گردش چرخ‌های اقتصاد و راحت شدن مبادلات است، ولی گنج‌اندوزی مانع این امر و موجب رکود اقتصادی و ضرر جامعه است. ۵. کیفر زراندوزان در این آیه عذاب الهی معرفی شده است، ولی این عذاب منحصر به روز رستاخیر نیست، بلکه مجازات‌های سخت دنیوی را نیز شامل می‌شود که در اثر پیدایش اختلاف طبقاتی دامان همگان را می‌گیرد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۴ احوال گنج قارون کایام داد بر باد در گوش دل فرو خوان تا زر نهان ندارد (حافظ) ۶. برخی مفسران عقیده دارند هرگونه گردآوری ثروت که مازاد بر نیازمندی‌های زندگی باشد، گنج به شمار می‌آید و بر طبق این آیه حرام است، ولی برخی مفسران دیگر بر طبق احادیث اسلامی بر این باورند که اگر مالیات زکات اموال جمع‌آوری شده پرداخت شود، دیگر گنج به شمار نمی‌آید «۱». از سوی دیگر، در برخی احادیث از امام علی علیه السلام حکایت شده است که: هر مالی بیش از چهار هزار (درهم) باشد، گنج است، چه زکات آن را پرداخته باشی و آنچه کم‌تر از آن است، هزینه زندگی به شمار می‌آید؛ بنابراین، ثروت‌اندوزان را به عذاب دردناکی بشارت ده. «۲» در روایاتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است: شیعیان ما فعلًا آزادند که از آنچه در دست دارند، در راه خیر انفاق کنند؛ اما هنگامی که قائم ما قیام کند، تمام گنج‌ها و ثروت‌های اندوخته را ممنوع می‌کند تا همه را نزد او آورند و از آن در برابر دشمنان کمک گیرند؛ سپس به آیه‌ی فوق اشاره کردند. «۳» اما از بررسی مجموع آیه و احادیث به دست می‌آید در شرایط عادی که جامعه اسلامی در وضع بحرانی نیست، پرداخت زکات کافی است و باقی‌مانده ثروت حلال، گنج به شمار نمی‌آید. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۵ اما در مواقعی که شرایط جامعه سخت باشد و حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند، حکومت اسلامی می‌تواند محدودیتی برای جمع‌آوری ثروت قائل شود؛ همان‌گونه که از زبان امام علی علیه السلام و در حدیث مربوط به امام زمان علیه السلام نقل شد. ۷. از احادیث فوق و آیه استفاده می‌شود که مقصود از انفاق در آیه اعم از زکات و غیر آن است. ۸. در تاریخ آمده است که ابوذر آیه‌ی فوق را صبح و شام در برابر معاویه می‌خواند و در برابر عثمان به آیه‌ی فوق استدلال و زراندوزی را محکوم می‌کرد، «۱» تا آن‌جا که به رَبَذه تبعید شد، و این صحابی بزرگ و راست‌گوی پیامبر صلی الله علیه و آله در راه اجرای این آیه در آن سرزمین خشک و سوزان، غریبانه جان باخت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی دانشمندان دینی یهود و مسیحیت از موقعیت خویش سوءاستفاده می‌کنند و انحراف اقتصادی دارند (شما این‌گونه نباشید). ۲. زراندوزی نکنید و بخل نورزید که موجب عذاب الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و پنجم سوره‌ی توبه به کیفرهای زراندوزان اشاره کرده و می‌فرماید: ۳۵. یَوْمَ یُحْمَی عَلَیْهَا فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَتُکْوَی بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هذَا مَا کَنَزْتُمْ لأَنْفُسِکُمْ فَذُوقُوا مَاکُنْتُمْ تَکْنِزُونَ [در آن روزی که در آتش جهنم، بر آن [سکه ها حرارت شدید داده می‌شود؛ و با آنها پیشانی‌هایشان و پهلوهای آنان و پشتهایشان را داغ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۶ می‌گذارند! (و به آنان می‌گویند:) این چیزی است که برای خودتان اندوختید، پس بچشید آنچه را که همواره می‌اندوختید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه به تجسّم اعمال در رستاخیز اشاره دارد که اعمال انسان نابود نمی‌شود، بلکه در جهان دیگر در برابر انسان مجسّم می‌شود و مایه سرور یا عذاب او می‌گردد. ۲. در این آیه، از میان اعضای بدن به داغ گذاردن بر سه عضو، یعنی پیشانی، پشت و پهلو اشاره شده است؛ شاید این بدان سبب باشد که انسان معمولًا با این سه عضو در برابر محرومان عکس العمل نشان می‌دهد؛ یعنی زراندوزان گاهی صورت در هم می‌کشند و گاهی روی

بر می گرداننـد و به آنان پشت می کننـد و یا این که مقصود از صورت، جلوی بدن و مقصود از کمر، عقب بدن و مقصود از پهلو دو طرف بدن است. ۳. در آیه اشاره شده که «آتش بر سکه‌ها می‌ریزند» و نفرمود که «سکه‌ها را داغ می کنند» تا نشان دهد سکه‌ها زیر آتش به خوبی گـداخته و سوزان می‌شونـد، تـا عـذاب زرانـدوزان سنگ‌دل بیش‌تر گردد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. کیفر انسان‌هـای زرانـدوز با اعمال آن‌ها در دنیا متناسب است و به وسیله سکه‌ها عـذاب می‌شوند. ۲. از اموال خود بخشش نماییـد؛ زیرا هر گنج و ثروتی که در دنیـا انفاق و زکات آن پرداخت نشود، در قیامت مایه‌ی عـذاب انسان خواهـد بود. *** تفسیر قرآن مهر جلـد هشتم، ص: ۱۹۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی توبه مسلمانان را به جنگ بـا مشرکان و رعایت ماه‌های حرام فرا می‌خوانـد و می‌فرماید: ۳۶. إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِندَ اللّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْراً فِی کِتَابِ اللّهِ یَوْمَ خَلَقَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِیهِنَّ أَنْفُسَکُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِکِینَ کَافَّةً کَمَا یُقَاتِلُونَکُمْ کَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِینَ در حقیقت، تعـداد ماه‌ها نزد خـدا [از] روزی که آسمان‌ها و زمین را آفریـده، در کتـاب الهی، دوازده مـاه است؛ که از آنها چهار [ماه حرام است. این، دین استوار است؛ پس در این [ماه ها به خودتان ستم نکنید؛ و همگی با مشرکان پیکار کنید، همان گونه که [آنان همگی با شما می‌جنگند؛ و بدانید که خـدا بـا پارسایـان (خـود نگه‌دار) است. نکته‌هـا و اشاره‌هـا: ۱. مقصـود از «کتـاب اللّه» در ایـن آیـه ممکن است قرآن، یـا سـایر کتاب‌هـای الهی، یا لوح محفوظ و علم خـدا و یا کتاب آفرینش و صحنه هستی باشـد که معنای اخیر با توجه به اشاره آیه به خلقت آسمان‌ها و زمین، مناسب‌تر است. ۲. پس از خلقت منظومه شمسی، حرکت زمین به دور خورشیـد و حرکت ماه به دور زمین آغاز شـد. هر بـار گردش زمیـن بـه دور خورشیـد یـک سـال بـه شـمار می‌رود که در طی آن، کره‌ی مـاه تقریباً دوازده بـار به دور زمین می‌چرخـد که سی روز است و به آن «ماه» می گوینـد. این گردش‌ها تقویمی طبیعی و ارزشمند به دست می‌دهـد که هیـچ گاه تغییر نمی کند. ۳. از این آیه استفاده می‌شود که خـدا ماه‌های دوازده گانه را هنگام آفرینش جهان مقرر کرده است و این یک زمان‌بندی ثـابت و طبیعی و همگانی است. ۴. ماه‌هـای حرام عبارت‌انـد از: ذی القعـده، ذی الحجه، محرم و رجب که در این ماه‌ها جنگ حرام است و یک آتش‌بس طبیعی در میان مسلمانان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۸ برقرار می‌شود؛ البته اگر دشمن در این چند ماه حمله کند، مسلمانان حق دفاع دارند که در این صورت آتش‌بس از سوی دشمن نقض شده است «۱». ۵. برخی مفسران بر این باورند که ماه‌های حرام از زمان ابراهیم علیه السلام به یادگار مانده است و در عصر جاهلیت عرب هم به صورت یک سنّت رعایت می‌شده است، «۲» و از برخی احادیث استفاده می‌شود که ماه‌های حرام در آیین موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نیز وجود داشته است «۳». ۶. یکی از فلسفه‌های ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام آن است که در جنگ‌های طولانی، صلح موقت برقرار شود و هنگامی که جنگ‌جویان در این چهار ماه، اسلحه را کنار گذاشتند و فرصت تفکر و گفت‌وگو پیدا کردند، زمینه صلح دایمی و پایان جنگ بسیار زیاد می‌شود. آری، ممنوعیت جنگ در ماه‌های حرام، نشانه صلح‌طلبی اسلام است. ۷. از این آیه استفاده می‌شود که زیـان بی‌توجهی به ماه‌هـای حرام به خود انسـان باز می گردد؛ زیرا باعث طولانی شـدن جنگ‌ها و از دست رفتن فرصت صـلح و عبادت و کار می‌شود. ۸. آیه اشاره شـده که مشرکان بت‌پرست با همه پراکندگی که دارند، در یک صف با شـما می‌جنگند؛ پس شما که اهل توحیـد و یگانگی هستیـد، سزاوارتر است با وحـدت کلمه در برابر آن‌ها بجنگید. ۹. از این که آیه به وحـدت در برابر دشـمن دسـتور می‌دهـد، استفاده می‌شود که لازم است مسلمانان در مبارزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خود در برابر دشمنان هماهنگ شوند آری، به فراموشی سپردن این فرمان وحدت‌آفرین سبب شکست مسلمانان و انحطاط آن‌ها در چند قرن اخیر شـده است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۱۹۹ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. اسـلام (همـان گونه که مکـان امن مکه دارد) زمان امن (: ماه‌هـای حرام) نیز دارد. ۲. (فریب دشـمن را نخوریـد و) با مشرکان به صورت متحـد بجنگید. ۳. خـدا با خود نگه‌داران پارساست. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی توبه یکی از سنّت‌های غلط اعراب جـاهلی در مورد ماه‌هـای حرام را ردّ می کنـد و می‌فرماید: ۳۷. إِنَّمَا النَّسِیءُ زِیَادَةٌ فِی الْکُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذِینَ کَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عَاماً وَیُحَرِّمُونَهُ عَاماً لِیُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَاحَرَّمَ اللّهُ فَیُحِلُّوا مَا حَرَّمَ

اللّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ جز این نیست که به تأخیر انداختن (و جابه‌جا کردن ماه‌های حرام) افزایشی در کفر است؛ که با آن کسانی که کفر ورزیدند، گمراه می‌شوند؛ سالی، آن را حلال، و سال [دیگر] آن را حرام می‌کنند، تا با تعداد آنچه خدا حرام کرده موافق سازند، و آنچه را خدا حرام کرده، حلال کنند. بدی کردارشان، برای آنان آراسته شده است؛ و خدا گروه کافران را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «نَسِیءُ» در اصل به معنای «تأخیر انداختن» بوده، و مقصود آن است که اعراب جاهلی گاهی یکی از ماه‌های حرام را تاخیر می‌انداختند؛ یعنی به جای ماه مُحَرم، ماه صفر را انتخاب می‌کردند تا در سه ماه (ذی القعده، ذی الحجه و محرم) پشت سر هم جنگ حرام نباشد؛ زیرا موجب تضعیف روحیه جنگی آنان می‌شد و فرصت غارت و جنگ نمی‌یافتند. یا مراد این است که چون ماه ذی الحجه در تابستان گرم قرار می‌گرفت، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۰ آن را به فصل دیگری منتقل می‌کردند تا هوا برای مراسم حج و تجارت مناسب‌تر باشد. ۲. تغییر ماه‌های حرام طی مراسمی در سرزمین منی و به واسطه‌ی یکی از سران قبیله‌ی بنی‌کنانه صورت می‌گرفت؛ یعنی پس از تقاضای مردم برای تغییر ماه‌های حرام، یکی از سران قبیله یاد شده در یک اجتماع بزرگ، آن تغییر را اعلام می‌کرد. ۳. تغییر ماه‌های حرام را قرآن زیاد شدن کفر شمرده است؛ زیرا که این عمل سبب می‌شد تا آتش جنگ‌ها همچنان فروزان بماند و مراسم حج بازیچه‌ی دست افراد شود و این مخالفِ دستورهای الهی، و نوعی «کفر عملی» بود. ۴. در این آیه اشاره شده که اعمال زشت این افراد در نظرشان زیبا جلوه می‌کرد؛ آری، هنگامی که انسان دانسته در راه خلاف‌کاری گام نهد، فروغ وجدان او کمرنگ و کمرنگ‌تر می‌شود و کار به جایی می‌رسد که به تدریج زشتیِ گناه در نظرش از بین می‌رود و حتی رفته رفته اعمال زشت در نظرش زیبا جلوه می‌کند. ۵. در آیات دیگر، زیبا جلوه دهنده اعمال زشت در نظر انسان، معرفی و گاهی از «شیطان» و گاهی از «بتان» نام برده شده است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بازی کردن با قوانین الهی نوعی کفر است. ۲. ماه‌های حرام را جابه‌جا نکنید که موجب گمراهی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۱

بسیج برای جهاد

قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشتم سوره‌ی توبه، با اشاره به جنگ تبوک، به سرزنش افراد سست عنصر پرداخته و می‌فرماید: ۳۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِی سَبِيلِ اللّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِی الآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما را چه شده، که هنگامی که به شما گفته شود: «در راه خدا (برای جهاد) بسیج شوید.» بر زمین سنگینی می‌کنید؟! آیا به جای آخرت، به زندگی پست (دنیا) راضی شده‌اید؟! و [حال آن که کالای زندگی پست (دنیا)، در [برابر] آخرت، جز اندکی نیست. شأن نزول: داستان نزول این آیه و چند آیه پس از آن، بدین قرار است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از بازگشت از طائف به سوی مدینه در سال نهم هجری، مردم را برای پیکار با رومیان فراخواند و این بار برخلاف روش نظامی خویش که مسیر و مقصد جنگ را مشخص نمی‌کرد، هدف نهایی را برای آنان آشکار ساخت تا رزمندگان آمادگی کامل داشته باشند؛ زیرا از سویی باید به طرف ابرقدرت آن زمان، یعنی امپراطوری روم شرقی، حرکت می‌کردند و به منطقه تَبوک می‌رسیدند که در حدود ۶۰۰ کیلومتری مدینه در مرز شام (سوریه فعلی) بود و از سوی دیگر، فصل تابستانِ گرم و زمان برداشت محصولات بود، و رفتن به جنگ دشوار می‌نمود؛ از این رو، برخی مسلمانان سست عنصر دچار تردید شدند و خود را برای حرکت آماده نکردند. آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و با لحن کوبنده‌ای به مسلمانان هشدار داد و آنان را به جنگ تشویق کرد «۱». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۲ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم با مقایسه ارزشی دنیا و آخرت، انسان‌ها را بر سر دوراهی قرار می‌دهد؛ آیا انسان به دنیای پست و کوچک راضی می‌شود یا به سوی جهان وسیع، با عظمت و جاویدان آخرت گام بر می‌دارد؟ بال بگشا و صفیر از شجر طوبی زن حیف باشد چوتو مرغی که اسیر قفسی (حافظ) ۲. در این آیه از چهار طریق بر

مسئله جهاد تأکید شده است: نخست، از راه خطاب به مؤمنان؛ دوم، از راه فرمان حرکت به سوی میدان جهاد؛ سوم، با تعبیر «در راه خدا»؛ چهارم، با استفهام انکاری در مورد معامله دنیا با آخرت. ۳. از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که دل‌بستگی مجاهدان به زندگی دنیا، آنان را در جهاد سست می‌کند؛ از این رو، مجاهدان باید انسان‌هایی پارسا و بی‌اعتنا به ظواهر دنیا باشند و بتوانند دل از محل زندگی کنده، به سوی میدان نبرد حرکت کنند. «۱» ۴. در دعای امام سجاد علیه السلام برای مرزبانان کشورهای اسلامی آمده است: «بار الها! هنگامی که مجاهدان در برابر دشمنان قرار می‌گیرند، فکر این دنیای فریبنده را از نظرشان دور فرما، و اهمیت اموال فتنه‌انگیز و دل‌ربا را از صفحه‌ی قلوبشان محو نما.» «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۳ ۵. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره‌ی مقایسه دنیا و آخرت آمده است به خدا سوگند! دنیا در برابر آخرت هم‌چون آن است که یکی از شما انگشت خود را به دریا بزند و سپس برآورد، و بنگرد چه مقدار از آب دریا را با آن برداشته است؟! «۱» تا کی غم دنیای دنی ای دل دانا حیف است ز خوبی که شود عاشق زشتی (حافظ) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کالاهای دنیا در برابر آخرت اندک است. ۲. دل‌بستگی به دنیا مانع رفتن به جبهه و کمال یافتن انسان است. ۳. انسان برای ابدیتی بزرگ آفریده شده، پس شایسته نیست به دنیای کوچک راضی شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی توبه، سست عنصران جنگ تبوک را تهدید کرده و می‌فرماید: ۳۹. إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَاباً أَلِيماً وَيَسْتَبْدِلْ قَوْماً غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئاً وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اگر (برای جهاد) بسیج نشوید، [خدا] با عذابی دردناک شما را مجازات خواهد کرد، و گروهی غیر از شما را جایگزین (شما) می‌کند؛ و هیچ چیزی به او زیان نمی‌رسانید؛ و خدا بر هر چیزی تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه هشداری به افراد سست عنصر و ضعیف الایمان است که گمان نکنند با پشت کردن به جهاد، پیشرفت اسلام متوقف می‌شود و می‌توانند ضرری برسانند. آری، خدایی که بر هر چیزی تواناست، می‌تواند گروه جدیدی را برای یاری دین خود برانگیزد. ۲. درباره‌ی تفسیر «گروه جدید»، برخی مفسران بر این باورند که منظور ایرانیان و یا مردم یمن هستند که با شهامت‌ها و کوشش‌های خود سهم بزرگی در پیشرفت اسلام داشتند؛ البته این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از آن‌ها تمام کسانی باشند که پس از نزول آیات فوق مسلمان شدند و با جان و دل در راه آن فداکاری کردند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای جنگ بسیج شوید که کیفر ترک جهاد، عذاب دردناک الهی است. ۲. زیان ترک جبهه‌ها به خدا نمی‌رسد (بلکه خودتان گرفتار ذلّت و شکست و زیان می‌شوید). ۳. خدا در هر زمانی با گروهی دین خود را یاری می‌کند و اگر شما لیاقت نداشته باشد، ملت دیگری را جانشین شما قرار می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهلم سوره‌ی توبه به امدادهای الهی نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۰. إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَاتَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۵ اگر او، [یعنی پیامبر] را یاری نکنید، پس حتماً خدا او را یاری کرد، هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را (از مکّه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین دو [تن بود؛ (همان) هنگام که آن دو در غار (ثَور) بودند، (همان) وقتی که به همراه خود می‌گفت: «غم مخور که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد؛ و او را با لشکرهایی که آنها را مشاهده نمی‌کردید، تأیید نمود؛ و گفتار (و برنامه) کسانی را که کفر ورزیدند، پست قرار داد؛ و تنها گفتار (و برنامه) خدا والاست؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه می‌فرماید خدای متعال پیامبرش را بارها با لشگریان نادیدنی یاری کرده که در آیاتی دیگر، از مواردی مانند امدادهای الهی در جنگ بدر و حنین یاد شده است «۱». ۲. در آیه اشاره شده که خدا «سَکینه» یعنی آرامش و اطمینان خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آورد و در آیات دیگر قرآن نیز به این موضوع اشاره شده بود که در هنگام خطر و سختی، خدا آرامش خود را بر پیامبرش فرود می‌آورد «۲». ۳. در این آیه به جریان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه اشاره شده و امداد الهی به پیامبر در آن موقع خطرناک و حسّاس یادآوری گردیده است. مشرکان مکه نقشه‌ی قتل پیامبر را کشیده بودند که با

خوابیدن امام علی علیه السلام به جای ایشان، این توطئه خنثی شد و در نهایت، پیامبر صلی الله علیه و آله مجبور گردید مکه را ترک کند که در آیه به عنوان «اخراج پیامبر» از آن یاد شده است «۳». پیامبر اسلام برای بیرون رفتن از مکه و برای آن‌که مشرکان که در تعقیب تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۶ او بودند، به ایشان دست نیابند، نخست به غار «ثَور» رفت که در جنوب مکه و در جهت مخالف راه مدینه قرار داشت و پس از سه روز که مشرکان از جستجو ناامید شدند و خطر برطرف شد، به سوی مکه حرکت کرد و پس از چند روز به مدینه رسید. در این سفر «ابو بکر» نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در آیه‌ی فوق به صورت سربسته و با عنوان مُصاحِب و همنشین یا همسفر به او اشاره شده است. ۴. برخی مفسران قرآن بر این عقیده‌اند که آیه‌ی فوق فضیلتی برای ابوبکر است «۱». اما برخی دیگر از مفسران بر این باورند که این آیه در صدد مذمّت شخص همراه پیامبر صلی الله علیه و آله است که ناراحت بود و پیامبر ناگزیر شد او را دلداری دهد. ۵. مقصود از «کلمهٔ» در آیه می‌تواند برنامه، مکتب، هدف، گفتار و سنت و اراده الهی باشد «۲» که از برنامه و مکتب کافران برتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا حامی (اسلام و) رهبر آن است. ۲. آرامش، هدیه‌ای الهی است. ۳. سخن، اراده و برنامه الهی بالاتر از برنامه و سخن کافران است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۷ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و یکم سوره‌ی توبه مسلمانان را به حرکت همگانی به سوی جبهه و جهاد فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۴۱. انفِرُوا خِفَافاً وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِکُمْ وَأَنْفُسِکُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ سبکبار و گرانبار (به سوی جهاد) بسیج شوید، و با اموالتان و جان‌هایتان در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «خِفاف» جمع خفیف و واژه‌ی «ثِقال» جمع ثقیل است. این دو واژه معنای جامعی دارند که همه حالات انسان را در برمی‌گیرد؛ یعنی اگر مجرد باشید یا متأهل، جوان باشید یا پیر، بچه‌های کمی داشته باشید یا عیال‌وار باشید، ثروتمند باشید یافقیر و بدون گرفتاری باشید یا گرفتار، در هر صورت لازم است در جهاد آزادی‌بخش شرکت جویید و همه کارها و بهانه‌ها را کنار بگذارید. ۲. این آیه مسلمانان را به جهاد همه جانبه و فراگیر با مال و جان فرا می‌خواند؛ زیرا مسلمانان در جنگ تبوک در برابر امپراطوری روم- یکی از ابر قدرت‌های آن زمان- قرار گرفته بودند و بدون یک جهاد همه جانبه پیروزی بر آنان ممکن نبود. ۳. جهاد و فداکاری در راه خدا، به نفع خود شماست، البته اگر به این مطلب توجه کنید که جهاد، کلید سربلندی و عزّت و برطرف کننده ذلّت است، و هیچ ملتی بدون جهاد به آزادی واقعی و عدالت نخواهد رسید، و راه رسیدن به سعادت جاویدان، شرکت در این جهاد مقدس است. ۴. حکایت شده که برخی اصحاب کهن‌سال پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌چون أبو ایّوب انصاری، مقداد و ابو طَلحه در سنّ پیری آماده حرکت به سوی جبهه می‌شدند و هنگامی که به آنان گفته می‌شد: «شما سالخورده‌اید»، این آیه را تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۸ تلاوت می‌کردند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با تمام توان مالی و جانی، در راه خدا بجنگید. ۲. همگان در بسیج عمومی و جهاد آزادی‌بخش اسلام شرکت نمایید. ***

نشانه های منافقان

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و دوم سوره‌ی توبه به افراد فرصت‌طلب و منافق‌صفتی که از رفتن به جنگ تبوک خودداری می‌کردند اشاره می‌نماید و می‌فرماید: ۴۲. لَوْ کَانَ عَرَضاً قَرِیباً وَسَفَراً قَاصِداً لَاتَّبَعُوکَ وَلکِن بَعُدَتْ عَلَیْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَیَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَکُمْ یُهْلِکُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللّهُ یَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَکَاذِبُونَ اگر (بر فرض دعوت تو به سوی غنیمتِ) ناپایدار نزدیکی، و سفری کوتاه (و آسان) بود، حتماً از پی تو می‌آمدند؛ و لیکن (اکنون در مورد جنگ تبوک) آن راه پر مشقت بر آنان دور است. و بزودی به خدا سوگند یاد می‌کنند که: «اگر (بر فرض) توانایی داشتیم، حتماً همراه شما بیرون می‌آمدیم!» (آنان با کردار و گفتارشان) خودشان را به هلاکت می‌افکنند؛ و خدا می‌داند که آنان قطعاً دروغ‌گویند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به منافقان و افراد سست‌عنصر در جنگ تبوک اشاره می‌کند که به خاطر فاصله دور آن با مدینه (شش صد کیلومتر) و هوای گرم تابستان و فصل جمع‌آوری

محصولات و دشمن قدرتمند، یعنی امپراطوری روم، بهانه‌جویی می‌کردند و با قسم‌های دروغ می‌خواستند از جهاد فرار کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۰۹ ۲. آیه در مورد منافقان تن‌پرور و فرصت‌طلب جنگ تبوک است که در سفرهای کوتاه و جنگ‌های پر غنیمت با سپاه اسلام همراهی می‌کردند، ولی در جنگ‌های سخت و دور بهانه می‌آوردند و در نبرد شرکت نمی‌کردند؛ «۱» اما این موضوع منحصر به این جنگ و زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه در هر جامعه‌ای این‌گونه افراد وجود دارند که در هنگام راحتی، خود را شریک معرفی می‌کنند، ولی در سختی‌ها به کناری می‌روند و بهانه می‌آورند. ۳. منافقان و فرصت‌طلبان دو نشانه دارند: نخست آن‌که در سفرهای آسان و غنایم زودیاب با تو همراه‌اند، نه در سفرهای دور و جنگ‌های مشکل، و دوّم آن‌که سوگندهای دروغ یاد می‌کنند تا از شرکت در جهاد فرار کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان تن‌پرور و فرصت‌طلب، در نهایت، خود را به هلاکت می‌اندازند (نه دیگران را). ۲. منافقان را از راحت‌طلبی، جنگ‌گریزی وسوگندهای دروغشان بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و سوم سوره‌ی توبه، به لزوم شناخت منافقان در هنگام نبردهای دشوار اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۳. عَفَا اللّهُ عَنکَ لِمَ أَذِنتَ لَهُمْ حَتَّی یَتَبَیَّنَ لَکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْکاذِبینَ خدا تو را بخشید؛ چرا به آن (منافق) ان رخصت دادی، (و صبر نکردی) تا آن که کسانی که راست می‌گویند برایت آشکار شوند و دروغ‌گویان را بشناسی؟! تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه استفاده می‌شود که گروهی از منافقان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمدند و عذر و بهانه می‌آوردند، تا رخصت بگیرند و در جنگ تبوک شرکت نکنند و پیامبر به آنان رخصت داد؛ آنان با شرکت خود در نبرد نه تنها کمکی به مسلمانان نمی‌کردند، بلکه با سخن‌چینی و فساد و ایجاد نفاق بر مشکلات آنان می‌افزودند. «۱» ۲. در مورد این آیه دو تفسیر وجود دارد: نخست آن‌که پیامبر صلی الله علیه و آله با رخصت دادن به منافقان شاید مرتکب «ترک اولی شده باشد؛ زیرا اگر به آنان اجازه نمی‌داد در مدینه بمانند، ماهیت منافقانه آن‌ها زودتر روشن می‌شد؛ از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله گناهی مرتکب نشد، ولی رخصت ندادن به آن‌ها بهتر بود و به همین دلیل، لحن آیه سرزنش‌آمیز است. دومین تفسیر احتمالی آیه این است که عتاب و خطاب آیه‌ی فوق کنایی بوده و روح نفاق منافقان را بیان کرده است؛ همان‌گونه که اگر ستم‌گری بخواهد فرزند شما را بزند و دوست شما دست او را بگیرد، شما به کنایه می‌گویید: چرا نگذاشتی بزند تا همگان این ستمگر را بشناسند. ۳. مقصود از شناسایی منافقان در آیه‌ی فوق آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله از راه علم عادی و با مدارک روشن آنها را بشناسد، آن‌گونه که مسلمانان نیز از نفاق آنان آگاه شوند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام نبردهای سنگین، راست‌گویان از دروغ‌گویان بازشناخته می‌شوند. ۲. منافقان را از عمل‌کردشان در زمان جنگ بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و چهارم سوره‌ی توبه شرکت در جهاد را یکی از نشانه‌های مؤمنان راستین معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۴۴. لَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ أَن یُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللّهُ عَلِیمٌ بِالْمُتَّقِینَ کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای [ترک جهاد با اموالشان و جان‌هایشان، از تو رخصت نمی‌گیرند؛ و خدا به (حال خود نگه‌داران و) پارسایان داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یکی از نشانه‌های مؤمنان راستین اشاره می‌کند که چون فرمان جهاد صادر می‌شود، بدون هیچ‌گونه سستی، به جبهه می‌شتابند و برای شرکت در جهاد رخصت نمی‌خواهند. «۱» ۲. در آیه اشاره شده که ایمان به خدا و مسئولیت‌های مؤمنان در برابر او، و ایمان به رستاخیز و دادگاه عدل الهی، مؤمنان را به لبیک‌گویی در برابر فرمان جهاد فرا می‌خواند و از این رو است که بهانه و عذر وجود دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان، آماده و گوش به فرمان جهاد داشته باشند (و بهانه‌جویی و فرصت‌طلبی نکنند). ۲. ایمان به مبدأ و معاد عامل حضور در جبهه و ایثار اقتصادی است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۲ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و پنجم سوره‌ی توبه، با اشاره به دو نشانه‌ی منافقان فرصت‌طلب می‌فرماید: ۴۵. إِنَّمَا یَسْتَأْذِنُکَ الَّذِینَ لَایُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِی رَیْبِهِمْ یَتَرَدَّدُونَ تنها کسانی از تو رخصت (ترک جهاد) می‌طلبند، که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند، و دل‌هایشان به شک افتاده است، پس آنان در تردید خویش، سرگردانند. نکته‌ها

و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که این گروه هم به خدا و رستاخیز ایمان ندارند و هم به جهت حفظ ظاهر، خود را مسلمان جلوه می‌دهند و برای شرکت نکردن در جهاد از پیامبر صلی الله علیه و آله رخصت می گیرند تا کارهای خود را توجیه کنند. «۱» ۲. در این آیه بیان شده که منافقان همواره در تردید، دودلی و شک به سر می‌برند و از این رو، گاهی قدم به پیش می‌نهند و گاهی باز می گردند؛ زیرا هدف و تصمیم آنان نامشخص است. ۳. از آیه استفاده می‌شود که بهانه‌جویی و اجازه گرفتن برای شرکت نکردن در جهاد و نیز تردید و دودلی از نشانه‌های منافقان است. این دو نشانه مخصوص منافقان صدر اسلام و جنگ تبوک نبوده و اکنون نیز منافقان همین گونه‌اند. ۴. در این آیه اشاره شده که فرار منافقان از جهاد به دلیل ایمان نداشتن به مبدأ و معاد می‌باشد و از این رو است که آنان در کام تردید و شک فرو رفته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جنگ، میدان آزمون باورها و اعتقادات است. ۲. عامل فرار از جبهه، ایمان نداشتن به مبدأ و معاد است. ۳. منافقان فرصت‌طلب را در عمل کردشان به هنگام جنگ بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی توبه، به بی‌توفیقی منافقان برای شرکت در جهاد اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۶. وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلکِن کَرِهَ اللّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِیلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِینَ و اگر (بر فرض منافقان) می‌خواستند که (به سوی میدان جهاد) بیرون روند، حتماً وسیله‌ای برای آن فراهم می‌ساختند؛ و لیکن خدا از انگیزش آنان (برای جهاد) ناخشنود بود؛ پس آنان را باز داشت؛ و [به آنان گفته شد: «با فرونشستگان (از جهاد) بنشینید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یکی دیگر از نشانه‌های دروغ گویی منافقان را بیان کرده است و در حقیقت، این آیه تکمیل و شاهد مطلب آیات قبل می‌باشد که به دروغ گویی آنان اشاره می کرد. ۲. در مورد بخش پایانی آیه که به منافقان فرمان فرو نشستن می‌دهد، برخی مفسران احتمال داده‌اند که مراد سخن خدا یا سخن پیامبر و یا ندای باطنی خودشان باشد، «۱» ولی بهتر است بگوییم: این یک فرمان تکوینی و به مقتضای عقیده فاسد و اعمال زشت منافقان است که به صورت سلب توفیق انجام می گیرد، نه منع عملی. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۴ ۳. از آیه استفاده می‌شود که هر نیت و عملی اقتضایی دارد که خواسته یا ناخواسته دامن انسان را می گیرد، و هر کسی شایستگی و توفیق شرکت در کار بزرگ جهاد را ندارد، و خدا این توفیق را بهره‌ی انسان‌های شایسته می کند. ۴. برخی مفسران از این آیه استفاده کرده‌اند که مقدمه واجب، واجب است؛ «۱» یعنی اگر منافقان قصد جهاد دارند، می‌بایست مقدمات آن را فراهم می کردند؛ البته می توان گفت این مطلب در این‌جا، نشانه‌ای بر تصمیم نداشتن منافقان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را به هنگام رفتن به جبهه بشناسید؛ زیرا آنان هرگز تصمیم به جهاد ندارند. ۲. شرکت در جهاد توفیقی الهی است که از نااهلان گرفته می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی توبه به زیان‌های شرکت منافقان در جبهه اشاره کرده و می‌فرماید: ۴۷. لَوْ خَرَجُوا فِیکُمْ مَا زَادُوکُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَکُمْ یَبْغُونَکُمُ الْفِتْنَةَ وَفِیکُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللّهُ عَلِیمٌ بِالظَّالِمِینَ اگر (بر فرض منافقان در نبرد تبوک) با شما خارج می‌شدند، جز فساد (و اضطراب و تردید) بر شما نمی‌افزودند؛ و مسلماً به سرعت در بین شما به فتنه‌جویی (و تفرقه‌افکنی بین) شما می‌پرداختند؛ و در میان شما کسانی (جاسوس هستند که) برای آنان کاملًا گوش فرا می‌دهند؛ و خدا به (حال) ستمگران داناست. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به این واقعیت اشاره دارد که شرکت نکردن منافقان در جبهه، نه تنها تأسف‌انگیز نیست، بلکه جای خوشحالی دارد؛ زیرا حضور آن‌ها مشکلی را حل نمی کند، بلکه سرچشمه مشکلات تازه‌ای نیز می‌شوند؛ یعنی حضور منافقان در جبهه، با روحیه‌ای فاسد و همراه تردید، اثری جز ایجاد تردید، شک و فساد در میان سپاهیان اسلام ندارد «۱». ۲. منافقان افرادی فتنه گر هستند که به سرعت موجب تفرقه و اختلاف در سپاه می‌شوند؛ آنان جاسوسی می کنند و به دوستان خود خبر می‌دهند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حضور منافقان در جبهه، عامل فتنه، تفرقه، تردید (و تضعیف روحیه) سپاهیان است. ۲. مراقب ساده‌لوحان سپاه و جاسوسان نفوذی منافقان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی توبه با اشاره به سابقه فتنه گری منافقان می‌فرماید: ۴۸. لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَکَ الْأُمُورَ حَتَّی جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللّهِ وَهُمْ کَارِهُونَ قطعاً (منافقان) پیش از (این نیز) فتنه‌جویی کردند، و کارها را بر تو دگرگون ساختند؛ تا آن

که حق فرا رسید، و فرمان خدا آشکار گشت، و حال آن که آنان ناخشنود بودند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یا به جنگ احد و کارشکنی‌های منافقان به رهبری «عبد اللّه بن ابی» اشاره دارد که از نیمه راه نبرد بازگشتند، و یا به سایر مواردی اشاره می‌کند که منافقان علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان توطئه کردند که غالباً در تاریخ ثبت شده است. ۲. در این آیه به پیامبر خطاب شده که منافقان می‌خواستند کارها را برای تو دگرگون و واقعیت‌ها را تحریف کنند و نقشه‌ها کشیدند تا اوضاع مسلمانان را درهم بریزند و آنان را از جهاد باز داشته، اطراف تو را خالی کنند، ولی هیچ یک از این توطئه‌ها به جایی نرسید. ۳. هم‌چنین در آیه اشاره شده هرگاه خدا بخواهد حق را پیروز کند، ناخشنودی دیگران نمی‌تواند تاثیری داشته باشد. ۴. آیات فوق گرچه در مورد منافقان صدر اسلام است، به زمان خاصی اختصاص ندارد و شامل حال منافقان در هر عصری می‌شود. آری، در هر جامعه‌ای گروهی منافق وجود دارند که می‌کوشند با سمپاشی‌های خود افکار مردم را درهم بریزند و وحدت را از بین ببرند و تخم تردید بپاشند، ولی اگر جامعه بیدار باشد و به جهاد و مراقبت همّت گمارد، بی‌تردید با یاری خدا، همه نقشه‌ها خنثی می‌شود؛ زیرا پیروزی نهایی با پیروان حق است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. امدادهای الهی نقشه‌های منافقان را برباد می‌دهد. ۲. منافقان را از فتنه‌گری و دگرگون نشان دادنِ کارها بشناسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۷ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی توبه به بهانه‌تراشی منافقان برای ترک جهاد اشاره کرده و با تهدید کردن آن‌ها می‌فرماید: ۴۹. وَمِنْهُم مَن یَقُولُ ائْذَن لِی وَلَا تَفْتِنِّی أَلَا فِی الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِیطَةٌ بِالْکَافِرِینَ و از آن (منافق) ان کسی است که می‌گوید: «به من رخصت [ترک جهاد] بده، مرا به (گناه و) فتنه مینداز!» آگاه باشید که (هم اکنون) در فتنه (و گناه) سقوط کرده‌اند؛ و قطعاً جهنم، بر کافران احاطه دارد. شأن نزول: داستان نزول این آیه چنین حکایت شده است که در هنگام آماده شدن مسلمانان برای جنگ تبوک، یکی از رؤسای طایفه «بَنی سَلْمه» که منافق بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: به من اجازه بده که در جهاد شرکت نکنم؛ زیرا به زنان علاقه دارم و می‌ترسم در جنگ با رومیان، دختران آنان را ببینم و مفتون شوم و دست از کارزار بکشم. پیامبر صلی الله علیه و آله به او رخصت داد در جهاد شرکت نکند و آیه بدین مناسبت فرود آمد و بهانه‌تراشی این منافق را محکوم کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به ما می‌آموزد که یکی از راه‌های شناخت منافقان، دقت در شیوه‌ی استدلال آنان و عذرهایی است که برای ترک انجام وظایف لازم خویش می‌آورند که اغلب به موضوعاهایی جزئی و ناچیز می‌پردازند تا موضوع‌های کلی و مهم را نادیده انگارند. آنان با بهانه‌ی شبهه شرعی و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۸ نیفتادن به گناه، با رهبران الهی و فرمان جهاد مخالفت می‌کنند. ۲. مفسران درباره‌ی چگونگی احاطه جهنم به کافران چند دیدگاه دارند: - به باور برخی، این جمله کنایه از عوامل ورود به جهنّم است؛ یعنی گناهان، کافران را احاطه کرده است. - برخی عقیده دارند که این مطلب برای بیان حوادث حتمی آینده می‌باشد؛ یعنی به طور حتم در آینده جهنم کافران را احاطه خواهد کرد. - این احتمال نیز وجود دارد که جهنم هم اکنون در باطن جهان موجود و کافران را احاطه کرده است، هر چند هنوز فرمان تأثیر کردن آن صادر نشده؛ البته امکان دارد هر سه معنا مقصود آیه باشد و جمع آن‌ها منافاتی ندارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فرجام منافقان کفر و آتش جهنّم است. ۲. منافقانِ کافرکیش در فتنه‌گری غرق شده و آتش، وجود آنان را فرا گرفته است. ۳. منافقان برای فرار از جهاد و فریب متدیّنان، از بهانه‌های مذهبی استفاده می‌کنند (پس مراقب آن‌ها باشید). ۴. منافقان را از جهاد گریزی و بهانه تراشی آنان بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی توبه با اشاره به سخنان منافقان، به یکی دیگر از نشانه‌های آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۰. إِن تُصِبْکَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْکَ مُصِیبَةٌ یَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِن قَبْلُ وَیَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ اگر نیکی به تو برسد، آن (منافق) ان را ناراحت می‌کند؛ و اگر مصیبتی به تو رسد، می‌گویند: « (ما تصمیم) کار خود را پیش از [این گرفته‌ایم.» و روی بر می‌تابند و حال آن که آنان شادمانند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۱۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «نیکی» در این آیه اعم از غنائم جنگی، پیروزی بر دشمن و یا پیشرفت‌های دیگر است. ۲. این‌که منافقان در برابر نیکی‌هایی که به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد، ناراحت می‌شوند، دلیل دشمنیِ باطنی و

بی‌ایمانی آن‌هاست، و گرنه مؤمنان از شادی پیامبر دل‌شاد می‌شوند. ۳. در این آیه اشاره شده که منافقان گزافه‌گو و مدعی عقل، درایت و تدبیر هستند و گمان می‌کنند اگر در جبهه‌ای شرکت نکردند و طعم مشکلات را نچشیدند، زرنگی کرده‌اند، در حالی که خود را از مواهب الهی و ثواب‌های او محروم کرده‌اند. ۴. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان از حوادث تلخی که برای مؤمنان به وجود می‌آید، به نفع مقاصد خود سوء استفاده تبلیغاتی می‌کنند. ۵. آیه‌ی خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی مطلب آن شامل مؤمنان حقیقی نیز می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را در هنگام سختی‌ها و واکنش آنان در برابر حوادث تلخ و شیرین بشناسید. ۲. منافق در شادی مؤمنان ناخشنود و در ناراحتی آنان خشنود است (پس او را بشناسید و مراقب وی باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی توبه، به گفتار منافقان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: ۵۱. قُل لَن یُصِیبَنَا إِلَّا مَاکَتَبَ اللّهُ لَنا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَی اللّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۰ بگو: «جز آنچه خدا بر ما مقرر داشته، به ما نمی‌رسد؛ او سرپرست ماست؛ و مؤمنان پس باید تنها بر خدا توکّل کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق اشاره دارد که مؤمنان، تحت ولایت و سرپرستی خدا هستند و آنچه او مقرر کرده، به آن‌ها می‌رسد. آری، مولای حکیم و مهربان جز خیر و نیکی برای بندگانش نمی‌خواهد. ۲. آیه‌ی فوق بر جبر دلالت نمی‌کند و با اصل آزادی اراده و اختیار انسان منافات ندارد؛ زیرا سرنوشت انسان تا آن‌جا که به کوشش ما مربوط است، به دست خود ماست و آیات قرآن نیز بدین مطلب اشاره دارند؛ «۱» اما برخی مطالب خارج از دایره تلاش ما، تحت قدرت تقدیر الهی است که بر اساس قانون علیت، به علم، حکمت و اراده خدا منتهی می‌شود؛ البته این مقدرات بر اساس نظام احسن و مصلحت بندگان و بر طبق شایستگی‌هایی که افراد کسب می‌کنند، به صورت متناسب تقدیر شده است. ۳. آیه‌ی فوق در صدد بیان این مطلب است که اگر منافقان، خودشان با عقل ناقص برای خویشتن برنامه‌ریزی می‌کنند، برای مؤمنان خدای آن‌ها که مولا و سرپرستی حکیم و مهربان است، برنامه‌ریزی و تقدیر می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان جز بر خدا تکیه نکنند. ۲. اعتقاد به تقدیر الهی را ابراز کنید (که موجب آرامش مومنان و ناامیدی منافقان می‌شود.) *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۱

رابطه سرنوشت و کوشش های ما

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی توبه با اشاره به سرنوشت سعادت‌آمیز مؤمنان و فرجام عذاب‌آلود منافقان می‌فرماید: ۵۲. قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَی الْحُسْنَیَیْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِکُمْ أَن یُصِیبَکُمُ اللّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِندِهِ أَوْ بِأَیْدِینَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَکُمْ مُتَرَبِّصُونَ بگو: «آیا برای ما، جز یکی از دو نیکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟! و [لی ما برای شما انتظار داریم که خدا، عذابی از نزد خود و یا به دست ما به‌شما برساند؛ پس‌انتظار بکشید، که ما (هم) با شما منتظریم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «احدَی الحُسْنَیین» (: یکی از دو نیکی) همان پیروزی بر دشمن و یا شهادت در راه خداست که هردوی آن‌ها برای مؤمنان مایه‌ی افتخار و سعادت است. ۲. مهم انجام وظیفه است نه نتیجه: امام عارفان در این مورد می‌فرمایند: این دنیا، چه خوش و چه ناخوش، خواهد گذشت و همه به سوی دار جزا خواهیم رفت؛ چه بهتر که عمر کوتاه را در راه خدمت به اسلام و مسلمین صرف کنیم تا در پیش‌گاه مقدس حق تبارک و تعالی سرافراز و در سلک خدمت‌گزاران درآییم .... «۱» اگر انسان به وظیفه الهیّه موفق شود، نتیجه حاصل است، چه به نتیجه منظوره برسد یا نه .... «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۲ ۳. این آیه‌ی فوق به این حقیقت اشاره می‌کند که شکست و ناکامی در قاموس مؤمنان راه ندارد، و چه کشته شوند یا دشمن را شکست دهند، پیروزند. ۴. آیه‌ی فوق رمز اصلی همه پیروزی‌های مسلمانان صدر اسلام را بیان کرده است؛ مجاهدانی که با این روحیه به میدان می‌رفتند، هیچ‌گاه فکر فرار در سر نمی‌پروراندند و از هیچ‌کس نمی‌هراسیدند و بدین صورت بود که ارتشی شکست‌ناپذیر از مسلمانان پدید آمد. ۵. آیه‌ی فوق دو پیروزی مسلمانان را به صورت سربسته بیان می‌کند، ولی دو شکست منافقان را توضیح می‌دهد؛ گویی مقصود از پیروزی‌های مسلمانان آن‌قدر روشن است که به توضیح نیاز ندارد. ۶. در برخی روایات اشاره شده که یکی از دو نیکیِ در حال صلح برای

مؤمنـان، رزق دنیا یا اجابت دعوت حق، و یا مرگ در راه اطاعت خـدا یا درک زمان ظهور امام عصـر (عـج) است «۱». روشن است که این گونه احادیث مصـداق‌های دو نیکی را در زمان‌های مختلف بیان می‌کننـد. ۷. در این آیه اشاره شده که منافقان یا به دسـت مجاهدان اسـلام کشـته می‌شوند و به دوزخ می‌روند، و یا بدون جنگ می‌میرند و گرفتار عذاب الهی می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان هیچ‌گاه شـکست نمی‌خورند. ۲. پیروزی یـا شـهادت برای مؤمنـان هر دو نیکی و سـعادت است. ۳. سـرنوشت منافقان در هر صورت عذاب‌آلود است. ۴. وظیفه خود را انجام دهیـد و به نتیجه‌ی کار نیندیشـید که در هر صورت نیکی است. *** تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۳ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی توبه به بی‌ثمر بودن بخشش‌های منافقان و علت آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۳. قُلْ أَنفِقُوا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً لَن یُتَقَبَّلَ مِنکُمْ إِنَّکُمْ کُنتُمْ قَوْماً فَاسِقِینَ بگو: «خواه یا ناخواه (اموالتان را در جهاد) مصرف کنیـد، از شـما پـذیرفته نمی‌شود؛ [چرا] که شـما گروهی نافرمـانبردار بوده‌ایـد.» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. مقصـود از «فِسق» در ایـن آیه گناهی ساده و معمولی نیست، بلکه- همان‌گونه که در آیه‌ی بعد اشاره شده- کفر، نفاق و یا آلوده شدن بخشش‌ها با ریاکاری مراد است «۱». ۲. آیه‌ی فوق به صورت جمله‌ای شـرطی بیان شـده است، ولی بر تحقق خارجی دلالت نـدارد؛ یعنی ممکن است هیچ‌گاه منافقان با رضایت و میل در راه خـدا انفاق نکننـد و اگر انفاق کننـد، پـذیرفته نمی‌شود. ۳. حکایت شـده است که در جنگ تبوک، منافقـانی که در جهـاد شـرکت نکردنـد، می‌خواسـتند بـا کمـک مـالی به جبهه، خود را در پیروزی سـهیم بداننـد. ۴. پـذیرفته نشدن بخشـش‌های منافقـان، یـا بـدین معنـاست که کمک‌هـای آنـان در دنیـا از آن‌ها گرفته نمی‌شود و یا آن‌که مورد قبول خـدا و تکامل معنوی آنان و پاداش اخروی نمی‌شود؛ زیرا با روحیه‌ی نفاق و کفر همراه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نفاق و فسق مانع قبولی انفاق و بخشش است. ۲. دست از دو چهره بودن و نافرمانی بردارید تا بخشش‌های شما پذیرفته شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۴

نشانه های دیگر منافقان

قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی توبه به علل عـدم قبولی اعمال منافقان و نشانه‌های دیگر آنان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۵۴. وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ کَفَرُوا بِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا یَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ کُسَالَی وَلَا یُنفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ کَارِهُونَ و هیچ چیز آنان را از پـذیرفته شـدن هزینه (و صـدقه) هایشان باز نداشت، جز این که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند، و نماز را به جـا نمی‌آورنـد، جز در حـالی کـه آنـان کَسِل هسـتند، و (اموالشـان را در راه جهـاد) مصـرف نمی‌کننـد، مگر در حـالی کـه آنـان ناخشنودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، کفر مانع پذیرش بخشش دانسته شده است؛ یعنی ایمان به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله شـرط قبولی اعمال نیک می‌باشـد. ۲. منافقـان ایمـان واقعی ندارنـد؛ از این رو، بـا عشق و علاقه به سوی نماز نمی‌رونـد، بلکه با اکراه نمـاز بجـای می‌آورنـد؛ همـان‌گونه که بـا اکراه بخشـش می‌کننـد، در حـالی که مومنان این عبادت‌ها و بخشـش‌ها را ذخیره‌ی آخرت می‌داننـد و با علاقه انجام می‌دهنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شـرط پذیرش بخشش، ایمان است. ۲. منافقـان را از دو نشانه‌ی «۱» کسالت در نماز و اکراه در بخشـش بشناسـید. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۵ ۳. نماز و بخشـش ظاهری مردم شما را نفریبد؛ زیرا منافقان نیز این اعمال را انجام می‌دهنـد. ۴. منـافق کـافر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجـاه و پنجم سوره‌ی توبه با اشاره به مایه عذاب بودن اموال و فرزندانِ منافقان و می‌فرماید: ۵۵. فَلَا تُعْجِبْکَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّما یُرِیدُ اللّهُ لِیُعَذِّبَهُم بِهَا فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ کَافِرُونَ و (فزونیِ) اموالشـان و فرزنـدان آنـان، تـو را به شـگفت نیـاورد؛ جز این نیست که خـدا می‌خواهـد به وسـیله‌ی آن [ها] در زندگی پست (دنیا) عذابشان کند، و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشـاره دارد که منافقـان بـا نیروی اقتصادی و انسانی که در اختیار آن‌هاست، معذّب هسـتند؛ زیرا از سویی، فرزنـدان آنان معمولًا به افرادی ناصالـح و مـایه رنجش خـاطر و ننـگ آن‌ها تبـدیل می‌شونـد، و از سوی دیگر، اموال آنان که از طریق گناه به دست آمـده،

بی‌برکت و مایه دلبستگی آن‌هاست و در نهایت، به خاطر آن‌ها بی‌ایمان از دنیا می‌روند. ۲. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که عذاب الهی منحصر به آخرت نیست و در دنیا نیز ممکن است انسان‌ها با رنج و مشکلات عذاب شوند. ۳. در این آیه به «اراده‌ی خدا» اشاره شده است و این تعبیر برای بیان سنت‌های الهی به کار می‌رود؛ یعنی روش و سنت الهی آن است که ثروتمندان منافق صفت را در دنیا عذاب کند. ۴. از تعبیر «تَزْهَقَ» استفاده می‌شود که جان دادن منافق بسیار دشوار است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اموال و فرزندان، وسیله مجازات منافقان و کشاندن آنان به کفر است. ۲. به اموال و فرزندان دل نبندید که برخی نعمت‌های ظاهری در حقیقت مایه عذاب انسان است. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم سوره‌ی توبه، به دو نشانه دیگر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۵۶ و ۵۷. وَيَحْلِفُونَ بِاللّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِنكُمْ وَلكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ* لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ و به خدا سوگند می‌خورند که آنان حتماً از شما هستند، و حال آن که آنان از شما نیستند؛ و لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند.* اگر (بر فرض) پناهگاهی یا غارهایی یا سوراخی می‌یافتند، حتماً به سوی آن روی برمی‌تافتند، در حالی که آنان شتابان می‌روند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به ترس شدید منافقان اشاره شده است. «۱» آنان چون تکیه‌گاهی الهی در باطن خویش ندارند، همواره گرفتار وحشتی بزرگ هستند و چون از نافرمانی خدا نمی‌ترسند، از غیر خدا می‌ترسند، و از این رو است که کفر باطنی خود را پنهان می‌کنند و در ظاهر خود را مؤمن جلوه می‌دهند. ۲. این آیه با رساترین تعبیرها، ترس و دشمنی منافقان با مؤمنان را نشان داده است که (اگر منافقان به خاطر اموال و خانواده خود مجبور به تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۷ ماندن نبودند) به غارهای کوه‌ها یا سوراخ‌های زمین فرار می‌کردند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ترس شدید و سوگندهای دروغ از نشانه‌های منافقان است. ۲. سوگندهای منافقان شما را فریب ندهد؛ زیرا آنان از شما و موافق عقایدتان نیستند. ۳. زندگی منافقان با مسلمانان یک زندگی اضطراری است و اگر فرصتی بیابند، از وضع موجود می‌گریزند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و هشتم سوره‌ی توبه با اشاره عیب‌جویی منافقان نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و دنیاطلبی آنان می‌فرماید: ۵۸. وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ و از آن (منافق) ان کسی است که در (تقسیم غنائم و) بخشش‌ها بر تو عیب‌جویی می‌کند، و اگر از آن (اموال، سهمی) به آنان عطا شود، راضی می‌شوند؛ و اگر از آن [ها] به آنان داده نشود، به ناگاه آنان به خشم می‌آیند. شأن نزول: داستان نزول این آیه را چنین روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول تقسیم اموالی (از غنایم) بود که یکی از افراد طایفه بنی تمیم فرا رسید و صدا تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۸ زد: ای پیامبر، عدالت را رعایت کن! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وای بر تو! اگر من عدالت نکنم، چه کسی عدالت خواهد کرد؟!» در این هنگام عمر که در صحنه حاضر بود، به پیامبر گفت: اجازه بده که گردنش را بزنم، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه نداد این و آیه فرود آمد و به این‌گونه افراد اندرز داد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق، یکی دیگر از نشانه‌های منافقان بیان شده، که هرگز به حق خود راضی نیستند و می‌خواهند از منافع عمومی هر چه بیش‌تر بهره ببرند و دوستی و دشمنی آنان نیز بر محور منافع دور می‌زند و از هر کس از مال دنیا بیش‌تر به آنان بدهد، راضی می‌شوند و از هر کس عدالت و حق را رعایت کند، به خشم می‌آیند. ۲. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که همه‌ی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله عادل نبوده‌اند، و حتی برخی منافق بوده‌اند و جسارت به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از آن‌ها صادر می‌شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیه به رهبران الهی می‌آموزد که خود را برای مشکلات آماده کنند؛ زیرا لبه‌ی تیز حملات و تبلیغات منافقان به سوی رهبری است. ۲. منافق به منافع شخصی خود می‌اندیشد و به حق خود راضی نیست. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۲۹ ۳. تقسیم اموال و مسائل اقتصادی حساس است و افراد را در معرض تهمت قرار می‌دهد. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی توبه راه صحیح برخورد با بیت المال را ارائه کرده و می‌فرماید: ۵۹. وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَاآتَاهُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّهُ سَيُؤْتِينَا اللّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللّهِ رَاغِبُونَ و اگر (بر فرض) آنان به آنچه خدا و فرستاده‌اش به آنان داده، راضی می‌شدند و می‌گفتند: «خدا ما را

بس است؛ بزودی خدا و فرستاده‌اش، از بخشش خود به ما می‌دهند؛ براستی که ما تنها به سوی خدا مشتاقیم.» (این برای آنان بهتر بود). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه چهار صفت یا چهار مرحله برای انسان‌های قانع و راضی بیان شده است: یکم- تسلیم و رضایت به تقدیر الهی و تقسیم پیامبرش؛ دوم- اظهار رضایت به زبان؛ سوم- امید به فضل و کرم خدا و پیامبرش؛ چهارم- بی‌توجهی نسبت به دنیا و رغبت به سوی خدا. ۲. آیه با «لَو» آمده است، یعنی اگر بر فرض منافقان به تقدیرات الهی راضی می‌شدند که نمی‌شوند. ۳. این آیه در ادامه حالات منافقان است، اما در حقیقت روشی صحیح و راهبردی را در برخورد با تقدیرات الهی و تقسیم‌های پیامبر برای مؤمنان بازگو می‌کند. ۴. آیه‌ی فوق اشاره می‌کند که انسان‌ها از خدا و پیامبر طلب‌کار نیستند، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۰ بلکه هر چه به ما بدهند، از فضل و بخشش آن‌هاست. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که الطاف الهی از طریق پیامبر (و اولیای او) به ما می‌رسد و از این رو است که دو بار در کنار نام خدا، از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خیر انسان در رضایت و قناعت است. ۲. به بخشش‌های الهی و رهبری، اعتراض نکنید و به فضل الهی امیدوار باشید. ***

موارد مصرف زکات

قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی توبه، موارد مصرف زکات را بر می‌شمارد و می‌فرماید: ۶۰. إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللّهِ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ زکات‌ها فقط برای نیازمندان و بینوایان و کارکنانِ (جمع‌آوری کننده‌ی) آن، و دلجویی شدگان، و در [راه آزاد کردن بردگان، و بدهکاران، و در راه خدا، و واماندگان در راه است؛ [این،] واجبی از طرف خداست؛ و خدا دانایی فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «صدقات» از «صَدَقه» و نشان دهنده صداقت در ایمان به خداست و مقصود از آن در آیه‌ی فوق «زکات واجب» می‌باشد؛ زیرا در پایان آیه از آن به عنوان «واجب الهی» یاد شده و صدقه واجب همان زکات است. ۲. واژه‌ی «فقیر» در اصل به معنای کسی است که ناداری، ستون فقرات او را می‌شکند و در این‌جا، به معنای کسی است که در زندگی خود کمبود مالی دارد، ولی شغل نیز دارد و نیاز خود را آشکار نمی‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۱ ۳. واژه‌ی «مسکین» در اصل از ماده‌ی «سکون» گرفته شده؛ یعنی گویا کسی بر اثر شدت فقر ساکن و زمین‌گیر شده است؛ بنابراین، «مسکین» کسی است که نیازش شدیدتر بوده و شغلی ندارد و از این رو، نیاز خود را آشکار می‌سازد و از دیگران درخواست کمک می‌کند «۱». خرم آن کس که در این محنت گاه خاطری را سبب تسکین است ۴. مقصود از عاملان زکات، کارکنانی هستند که برای جمع‌آوری و اداره بیت المال مسلمانان کوشش می‌کنند و آنچه به آنان داده می‌شود، به عنوان مزد آنان است و از این رو، فقیر بودن در آن‌ها شرط نیست. ۵. مقصود از گروه «مُؤَلَّفةِ قُلوبُهم» مسلمانان یا غیر مسلمانانی هستند که برای استفاده از همکاری آنان در جهاد و یا جذب کامل آن‌ها به اسلام، کمک‌های مالی تشویقی به آنان داده می‌شود تا قلب‌های آنان جلب شود «۲». ۶. در این آیه آمده است که سهمی از زکات برای مبارزه با بردگی اختصاص می‌یابد و این نشان می‌دهد که اسلام می‌خواهد بردگی در جامعه بشریت ریشه‌کن شود؛ اما این کار به تدریج انجام می‌گیرد تا واکنش‌های نامطلوب اجتماعی نداشته باشد. ۷. مقصود از مصرف زکات «در راه خدا»، تمام راه‌هایی است که به گسترش و تقویت دین اسلام می‌انجامد که شامل جهاد، تبلیغ و حتی کارهای عمرانی مانند مدرسه سازی و پل سازی می‌شود. ۸. مقصود از «واماندگان در راه» مسافرانی هستند که بر اثر حادثه‌ای یا هر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۲ عاملی در راه مانده‌اند و توشه و مرکب کافی برای رسیدن به مقصد ندارند، هر چند در شهر خود فقیر نباشند. این‌گونه افراد را باید با دادن زکات به آن‌ها بی‌نیاز کرد تا به مقصد برسند. ۹. این آیه با واژه‌ی «انّما» آغاز می‌شود؛ یعنی زکات فقط مخصوص همین هشت مورد است. این مطلب پاسخی بود به منافقانی که در مورد تقسیم بیت المال از پیامبر عیب‌جویی می‌کردند و انتظار داشتند بدون استحقاق چیزی به

آنان داده شود. ۱۰. در این آیه از چهار گروه با اضافه‌ی حرف لام یاد شـده که نشانه ملکیت آن‌ها بر زکات است، ولی در دو مورد کلمه‌ی «فی» آمده (و دو مورد نیز به آن‌ها عطف شده) که نشان دهنده مورد مصـرف زکات است. برخی مفسـران بر این باورند که برای دو گروه یا چهار گروه دوم فقط جایز است از زکات استفاده کنند، ولی مالک آن نمی‌شوند، ولی برخی دیگر از مفسران، این چهار گروه دوم را ظرف واقعی زکات دانسته‌اند «۱». به هر حال، در دو موردی که «فی» آمده، یعنی بردگان و در راه خدا، اموال به خود بردگان داده نمی‌شود، بلکه در راه خدا و در راه آزادی آنان صـرف می‌شود. ۱۱. بر اساس سیره و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السـلام، جایز است زکات به هشت قسـمت مساوی تقسیم شود، ولی واجب نیست «۲»، به بیان دیگر، هدف از قـانون مالیـات زکـات، رفع نیازمنـدی‌های گوناگون جامعه می‌باشـد که مصـرف آن به ضـرورت‌های اجتماعی در موارد هشت گانه وابسته است. ۱۲. در تاریخ اسلام، دو دوران مشخص وجود دارد؛ دوران مکه که همّت پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان صرف تعلیم و تربیت می‌شـد و هر چند حکم زکات در آن دوران فرود آمده بود «۳»، حکومتی تشکیل نشده بود تا آن را جمع آوری کند تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۳ و تنها خود مردم به پرداخت آن و بخشش‌های مالی دیگر اقدام می کردند. اما در دوران مدینه که حکومت اسـلامی تشکیل و نیاز به بیت المال پیدا شد، پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خدا مأموریت یافت مالیات زکات را از مردم بگیرد و در موارد آن، مصرف کند «۱» و مشهور است که این قانون در سال دوم هجری تعیین شد. ۱۳. زکات چند نقش مهم در جـامعه اسـلامی بر عهـده دارد: الـف) تـأمین بیت المـال حکومت اسـلامی که به وسـیله آن نیازهـای اقتصـادی حکومت برآورده می‌شود. ب) حمـایت از محرومـان جـامعه؛ ج) کمـک به پرداخت هزینه‌هـای مجاهـدان در جنـگ و دفاع؛ د) ایفای نقش مالیات بر درآمـد، تولیـد و ثروت‌های راکـد؛ ه) تعـدیل ثروت در جامعه؛ و) احیا کننـده‌ی روح سـخاوت و رحمت در انسان که نوعی تشـکر عملی از خـداست. ۱۴. در روایتی از امـام صـادق علیه السـلام آمـده است: اگر همه مردم زکـات اموال خود را بپردازنـد، مسـلمانی نیازمنـد باقی نمی‌مانـد ... و مردم فقیر، محتاج، گرسـنه و برهنه نمی‌شوند مگر به خاطر گناه ثروتمندان. «۲» ۱۵. از احادیث و تاریخ اسـلام اسـتفاده می‌شود که اگر حکومت عدل تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۲۳۴ اسـلامی از اشخاصـی، زکات را مطالبه کند و آنان مقاومت نمایند و سـرباز زنند، مرتد به شمار می‌آیند و در صدر اسلام، در زمان ابو بکر گروهی از مسلمانان از پرداخت زکات سرباز زدند و با آنان مبارزه نظامی شد و حتی امام علی علیه السـلام نیز در این مبارزه شـرکت کرد و این گروه به نام «اصحاب رَدّه» مشهور شدند. ۱۶. در حدیثی از امام صادق علیه السـلام آمده است: کسی که یک قیراط [مقدار کمی از زکات را نپردازد، مؤمن و مسـلمان نیست و ارزشـی ندارد. «۱» ۱۷. رعـایت قـانون زکـات و پرداخت این مالیـات موجب آبادانی کشور اسـلامی و حفظ امنیت عمومی می‌شود و نپرداختن آن، پیـدایش شـکاف‌های طبقاتی و به خطر افتادن اموال ثروتمنـدان را سبب می‌شود. یعنی هنگامی که فقیر در جـامعه زیـاد شود سـرقت و نـاامنی گسترش می‌یابـد و همـان ثروت‌هـای انباشـته به خطر می‌افتـد. بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است که بیند خیر از آن خر من که ننگ از خوشه چین دارد (حافظ) ۱۸. در روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است: اموال خود را با پرداخت زکات آن حفظ کنید. «۲» و همین مضمون از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است. ۱۹. نکته قابل توجه آن است که پرداخت زکات به اسـلام اختصاص ندارد، بلکه در ادیان پیشـین نیز وجود داشته است؛ همان گونه که از موسـی علیه السلام و عیسی علیه السلام حکایت شده است «۳». ۲۰. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که مال می‌تواند در جـذب دل‌ها مؤثر باشد. تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۲۳۵ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. همه اموال شـما مخصوص خودتان نیست، بلکه دیگران نیز در ثروت ثروتمندان سهم دارند. ۲. اسـلام دینی است که به دنیای مردم توجه کرده و قانون مالیاتی دارد که قانونی اجتماعی و اقتصادی است. ***

نشانه های دیگر منافقان

قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی توبه، با اشاره به ویژگی‌های نیکوی پیامبر صلی الله علیه و آله، در مورد آزار به ایشان هشدار داده و می‌فرماید: ۶۱. وَمِنْهُمُ الَّذِینَ یُؤْذُونَ النَّبِیَّ وَیَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَیْرٍ لَکُمْ یُؤْمِنُ بِاللّهِ وَیُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِینَ وَرَحْمَهٌ لِلَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَالَّذِینَ یُؤْذُونَ رَسُولَ اللّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ و از آن (منافق) ان کسانی هستند که پیامبر را آزار می‌دهند و می گویند: «او گوش (ی، و خوش باور) است!» بگو: «گوشیِ خوب بودن، به نفع شماست. [او] به خدا ایمان دارد؛ و مؤمنان را تصدیق می کند؛ و رحمتی است برای کسانی از شما که ایمان آورده‌اند.» و کسانی که فرستاده خدا را آزار می‌دهند، برایشان عذابی دردناک است. شأن نزول: درباره‌ی داستان نزول این آیه نقل شده گروهی از منافقان درباره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله سخنان ناشایست می گفتند که یک نفرِ آنان هشدار داد: ممکن است این سخنان به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله برسد، و دیگری گفت: مهم نیست، ما هر چه می‌خواهیم می گوییم و اگر به گوش او رسیده نزد وی می‌رویم و انکار می کنیم و او از ما می‌پذیرد؛ زیرا محمد صلی الله علیه و آله آدم خوش باوری است که هر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۶ کس هر چه بگوید، می‌پذیرد «۱». آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و به این منافقان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق اشاره دارد که آنان نقطه قوت پیامبر صلی الله علیه و آله را نقطه ضعف می‌پنداشتند و برای آزارش به او «اذُن» یا خوش باور می گفتند. «۲» ۲. یکی از صفات لازم برای یک رهبر محبوب آن است که نهایت لطف و محبت را از خود نشان دهد و عذرهای مردم را بپذیرد و در مورد عیب‌های آنان، پرده‌دری نکند و آبرو و شخصیت آنان را حفظ نماید. و این نقطه قوت در پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشت. او بسیاری از چیزها را متوجه می‌شد، ولی به روی خود نمی‌آورد تا دروغ‌گویان رسوا نشوند و راه توبه بر آنان سد نگردد و مردم از اطراف او پراکنده نشوند. ۳. مفسران در مورد تعبیر «خیرٌ لکم» دو احتمال داده‌اند: یکی این که او سخن‌پذیر خوبی به نفع شماست. و دیگر این‌که او سخنان مفید و نیک را به نفع شما می‌شنود (نه هر سخنی را) «۳» و عذرخواهی افرادی که به نفع آن‌ها و جامعه است، می‌پذیرد. هر دو احتمال می‌تواند مقصود آیه باشد، ولی احتمال اول ظاهرتر است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۷ ۴. از این آیه استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله دو برنامه داشت: نخست، حفظ ظاهر و جلوگیری از پرده‌دری که در این مرحله به همه سخنان گوش می‌داد و انکار نمی‌کرد و دوم، برنامه عملی که در این مرحله تنها به فرمان‌های الهی و پیشنهادهای مؤمنان راستین توجه می‌کرد. ۵. در این آیه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله برای مؤمنان رحمت است و در آیات دیگر قرآن می‌خوانیم که او برای تمام جهانیان رحمت می‌باشد «۱» و این یا به جهت درجات و مراتب رحمت است که برخی مراتب، همه‌ی جهانیان را شامل می‌شود و مراتب عالی به مؤمنان اختصاص دارد. و یا بدین جهت است که استعداد و زمینه‌ی استفاده از رحمت پیامبر صلی الله علیه و آله برای همه مردم وجود دارد، ولی فعلیّت و تحقق آن برای مؤمنان است؛ رحمت او مانند بارانی است که به همه جا می‌بارد و هر کس به اندازه‌ی استعداد و ظرفیت خود از آن بهره می‌برد. ۶. از آیه استفاده می‌شود که اذیت کردن پیامبر صلی الله علیه و آله با عیب‌جویی از او، گناهی بزرگ است. ۷. از این آیه استفاده می‌شود که برخی اصحاب منافق پیامبر صلی الله علیه و آله را اذیت می‌کردند؛ بنابراین، همه‌ی اصحاب عادل نبوده‌اند. ۸. مقصود از ایمان پیامبر صلی الله علیه و آله به مؤمنان، تصدیق سخنان آن‌هاست و این درسی برای همه‌ی مؤمنان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آیه به رهبران الهی و مبلغان دینی می‌آموزد که سعه صدر داشته باشند و به سخنان مردم گوش دهند و مایه رحمت برای آنان باشند. ۲. هر کس با سخنان خود رهبران دینی را اذیت کند، فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۸ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی توبه، به یکی از نشانه‌های منافقان، یعنی سوگند ایشان، اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۲. یَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَکُمْ لِیُرْضُوکُمْ وَاللّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَن یُرْضُوهُ إِن کَانُوا مُؤْمِنِینَ (منافقان) برای شما به خدا سوگند یاد می‌کنند، تا شما را راضی سازند؛ در حالی که خدا و فرستاده‌اش سزاوارترند که راضیش سازند، اگر مؤمن باشند. شأن نزول: درباره‌ی داستان نزول این آیه روایت شده گروهی از منافقان که به جنگ تبوک نرفتند، به یکدیگر می گفتند: این مطالبی که محمد درباره اشراف ما می گوید و آنان را منافق می‌خواند، اگر راست باشد، آنان از

چهارپایان بدترند، در حالی که آنان از نیکان ما هستند و برخی مسلمانان به آنان پاسخ دادند و این سخن را به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رساندند و ایشان آن منافق را خواست و از او پرسید که چرا چنین گفته‌ای؟ او سوگند یاد کرد که چنین نگفته است. در این هنگام آن مسلمان گزارشگر دعا کرد خدا راست‌گو را تصدیق و دروغ‌گو را تکذیب کند و آیه فرود آمد و وضع آنها را مشخص کرد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یکی از نشانه‌های منافقان اشاره کرده است که برای پوشاندن چهره‌ی خود، خلاف‌کاری‌ها را انکار می‌کردند و با توسّل به سوگند دروغین، مردم را فریب می‌دادند. ۲. در آیه ضمیر «یُرضُوه» به صورت مفرد آمده است، در حالی که بر طبق قاعده می‌بایست به صورت تثنیه بیاید تا به خدا و رسول باز گردد. این تعبیر اشاره می‌کند که پیامبر از خود استقلالی ندارد و رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله از تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۳۹ رضایت خدا جدا نیست؛ یعنی هرچه خدا پسندد او نیز می‌پسندد؛ رضا و خشم او برای خدا و در راه او است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان را از سوگندهای دروغ آنان بشناسید. ۲. فریب هر سوگندی را مخورید؛ زیرا گاهی مقدّسات، دستاویز نامقدسان می‌شود. ۳. برای مؤمنان رضایت خدا و رسولش اصل است. ۴. رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله در راستای رضایت خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و سوم سوره‌ی توبه، به منافقان و دشمنان خدا و رسول هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۶۳. أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّهُ مَن یُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِداً فِیهَا ذٰلِکَ الْخِزْیُ الْعَظِیمُ آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و فرستاده‌اش به شدت مخالفت کند، پس برایش آتش جهنّم است؛ در حالی که در آن جا ماندگار است؟! این، (همان) رسوایی بزرگ است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «یُحادِد» از ریشه «حَدّ» به معنای طرف و نهایت چیزی است، و از آن‌جا که افراد دشمن و مخالفان در طرف مقابل قرار می‌گیرند، این واژه به معنای دشمنی نیز به کار می‌رود. برخی مفسران نیز گفته‌اند که این واژه به معنای محدود دانستن قدرت خدا، یا به معنای سرسختی و تجاوز از قانون الهی و یا خود را طرف خدا تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۰ دانستن است «۱». ۲. از این آیه استفاده می‌شود که سرنوشتِ مخالفت با خدا و رسول، یکی و آن دوزخ است؛ زیرا مخالفت با رسول، در حقیقت مخالفت با خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان خدا و رسول فرجامی عذاب‌آلود و رسوا دارند. ۲. اگر می‌خواهید از رسوایی و دوزخ نجات یابید، در برابر خدا و رهبران الهی صف آرایی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و چهارم سوره‌ی توبه، به ترس منافقان از افشای اسرار آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۴. یَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَن تُنَزَّلَ عَلَیْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُم بِمَا فِی قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِءُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَاتَحْذَرُونَ منافقان بیم دارند که سوره‌ای بر ضدّ آنان فرود آید که آنان را از آنچه در دل‌هایشان است، خبر دهد. (ای پیامبر) بگو: «ریشخند کنید! که خدا برون آورنده (و فاش کننده) چیزی است که [از آن بیم دارید. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق و دو آیه بعد از آن، این‌گونه روایت شده است که گروهی از منافقان نقشه کشیدند هنگام بازگشت از جنگ تبوک در یکی از تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۱ گردنه‌های راه، شتر پیامبر صلی الله علیه و آله را رَم دهند و او را بقتل رسانند؛ اما خدا پیامبرش را از این توطئه آگاه کرد و با همکاری یارانی چون عمار و حُذیفه که محافظت از ایشان را بر عهده گرفتند، توطئه منافقان خنثی شد و حذیفه آنان را دور کرد؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به حذیفه معرفی کرد. حذیفه به پیامبر پیشنهاد کرد منافقان را به قتل برساند، ولی ایشان فرمودند: دوست ندارم عرب بگوید هنگامی که محمد بر یارانش پیروز شد، به کشتن آنان پرداخت «۱». آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را به افشای اسرار آنان تهدید کرد «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه استفاده می‌شود که خدا گاهی برای دفع خطر منافقان، پرده از روی اسرار آنان بر می‌داشت و آنان را معرفی می‌کرد تا مسلمانان بهوش بوده و منافقان نیز مواظب کردار خود باشند و از این رو منافقان اغلب در یک حالت وحشت به سر می‌بردند. ۲. آیه با جمله «هر چه می‌خواهید، مسخره کنید» در مقام تهدید منافقان است؛ همان‌گونه که انسان به دشمن می‌گوید: هر اندازه می‌توانی کارشکنی و اذیت کن، پاسخ آن‌ها را یک‌جا خواهم داد. ۳. مقصود از فرود آمدن آیه بر منافقان آن نیست که آیه‌ای بر شخص آن‌ها نازل شود، بلکه مقصود آن است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله آیه‌ای درباره‌ی آنان و علیه آن‌ها نازل شود. ۴. در این آیه از واژه‌ی «سُوره»

استفاده شده است. سوره در اصطلاح به تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۲ مجموعه‌ای از آیات قرآن گفته می‌شود که معمولًا با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز می‌شود و با شروع سوره دیگر پایان می‌پذیرد. در قرآن کریم ۱۱۴ سوره وجود دارد که تنها سوره‌ی توبه با «بسم اللّه الرحمن الرحیم» آغاز نمی‌شود. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان فهمیده بودند رسول خدا از طریق وحی از کار آنان آگاه می‌شود و بدین سبب در هراس بودند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان هر لحظه از افشا شدن چهره واقعی خویش نگران هستند. و در نهایت نیز رسوا می‌شوند. ۲. منافقان را از ریشخندهایشان بشناسید که مسخره کردن (مؤمنان) یکی از شیوه‌های تبلیغی آنان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی توبه، با اشاره به بهانه‌های منافقان و مسخره کردن مقدسات و می‌فرماید: ۶۵. وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ و اگر از آن (منافق) ان بپرسی (چرا ریشخند می‌کردید؟!) حتماً می‌گویند: «ما فقط همواره (در هر سخنی) فرو می‌رفتیم و بازی می‌کردیم.» (ای پیامبر) بگو: «آیا به خدا و آیات او و فرستاده‌اش همواره ریشخند می‌کردید؟!» شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده که گروهی از منافقان در هنگام جنگ تبوک، پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله سخنانی مسخره‌آمیز می‌گفتند که تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۳ تسخیر قصرهای شام محال است و احدی از مسلمانان از این جنگ باز نمی‌گردد. خداوند پیامبرش صلی الله علیه و آله را از این سخنان آگاه ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله‌ی عمار از آنان بازخواست کرد، ولی آن‌ها سوگند یاد کردند و گفتند که ما شوخی می‌کردیم «۱». برخی مفسران نوشته‌اند این آیه مربوط به جنگ تبوک و توطئه ترور پیامبر است که یکی از منافقان می‌گوید: اگر توطئه فاش شد، چه کنیم؟ دیگری پاسخ می‌دهد: می‌گوییم شوخی بود «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برنامه منافقان آن است که با مسخره کردن مؤمنان و کارهای آنان، سمپاشی می‌کنند تا به اهداف شوم خود برسند و اگر رازشان فاش شود، خود را زیر نقاب شوخی پنهان «۳» و بهانه‌تراشی می‌کنند تا از مجازات فرار نمایند؛ منافقان عصر ما نیز همین برنامه‌ها را دنبال می‌کنند. ۲. بازی و شوخی در جای خود مفید است؛ اما شوخی با مقدسات صحیح نیست؛ زیرا حقایق را در نظر مردم سست و کوچک می‌نماید و موجب جرئت و جسارت افراد علیه دین می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان به بهانه شوخی کردن، سمپاشی می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۴ ۲. شوخی کردن با مقدّسات دینی جایز نیست. ۳. از منافقان در مورد کارهایشان بازپرسی کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و ششم سوره‌ی توبه به منافقان هشدار می‌دهد که دست از بهانه‌تراشی بردارند، و می‌فرماید: ۶۶. لَاتَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِن نَعْفُ عَن طَائِفَةٍ مِنكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ عذر نیاورید، در واقع [شما] پس از ایمان آوردنتان، کفر ورزیده‌اید؛ اگر گروهی از شما را (به خاطر توبه) ببخشیم، گروه [دیگری را، به خاطر آن که آنان خلافکار بودند، عذاب می‌کنیم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه استفاده می‌شود گروهی از افرادی که ایمانی ضعیف داشتند، در بین منافقان بودند، ولی هنوز اعمال ناپسندی از آن‌ها سر نزده بود و از این رو، مؤمنان مانند افراد مسلمان با آن‌ها برخورد می‌کردند؛ اما ماجرای تبوک یا جریان مسخره کردن سبب شد تا راه کفر در پیش گیرند. ۲. در آیه اشاره شده که گروهی مورد عفو قرار گرفتند، و آن‌ها کسانی بودند که آثار جرم و گناه خود را با آب توبه شستند؛ همان‌گونه که در آیه‌ی ۷۴ همین سوره و در برخی احادیث نیز بدین مطلب اشاره شده و نام برخی از آن‌ها برده شده است «۱». ۳. از این آیه استفاده می‌شود که نفاق اگر به درجه‌ای برسد، از کفر سر در می‌آورد و برخی منافقان در حقیقت کافرند و برخی از آنان آن‌قدر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۵ خلاف‌کارند که لیاقت بخشوده‌شدن را نخواهند داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی از منافقان توبه‌کار قابل عفو هستند، ولی منافقان مجرم و خلاف‌کار به عذاب الهی گرفتار خواهند شد. ۲. بهانه‌تراشی منافقان خلاف‌کار بی‌فایده است؛ زیرا آنان در حقیقت کافرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هفتم سوره‌ی توبه به پنج صفت دیگر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۷. الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُم مِن بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ مردان منافق و زنان منافق، برخی آنان از برخی [دیگر] اند؛ به [کار] ناپسند فرمان می‌دهند، و از [کار] پسندیده منع می‌کنند؛ و

دست‌هایشان را (از بخشش فرو) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، پس (خدا نیز) آنان را به فراموشی سپرد؛ براستی که تنها منافقان نافرمانبردارند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که ممکن است روح نفاق در مرد یا زن به وجود آید؛ بنابراین، فریب تغییر چهره‌ها را نخوریم، بلکه صفات منافقان را بررسی نماییم، و در هر کس وجود داشت، او منافق است. ۲. آیه اشاره کرده که منافقان با همه تفاوت‌هایی که بین آن‌ها وجود دارد، با یک‌دیگر هم‌بستگی دارند و همگی از یک باند هستند. ۳. برنامه‌ی منافقان بر عکس برنامه‌ی مؤمنان است؛ یعنی مؤمنان با امر به معروف و نهی از منکر جامعه را از آلودگی‌ها پاک می‌کنند، ولی منافقان می‌کوشند فساد و آلودگی همه جا را بگیرد و کارهای پسندیده و نیک از تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۶ جامعه برچیده شود؛ زیرا آنان در محیط آلوده بهتر می‌توانند به اهداف شومشان برسند. ۴. یکی دیگر از نشانه‌ها و صفات منافقان آن است که به کمک محرومان نمی‌شتابند و خویشان آن‌ها و مؤمنان از کمک‌های مالی خالصانه آن‌ها بهره‌مند نمی‌شوند؛ زیرا منافقان به آخرت ایمان ندارند (پس اگر بخششی هم داشته باشند، با منّت و ریاکاری همراه است). ۵. مقصود از این‌که «خدا منافقان را فراموش می‌کند.» فراموشی واقعی نیست، بلکه این تعبیر کنایه از آن است که با آنان معامله شخص فراموشکار می‌شود؛ یعنی هیچ سهمی از رحمت و توفیق الهی به منافقان نمی‌رسد. ۶. براساس برخی روایات که از امام علی علیه السلام نقل شده، مقصود از آیه آن است که آنان خدا را در دنیا فراموش کردند و او را اطاعت نکردند و خدا نیز آنان را در آخرت فراموش کرد و ثوابی به آنان نداد «۱». روشن است که این روایات برخی مصادیق و نمونه‌های فراموشی انسان و خدا را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه به این موارد محدود نمی‌شود. ۷. در آیه‌ی فوق فراموشی پروردگار با «فای تفریع» بر فراموشی منافقان عطف شده است؛ یعنی هنگامی که منافق خدا و فرمان‌هایش را فراموش می‌کند، اثرش آن است که خدا نیز آنان را از مواهب خویش محروم می‌سازد؛ پس این نتیجه عمل آن‌هاست. ۸. در پایان آیه‌ی فوق اشاره شده که منافقان، فاسق و نافرمان‌بردارند و این مطلب به روح قانون‌گریزی و قانون‌شکنی منافقان اشاره دارد. جالب این است که در عصر ما نیز در مورد منافقان همین صفات مشاهده می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ترویج کارهای ناشایست و جلوگیری از خوبی‌ها و بُخل و فراموشی خدا و قانون‌شکنی، از نشانه‌های منافقان است. ۲. خدا را فراموش نکنید که موجب محرومیت از لطف الهی و به فراموشی سپرده شدن شماست. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و هشتم سوره‌ی توبه، به فرجام عذاب‌آلود منافقان و کافران اشاره کرده و می‌فرماید: ۶۸. وَعَدَ اللّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنّم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا آنان را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده که برای منافقان و کافران، آتش دوزخ کافی است و آنان به مجازات دیگری نیاز ندارند؛ زیرا در دوزخ انواع عذاب‌ها وجود دارد. ۲. در آیه‌ی فوق «لعنت الهی»، یعنی دوری افراد از رحمت خدا، به عنوان یک عذاب معرفی شده است. آری، دوری از خدا، خود دردناک‌ترین کیفر برای کافران و منافقان به شمار می‌آید؛ زیرا: - کسی که از خدا دور است، از مواهب و نعمت‌های بهشتی نیز دور است. - کسی که از خدا دور است، از پیامبران و اولیای الهی نیز دور است. - کسی که از خدا دور است، به دوزخ و عذاب نزدیک است. - کسی که از خدا دور است، با دوزخیان و آلودگان همنشین است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سرنوشت شوم کافران و منافقان یکسان است و هر دو به عذاب و لعنت الهی گرفتار می‌شوند. ۲. کافران و منافقان را لعنت کنید؛ همان‌گونه که خدا آن‌ها را از رحمت خویش دور می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی توبه با اشاره به تکرار تاریخ در مورد منافقان و زیان‌کاری آنان می‌فرماید: ۶۹. كَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَاداً فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُم بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُوْلَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَأُولئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (شما منافقان)، هم‌چون کسانی هستید که پیش از شما بودند، [آنان از شما نیرومندتر، و دارای اموال و فرزندان بیش‌تری بودند، و از بهره‌ی‌شان استفاده

کردند؛ و [شما نیز] از بهره‌ی‌تان استفاده کردید، همانند کسانی که پیش از شما از بهره‌ی‌شان استفاده کردند؛ و (شما در کفر و نفاق و مسخره کردن مؤمنان) فرو رفتید، همانند کس [ان] ی که فرو رفتند؛ آنان اعمالشان در دنیا و آخرت تباه شد؛ و تنها آنان زیانکارانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «خَلاق» در لغت به معنای بهره و نصیب و از ریشه‌ی «خُلق» گرفته شده است. (گویا انسان بهره‌های خود را متناسب با خُلق و خوی خود در این جهان دریافت می‌کند). ۲. در این آیه اشاره شده که منافقان زیان‌کاران واقعی هستند؛ زیرا که آنان استفاده‌های محدود و گذرا از اعمال نفاق‌آمیز خود می‌برند، ولی در تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۴۹ نهایت، عواقب نفاق در دنیا دامانشان را می‌گیرد و آن‌ها را به نابودی می‌کشاند و در جهان دیگر نیز به عذاب الهی گرفتار می‌شوند. ۳. مقصود از «حَبْط عمل» منافقان در آخرت آن است که آثار اعمالشان نابود می‌شود و ثوابی برای کارهای نیک دریافت نمی‌کنند و مقصود از حَبْط اعمالشان در دنیا شاید همان افشای چهره‌ی واقعی آنان و بی‌ارزش شدن کارهای نیک آن‌ها باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از سرنوشت پیشینیان عبرت بگیرید که (گاهی) تاریخ تکرار می‌شود؛ از این رو، سرنوشت منافقان جدید هم‌چون منافقان گذشته است. ۲. کام‌یابیِ زودگذر منافقان، کثرت اموال و فرزندان و نیرومندی ظاهری آنان دلیل سعادتمندی آن‌ها نیست. ۳. نفاق موجب نابودی و بی‌اثر شدن اعمال نیک انسان در دنیا و آخرت و زیان‌کاری می‌شود. ***

از سرنوشت گذشتگان عبرت آموزید

قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی توبه، منافقان را به یاد سرنوشت اسف‌بار اقوام گذشته می‌اندازد و می‌فرماید: ۷۰. أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ آیا خبر بزرگ کسانی که پیش از آنان بودند، به آنان نرسیده است؟! (همان) «قوم نُوح» و «عاد» و «ثَمود» و «قوم ابراهیم» و «اهل مَدْیَن» [: قوم شعیب و « [شهرهای زیر و رو شده» [: قوم لوط]؛ فرستادگانشان دلیل‌های روشن برای آنان آوردند، (ولی نپذیرفتند؛) و خدا هرگز به آنان ستم نکرد، و لیکن همواره بر خودشان ستم می‌کردند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اقوامی که در این آیه از آن‌ها یاد شده است، روزگاری بخش‌های مهمی از جهان را در اختیار داشتند؛ اما هر کدام بر اثر تبهکاری، سرکشی، بیدادگری و فساد به نوعی گرفتار کیفر الهی شدند و این مطلب خود درس عبرتی برای همه‌ی منافقان و کافران در طول تاریخ است. ۲. قوم نوح با امواج کوبنده‌ی سیلاب غرق شدند و قوم عاد، یعنی قوم هودِ پیامبر، به وسیله بادهای تند و وحشت‌زا به هلاکت رسیدند و قوم ثمود، یعنی قوم صالح پیامبر، با زلزله‌های ویرانگر و قوم ابراهیم با سلب انواع نعمت‌ها، و اصحاب مَدْین، یعنی قوم شُعَیب پیامبر، با ابر آتش‌بار و قوم لوط با زیر و رو شدن شهرهای آنان همگی نابود شدند و درس عبرتی برای سرکشان و خلاف‌کاران گردیدند «۱». تذکر: یادآور می‌شویم که در مباحث گذشته مطالبی درباره‌ی زندگی این ملت‌ها بیان کردیم و در سوره‌های بعدی نیز به تناسب، داستان زندگی آنان را به صورت کامل‌تری بیان خواهیم کرد «۲». ۳. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که عذاب‌های الهی هنگامی بر ملت‌های سرکش فرود می‌آمده که پیامبرانی با دلایل روشن می‌آمدند و اتمام حجّت تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۱ می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از تاریخ گذشتگان درس عبرت بگیرید (و راه آنان را نپویید). ۲. گرفتاری ملت‌ها در اثر ستم آنان به خویشتن است. ***

ویژگی های مؤمنان

قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی توبه، با اشاره به نشانه‌ها و ویژگی‌های مؤمنان راستین در دنیا می‌فرماید: ۷۱. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللّهَ وَرَسُولَهُ أُولئِكَ سَيَرْحَمُهُمْ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ مردان مؤمن و زنان مؤمن برخی از آنان یاوران (و دوستان) برخی [دیگر] اند. به [کار] پسندیده

فرمان می‌دهنـد، و از [کار] ناپسـند منع می‌کننـد؛ و نماز را به پا می‌دارنـد؛ و [مالیاتِ زکات را می‌پردازنـد؛ و از خـدا و فرسـتاده‌اش اطاعت می‌کنند؛ آنان، خدا بزودی مورد رحمت قرارشان می‌دهد؛ بدرستی که خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیـات قبـل، نشانه‌هـا و ویژگی‌های منافقان این‌گونه بیان شـد که به منکرات فرمان می‌دهنـد و مردم را از کارهای شایسـته باز می‌دارنـد و بُخل می‌ورزند و خدا را فراموش می‌کنند و فاسق و نافرمان‌بردارند. ۲. در این آیه چند صـفت برای مؤمنان بر شمرده که نقطه مقابـل صـفات منافقـان است: – منافقـان به کارهـای ناپسـند و مؤمنان به کارهای شایسـته فرمان می‌دهنـد. – منافقان مردم را از کارهای نیک و مؤمنان مردم را از کارهای ناپسـند باز تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۲۵۲ می‌دارنـد. – منافقان خدا را فراموش می‌کننـد و مؤمنان به یاد خـدا هسـتند و نماز را بر پا می‌دارنـد، و دل و عقل خود را روشن و بیدار می‌سازند. – منافقان افرادی بخیل هستند که در راه خدا و خلق بخشش نمی‌کنند، ولی مؤمنان در راه خدا، خلق و بازسازی جامعه زکات می‌پردازند. – منافقان فاسق و نافرمان‌بردارنـد، ولی مؤمنان مطیع خـدا و پیامبرش هسـتند. – منافقان مورد لعنت خدا بوده و از رحمت او دور می‌شوند، ولی مؤمنان مشمول رحمت الهی هستند. ۳. در آیات پیشـین گفته شد که منافقان «از هم‌دیگرند» اما در این‌جا گفته شد که «مردان و زنان مؤمن برخی آن‌ها دوست و یاور یکدیگرند.»؛ یعنی در این‌جا برای بیان رابطه‌ی مؤمنان از واژه‌ی «اولیاء» استفاده شد، تا بیان شود که روح ولایت و دوستی و یاری‌گری در میان مؤمنان وجود دارد، اما منافقان هر چند که در برنامه‌های یک‌دیگر شریک‌اند، روح ولایت در بیـن آن‌هـا نیسـت و بـه هنگـام خطر به دوسـتان خـود نیز خیـانت می‌کننـد و به بیـان قرآن، دل‌هایشـان پراکنـده است «۱». ۴. واژه‌ی «رحمت» در آیه‌ی فوق، مفهومی بسیار وسیع دارد که شامل هرگونه خیر و برکت و سعادت این جهان و سرای دیگر می‌شود. ۵. امر به معروف و نهی از منکر تنها توصیه کردن به دیگران نیست، بلکه فرمان دادن از موضع قدرت است و از این رو، شاخه‌ای از ولایت به شـمار می‌آیـد و در این آیه نیز به دنبال آن آمده است. ۶. از این‌که در آیه‌ی فوق اطاعت خدا و پیامبر جداگانه آمده‌اند، روشـن می‌شود که اطـاعت از فرمـان پیـامبر هم‌چون اطـاعت از فرمـان خـدا لازم است و شایـد با یک فعل آمـدن آن دو از این‌رو باشـد که ماهیت این دو یکی است و در تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۳ حقیقت، اطاعت پیامبر برخاسته از اطاعت خداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. صـفات و ویژگی‌ها و نشانه‌های مؤمنان، نقطه مقابل صفات منافقان است. ۲. مؤمنان در جامعه اسلامی نسبت به یک‌دیگر حق ولایـت، دوستی، یاری و نظارت دارنـد. ۳. زن و مرد مومن هر دو در اصـلاح جـامعه نقش ایفـا کننـد. ۴. اصلاح‌طلبی، عبادت، اطـاعت و امـداد رسـانی، زمینه‌سـاز نزول رحمت الهی است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتـاد و دو سوره‌ی توبه، برخی ویژگی‌ها و امتیازهـای مؤمنـان را در جهـان دیگر بر می‌شـمارد و می‌فرمایـد: ۷۲. وَعَدَ اللّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّهِ أَكْبَرُ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ خـدا به مردان مـؤمن و زنـان مـؤمن، بوسـتان‌های (بهشـتی) کـه نهرهـا از زیر [درختـان] ش روان اسـت، در حـالی کـه در آن جـا مانـدگارنـد، و خانه‌هـای پـاکیزه‌ای در بوستان‌های (ویژه) ماندگار، وعده داده است؛ و خشنودی‌ای که از جانب خدا باشد، بزرگ‌تر است؛ تنها این کامیابی بزرگ است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال در آیات پیشـین به منافقان و کافران وعده داد که در آتش خواهند ماند، «۱» و اینک در این آیه، در مقابل آن، به مؤمنان وعده ماندن در بهشت را می‌دهد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۴ ۲. واژه‌ی «عَدْن» در لغت به معنای باقی مانـدن در یک مکان است و از این رو، به جایگاه باقی‌مانـدن مواد نیز معـدن گویند؛ اما از آن‌جا که در این آیه سـخن از بقا و خلُود است، روشن می‌شود که «جَنّات عَدْن» محل خاصـی در بهشت می‌باشد که امتیاز ویژه‌ای دارد و برخی مفسران آن را بهترین و شریفترین منطقه‌ی بهشت دانسته‌اند «۱». ۳. در حدیثی از پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «عَدْن» خانه الهی است که هیـچ چشـمی آن را ندیـده و به فکر کسـی خطور نکرده است و تنها سه گروه در آن ساکن می‌شونـد: پیامبران، صـدیقان [آن‌ها که پیامبران را تصـدیق و از آنان حمایت کردند] و شـهیدان. «۲» ۴. در حـدیث دیگری از پیامبر صـلی الله علیه و آله نقل شده است: هر کس دوست دارد، زنـدگی‌اش هم‌چون من و مرگش نیز هماننـد من باشـد، و در بهشتی که خـدا به من وعـده داده، در جنّات عَدْن

ساکن شود، بایـد علی بن ابی طالب علیه السـلام و فرزنـدان پس از او را دوست بدارد. «۳» ۵. مقصود از مقام «رضوان» یا خشـنودی خـدا از مؤمنان، همان لذت معنوی و احساسـی روحانی است که انسان را به جهت خشـنودی و رضایت خدا فرا می‌گیرد که از تمام بهشت و نعمت‌هـا و مواهب رنگارنگ آن برتر و بالاتر است. ۶. خشـنودی خدا از تمام نعمت‌های مادی بهشت برتر است؛ زیرا مقام رضوان متعلق به روح و نعمت‌هـای مـادی متعلق به جسم انسـان است و روح گوهر وجود و جسم هم‌چون صـدف برای آن است، و تکامـل روح انسان هـدف تفسـیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۲۵۵ نهـایی و جسـم وسـیله آن اسـت؛ از ایـن رو، لـذت‌های روحی با لذت‌های جسمی قابل مقایسه نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زنان و مردان مؤمن هر دو از نعمت‌های بهشتی برخوردارند. ۲. لذّت‌های معنوی سرای آخرت بالاتر از لذت‌های مادی آن است. ۳. رستگاری و کام‌یابی و پیروزی بزرگ در خشنودی خدا نهفته است (پس آن را به دست آوریـد). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی توبه به پیامبر اسلام دستور می‌دهد که بر کافران و منافقان سخت بگیرد و می‌فرماید: ۷۳. یَاأَیُّهَا النَّبِیُّ جَاهِدِ الْکُفَّارَ وَالْمُنَافِقِینَ وَاغْلُظْ عَلَیْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِیرُ ای پیامبر! با کافران و منافقـان جهـاد کن، و بر آنـان سـخت گیر! و مقصـدشان جهنّم است؛ و بـد فرجامی است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «جهـاد با کافران»، مبارزه همه جانبه و به ویژه جنگ مسلحانه با آنان است و مقصود از «جهاد با منافقان» مبارزه‌هایی هم‌چون مـذمّت، توبیخ، تهدیـد و افشـاگری است؛ زیرا منافقـان در ظـاهر مسـلمان‌اند و از این رو، اسـلام مبارزه مسلحانه با آنان را اجازه نمی‌دهـد، و پیامبر اسـلام صـلی الله علیـه و آلـه نیز هیـچ‌گاه بـا منافقـان جنـگ مسـلحانه نکرد؛ البته اگر روزی منافقـان کفر خـود را آشـکار و در برابر مسـلمانان صف‌آرایی کننـد، در این صورت کافر حربی به شـمار می‌آینـد و نبرد با آنان مجاز است. ۲. مقصود از کـافران در آیه‌ی فوق، کافران حربی است؛ یعنی کافرانی که با تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۶ اسلام اعلان جنگ و مخالفت می‌کنند، و گرنه کـافران اهل ذمّه که در پناه اسلام به سر می‌برنـد، تا زمانی که شـرایط جامعه اسـلامی را رعایت کننـد، در امنیت هسـتند. ۳. برخی مفسـران آورده‌اند که پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله پیش از نزول این آیه با منافقان رفتاری کریمانه داشت، ولی پس از نزول آن برخوردشان شدّت یافت «۱». ۴. واژه‌ی «غَلَظ» ضـد رقت و مهربانی و به معنای خشونت (و سـخت‌گیری) است «۲». در آیه‌ی فوق و در آیه‌ی ۹ سوره‌ی تحریم که با آن مشابه است، به پیامبر دسـتور داده شـده که با کافران و منافقان سـخت‌گیری کرده و خشونت به خرج دهـد ولی در آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی آل عمران آمـده است: اگر تو سـخت‌گیر و خشن بودی، مردم از دور تو پراکنـده می‌شدنـد؛ یعنی به صورت تلویحی پیـامبر را از خشونت و سـخت‌گیری بـاز می‌دارد. آری، اسـلام اساساً دین رحمت و محبت است و اصل در آن، نفی خشونت و سـخت‌گیری است؛ امـا اگر مخالفان از لجاجت، توطئه و خشونت دست بر ندارنـد، با سـخت‌گیری و خشونت با آنان برخورد می‌شود؛ به عبارت دیگر، اسلام خشونت غیر قانونی را نمی‌پذیرد؛ زیرا نوعی ستم‌گری و جنایت است، ولی خشونت و سخت‌گیری قـانونی را که بر اسـاس ضوابط شـرعی و دینی باشـد، می‌پـذیرد و این یک روش عقلایی است که در همه جوامع برای سالم‌سـازی محیـط اجتمـاع و جلـوگیری از تجـاوز و قانون‌شـکنی تجویز می‌کننـد؛ «۳» همـان‌گونه کـه در برخی حـدود و مقررات اسـلامی، مانند حد سـرقت و حد عمل منافی عفت، دستور قطع دست یا شلاق زدن آمده و در قرآن نیز تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۷ بدان‌ها تصـریح شده است. «۱» در هر صورت، دسـتور سـخت‌گیری و خشونت در برخورد بـا کـافران و منافقـان است؛ اما مؤمنان باید با همدیگر مهربان باشند: «أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ» «۲». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبر مسلمانان باید در برابر دشمنان داخلی و خارجی، قاطع و سـخت‌گیر باشـد. ۲. اسـلام آیین جهـاد و مبـارزه بـا کفر و نفـاق است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی توبه با اشاره به توطئه‌های منافقان، راه توبه را بر آنان می‌گشایـد و با هشـدار به آنان می‌فرمایـد: ۷۴. یَحْلِفُونَ بِاللّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا کَلِمَةَ الْکُفْرِ وَکَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ یَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ مِن فَضْلِهِ فَإِن یَتُوبُوا یَکُ خَیْراً لَهُمْ وَإِن یَتَوَلَّوْا یُعَذِّبْهُمُ اللّهُ عَذَاباً أَلِیماً فِی الدُّنْیَا وَالآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِی الأَرْضِ مِن وَلِیٍّ وَلَانَصِیرٍ به خدا سوگند یاد می‌کنند که (سخنان باطـل) نگفته‌انـد، در حالی که قطعاً سـخن کفر [آمیز] گفته‌انـد؛ و پس از اسـلام آوردنشان، کفر ورزیدنـد؛ و آهنگ آن‌چنان (کار

خطرناکی) کردند که [به آن نرسیدند، و انتقام نگرفتند جز به خاطر آن که خدا و فرستاده‌اش آنان را از بخشش خود، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۸ بی‌نیاز ساختند. و اگر توبه کنند، برای آنان بهتر است؛ و اگر روی برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت، به عذاب دردناکی کیفر خواهد داد؛ و برایشان در زمین، هیچ سرپرست و یاوری نیست! شأن نزول: رخدادها و مصادیق متعدد در مورد نزول این آیه حکایت شده است؛ «۱» از جمله توطئه منافقان برای ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ تبوک، که ذیل آیه‌ی ۶۴ همین سوره به آن اشاره شد. در این حادثه، منافقان نتوانستند به هدف خود برسند و این توطئه با امداد الهی و کمک یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خنثی شد. همچنین حکایت شده که شخصی از منافقان به نام «جَلّاس» در جنگ تبوک سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را به شدت انکار می‌کرد و یکی از مسلمانان به نام «عامِر» جریان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش داد، ولی جلّاس موضوع را انکار کرد و هر دو کنار منبر سوگند یاد کردند که دروغ نمی‌گویند، ولی عامر از خدا خواست که با نزول آیه‌ای راستگو را معرفی کند و همه آمین گفتند؛ آن گاه جبرئیل آمد و آیه‌ی فوق را آورد و هنگامی که به قسمت توبه‌پذیری خدا رسید، جلّاس توبه کرد و پیامبر توبه او را پذیرفت «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از جمله «تصمیمی که منافقان داشتند و به هدف نرسید» یا همان توطئه‌ی ترور پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان جنگ تبوک است و یا به تمام فعالیت‌هایی اشاره دارد که منافقان برای برهم ریختن سازمان جامعه اسلامی انجام می‌دادند و به هدف نهایی نرسید. ۲. از آیه با توجه به شأن نزول‌های آن به دست می‌آید که مسلمانان در برابر توطئه‌های منافقان هشیار بودند و به سرعت فعالیت‌های تخریبی و سخنان کفرآمیز آنان را به پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش می‌کردند و جلوی توطئه‌ها را تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۵۹ می‌گرفتند. ۳. در این آیه اشاره شده که منافقان در سایه‌ی جامعه اسلامی، استفاده‌های مادی می‌بردند و ثروتمند و بی‌نیاز شدند، ولی به جای سپاس‌گزاری و حق‌شناسی، این خدمات را با خیانت، توطئه و انتقام از مسلمانان پاسخ دادند. ۴. در آیه‌ی فوق ضمیر «فَضلِه» می‌بایست تثنیه می‌آمد تا به خدا و پیامبر بر گردد، ولی مفرد آمده است؛ زیرا بخشش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در حقیقت از خداست. ۵. این‌که در آیه‌ی فوق راه توبه برای منافقان توطئه‌گر نیز باز گذاشته شده است، نشانه کمال رأفت و رحمت اسلامی است که حتی توبه مخالفان سرسخت خود را نیز می‌پذیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان در حقیقت کافرند. ۲. فرجام منافقان، بی‌پناهی و بی‌یاوری در دنیاست. ۳. منافقان را از سوگند دروغ و ناسپاسی آنان بشناسید. ۴. راه توبه را حتی به روی منافقان باز گذارید. *** قرآن کریم در آیات هفتاد و پنجم و هفتاد و ششم سوره‌ی توبه به کم‌ظرفیت بودن منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۵ و ۷۶. وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِن فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الْصَّالِحِينَ* فَلَمَّا آتَاهُم مِن فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوا وَهُمْ مُعْرِضُونَ از آن (منافق) ان کسانی هستند که با خدا پیمان بسته بودند که: «اگر خدا ما را از بخشش خود روزی دهد، قطعاً زکات خواهیم داد؛ و حتماً از شایستگان خواهیم شد.»* و هنگامی که (خدا) از بخشش خود به آنان تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۰ داد، بدان بخل ورزیدند و روی بر می‌تافتند؛ در حالی که آنان روی گردانند. شأن نزول: داستان نزول دو آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده است که مردی از انصار به نام «ثَعْلَبه» مرتب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسید و اصرار داشت که ایشان برای ثروتمند شدن او دعا کند و حضرت امتناع می‌کرد و می‌فرمود: مقدار کمی (از مال) که بتوانی حق شکر آن را ادا کنی، از مقدار زیادی که توانایی سپاس‌گزاری آن را نداشته باشی، بهتر است و یا می‌فرمود: آیا بهتر نیست که به زندگی ساده پیامبر اقتدا کنی؟ اما سرانجام سوگند یاد کرد که حقوق اموالم را می‌پردازم و پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کرد و پس از مدتی ثروتی سرشار (از طریق ارث یا دامداری) برایش حاصل شد و رفته رفته به اطراف مدینه کوچ کرد و از نماز جماعت و حتی نماز جمعه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله نیز محروم شد. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور جمع‌آوری زکات را نزد او فرستاد، و ثَعلبه از پرداخت زکات امتناع کرد و آن را شبیه جِزْیه یا مالیات اهل کتاب خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله که این سخن را شنید، فرمود: وای بر ثعلبه! وای بر ثعلبه! سپس آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه با اشاره به یکی از صفات زشت منافقان می‌فرماید: آن‌ها به هنگام فقر از ایمان دم

می‌زننـد، ولی همین که به نوایی رسـیدند، غرق دنیاپرستی می‌شونـد و پیمان‌های خود با خدا را فراموش می کنند، و همین کم‌ظرفیتی آنان که سبب بخل و دنیاپرستی و خودخواهی می‌شود، روح تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۱ نفاق را در آنان پرورش می‌دهد «۱». ۲. مطلب آیه‌ی فوق بحثی تـاریخی نیست، بلکه بیـان یـک واقعیت اخلاـقی و اجتمـاعی است که در هر عصـری و هر جامعه‌ای نمونه‌هایی فراوان دارد. ۳. از این آیه استفاده می‌شود که کم‌ظرفیت بودن یکی از نشانه‌های منافقان است؛ زیرا نفاق همان دو گانگی شخصـیت و دو چهره بودن است و انسـان باظرفیت، دو شخصـیتی نمی‌شود. ۴. از آیه‌ی فوق اسـتفاده می‌شود که اگر انسـان ظرفیت نداشـته باشـد، نعمت‌ها برای او نقمت و بلا می‌شود و از این رو است که مصـلحت انسان همواره در داشـتن ثروت زیاد نیست. ۵. از این آیه اسـتفاده می‌شود که اگر کسـی در پرداخت حقوق مالی اسلامی بُخل ورزد، و به دنیا دل ببندد، رفته رفته از دین روی گردان می‌شود. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. منافقـان را از عهدشـکنی و کم‌ظرفیتی و بُخـل آنان بشناسـید. ۲. کم‌ظرفیتی، زمینه‌سـاز بُخـل و بخیل بودن، زمینه‌ساز عهدشکنی است (که همه این‌ها مقدمه بد فرجامی و نفاق است). *** قرآن کریم در آیات هفتاد و هفتم و هفتاد و هشـتم سوره‌ی توبه به نقش عهدشـکنی و دروغ گویی در تثبیت نفاق و آگاهی خدا اشاره کرده و می‌فرماید: ۷۷ و ۷۸. فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقاً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ* أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَ تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۲۶۲ اللّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ و تـا روزی که ایشـان آن [: خـدا] را ملاقـات کننـد، نفاق را در دل‌هایشان باقی گـذاشت؛ به خـاطر آن که بـا خـدا، در مـورد آنچه بـدو وعـده داده بودنـد، تخلـف ورزیدنـد؛ و به خـاطر آن که همـواره دروغ می گفتنـد.* آیا ندانسته‌اند که خدا راز آنان و رازگویی‌شان را می‌داند؛ و این که خدا به (اسرار) نهان‌ها بسیار داناست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیـه بـه خـوبی اسـتفاده می‌شـود کـه بسـیاری از گناهـان و صـفات زشـت، علت و معلـول یک‌دیگرنـد و از این رو است که بُخـل و پیمان‌شکنی سبب پیدایش نفاق می‌شود. ۲. مقصود از «روزی که او را ملاقات می کنند»، روز ملاقات با خدا و حساب و جزای الهی است که همـان روز رسـتاخیز است. برخی مفسـران نیز احتمـال داده‌انـد که مقصود از آن، لحظه مرگ یـا هنگام ملاقات نتیجه بُخل باشد؛ البته این احتمال‌ها قابل جمع نیز هست، ولی ظاهر آیه همان ملاقات با خداست. ۳. مقصود از ملاقات با خدا، دیدن حسّی خدا نیست؛ زیرا او جسم نیست تا دیده شود، بلکه منظور شـهود او و یا درک ثواب و کیفر او است «۱». ۴. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که پیمان‌شـکنی و دروغ گویی از صـفات منافقان است و در حدیثی نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: سه چیز در هر کس باشـد، منافق است، هر چنـد روزه بگیرد و نماز بخوانـد و خود را مسلمان بداند: کسـی که در امانت خیانت کند و در سـخن، دروغ گوید و به هنگام وعده، تخلف کند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۳ البته این گونه احادیث به نفاق اخلاقی اشاره دارد، نه نفـاق عقیـدتی که با کفر هم گام است. ۵. نفـاق اقسـامی دارد: دو چهره بودن زبـانی، رفتـاری، قلبی و عقیـدتی: - دو چهره بودن با مردم؛ یعنی انسان ثروت داشـته باشد، ولی به دیگران کمک نکند. - دو چهره بودن با خدا؛ یعنی با او پیمان ببندد، ولی تخلّف کند. - دو چهره بودن در گفتار؛ یعنی انسان دروغ بگوید. - دو چهره بودن در عقیده؛ یعنی کسـی کافر باشد، ولی خود را مسـلمان جلوه دهد. ۶. آیه‌ی اخیر به منافقان هشدار می‌دهد که خدا از کفر باطنی، توطئه‌ها، اهداف و نیّت‌های آن‌ها باخبر است؛ پس مراقب رفتار خود باشـید. حاجت موری و اندیشه کم‌تر حیوان بر تو پوشیده نمانَد که سمیعی و بصیری (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیمان‌شکنی و دروغ گویی سـبب پیدایش روحیه‌ی نفاق دائمی در انسان است. ۲. عهدشـکنی نکنید و دروغ نگویید که خدا از همه‌ی اسرار شما آگاه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی توبه، به کارشـکنی‌های منافقان از راه عیب‌جویی و تمسـخر مؤمنان اشاره کرده و با هشـدار به آنان می‌فرماید: ۷۹. الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَايَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۴ کسانی که از مؤمنانِ داوطلبِ بخشش‌های خالصانه، و (از) کسـانی که جز به مقـدار تلاشـشان نمی‌یابنـد، عیب‌جویی می کننـد، و آنـان را ریشـخند می کننـد، خـدا آنـان را (بـا کیفر خود) ریشـخند کنـد؛ و برایشـان عـذاب دردناکی است! شأن نزول: داسـتان نزول این آیه چنین حکایت شـده است که هنگام آماده شـدن

لشگر اسلام (برای جنگ تبوک) به کمک‌های مردمی نیاز بود، و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله این مطلب را اعلام کرد، مردم توانگر کمک‌های مالی و زکات خود را برای تجهیز رزمندگان اسلام آوردند و برخی کارگران کم درآمد مانند «ابو عقیل انصاری» نیز با اضافه کاری، مقدار کمی خرما تهیه کردند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند. منافقان به هر دو گروه ایراد گرفتند و دربارهی توانگران گفتند: این‌ها ریاکارانه مقدار زیادی کمک کردند و فقیران را که مقدار کمی کمک کرده بودند، تمسخر نمودند و گفتند: آیا لشکر اسلام به چنین کمکی نیاز دارد؟ آیه‌ی فوق بدین مناسبت فرود آمد و منافقان را به شدت تهدید کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آیات قرآن استفاده می‌شود که اهمیت در کیفیت کار است؛ یعنی هرگاه عمل با اخلاص و نیّت پاک صورت گیرد، ارزش فوق العاده‌ای دارد، اگر چه اندک باشد و این مطلب از آیه‌ی فوق نیز با توجه به شأن نزول آن، قابل استفاده است. ۲. ارزش آن است که در جامعه اسلامی و هنگام بروز مشکلات، همگان احساس تکلیف کنند و هر کس به مقدار توانایی خود کمک نماید و به انتظار تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۵ کمک توانگران ننشینند. ۳. در حدیثی آمده است که از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسیدند: کدام صدقه و کمک از همه برتر است؟ حضرت فرمود: تلاش [و صدقه‌ی افراد کم درآمد «۱». ۴. آیه‌ی فوق منافقان را به‌جهت عیب‌جویی و ریشخند مسلمانان سرزنش می‌کند، و این دو صفت را از ویژگی‌های منافقان می‌شمارد، ولی این صفات به منافقان صدر اسلام اختصاص ندارد، بلکه در هر زمانی منافقان با ایجاد روح بدبینی و عیب‌جویی، مردم را از کار خیر دلسرد می‌کنند. ۵. مقصود از این جمله که فرمود: «خدا منافقان را مسخره می‌کند.» این نیست که خدا اعمالی همانند آنان انجام می‌دهد، بلکه به باور مفسران، مقصود آن است که مجازات مسخره‌کنندگان را به آنان می‌دهد و با منافقان آن‌گونه رفتار می‌نماید که هم‌چون استهزا شدگان، تحقیر شوند. ۶. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که مسخره کردن مؤمنان حرام و سبب عذاب الهی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان کمک‌های مردمی (برای جبهه‌ها) را زیر سؤال می‌برند. ۲. هر کس به اندازه‌ی توان خود امداد رسانی کند که کیفیت کار مهم است. ۳. کیفرهای الهی متناسب با عمل‌کرد افراد است و مسخره کنندگان را مانند گناهشان مجازات می‌کند. ***

جایی که استغفار پیامبر (ص) نیز سودی ندارد

قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی توبه به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می‌دهد که طلب آمرزش برای منافقان سودی ندارد و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۶ ۸۰. اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَاتَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِن تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَن يَغْفِرَ اللّهُ لَهُمْ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ وَاللّهُ لَايَهْدِى الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ برای شان آمرزش بخواهی، یا برای شان آمرزش نخواهی، اگر هفتاد بار برای آنان طلب آمرزش کنی، پس خدا آنان را نمی‌آمرزد! این بدان سبب است که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و خدا گروه نافرمانبرداران را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «سَبْعين» (: هفتاد) در این آیه برای بیان کثرت آمده است؛ یعنی بر عدد هفتاد به عنوان یک عدد خاص تأکید ندارد، بلکه مقصود آن است که هر قدر برای منافقان طلب آمرزش کنی، باز فایده‌ای ندارد. «۱» ۲. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که منافقان کفر پیشه‌ای که مؤمنان را مسخره می‌کردند، چنان گناه سنگینی انجام داده‌اند که با استغفار پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نجات نمی‌یابند. ۳. این آیه به کفر و فسق (و نافرمانی) منافقان به عنوان سبب عدم پذیرش استغفار و شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده است؛ یعنی منافقان خود قابلیت هدایت و آمرزش الهی را ندارند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر، مانع آمرزش؛ و فسق، مانع هدایت است. ۲. اگر می‌خواهید از شفاعت پیامبر و آمرزش الهی بهره‌مند شوید، از کفر و نافرمانی دست بردارید. ۳. رأفت اسلامی شامل حال منافقان، کافران و فاسقان نمی‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی توبه، به کوتاهی و کارشکنی منافقان در جنگ تبوک اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۸۱. فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللّهِ وَكَرِهُوا أَن يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِى سَبِيلِ اللّهِ وَقَالُوا

لَاتَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرّاً لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ واپس‌ماندگان، به خاطر مخالفت با فرستاده خدا، به (خانه) نشینی‌شان (در هنگام جنگ تبوک) شادمان شدند؛ و از این که با اموالشان و جان‌هایشان، در راه خدا جهاد کنند، ناخشنود بودند؛ و گفتند: «در این گرما، (برای جنگ) بسیج نشوید.» (ای پیامبر به آنان) بگو: «آتش جهنّم گرم‌تر است!» اگر (بر فرض) آنان همواره به طور عمیق می‌فهمیدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان برای کارشکنی در جنگ، گرم بودن هوا را بهانه می‌کردند، و خدا نیز از همین گرما استفاده کرد و پاسخی دندان‌شکن به آنان داد؛ یعنی به پیامبر و مسلمانان آموزش داد که تبلیغات مخالفان را با اصطلاحات خودشان پاسخ دهند. ۲. منافقان درکی عمیق ندارند و ظاهربین هستند؛ از این رو، از خانه‌نشینی و ترک جهاد شادمان هستند؛ زیرا فقط گرمای هوا را در این دنیا می‌بینند، ولی از آتش سوزان دوزخ که برای آنان آماده شده است، غافل‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان چند نشانه دارند: از دستور پیامبر تخلف می‌کنند؛ از جنگ‌گریزی شادند؛ از جهاد با مال و جان ناخشنودند و دیگران را از رفتن به جبهه دلسرد می‌کنند. ۲. در مسائل ژرف‌نگر باشید و در برابر جهاد بهانه‌جویی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و دوم سوره‌ی توبه، به گریه زیاد به عنوان کیفر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۲. فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيراً جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ پس (منافقان) باید، اندک بخندند و بسیار بگریند! به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه دو گونه تفسیر شده است: نخست آن‌که دستور می‌دهد منافقان باید کم‌تر بخندند و بیش‌تر گریه کنند؛ زیرا سرنوشت شومی در انتظار آن‌هاست. دوم آن‌که آیه خبر می‌دهد منافقان (در دنیا) مقدار کمی می‌خندند، ولی (در آخرت) بسیار گریه می‌کنند (که خنده‌های دنیا در برابر آن ناچیز است). تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است «۱». ۲. منافقان پس از خلاف‌کاری‌های خود می‌پنداشتند پیروز شده‌اند، و از این رو، قهقهه سر می‌دادند، ولی قرآن به آنان اخطار کرد که بسیار گریه کنند؛ زیرا آینده‌ی تاریک و عذاب‌آلودی در پیش دارند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۶۹ ۳. گریه‌ی منافقان می‌تواند به جهت عذاب‌های دردناکی باشد که در انتظار آن‌هاست و یا بدین جهت که پل‌های پشت سر خود را خراب کرده‌اند، و یا این‌که استعداد و سرمایه عمر خویش را از دست داده و رسوایی و تیره‌روزی خریده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی خنده‌های زودگذر حسرت‌آور است و گریه‌های طولانی در پی دارد. ۲. منافقان به خاطر عمل‌کردشان به حال خود گریه کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و سوم سوره‌ی توبه با اشاره به ترفند دیگر منافقان، دستور مبارزه منفی با آنان را صادر می‌کند و می‌فرماید: ۸۳. فَإِن رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُل لَن تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَداً وَلَن تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوّاً إِنَّكُم رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ و اگر خدا تو را (پس از جهاد) به سوی گروهی از آن (منافق) ان بازگرداند، و از تو رخصت خروج (به سوی میدان جهاد دیگری) بخواهند، پس بگو: «هیچ‌گاه با من خارج نخواهید شد، و همراه من، با هیچ دشمنی نخواهید جنگید؛ [چرا] که شما نخستین بار، به نشستن (در خانه) راضی شدید، پس با متخلّفان بنشینید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان پیشنهاد شرکت در جنگ را داشتند، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت و آن‌ها را با «متخلّفان» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۰ واگذاشت؛ «۱» زیرا این نوعی ترفند شیطنت‌آمیز از سوی آنان بود، و گرنه اگر آنان به واقع پشیمان می‌شدند و توبه می‌کردند، پیشنهاد شرکت آنان در جهاد پذیرفته می‌شد. ۲. منافقان می‌خواستند با پیشنهاد شرکت در جهاد، بر چهره زشت و خلاف‌کاری‌های گذشته خود سرپوش بگذارند و نوسان‌ها و اعمال ضد و نقیض خود را توجیه کنند، و این یک روش حساب شده و خطرناک بود. ۳. از آیه استفاده می‌شود که برخی منافقان از این ترفند استفاده می‌کردند و برخی دیگر به دلیل ترس یا رسوایی حاضر نبودند حتی پیشنهاد شرکت در جنگ را بدهند. ۵. مسلمانان عصر ما نیز با منافقان دو چهره روبه‌رو هستند، و لازم است هم‌چون پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دست ردّ بر سینه آنان بزنند و فریب آنان را نخورند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به منافقان اجازه ندهید در جبهه حضور یابند و با آنان مبارزه‌ی منفی کنید. ۲. سوء سابقه افراد منافق صفت را فراموش نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و چهارم سوره‌ی توبه، با اشاره به کفر منافقان، نماز بر مردگان آنان را نیز تحریم کرده و می‌فرماید: ۸۴. وَلَا تُصَلِّ عَلَى

أَحَدٍ مِنْهُم مَاتَ أَبَداً وَلَاتَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۱ و هرگز بر هیچ یک از آن (منافق) ان که بمیرد، نماز [و دعا] نخوان! و (برای طلب آمرزش) بر قبرش نایست؛ [چرا] که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند؛ و مردند در حالی که آنان نافرمانبردار بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمی‌توانست به طور رسمی دستور قتل و پاک‌سازی منافقان را از محیط جامعه اسلامی صادر کند؛ زیرا آنان در ظاهر مسلمان بودند؛ از این رو، با آنان مبارزه منفی می‌کرد و حتی نماز بر مردگان آنان را تحریم نمود. ۲. هر فرد مؤمن راستین در حال حیات و پس از مرگ احترام دارد، و از این رو است که غسل، کفن، نماز و دفن مسلمانان با تشریفات محترمانه‌ای همراه است و حتی پس از مرگ نیز در کنار قبر او می‌آیند و برایش آمرزش می‌خواهند. در این آیه انجام مراسم نماز، دعا و حضور بر سر قبر منافق ممنوع اعلام شده است تا این افراد از جامعه اسلامی طرد و برای دیگران مایه‌ی عبرت شوند. ۳. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از نزول این آیه بر منافقانی که در ظاهر مسلمان بودند، نماز و دعا می‌خواند و بر سر قبر آن‌ها حاضر می‌شد، ولی پس از نزول آیه‌ی فوق این برنامه‌ها تعطیل گردید «۱». ۴. از این آیه استفاده می‌شود که ایستادن در کنار قبر مؤمنان و دعا برای آنان جایز است؛ زیرا آیه این کار را برای منافقان منع کرده است؛ بنابراین، این کار برای مؤمنان جایز است. ۵. واژه‌ی «لا تُصَلِّ» یا به معنای لغوی آن است؛ یعنی برای مردگان منافقان دعا مکن، و یا به معنای اصطلاحی آن است؛ یعنی بر مردگان منافقان نماز مگزار؛ معنای تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۲ اول با برخی احادیث «۱» و معنای دوم با ظاهر آیه سازگار است. ۶. این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، ولی در حقیقت تکلیف همه مسلمانان را با منافقان روشن می‌کند. در عصر کنونی نیز مسلمانان می‌توانند از مبارزه منفی علیه منافقان استفاده کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مردگان منافق نیز مبارزه منفی کنید و نماز بر آنان را تحریم نمایید. ۲. از مراسم عبادی خود برای مبارزه تبلیغاتی علیه مخالفان اسلام استفاده کنید. ۳. منافقان، کافرکیش فاسق صفت‌اند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و پنجم سوره‌ی توبه، اموال و فرزندان زیاد را وسیله عذاب منافقان معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۸۵. وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللّهُ أَن يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الْدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ و اموال آن (منافق) ان و فرزندانشان، تو را به شگفت نیاورد؛ جز این نیست که خدا می‌خواهد، بدین سبب آنان را در دنیا عذاب کند، و جان‌هایشان بر آید در حالی که آنان کافرند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: مضمون این آیه در آیه‌ی ۵۵ این سوره گذشت و نکته‌ها، اشاره‌ها و پیام‌ها در آن‌جا بیان شد. تکرار این آیات برای نشان دادن اهمیت مطلب است. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و ششم و هشتاد و نهم سوره‌ی توبه با اشاره به واکنش منافقان ثروتمند در برابر فرمان جهاد و نادانی آنان و می‌فرماید: ۸۶ و ۸۷. وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُن مَعَ الْقَاعِدِينَ* رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَايَفْقَهُونَ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود که: «به خدا ایمان آورید، و همراه فرستاده‌اش جهاد کنید.» سرمایه‌دارانِ از آن (منافق) ان، از تو رخصت می‌خواهند و می‌گویند: «ما را رها ساز تا با فرو نشستگان باشیم.»* (منافقان) راضی شدند که همراه (خانه) نشستگان باشند؛ و بر دل‌هایشان مهر نهاده شده؛ پس آنان فهم عمیق نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ثروت اندوزی «۱» و دنیا دوستی انسان را از وظایف الهی خویش باز می‌دارد، به گونه‌ای که از جهاد دست می‌کشد و خانه‌نشینی را ترجیح می‌دهد. ۲. منافقان افرادی جنگ گریز هستند؛ زیرا در حقیقت به دین و اهداف الهی جهاد ایمان ندارند، ولی به جهت ترس و دنیاطلبی راه نفاق را در پیش تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۴ گرفته و در صف مسلمانان مانده‌اند و برای حفظ ظاهر، از پیامبر صلی الله علیه و آله اجازه می‌گیرند که در جهاد شرکت نکنند، در حالی که هیچ عذری برای ترک جنگ ندارند. ۳. این آیه اشاره کرده که منافقان به دلیل بی‌ایمانی و آلودگی به گناه، افرادی نادان هستند و از این رو، از بلند همتی که زاییده فهم و شعور و آگاهی است، بی‌بهره‌اند، و به دلیل همین پست همتی است که حاضرند با کودکان و خانه نشینان بمانند و در میدان جهاد شرکت نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مرفّهان بی‌درد هنگام جهاد به مرخصی می‌روند و خانه نشینی را ترجیح

می‌دهند. ۲. منافقان را از جنگ‌گریزی آنان بشناسید. ۳. منافقان دل مرده‌اند و شناخت عمیق ندارند. ۴. منافقان را از پست همتی و ذلت پذیری آنان، بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و هشتم سوره‌ی توبه، به صفات و روحیات پیامبر و مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۸. لکِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِینَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولئِکَ لَهُمُ الْخَیْرَاتُ وَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ولی فرستاده [خدا] و کسانی که با او ایمان آوردند، با اموالشان و جان‌هایشان جهاد کردند؛ و آنان، همه‌ی نیکی‌ها مخصوص آنهاست؛ و تنها آنان رستگارانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «خیرات «۱»» لفظی عام و جامع است و تمام خیرها، موفقیت‌ها، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۵ سعادت‌ها و موهبت‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود که همه آن‌ها برای پیامبر و مؤمنان است. ۲. تعبیرهای دو جمله اخیر آیه انحصار را می‌رساند؛ یعنی فقط پیامبر و مؤمنان رستگار واقعی‌اند و تنها آنان استحقاق هر گونه خیر و سعادتی را دارند. ۳. از این آیه استفاده می‌شود که اگر ایمان با جهاد همراه شود، هر گونه خیر و سعادتی را در پی خواهد داشت و بدون آن‌ها، رستگاری، خیر و برکتی نخواهد بود. ۴. در آیه پیشین، به همت پست منافقان اشاره شد که حاضرند با کودکان در پشت جبهه بمانند، و در آیه‌ی فوق به همت بلند مؤمنان اشاره شده است که حاضرند در جهاد با تمام مشکلاتش شرکت کنند تا به رستگاری و سعادت برسند، و این مطلب از روشن‌بینی و بلندهمتی آنان ناشی می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستگاری و سعادت تنها در سایه‌ی ایمان و جهاد به دست می‌آید. ۲. رهبر اسلام و مؤمنان با همه وجود و جان و مال خود در راه خدا مبارزه کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و نهم سوره‌ی توبه، به پاداش‌های اخروی مؤمنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۸۹. أَعَدَّ اللّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ خدا برای آنان بوستان‌های (بهشتی) فراهم ساخته که نهرها از زیر [درختان] ش روان است؛ در حالی که در آن جا ماندگارند؛ این، کامیابی بزرگ است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «خدا بهشت را برای مؤمنان آماده ساخته است.» این تعبیر نشانه‌ی احترامی است که خدا برای مؤمنان جهادگر قائل است و آن‌قدر به آن‌ها اهمیت می‌دهد که بهشت را پیش‌تر آماده قدوم آنان می‌سازد. ۲. از این آیه استفاده می‌شود که بهشت آفریده شده و نعمت‌های بهشتی هم‌اکنون موجود است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پاداش مجاهدان راه خدا از پیش آماده شده و آن، بهشت برین و کام‌یابی بزرگ است. ۲. اگر بهشت می‌خواهید، با جان و مال جهاد کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نودم سوره‌ی توبه، حساب افراد معذور از جنگ را از متخلفان منافق جدا می‌سازد و می‌فرماید: ۹۰. وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِیُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِینَ کَذَبُوا اللّهَ وَرَسُولَهُ سَیُصِیبُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِیمٌ و عذر خواهان از عرب‌های صحرانشین (نزد تو) آمدند، تا به آنان رخصت (ترک جهاد) داده شود؛ و کسانی که به خدا و فرستاده‌اش دروغ گفتند، (بدون هیچ عذری در خانه) نشستند؛ بزودی به کسانی از آنان که کفر ورزیدند، عذاب دردناکی خواهد رسید! تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن درباره‌ی این‌که مقصود از «معذوران» در آیه چه کسانی هستند، چند دیدگاه وجود دارد: براساس دیدگاه نخست، مقصود معذوران واقعی هستند که مرخصی می‌خواستند و از این رو، در برابر منافقان از آنان یاد می‌شود. براساس دیدگاه دوم، منظور کسانی هستند که عذرهای واهی و دروغین می‌تراشیدند تا از جهاد فرار کنند، در برابر منافقانی که حتی زحمت عذر تراشی هم به خود نمی‌دادند. براساس دیدگاه سوم، معذوران شامل هر دو گروه است. «۱» در این میان، ظاهر آیه و قرائن کلام با احتمال اول موافق است. ۲. دروغ معمولًا با زبان گفته می‌شود ولی در عمل هویدا می‌شود. شاید مقصود از دروغ‌گویی منافقان در این آیه همان دروغ عملی باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در جنگ، حساب معذوران واقعی را از منافقان دروغ‌گو جدا کنید. ۲. دروغ‌گویان فرو نشسته از جهاد که به کفر گرایند، فرجامی عذاب‌آلود دارند. ***

چه کسانی از جنگ معاف هستند؟

قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی توبه، با اشاره به معافیت سه گروه از جنگ می‌فرماید: ۹۱. لَّیْسَ عَلَی الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَی

الْمَرْضَی وَلَا عَلَی الَّذِینَ لَایَجِدُونَ مَایُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَی الْمُحْسِنِینَ مِن سَبِیلٍ وَاللّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۸ بر کم‌توانان و بر بیماران، و بر کسانی که نمی‌یابند چیزی را که (در راه جهاد) مصرف کنند، هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست، هنگامی که برای خدا و فرستاده‌اش خیرخواهی کنند؛ بر نیکوکاران هیچ راه (مؤاخذه‌ای) نیست؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده است که یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت ایشان عرض کرد: من نابینا (و ناتوانم و حتی کسی را ندارم که دست مرا بگیرد و به میدان جهاد بیاورد)، آیا من معذورم؟ حضرت سکوت کرد و این آیه فرود آمد و تکلیف این گونه افراد را روشن ساخت «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بیان کرده که سه گروه ناتوانان، بیماران و افرادی که وسیله‌ی مبارزه ندارند، از شرکت در جنگ معاف‌اند، و این یک قانون عقلی و منطقی است که در اسلام نیز بر آن تأکید شده است. ۲. مقصود از «ضُعَفاء» در آیه افرادی هستند که بر اثر پیری یا نقص عضو و یا نابینایی ناتوان شده‌اند. ۳. واژه‌ی «حَرَج» در اصل به معنای مرکز اجتماع چیزی است و از آن‌جا که اجتماع با تنگی و کمبود جا همراه است، این واژه به معنای «تنگی، ناراحتی، مسئولیت و تکلیف» نیز آمده است، و در این آیه به همین معنای تکلیف و مسئولیت است. ۴. واژه‌ی «نَصَحُوا» کلمه جامعی است که هر گونه خیرخواهی و اقدام مخلصانه و نصیحت را شامل می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۷۹ ۵. آیه شرط معافیت این سه گروه و وظیفه آنان را در پشت جبهه چنین بیان کرده است که باید با رفتار و سخنان خود مجاهدان را تشویق کنند و در تضعیف روحیه دشمن بکوشند. ۶. از این آیه استفاده می‌شود که به طور کلی هیچ کس از همکاری با مجاهدان راه خدا معاف نیست و هر کس نمی‌تواند اسلحه بردارد، با زبان و تبلیغ و کردار خود پشتیبان رزمندگان باشد. ۷. واژه‌ی «غفُور» در اصل به معنای پوشاندن است؛ یعنی خدا به مقتضای این صفت خود، پرده بر کار افراد ناتوان می‌کشد و عذرشان را می‌پذیرد. ۸. واژه‌ی «رحیم» به معنای مهربان و مهرورز است که خدا به مقتضای آن، تکلیف مشکل بر عهده کسی ننهاده و افراد ضعیف را از جنگ معاف کرده است. ۹. در این آیه آمده است که: «راهی برای مؤاخذه و سرزنش نیکوکاران نیست.» این جمله درباره‌ی معذوران از جنگ آمده است، ولی مخصوص آن‌ها نیست، بلکه یک قاعده کلی است که قوانین و احکام زیادی از آن در فقه استفاده می‌شود؛ برای مثال، اگر کسی امانتی را نزد انسان امینی بگذارد و بدون افراط و تفریط تلف شود، این شخص امین ضامن نیست؛ زیرا نیکوکار است. ۱۰. در برخی احادیث حکایت شده که هنگام بازگشت سپاه اسلام از تبوک، پیامبر صلی الله علیه و آله در نزدیک مدینه فرمودند: شما در این شهر مردانی را پشت سر گذاشتید که در تمام مسیر با شما بودند. پرسیدند: چگونه با ما بودند با این‌که در مدینه ماندند؟ حضرت پاسخ داد: به این دلیل که آنان به جهت عذر داشتن نتوانستند در جهاد شرکت کنند (ولی قلب‌های آنان با ما بود). «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سه گروه ناتوانان، بیماران و ناداران را از حضور در جبهه‌ها معاف کنید. ۲. معاف بودن از مرحله‌ای از مراحل جهاد، به معنای معذور بودن از مرحله‌های آسان‌تر نیست و هر کس به قدر توان خود مسئول است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی توبه، به معافیت گروه چهارم از جنگ و عشق و اشک آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۲. وَلَا عَلَی الَّذِینَ إِذَا مَا أَتَوْکَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَاأَجِدُ مَاأَحْمِلُکُمْ عَلَیْهِ تَوَلَّوا وَأَعْیُنُهُمْ تَفِیضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَناً أَلَّا یَجِدُوا مَا یُنفِقُونَ و (نیز تکلیفی نیست) بر کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا سوارشان کنی، گفتی: «چیزی که شما را بر آن سوار کنم، نمی‌یابم.» (آنان) روی برتافتند در حالی که در اثر اندوه، اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد! به خاطر این که نمی‌یابند چیزی را که (در راه خدا) مصرف کنند. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده که هفت نفر از افراد فقیر مدینه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و تقاضا کردند که وسیله‌ای برای شرکت در جهاد در اختیار آنان بگذارد، اما چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسیله‌ای نداشت، پاسخ منفی داد و آنان با چشمان اشک‌آلود از خدمت ایشان خارج شدند و به نام «بَکّائُون» یعنی گریه کنندگان مشهور شدند «۱». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیه‌ی قبل، چهار گروه از معاف شدگان از جهاد معرفی شده‌اند و گروه چهارم در حقیقت

از گروه سوم که در آیه‌ی قبل بیان شـد، جدا نیسـتند، ولی به دلیل امتیازهای ویژه‌ای که این گروه داشـتند، جداگانه ذکر شدند و از آنان قدردانی شد. ۲. از این آیه اسـتفاده می‌شود که گروهی از یـاران پیامبر صـلی الله علیه و آله عاشق جهاد بودنـد، آن‌گونه که از معاف شدن خوشـحال نمی‌شدند، بلکه از شدت ناراحتی چشـمانشان اشک آلود می‌گشت. «۱» ۳. براساس آیه‌ی فوق، افراد بی‌بهره از توان مـالی و وسایـل لازم برای شـرکت در جنـگ، نزد پیـامبر می‌آمدنـد و بـا اصـرار از ایشـان وسایل می‌خواستند، و این نهایت علاقمنـدی آنـان به جنـگ را نشـان می‌دهـد و همین مطلب رمز پیروزی مسـلمانان در صـدر اسـلام بود و اکنون نیز می‌توانـد سـبب سرافرازی مسلمانان شود. ۴. از این آیه اسـتفاده می‌شود که گریه‌ی مؤمنـان به خاطر عشق به جهاد، آن‌قـدر ارزش دارد که خـدا در قرآن از آن یـاد کرده است. ۵. از آیه‌ی فوق اسـتفاده می‌شود که اسلام دین آخرت و دنیـاست و حتی برای جنگ و معافیت از آن، قوانین خاصـی دارد. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. برخی یاران پیامبر عاشق جهاد بودنـد (شـما نیز این‌گونه باشـید). ۲. اگر کسـانی به جهت کمبود وسایل نتوانند در جنگ شـرکت کنند، معاف هستند. ***** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۲ قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی توبه با اشاره به ثروتمندان بدون درد و بدون عذری که از شـرکت در جنگ معاف نیستند و می‌فرماید: ۹۳. إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَايَعْلَمُونَ راه (مؤاخـذه) تنها بر کسانی است که از تو رخصت می‌خواهنـد، در حالی که آنان توانگرند (آنان) راضـی شدند به این که با (خانه) نشسـتگان باشـند؛ و خدا بر دل‌هایشان مُهر نهاده؛ و از این رو نمی‌دانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از مقایسه آیه‌ی فوق با آیات ۸۶ و ۸۷ همین سوره و همسان بودن مضـمون آن‌ها، روشن می‌شود که مقصود از گروه فوق، منافقان هسـتند که با بهانه‌تراشـی و رخصت‌طلبی می‌خواستند از شرکت در جنگ معاف شونـد. ۲. از این آیه اسـتفاده می‌شود که ثروتمنـد بودن نه تنهـا مسـلمان را از شـرکت در جهـاد معاف نمی‌کنـد، بلکه مسئولیت او را سـنگین‌تر می‌سـازد. آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. انجـام نـدادن مسـئولیت جهـاد، سـبب کوردلی و بی‌بصیـرتی می‌شود. ۲. ثروتمنـدان (منـافق صـفت) را از جهاد معاف نکنیـد. ***** قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی توبه، به عذرتراشـی بـدون ثمر منافقان اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۴. يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَاتَعْتَذِرُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ هنگامی که به سوی آن (منافق) ان باز گردیـد، از شـما عذرخواهی می‌کنند؛ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۳ بگو: «عذرخواهی نکنید، (ما سخن) شما را تصدیق نخواهیم کرد! [چرا] که خـدا مـا را از اخبـار شـما بـا خبر سـاخته؛ و بزودی خـدا و فرسـتاده‌اش، عملتان را می‌بیننـد؛ سـپس به سوی دانای نهان و آشـکار بازگردانـده می‌شوید؛ و [او] شـما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد. شأن نزول: این آیه در مورد گروهی از منافقان است که پیـامبر صـلی الله علیه و آله پس از بـازگشت از جنـگ تبوک دسـتور داد کسـی بـا آنان نشست و برخاست نکنـد و سـخن نگوید، این گروه منافق که حدود هشتاد نفر بودند، در فشار شدید اجتماعی قرار گرفتند، و در مقام عذرخواهی برآمدند. آیه‌ی فوق بـدین مناسـبت فرود آمـد و پیشـاپیش از حـال آنان خبر داد «۱». نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «يَعْتَذِرُون» فعـل مضـارع است و از آن اسـتفاده می‌شود که خدا پیش‌تر به پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان خبر داده بود که منافقان برای عذرخواهی به زودی نزد شما می‌آینـد و شیوه‌ی پاسخ‌گویی به آنان را نیز به مسـلمانان آموزش داد. ۲. مفسـران دربـاره‌ی جمله «سَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُم و رَسُولُه» دو احتمال بیان کرده‌انـد: نخست آن‌که راه توبه و بازگشت به سوی منافقان باز است و دیگر آن‌که در آینـده نیز خـدا و فرسـتاده‌اش از اعمال و نقشه‌های منافقان آگاه می‌شونـد «۲». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت به عذرتراشانی که در جهاد شـرکت نمی‌کنند، با قاطعیت برخورد کنید و عذر آنان را نپذیرید. ۲. خدا در دنیا و آخرت علیه منافقان افشاگری می‌کند. ۳. خـدا از پنهـان و آشـکار آگـاه است. ***** قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی توبه، به سوگنـدهای منافقان اشاره کرده و با دستور به روی‌گردانی از آن‌ها، به شدّت به آنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۹۵. سَيَحْلِفُونَ بِاللّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ هنگامی که به سوی آنان باز گردیـد، بزودی برای شـما به خـدا

سوگند یاد می‌کنند، تا از آنان صرف نظر کنید (و درگذرید)، پس از آنان روی گردانید؛ [چرا] که آنان پلیدند؛ و به کیفر آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان جهنّم است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه واژه‌ی «اعراض» به دو معنا به کار رفته است: نخست می‌فرماید: «منافقان از شما می‌خواهند که از آنان اعراض کنید»؛ یعنی از آنان درگذرید؛ و سپس می‌فرماید: «شما از آنان اعراض کنید»، یعنی با خشم و انکار از آنان رو برتابید و آنان را نبخشید. این دو تعبیر مشابه با دو معنای متضاد، لطافت و زیبایی خاصی به آیه داده است. ۲. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان از مقدسات و حتی نام خدا و سوگند به آن، برای فریب مسلمانان استفاده می‌کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب سوگندهای دروغین منافقان را مخورید. ۲. منافقانی را که بدون عذر به جبهه نمی‌روند، تحریم کنید. ۳. منافقان پلید و ناپاک‌اند (زیرا نفاق سبب آلودگی روح انسان می‌شود). ۴. دوزخ نتیجه عملکرد خود انسان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی توبه با اشاره به نافرمانی منافقان و ناخشنودی خدا از آنان می‌فرماید: ۹۶. یَحْلِفُونَ لَکُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللّهَ لَایَرْضَی عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِینَ برای شما سوگند یاد می‌کنند تا از آنان راضی شوید؛ و اگر [شما] از آنان راضی شوید، پس حتماً خدا از گروه نافرمانبرداران راضی نخواهد شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی پیشین، منافقان برای مؤمنان سوگند یاد می‌کردند تا آنان را عفو کنند و در برابر آنان واکنش نشان ندهند؛ اما در این آیه می‌خواهند مسلمانان را با سوگند، از خود راضی کنند تا قلباً هم از آن‌ها ناراحت نباشند، بلکه خشنود باشند. ۲. منافقان برای خشنودی مسلمانان اهمیت چندانی قائل نبودند، ولی می‌خواستند کدورت‌های قلبی مؤمنان را بشویند تا در آینده از عکس العمل‌های آنان در امان بمانند. ۳. آیه‌ی فوق به مسلمانان هشدار می‌دهد که منافقان فاسق و نافرمانبردارند؛ بنابراین، رضایت و خشنودی از آنان صحیح نیست؛ زیرا این دام فریبی است که بر سر راه مؤمنان پهن می‌کنند. ۴. منافقان و روش‌های آنان در همه عصرها وجود دارند، پس چه نیکو است مسلمانان همواره مواظب باشند تا منافقان با همان نیرنگ‌ها و دام‌ها، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۶ مقاصد شوم خود را پیاده نکنند. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان در پی جلب نظر مردم و رضایت آن‌ها هستند و کاری به رضایت خدا ندارند، در حالی که خدا از آنان ناخشنود است؛ بنابراین، اگر کسی رضایت خدا را بخواهد، نباید از منافقان راضی شود و گرنه از راه خدا جدا افتاده است. ۶. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: هر کس به قیمت خشم مردم، در پی رضایت خدا باشد، خدا از او راضی می‌شود و مردم را نیز از او راضی می‌سازد، و هر کس با خشم خدا در پی جلب رضایت مردم باشد، خدا از او ناراضی می‌شود و دل مردم را نیز از او خشمگین و ناراضی می‌کند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان در پی رضایت مردم‌اند، ولی شما در پی رضایت خدا باشید. ۲. خدا از منافقان راضی نیست؛ زیرا فاسق و نافرمانبردارند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی توبه منافقان صحرانشین را سرزنش می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. الْأَعْرَابُ أَشَدُّ کُفْراً وَنِفَاقاً وَأَجْدَرُ أَلَّا یَعْلَمُوا حُدُودَ مَاأَنْزَلَ اللّهُ عَلَی رَسُولِهِ وَاللّهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ عرب‌های صحرانشین، در کفر و نفاق شدیدترند؛ و به ناآگاهی از حدود آنچه خدا بر فرستاده‌اش فرو فرستاده، سزاوارترند؛ و خدا دانای فرزانه است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشین مطالبی درباره‌ی افکار و نقشه‌های شوم منافقان داخل شهر مدینه بیان شد و بدین جهت که مسلمانان نپندارند منافقان تنها این گروه هستند، به منافقان خشن صحراگرد اشاره کرده است که بارها مسلمانان را مورد هجوم قرار دادند. ۲. قرآن کریم در محیط جاهلی جزیرة العرب ظهور کرد که به تمدن و شهرنشینی اهمیتی نمی‌داد؛ اما اسلام اهمیت ویژه‌ای برای عوامل تمدن‌ساز مانند شهرنشینی قائل شد و از این رو است که در آیه‌ی فوق می‌خوانیم: افرادی که در نقاط دور افتاده زندگی می‌کنند، از نظر معلومات و ایمان مذهبی عقب‌ترند. و در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: به مراکز بزرگ [جمعیت بپیوندید؛ زیرا دست خدا با جماعت است. «۱» ۵. واژه‌ی «اعرابی» به معنای «صحرانشین «۲»» در برابر شهرنشین، در فرهنگ اسلامی یک مفهوم ارزشی شده است که چندان به مکان جغرافیایی وابسته نیست، بلکه نشان دهنده منطقه فکری و طرز تفکر انسان‌هاست و از این رو است که در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: هر کس از شما از دین

خـود به طور عمیق آگـاه نشود، اعرابی است «۳». و یا امام علی علیه السـلام خطاب به برخی اصـحاب عصـیانگرش فرمود: بدانید که شما بعـد از هجرت اعرابی شدید. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۸۸ بنابراین، ممکن است کسـی در شهر زندگی کند، ولی اعرابی و صحرانشـین عقب افتـاده و جاهـل به شـمار آیـد، و ممکن است کسـی در بیابان‌هـا و روسـتاها زنـدگی کنـد، امـا به خـاطر فرهنگ، دانش و ایمانش، انسانی شهرنشین و متمدن به شمار آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر کفر و نفاق با جهل و دوری از فرهنگ همراه شود، انحراف شدیـدتر می‌شود. ۲. صحرانشـینی یکی از عوامـل جهـل و ناآگاهی نسبت به فرهنگ دینی است (پس با مراکز علمی و دینی ارتباط برقرار کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشـتم سوره‌ی توبه، به صفات برخی صحرانشینان منحرف اشاره کرده و می‌فرماید: ۹۸. وَمِنَ الأَعْرَابِ مَن یَتَّخِذُ مَایُنْفِقُ مَغْرَماً وَیَتَرَبَّصُ بِکُمُ الدَّوَائِرَ عَلَیْهِمْ دَائِرَةُ السَّوءِ وَاللّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ و از عرب‌های صحرانشـین کسانی هسـتند که آنچه را (در راه خدا) مصرف می‌کنند، زیان می‌شمارند؛ و برای شما حوادثی انتظار می‌کشند، حادثه بـد، بر (خود) آنان است؛ و خـدا شـنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشـاره شـده که اعراب بادیه‌نشـین، به دلیل نفاق، کفر، بُخـل و تنگ نظری‌شان، هر گونه خـدمت مالی در راه خـدا را ضـرر می‌پندارنـد «۱» و تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۲۸۹ حسادت آنان سبب می‌شود که همواره در انتظار بروز مشکلات و مصیبت‌هایی برای دیگران باشند، «۱» در حالی که مؤمنان مصرف مـال در راه خـدا را تجـارتی پر سود می‌داننـد و برای دیگران آرزوی خیر و نیکی دارنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مصرف اموال در راه خدا را ضـرر نپندارید. ۲. منافقـان منتظر حـوادث تلـخ باشـند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نـود و نهم سوره‌ی توبه، بـا اشـاره به گروه مؤمنان صحرانشین می‌فرماید: ۹۹. وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن یُؤْمِنُ بِاللّهِ وَالْیَوْمِ الآخِرِ وَیَتَّخِذُ مَایُنفِقُ قُرُبَاتٍ عِنـدَ اللّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَیُدْخِلُهُمُ اللّهُ فِی رَحْمَتِهِ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ و از عرب‌هـای صحرانشـین کسانی هسـتند، که به خـدا و روز بازپسـین ایمان دارنـد؛ و آنچه را (در راه خـدا) مصـرف می‌کننـد، [مایه‌ی نزدیکی‌هایی در پیشـگاه خدا، و دعاهای فرسـتاده [او] می‌شـمارند؛ آگاه باشید که به راستی این [مایه نزدیکی آنان است. بزودی خدا آنان را در رحمتش در آورد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در آیات پیشـین حال اعراب صحرانشـین منافق صـفت بیان شـد و برای این‌که کسـی گمان نکند همه‌ی اعراب بیابان‌ها این‌گونه‌اند، در این آیه به صفات اعراب صحرانشین مؤمن و نیکوکار اشاره شده است. آری، این شیوه‌ی قرآن است که اگر گروهی را سـرزنش می‌کند، خوبان آن‌ها را به فراموشـی نمی‌سپارد. تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۲۹۰ ۲. در این آیه برای بشارت به مؤمنان صحرانشـین، تأکیدهایی پی در پی آورده شده است «۱» تا نشان دهد آنان با بخشش‌های خود در راه خدا به طور حتم به او نزدیک و در رحمت الهی غوطه‌ور می‌شونـد، و در پایان آیه نیز به دو صـفت آمرزنـدگی و مهربانی خـدا اشاره شده است. ۳. واژه‌ی «قُرُبات» جمع «قُرْب» به معنای نزدیکی است، و در این‌جا جمع آمـده است تا نشان دهد مؤمنان صحرانشـین از انفاق خود، نزدیکی‌ها به سوی خـدا می‌جوینـد؛ اما مقصود از نزدیکی به خـدا، نزدیکی مکانی نیست؛ زیرا خـدا جسم نیست تا در مکانی باشـد، بلکه مقصود نزدیکی مقامی یعنی رفتن به سوی او است که کمال مطلق می‌باشد و منظور آن است که صـفات جمال و جلال خـدا بر صـفحه فکر و جان انسان پرتو افکنـد. ۴. از این آیه اسـتفاده می‌شود که اعتقادهـای صـحیح و قصـد قربت افراد در مصـرف اموالشـان، در نزدیکی آن‌هـا به خـدا موثر است. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مؤمنـان صحرانشـین را در کارهای خیر تشویق کنیـد. ۲. خدا مؤمنانی را که اموالشان را با قصد قربت در راه خدا می‌بخشند، غرق در رحمت خویش می‌سازد. ***

اقسام پیروان اسلام

قرآن کریم در آیه‌ی صـدم سوره‌ی توبه، به پیش‌گامان اسـلام و پیروان راستین آنان و پاداش‌هایشان اشاره کرده و می‌فرمایـد: ۱۰۰. وَالسَّابِقُونَ الأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِینَ وَالأَنْصَارِ وَالَّذِینَ اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَضِیَ اللّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی تَحْتَهَا الأَنْهَارُ خَالِدِینَ فِیهَا أَبَداً ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۱ و پیش‌گامـان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که

(به شایستگی) در نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از آنان خشنود گشت، و آنان (نیز) از او خشنود شدند؛ و بوستان‌هایی (بهشتی) برای آنان فراهم ساخته، که نهرها از زیر [درختان] ش روان است؛ در حالی که جاودانه در آن ماندگارند، این کامیابی بزرگ است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه اشاره شده است که خدا از مهاجرین، انصار و تابعین خشنود می‌باشد؛ زیرا آنان ایمان و اعمال شایسته داشته‌اند. ۲. در آیه آمده است که مهاجرین و انصار و تابعین نیز از خدا خشنود هستند؛ زیرا هر چه می‌خواهند، خدا به آنان بخشیده و پاداش‌های فوق‌العاده‌ای به آنان ارزانی داشته است. ۳. مهاجرین و انصار پیش‌گامان انقلاب اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که در هنگام تنهایی، محاصره و خطرات، به یاری او شتافتند. مهاجرین با تحمّل شکنجه‌ها و تهمت‌ها، با عشق سوزان و اراده آهنین کنار پیامبر ماندند و خانه و بستگان خود را رها و به مدینه هجرت کردند. انصار نیز با آغوش باز از پیامبر و مهاجرین استقبال نموده، به آنان مسکن و غذا دادند و با تمام وجود از آنان دفاع کردند. ۴. واژه‌ی «احسان» ممکن است بیان وصف برنامه‌هایی باشد که تابعین از آن‌ها پیروی می‌کردند؛ یعنی تابعین از برنامه‌های نیکوی مهاجرین و انصار پیروی می‌کردند. هم‌چنین امکان دارد «احسان» بیان وصف چگونگی پیروی باشد؛ یعنی تابعین به صورت شایسته‌ای از مهاجرین و انصار پیروی می‌کنند «۱». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۲ این احتمال نیز وجود دارد که مقصود آیه هر دو معنا باشد؛ یعنی پیروی تابعین نباید در حرف و ادعا خلاصه شود، بلکه باید پیروی نیکویی در زمینه‌ی عقاید، افکار و اعمال شایسته آنان باشد. ۵. مقصود از «تابعین» همه گروه‌هایی است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله یا زمان‌های بعد به اسلام پیوستند و هجرت کردند و یا مهاجرین را پناه دادند و از اسلام حمایت می‌کردند. و از برنامه و اهداف پیش‌گامان اسلام پیروی نمودند؛ به عبارت دیگر، مسئله هجرت، نصرت و تابعیت به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه محدود نمی‌شود، بلکه این مفهوم‌ها امروز نیز در شکل‌های دیگر وجود دارند و در آینده نیز وجود خواهند داشت و هر کس به نحوی در مسیر آن‌ها قرار گیرد، از تابعین خواهد بود «۱». ۶. درباره‌ی این‌که با سابقه‌ترین مسلمان چه کسی بوده است، همه‌ی مفسران و مورّخان گفته‌اند که نخستین مسلمان زن، خدیجه- همسر فداکار پیامبر صلی الله علیه و آله- و نخستین مرد مسلمان حضرت علی علیه السلام است. «۲»، «۳» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۳ گفتنی است برخی دانشمندان اهل سنت از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: نخستین کسی که در کنار حوض [کوثر] بر من وارد می‌شود، نخستین کسی است که اسلام آورده و او علی بن ابیطالب است. «۱» ۷. بسیاری از صحابه و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله مردانی بزرگ و شایسته بودند، ولی همه آنان معصوم و بدون خطا و اهل بهشت نبوده‌اند، و این مطلب از سه جهت قابل اثبات است: نخست آن‌که در آیه‌ی فوق قید «احسان» درباره‌ی تابعین آمده است؛ یعنی تابعین از اعمال و افکار شایسته مهاجرین و انصار پیروی می‌کنند؛ بنابراین، این قید به طریق اولی در خود مهاجرین و انصار نیز هست. دوم آن‌که در قرآن کریم بارها سخن از منافقان گفته شده که به ظاهر مسلمان و یار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. و در همین سوره نیز مطالب زیادی درباره‌ی آنان بیان شده است و در آیه‌ی بعد نیز تذکر داده خواهد شد، و نمی‌توان گفت این افراد معصوم و بهشتی هستند. و سوم آن‌که از نظر تاریخی ثابت شده برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از او مرتد یا منحرف شدند و حتی با امام علی علیه السلام جنگیدند. «۲» بنابراین، هر چند پیامبر صحابه بزرگی هم‌چون علی علیه السلام، ابوذر، سلمان و ... داشت، اصحاب منافق صفت و منحرف نیز داشت که در مورد هر گروه بر اساس افکار و عقایدشان حکم می‌شود «۳». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۴ ۸. در برخی تفسیرهای روایی آمده است که مقصود از سابقین، مهاجرین و انصار کسانی هستند که ایمان آوردند و تصدیق کردند و بر ولایت علی علیه السلام ثابت ماندند «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیش‌گامی در نهضت یک ارزش است و پیش‌گامان در نزد خدا ارزشمندترند. ۲. پیروی از عقاید و کمالات و کردار نیکوی پیش‌گامان اسلام، یک ارزش است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یکم سوره‌ی توبه، به منافقان داخل مدینه و خارج آن و کیفر آنان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۰۱. وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِنَ الأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَاتَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُم مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَى عَذَابٍ عَظِيمٍ و از اطرافیان شما، برخی

عرب‌های صحرانشین منافقند؛ و برخی ساکنان مدینه (نیز) به دو رویی خو گرفته [و سرکشی کرده اند، در حالی که (تو) آنان را نمی‌شناسی، (ولی) ما آنان را می‌شناسیم؛ بزودی آنان را دوبار عذاب می‌کنیم سپس به سوی عذاب بزرگی بازگردانده می‌شوند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از این آیه استفاده می‌شود که منافقان چنان از حق عاری شده و بر کار تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۵ خود مسلّط و تمرین کرده «۱» بودند، که می‌توانستند خود را در صف مسلمانان راستین جا بزنند بدون آن‌که کسی متوجه آنان شود. ۲. در آیه به منافقان داخل و خارج مدینه توجه داده شده و از مسلمانان خواسته شده است که هر دو گروه را زیر نظر بگیرند و از منافقان خارج شهر غافل نشوند، ولی توجه داشته باشند که منافقان داخل مدینه بر کار خود مسلطتر و خطرناک‌ترند. ۳. مقصود از این‌که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله منافقان را نمی‌شناسد، شناخت پیامبر با علم عادی و معمولی است، و گرنه اشکالی ندارد که او از طریق وحی و اخبار غیبی از اسرار منافقان آگاه شود. ۴. مقصود از «عذاب بزرگ» همان مجازات‌های روز رستاخیز است، ولی در مورد دو عذاب دیگری که در آیه بدان‌ها اشاره شده، مفسران دو احتمال داده‌اند که براساس نخستین احتمال، مقصود رسوایی اجتماعی منافقان در دنیا و کیفر آنان هنگام مرگ است و براساس احتمال دوم، مقصود از عذاب دوم، ناراحتی درونی منافقان به جهت پیروزی‌های مسلمانان می‌باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مراقب منافقان داخلی و خارجی باشید. ۲. منافقان داخل شهر مرموزتر و خطرناک‌ترند. ۳. منافقان در دنیا و آخرت گرفتار عذاب می‌شوند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۶ قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوم سوره‌ی توبه، به مسلمانان خطاکار توبه کننده امید می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۲. وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحاً وَآخَرَ سَيِّئاً عَسَى اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ و (گروه) دیگری که به پیامدهای (گناهان) شان اعتراف کردند، (و) کار شایسته را با (کار) بد دیگری در آمیختند، امید می‌رود که خدا توبه‌ی آنان را بپذیرد؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده که «أبو لُبابه انصاری» و چند نفر دیگر از شرکت در جنگ تبوک خودداری کردند، ولی پس از نزول آیات سرزنش کننده، پشیمان شدند و خودشان را به ستون‌های مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بستند و سوگند یاد کردند که تا پیامبر آنان را باز نکند، همان‌جا بمانند. پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد تا این آیه فرود آمد و آنان را از ستون باز کرد؛ سپس آن‌ها به شکرانه این موضوع همه اموال خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کردند تا آن‌ها را در راه خدا مصرف کند؛ زیرا دلبستگی به آن اموال مانع رفتن آن‌ها به جبهه شده بود، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله صبر کرد تا آیه‌ی بعد فرود آمد و قسمتی از آن اموال را پذیرفت «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «عَسی به معنای «شاید» است که معمولًا در مورد امیدواری و احتمال پیروزی و عدم آن گفته می‌شود؛ یعنی زمینه‌ی پذیرش توبه آنان وجود دارد، ولی خدا می‌خواهد آنان را در میان ترس و امید نگاه دارد تا تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۷ مایه‌ی تکامل و تربیت آنان شود «۱». ۲. به باور برخی مفسران، واژه «عسی اشاره به آن است که گناهکاران باید افزون بر توبه و پشیمانی، کارهای نیکی نیز انجام دهند و گذشته خود را جبران کنند تا توبه آنان پذیرفته شود «۲». ۳. آیه‌ی فوق درباره أبو لُبابه و متخلفان جنگ تبوک فرود آمده است، ولی مفهوم آن وسیع است و شامل تمام افرادی می‌شود که اعمال نیک و بد را به هم می‌آمیزند و پشیمان می‌شوند و از این رو است که در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است این آیه در مورد شیعیان گناهکار ماست. «۳» یعنی شیعیان گناه‌کار نیز جزء مصادیق آیه قرار می‌گیرند. ۴. هر چند جمع زیادی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله انسان‌های والاگهر و مجاهدان حقیقی و یاوران دین خدا بودند، ولی از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که همه آن‌ها عادل و معصوم نبودند و برخی از آنان مرتکب گناه نیز می‌شدند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اعتراف به گناه در پیش‌گاه خدا، زمینه‌ساز بخشایش الهی است. ۲. اگر لغزشی داشتید، توبه کنید که خدا آمرزنده و مهرورز است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۸ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی توبه، با اشاره به آداب گرفتن زکات و آثار سازنده آن و می‌فرماید: ۱۰۳. خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ از اموال آنان بخشش خالصانه (و مالیات زکات) را بگیر، که بوسیله آن، پاکشان سازی و رشدشان دهی؛

و برایشان دعا کن؛ [چرا] که دعای تو، برای آنان آرامشی است؛ و خدا شنوای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. بر طبق شأن نزولی که ذیل آیه‌ی قبل بیان شد، این آیه نیز در مورد أبولُبابه و توبه او است؛ اما این‌که در آن‌جا گفته شده بود پیامبر یک سوم مال پیش‌کشی او را پذیرفت و در این‌جا زکات مال گفت که از یک سوم کم‌تر است، شاید بدین جهت باشد که پیامبر مقدار اضافی بر زکات را به عنوان کفاره گناه از آنان گرفت. ۲. واژه‌ی «صَدَقه» در قرآن کریم گاهی به معنای «زکات» می‌آید و این مطلب در سوره‌های مدنی بیش‌تر است و در آیه‌ی فوق یا به معنای زکات و یا به معنای کفاره گناه و یا بخشش مستحبی خالصانه می‌باشد. «۱» ۳. واژه‌ی «مِنْ» در آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که زکات همواره جزئی از مال است و شامل همه یا قسمت عمده آن نمی‌شود. ۴. واژه‌ی «خُذ» نشان می‌دهد که رهبر مسلمانان و رئیس حکومت اسلامی می‌تواند زکات را از مردم بگیرد و لازم نیست منتظر میل مردم باشد که هرگاه خواستند، زکات را بپردازند. ۵. در این آیه بیان شده که زکات پاک کننده است؛ یعنی پرداخت کننده زکات را از رذایل اخلاقی هم‌چون دنیاپرستی و بُخل پاک می‌کند و نیز مفاسد تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۲۹۹ و آلودگی‌هایی را که در جامعه به جهت فقر و فاصله طبقاتی به وجود می‌آید، از صحنه اجتماع پاک می‌سازد. ۶. در آیه بیان شده که زکات رشد دهنده است؛ یعنی در دل پرداخت کننده زکات، نهال نوع‌دوستی و سخاوت پرورش می‌یابد و در صحنه اجتماع، پیشرفت اقتصادی به وجود می‌آید. ۷. این آیه به پیامبر و ما می‌آموزد که در برابر انجام وظیفه‌هایی واجب مانند زکات نیز از مردم تشکر کنیم، و از طریق معنوی و روانی آنان را تشویق نماییم؛ زیرا که دعا سبب آرامش روحی مردم می‌شود و می‌بینند که اگر در ظاهر چیزی از دست داده‌اند، اما بهتر از آن را به صورت معنوی به دست آورده‌اند. ۸. در احادیث آمده است هنگامی که مردم زکات خود را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آوردند، با عبارت «اللّهم صلّ علیهم» به آنان دعا می‌کرد «۱». ۹. این آیه بر طبق شأن نزول درباره‌ی توبه ابو لُبابه و دوستانش است، ولی مفهومی وسیع دارد و یک قانون کلی را در مورد زکات و آداب گرفتن آن و آثار سازنده‌اش بیان می‌کند، و از این رو است که در برخی احادیث آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «آیا این آیه در زمان‌های بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جاری است؟ حضرت فرمودند: آری.» «۲» ۱۰. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: هنگامی که آیه زکات [آیه فوق فرود آمد، ماه رمضان بود؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد شخصی به مردم ندا دهد که زکات مانند نماز بر شما واجب شد و زکات طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش را مشخص کرد و هر سال ماه رمضان مردم با صدای منادی، زکات خود را می‌پرداختند «۳». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مأموران مالیات اسلامی از مردم تشکر کنند و رابطه آنان عاطفی و معنوی باشد. ۲. پرداخت مالیات زکات از یک‌سو آلودگی‌های فرد و جامعه را پاک می‌سازد و از سوی دیگر، تکامل آفرین و رشد دهنده آن‌هاست. ۳. یکی از وظایف رهبر مسلمانان، گرفتن زکات است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی توبه، با بیان این‌که توبه‌پذیر و گیرنده حقیقی زکات خداست، می‌فرماید: ۱۰۴. أَلَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ هُوَ یَقْبَلُ التَّوبَهَ عَنْ عِبادِهِ وَیَأْخُذُ الصَّدَقاتِ وَأَنَّ اللّهَ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ آیا ندانسته‌اند که خدا، خود توبه را از بندگانش می‌پذیرد؛ و بخشش‌های خالصانه (و مالیات زکات) را می‌گیرد؛ و این که تنها خدا بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در شأن نزول دو آیه پیشین بیان شد که أبولُبابه و دوستانش که از جنگ تبوک تخلّف کرده بودند، اصرار داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله توبه و اموال آنان را بپذیرد، ولی آیه‌ی فوق اشاره دارد که نه تنها توبه‌پذیری کار خداست، بلکه گیرنده واقعی صدقات نیز خداست و پیامبر و افراد فقیری که صدقات را می‌پذیرند، در حقیقت نمایندگان خدا هستند. ۲. در برخی احادیث آمده است که پیشوایان معصوم شیعه هنگامی که صدقه می‌دادند، گاهی آن صدقه را می‌بوسیدند و یا صدقه را به فقیر می‌دادند سپس می‌گرفتند و بو می‌کردند و می‌بوسیدند و بر می‌گرداندند، و تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۱ هنگامی که کسی از ایشان می‌پرسید چرا این‌گونه می‌کنید: می‌فرمودند: صدقه به دست بنده نمی‌رسد، مگر این‌که قبل از آن در دست خدا قرار می‌گیرد و خدا برای انجام هر کاری فرشته‌ای قرار داده است؛ اما صدقه را خودش می‌گیرد. «۱» ۳. در این آیه از

«صدَقات» سخن گفته شده که زکات و بخشش‌های دیگری را که برای رضای خدا انجام می‌گیرد، شامل می‌شود و این مطلب از احادیثی که ذیل آیه آمده است، به خوبی روشن می‌شود «۲». ۴. هر چند که اسلام کوشش دارد در جامعه اسلامی نیازمند باقی نماند، ولی در هر جامعه‌ای افرادی از کار افتاده، آبرومند و کودکان یتیم و مانند آن‌ها هستند که لازم است از بیت المال یا با صدقات تأمین شوند؛ آیه‌ی فوق با اشاره لطیفی به مسلمانان هشدار می‌دهد که صدقه را با ادب و احترام به آنان بپردازید؛ زیرا گیرنده حقیقی آن خداست و این اشاره لطیف قرآن عظمت حکم زکات و صدقه را نیز مشخص می‌سازد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توبه‌پذیری مخصوص خداست و حتی پیامبر صلی الله علیه و آله حق چنین کاری ندارد. ۲. گیرنده حقیقی زکات و صدقه خداست (پس به بهترین صورت بپردازید). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجم سوره‌ی توبه، با اشاره به دیدن کارها و عرضه اعمال بر خدا، پیامبر و مؤمنان خاص می‌فرماید: ۱۰۵. وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ و (ای پیامبر) بگو: «عمل کنید! پس بزودی خدا و فرستاده‌اش و مؤمنان، کردار شما را می‌بینند! و بزودی، به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید؛ و [او] شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید، با خبر می‌سازد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آگاهی انسان از این‌که کسانی اعمال او را تحت نظر دارند، اثر عمیقی در پاک‌سازی اعمال و نیت‌های انسان دارد و سبب می‌شود انسان مواظب رفتار خود باشد، به‌ویژه اگر بداند که خدا، پیامبر و مؤمنان برجسته اعمالش را می‌بینند. ۲. در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، بر اساس بسیاری از احادیث، مشهور و معروف است که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از همه اعمال امت آگاه می‌شوند و کردارهای مردم از راه‌های خاصی بر آنان عرضه می‌شود. ۳. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: تمام اعمال مردم، خوب و بد آن، هر روز صبح بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود؛ پس مواظب باشید. (سپس به آیه‌ی فوق استشهاد کردند). «۱» ۴. این آیه مطلق است و شامل همه اعمال نهان و آشکار می‌شود، در تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۳ حالی که بسیاری از اعمال انسان‌ها معمولًا از مؤمنان دیگر پنهان است و از سوی دیگر، غیر مؤمنان نیز اعمال عادی انسان را می‌بینند، در حالی که تکیه آیه بر مؤمنان است؛ بنابراین، روشن می‌شود که مقصود از مؤمنان در آیه، افرادی خاص همچون حضرت علی علیه السلام هستند که جانشینان به حق پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشند که از نهان‌ها خبر دارند و از این رو است که در برخی احادیث، مقصود از مؤمنان در آیه «ائمه اطهار علیهم السلام» بیان شده است. «۱» ۵. در برخی احادیث تنها از عرضه اعمال بر پیامبر صلی الله علیه و آله سخن به میان آمده، و در برخی از امام علی علیه السلام نام برده شده و در برخی نیز تنها عصر پنج شنبه را وقت عرضه اعمال معرفی کرده و در برخی دیگر هر روز یا هفته‌ای دوبار یا آغاز هر ماه و یا هنگام مرگ و گذاردن در قبر معین شده است «۲»؛ البته این احادیث ممکن است همگی درست باشند و هر کدام مورد و مصداق خاصی از عرض اعمال را بیان کرده باشد؛ همان‌گونه که در مؤسسات گزارش کارکرد روزانه و هفتگی و ماهیانه و سالیانه وجود دارد. ۶. مقصود از «رؤیت» در این آیه، علم یا معرفت و یا مشاهده محسوسات است؛ «۳» یعنی خدا که همه جا حضور دارد، همه اعمال را مشاهده می‌کند و بدان‌ها احاطه علمی دارد و مانعی ندارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز هنگام عرضه اعمال و آگاهی از آن‌ها، خود اعمال را نیز ببینند و همچون فیلمی آن‌ها را مشاهده کنند. ۷. مراقب باشید پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از شما ناراحت نشوند. امام تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۴ عارفان در این مورد می‌فرمایند: طبق بعضی آیات، «۱» به تفسیر برخی از روایات «۲» اعمال انسان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام عرضه می‌شود و از نظر مبارک آنان می‌گذرد. وقتی که آن حضرت به اعمال شما نظر کنند و ببینند که از خطا و گناه انباشته است، چقدر ناراحت و متأثر می‌گردند؟ نخواهید که رسول خدا ناراحت و متأثر شوند؛ راضی نشوید که قلب مبارک آن حضرت شکسته و محزون گردد ...؛ ممکن است در حضور خدای تبارک و تعالی و ملائکهٔ اللّٰه خجل گردد ...؛ ممکن است خدای نخواسته شما را نفرین کند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اعمال شما زیر نظر خدا و پیامبر و ائمه است (پس مواظب کردار

خود باشید). ۲. برای روز بازبینی اعمال آماده باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و ششم سوره‌ی توبه، به گروه دیگری از متخلفان اشاره کرده و با معلّق کردن سرنوشت آنان می‌فرماید: ۱۰۶. وَآخَرُونَ مُرْجَوْنَ لأَمْرِ اللّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ و (سرنوشت گروهی) دیگر متوقف بر فرمان خداست، یا عذابشان می‌کند، و یا توبه‌ی آنان را می‌پذیرد؛ و خدا دانایی فرزانه است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۵ شأن نزول: داستان نزول این آیه دو گونه حکایت شده است؛ براساس برخی احادیث، آیه در مورد کافرانی است که با مسلمانان جنگیدند و افرادی را شهید کردند، سپس از کفر دست کشیدند و مسلمان شدند «۱» و بر طبق آیه‌ی فوق سرنوشت آنان به فرمان الهی بستگی دارد. برخی مفسران نیز بر آنند که این آیه در مورد سه نفر از متخلّفان جنگ تبوک فرود آمده که داستان کامل آن ذیل آیه‌ی ۱۱۸ همین سوره می‌آید «۲». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق اشاره دارد که این مسلمانان گناه‌کار، نه چنان ایمان محکم و اعمال پاکی دارند که بتوانند نجات یابند و نه چنان آلوده و منحرف‌اند که برای همیشه شقاوتمند گردند؛ پس به فرمان خدا واگذار می‌شوند «۳» تا بر اساس علم و حکمت خویش با آن‌ها چگونه معامله کند؟ ۲. از گروهی در این آیه و از گروهی در آیه‌ی ۱۰۲ سوره توبه یاد شد که مسلمان متخلف از جنگ تبوک و توبه کننده بودند و امید بخشش آنان می‌رفت. تفاوت این دو گروه در چند چیز است: یکی آن‌که گروه قبلی به سرعت توبه کردند و علامت پشیمانی خود را ظاهر نمودند و خود را به ستون مسجد بستند، ولی این گروه چنین نکردند. دوم آن‌که گروه نخست فقط از جنگ تبوک تخلّف کردند، ولی گروه دوم (بر طبق برخی روایات) به گناه بزرگی هم‌چون کشتن حمزه آلوده بودند و این چیزی نبود که بتوانند به آسانی جبران کنند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دست خدا در مجازات یا عفو گناهکاران باز است، ولی براساس علم و حکمت خویش عمل می‌کند. ۲. درباره‌ی سرنوشت مسلمانان (خطاکار) داوری نکنید، بلکه سرنوشت آن‌ها را به خدا واگذار کنید. ***

ماجرای مسجد ضرار

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی توبه، با اشاره به داستان مسجد ضِرار و اهداف منافقان در مورد آن می‌فرماید: ۱۰۷. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ اللّهَ وَرَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ و (برخی منافقان) کسانی هستند که مسجدی برگزیدند، برای زیان رساندن، و کفر ورزیدن، و تفرقه‌افکنی بین مؤمنان، و کمینگاهی برای کسی که پیش از [آن با خدا و فرستاده‌اش جنگ کرده بود؛ و به طور قاطع سوگند یاد می‌کنند که: «اراده‌ای جز نیکی نداشته‌ایم.» و [لی خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ گویند. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده که محرّک اصلی ماجرای مسجد ضرار، مردی از اهالی مدینه به نام «ابو عامر» و از راهبان مسیحی و مرتبط با دربار رومیان بود. او در طرّاحی جنگ احد نیز دخالت داشت و پس از فتح مکه به دربار «هِرَقِل» پادشاه روم رفت تا علیه مسلمانان لشگری بسیج کند و نامه‌ای به منافقان مدینه نوشت و نوید لشگر روم را داد و تأکید کرد که در مدینه پایگاهی برای خود بسازند. منافقان تصمیم گرفتند زیر نقاب مسجد، این برنامه را عملی سازند و از این رو، پیش از جنگ تبوک گروهی از تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۰۷ منافقان مدینه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و به بهانه‌ی بیماران و پیرمردان اجازه خواستند مسجدی در نزدیکی مسجد قبا بسازند. و از آن حضرت نیز دعوت کردند که خود ایشان آن مسجد را افتتاح کند. پیامبر صلی الله علیه و آله کار را به پس از بازگشت از تبوک حواله کرد. آنان مسجد را ساختند و جوانی مسلمان را به امامت خویش برگزیدند. منافقان پس از بازگشت پیامبر از تبوک نیز آمدند و پیش از ورود ایشان به مدینه، تقاضای خود را بار دیگر مطرح کردند. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه‌ی فوق و چند آیه بعد را آورد و پرده از اسرار منافقان برداشت. پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مسجد مزبور را آتش زدند و پس از ویرانی، آن را به محل زباله‌های شهر تبدیل کردند «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات گذشته تاکنون

به چهـار گروه منافقان و متخلفان اشاره شـده است: الف) گروهی از عرب‌های صحرانشـین که کفر و نفاق شدیـدی دارنـد «۲». ب) گروهی ازمنافقان داخل مدینه «۳». ج) گروهی از متخلفـان از جنگ تبوک که گناه کردنـد ولی با اعتراف و توبه و صـدقه بخشوده شدند «۴». د) گروهی سه نفری از منافقان یا گروهی از کافران که سـبب شـهادت بزرگانی هم‌چون حمزه شدند و سرنوشت آنان به فرمان الهی واگـذار گردید «۵». اینک، در آیه‌ی فوق به گروه پنجم منافقان اشاره شـده که با نقشه‌ای تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۳۰۸ ماهرانه به ایجاد پایگاهی برای دشـمن در مدینه اقدام کردند. ۲. واژه‌ی «ضِرار» به معنای زیان رساندن عمدی است؛ یعنی هدف منافقان بر خلاف ادعایشان، ساختن مسجد برای کمک به افراد ناتوان و نمازگزاران نبود، بلکه می‌خواستند به مسلمانان ضرر بزننـد و حتی اگر بتواننـد، نام اسـلام را از صـحنه روزگار محو کننـد. ۳. مسـجد قُبا و مسـجد ضِرار نزدیک هم بود و منافقان قصـد داشـتند تا مؤمنان را به دو گروه تقسـیم کننـد و بین آنان تفرقه افکننـد، و از تعبیرهای آیه اسـتفاده شده است که نباید فاصـله بین دو مسـجد آن چنـان نزدیـک باشـد که بر کاهش جمعیت هر یک از آن‌ها اثر بگـذارد و جماعت مسـلمانان بی‌رونق و بی‌روح شود. ۴. منافقان اهـداف شوم خود را در ظاهری زیبا دنبال می‌کردنـد و قسم می‌خوردنـد که قصـد خیر دارند؛ از این رو، خدا با چهار تأکید «۱» بر دروغ‌گویی آنان گواهی می‌دهد و سوگندهایشان را مردود می‌شمارد. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که نیّت در اعمال مهم‌تر از ظاهر عمل است. اگر مسـجد نیز با نیّت زیان رسانـدن و تفرقه انداختن بنا شود، ثمری ندارد و باید ویران گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان از مـذهب علیه مـذهب اسـتفاده می‌کننـد (پس مسـلمانان نبایـد به دنبال هر نـدایی بروند). ۲. منافقـان بـا ظاهری زیبا و با اسـتفاده از مقـدساتی هم‌چون مسـجد و سوگند، تبلیغات می‌کنند و اهداف شوم خود را دنبال می‌نمایند (پس مراقب باشـید). تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۳۰۹ ۳. مواظب پایگاه‌های داخلی دشـمن باشـید و اهداف آن‌ها را شـناسایی (و خنثی) کنید. ۴. وحدت مسـلمانان مهم است و حـتی اگر سـاختن مسـجدی سـبب تفرقه مؤمنـان شود، آن مسـجد نامقـدس است. *** تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۰ عبادتگاه در قرآن و حدیث در اسـلام، عبادت‌گاه مسلمانان «مسجد» نام دارد که احکام و مقررات خاصی برای آن قرارداده شده است. الف) مسـجد در قرآن ۱. مساجـد برای خدا (و پرسـتش او) است (جن، ۱۸). ۲. مسـجد محل عبادت و توجه به خداست (اعراف، ۲۹). ۳. بر قبر اولیای الهی می‌توان مسـجد ساخت (تا بنای یادبود باشد) (کهف، ۲۱). ۴. ستم‌کارترین مردم کسی است که مانع ذکر خـدا در مساجد شود (بقره، ۱۱۴). ۵. ایمان به خدا و رسـتاخیز، عامل اساسـی آبادی مساجد است (توبه، ۱۸). ۶. حفظ مساجـد و عبادت‌گاه‌های غیرمسـلمانان از خرابی و نابودی مهم است (حج، ۴۰). یادآوری‌ها ۱. در مسجدی که محل توطئه‌ی منافقان و دشـمنان اسـلام شده، نماز نگذارید (توبه، ۸- ۱۰۷). ۲. ثواب سـیراب کردن حاجیان و آباد کردن مساجـد، هم‌چون ثواب مومنان مجاهد نیست (توبه، ۱۹). ب) مسجد در احادیث ۱. از امام صادق علیه السـلام روایت شده است: مسجدها خانه‌های خدا در زمین است. (بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۴). تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۱ ۲. همو: هر کس مسجدی بسازد، خدا در بهشت برای او خانه‌ای می‌سازد. (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵). ۳. نماز خانه در داخل منزل از امام علی علیه السـلام روایت شده است که در خانه خود اتاق کوچکی قرارداده بود و در آن نماز می‌خواند، و در آن اتاق فقط فرش، شمشـیر و قرآن بود. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۶۱). و از برخی اصحاب امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت به من نوشتند: دوست دارم در خانه‌ات مسجدی برای خودت قرار دهی. (همـان، ج ۸۴، ص ۲۴۴). ج) آداب مسجد ۲. مسـجد بر اساس تقوی بنا شود (توبه، ۱۰۸). ۳. مانع ورود مردم به مسجد و یاد خدا در آن نشوید (حج، ۲۵؛ مائده، ۲ و بقره، ۱۱۴). ۴. مسجد را برای نمازگزاران پاکیزه کنید (بقره، ۱۲۵ و حج، ۲۶). ۵. احترام مسـجد را نگاه داریـد و نزدیک آن جنگ نکنید، مگر این‌که مجبور شوید (بقره، ۱۹۱). ۶. در مسجد همه‌ی توجه خویش را به پروردگار معطوف کنید (اعراف، ۲۸). ۷. مشرکان به مسجد نزدیک نشوند (توبه، ۲۸). تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۲ ۸. آبادی و تعمیر مساجـد بر عهـده مومنان است و مشـرکان حق این کار را ندارند (توبه، ۱۷- ۱۸). ۹. از پیامبر صـلی الله علیه و آله حکایت شـده که آبادی مسـجد آن است که «صـدا در آن بلنـد نکنید، مشغول مطالب باطل نشوید، در آن خرید و فروش نکنید، و

کارهای بیهوده را ترک کنید. (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۵). ۱۰. از امام علی علیه السلام حکایت شده که نماز برای همسایه مسجد نیست مگر در مسجد، مگر این‌که عذری داشته باشد، یا مریض باشد. از ایشان پرسیدند: همسایه مسجد کیست؟ فرمود: هر کس صدای (موذن) را بشنود. (همان، ج ۸۳، ص ۳۷۹). ۱۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: مسجد را محل عبور و راه قرار ندهید مگر این‌که در آن دو رکعت نماز بخوانید. (بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸). یادآوری: برخی مطالب که در آیات مربوط به مسجد الحرام بیان شده است، با الغای خصوصیت شامل مساجد دیگر نیز می‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۳ د) مساجد با عظمت ۱. مسجد الحرام قبله مسلمانان است (بقره، ۱۴۴، ۱۴۹- ۱۵۰). ۲. مسجد الحرام خاستگاه معراج پیامبر صلی الله علیه و آله بود (اسراء، ۱). ۳. مسجد الاقصی مقصد معراج پیامبر و اطراف آن مبارک است (اسراء، ۱). ۴. در احادیث از مسجد قبا، مسجد کوفه و مسجد سهله به عظمت یاد شده است (ر. ک: میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۹۸). تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی توبه، با معرفی مسجدی نیکو به مسلمانان، به پیامبر دستور مبارزه منفی با مسجد ضرار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۰۸. لَاتَقُمْ فِیهِ أَبَداً لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَی التَّقْوَی مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَقُّ أَن تَقُومَ فِیهِ فِیهِ رِجَالٌ یُحِبُّونَ أَن یَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرِینَ هرگز در آن (مسجد به عبادت) نایست! حتماً مسجدی که از روز نخست بر پارسایی (و خود نگه‌داری) بنیانگذاری شده، شایسته‌تر است که در آن (به عبادت) بایستی؛ در آن، مردانی هستند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند؛ و خدا پاکیزگان را دوست دارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. به گفته‌ی مفسران مقصود از مسجد نیکویی که در آیه‌ی فوق بدان اشاره شده، مسجد قُبا است که در نزدیکی مسجد ضِرار قرار داشت و اولین مسجدی بود که در مدینه ساخته شد «۱». البته این احتمال نیز داده شده که مقصود، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه یا هر مسجدی باشد که بر اساس تقوا بنا شود. ۲. واژه‌ی «أحَق» به معنای «شایسته‌تر و سزاوارتر» است، ولی در این آیه منظور مقایسه بین شایسته و شایسته‌تر نیست، بلکه مقایسه بین مسجد ضِرار ناشایست و مسجد قُبای شایسته است؛ مانند آن‌که بگوییم: برای شما پاکی از ناپاکی بهتر است «۲». ۳. مقصود از طهارت و پاکیزگی در آیه‌ی فوق معنای وسیع آن است؛ یعنی هرگونه پاک‌سازی روح از شرک و گناه و یا پاکی جسم از آثار آلودگی را تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۵ شامل می‌شود. ۴. در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که به اهل مسجد قبا فرمودند: «شما در هنگام پاک ساختن خود چه کاری انجام می‌دهید که خدا شما را این‌گونه ستایش کرد؟ گفتند: ما آثار مدفوع را با آب می‌شوییم.» البته روشن است که این‌گونه احادیث دلیل بر انحصار مفاد آیه نمی‌شود، بلکه بیان یکی از مصادیق آیه است «۱». ۵. از این آیه‌ی می‌آموزیم که هرگاه چیز بدی را از مردم گرفتیم، چیز نیکویی به جای آن معرفی کنیم؛ اگر نماز در مسجد ضرار ممنوع می‌شود، بی‌درنگ مسجد نیکوی دیگری به جای آن معرفی می‌گردد. آری، این نفی و اثبات روش و شعار اسلام است، یعنی اگر کسی از تفریح‌های ناسالم جلوگیری می‌کند، باید وسایل تفریح‌های سالم را فراهم سازد؛ اگر فحشا و بی‌عفتی ممنوع می‌شود، باید وسایل ازدواج آسان گردد. ۶. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که کانون مثبت دینی، پایگاهی است که دو ویژگی داشته باشد: نخست آن‌که شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد. دوم این‌که افراد و حامیان آن، انسان‌هایی درست‌کار و پاک باشند. ۷. در این آیه به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود که در مسجد ضرار نماز نگذارد؛ اما مقصود همه مسلمانان هستند و خطاب به آن حضرت از این رو است که وی رهبر و الگوی دیگران می‌باشد. ۸. برخی افراد از آلودگی‌های روحی و جسمی بر اساس فرمان الهی و ترس از جهنم پرهیز می‌کنند؛ اما برخی پاک‌اند؛ زیرا پاکی را دوست دارند، و این خود نوعی کمال برای انسان به شمار می‌رود که در آیه‌ی فوق از آن به نیکی یاد شده است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پایگاه‌های دشمن در شهرهای اسلامی را تحریم کنید، حتی اگر آن پایگاه به نام مسجد بنا شده باشد. ۲. اگر مردم را از رفتن به مراکز فساد باز داشتید، مراکز سالم و شایسته را به آنان معرفی کنید. ۳. علاقه به پاکی نیز خود کمال انسان به شمار می‌رود. ۴. انسان‌های پاک محبوب خدایند. ۵. ارزش هر مسجد به پاک بنیادی و افرادی نیک است که در آن رفت و آمد می‌کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نهم سوره‌ی توبه، به مقایسه بین

دو گروه مؤمن و منافق و کارهای آنان می‌پردازد و می‌فرماید: ۱۰۹. أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَم مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللّهُ لَايَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ و آیا کسی که ساختمانش را بر پارسایی (و خودنگه‌داری) و خشنودی خدا بنیانگذاری کرده، بهتر است، یا کسی که ساختمانش را بر کنار پرتگاه فرو ریختنی بنیان نهاده است، و او را در آتش جهنّم فرو می‌افکند؟ و خدا گروه ستمکاران را راه‌نمایی نمی‌کند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «بُنیان» به معنای ساختمان، «شَفا» به معنای لبه‌ی چیزی و «جُرُف» به معنای کنار نهر یا چاه است که آب زیر آن را خالی کرده باشد و «هار» به معنای شخص یا ساختمان سستی است که در حال سقوط باشد؛ یعنی «نفاق» ظاهری زیبا دارد، ولی محتوا و بنیان آن سست و در حال سقوط است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۷ ۲. تشبیه فوق در نهایت روشنی، بی‌ثباتی کار منافقان و استحکام کار مؤمنان و برنامه‌های آنان را بیان می‌کند. مؤمنان هم‌چون کسی هستند که ساختمان خود را بر زمین محکم و با مصالحی پر دوام ساخته است و منافقان هم‌چون کسی هستند که ساختمان خود را بر لبه‌ی رودخانه‌ای که سیلاب زیر آن را خالی کرده و در حال سقوط می‌باشد بنا کرده است. ۳. در این آیه اشاره شده که منافقان ستم‌کارند؛ زیرا با جدایی از قوانین آفرینش و واقعیت‌ها، هم به خود ستم می‌کنند و هم به جامعه، و خدا این‌گونه افراد را هدایت نمی‌کند. ۴. هدایت الهی یعنی فراهم ساختن مقدمات برای رسیدن به مقصد، و این هدایت تنها شامل حال گروهی می‌شود که شایستگی، استحقاق و آمادگی دارند و از این رو، شامل ستم‌کاران نمی‌شود. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که ارزش کارها و مکان‌ها، به نیّت‌هایی است که شالوده عمل بر آن نهاده می‌شود. آری، برخی مسجدها انسان‌ها را به خشنودی خدا رهنمون می‌شود و برخی مسجدها حتی بنیان‌گذاران خود را به دوزخ می‌افکند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بنیاد منافقان بر پرتگاهی سست است. ۲. نفاق و سوء استفاده از مکان‌های مذهبی ستم‌کاری است. ۳. اموری که زیر ساخت آن‌ها تقواست، بر امور دیگر ترجیح دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۸ قرآن کریم در آیه‌ی صد و دهم سوره‌ی توبه با اشاره به شک‌آفرینی پایگاه‌های منافقان می‌فرماید: ۱۱۰. لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَن تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ساختمانی که آنان ساختند، همیشه (به عنوان سبب) تردید، در دل‌هایشان باقی می‌ماند؛ مگر این که دل‌هایشان پاره پاره شود، و خدا دانای فرزانه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. منافقان به طور دائم در یک حالت حیرانی و سرگردانی و شک به سر می‌برند و حتی کانون نفاق آنان، یعنی مسجد ضرار، به عامل دیگری برای لجاجت و شک‌آفرینی تبدیل می‌شود و پیامبر صلی الله علیه و آله هر چند مسجد ضرار را تخریب کرد و سوزاند، گویی نقش آن از دل پر تردیدشان از بین نمی‌رود. ۲. در این آیه اشاره شده که شبهه و تردید، شخصیت انسان را پاره پاره می‌کند و هر بعد آن را به سوی خاصی می‌کشد. آری، شک و شبهه هم‌چون خوره به جان آدمی می‌افتد و تا او را از درون متلاشی نکند، از کار نمی‌ایستد. البته اگر شک عاملِ حرکت، مطالعه و ژرف‌نگری گردد مفید است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همیشه پایگاه‌های منافقان، شک‌آفرین است. ۲. پایگاه‌های شما تردید آفرین و شبهه‌انگیز نباشد (بلکه یقین‌آور و دانش‌افزا باشد). *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۱۹ قرآن کریم در آیه‌ی صد و یازدهم سوره‌ی توبه، مؤمنان را به معامله‌ای پر سود بشارت می‌دهد و با یادآوری پاداش مجاهدان می‌فرماید: ۱۱۱. إِنَّ اللّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْداً عَلَيْهِ حَقّاً فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُم بِهِ وَذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ در حقیقت خدا، از مؤمنان جان‌هایشان و اموالشان را خریداری کرده، به (بهای) این که بهشت برای آنان باشد؛ (چراکه) در راه خدا پیکار می‌کنند، و می‌کشند و کشته می‌شوند؛ [این وعده‌ی حقّی است، که در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست؛ و چه کسی به عهدش، از خدا وفادارتر است؟! پس به خاطر معامله‌تان، که با او معامله کردید، شادمان باشید؛ و تنها این کامیابی بزرگ است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یک تشبیه زیباست و حال مجاهدان و پاداش آنان را با یک مثال تجارت بیان کرده «۱» است؛ به این بیان که در هر معامله یا تجارتی پنج رکن اساسی وجود دارد که عبارت‌اند از: - خریدار، که خدا خریدار جان و مال مؤمنان معرفی شده است. - فروشنده، که مؤمنان مجاهد هستند. -

کالای مورد معامله، جان‌ها و اموال مؤمنان است. - بهای کالا، بهشتی است که خدا بهای آن را بهایی است که خدا می‌پردازد. خرّم آن روز که جان می‌رود انـدر طلبت تا بیاینـد عزیزان به مبارك بادم (سـعدی) - سـند معامله که در این‌جا تورات، انجیل و قرآن به عنوان سه سند محکم این معامله معرفی شده‌اند. ۲. در این معامله، افزون بر ارائه سـندهای محکم، اشاره شده که خود خریدار، یعنی خدا، وفادارترین شـخص نسبت به عهد خویش می‌باشد که از ارائه هر سندی مهم‌تر است. ۳. خدا وفادارترین شخص در وعده‌های خـود اسـت؛ زیرا هـم قـدرت پرداخت دارد و هم نیـازی نـدارد تـا بهـای دیگران را نـپردازد، و هم کـاری بر خلاـف حکمت انجـام نمی‌دهـد؛ بنابراین، هر چنـد بهای این معامله بهشت است، خطرهای تجارت نسیه را ندارد. ۴. در پایان معامله، به خریـدار تبریك و مژده می‌دهنـد که معامله پر سودی کرده و به کامیابی و رسـتگاری رسـیده است. قالب مجروح اگر در خاك و خون غلطد چه باك روح پاك انـدر جوار لطف ربّ العالمین (سـعدی) ۵. آیه‌ی فوق نشـان دهنـده‌ی اوج لطف الهی به انسـان است؛ زیرا خـدا با آن‌که مالك همه جهان است و کسـی بر او حقی نـدارد، مواهبی را که خود به بنـدگان بخشـیده، از آنان می‌خرد و بهایی صـد چنـدان در برابر آن‌هـا بر عهـده می‌گیرد و می‌پردازد و جهـادی را که موجب سـربلندی و پیروزی ملت‌هـاست، به عنوان کالای معامله از انسان می‌خرد. ۶. در حدیثی آمده است: هنگام نزول آیه‌ی فوق پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد بود و حضرت آیه را تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۱ با صدای بلند خواند و مردم تکبیر گفتند. مردی از انصار پرسـید: آیا این آیه بود که فرود آمد؟ حضرت پاسخ داد: آری، و آن مرد گفت: چه معـامله پر سودی! نه این معـامله را پس می‌دهیم و نه اگر از مـا پس خواسـتند، می‌پـذیریم! «۱» نوحه لایق نیست بر خاك شـهیدان زآن‌که هست کم‌ترین دولت ایشان را بهشت برترین (سعدی) ۷. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمـده است: برای بدن‌های شـما بهایی جز بهشت نیست، پس خود را به کم‌تر از آن نفروشـید. «۲» ۸. از این آیه اسـتفاده می‌شود که ارزش مجاهدان و جهاد، مخصوص تعالیم اسـلام نیست، بلکه در یهودیان و مسیحیان نیز مطرح بوده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا خریدار شـماست؛ پس خود را به دیگران نفروشـید و با او معامله کنید که معامله با خدا پر سود و پرداخت آن یقینی است. ۲. هدف جهاد اسلامی کمك به راه خداست. ۳. بهشت، پاداش مجاهدان است چه شـهید شوند و یا زنده بمانند و دشمن را نابود کنند. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوازدهم سوره‌ی توبه، ویژگی‌های مؤمنان مجاهد را برمی‌شـمارد و می‌فرمایـد: ۱۱۲. التَّائِبُونَ الْعَابِـدُونَ الْحَامِـدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِـدُونَ الآمِرُونَ بِـالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُـدُودِ اللّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ (آن مؤمنان)، توبه کنندگان، پرسـتش کنندگان، سـتایش کنندگان، روزه‌داران، رکوع کنندگان، سـجده کننـدگان، فرمان دهنـدگان به [کار] پسـندیده، و منع کننـدگان از [کار] ناپسـند، و پاسداران مرزهای خدایند؛ و مؤمنان را مژده ده! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «سـائِحُون» در اصل به معنای سـیاحت، اسـتمرار و جریان است و مفسـران در مورد مقصود این آیه چند احتمال داده‌انـد: - منظور رفت و آمـد در کانون‌های عبادت و مساجـد است؛ همان‌گونه که در حدیثی از پیامبر صـلی الله علیه و آله آمـده اسـت: سـیاحت امـت من در مساجـد است. «۱» - مقصـود روزه‌داری اسـت؛ زیرا روزه یـك کـار مسـتمر سراسـر روز اسـت؛ همان‌گونه که از پیامبر صـلی الله علیه و آله روایت شـده است: سائِحان روزه‌دارانـد. «۲» - مقصود از سـیاحت، گردشگری و جهان گردی است. - منظور از سـیاحت، حرکت به سوی جهاد و میدان مبارزه است؛ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۳ همان‌گونه که در حـدیثی از پیامبر صـلی الله علیه و آله آمده است: سـیاحت امت من جهاد در راه خداست. «۱» - مقصود از سـیاحت، سیر عقلی و فکری در مسائـل جهـان هستی است. البته معنـای اول با سـیاق آیه سازگارتر است، ولی مانعی نـدارد که همه‌ی این معانی در آیه‌ی فوق اراده شـده باشد. ۲. در میان نُه صـفت که برای مؤمنان مجاهـد در این آیه شـمرده شـد، شـش صـفت اول به جنبه خودسازی و تربیتی افراد مربوط است، و صـفت هفتم و هشـتم (امر به معروف و نهی از منکر) به وظـایف اجتمـاعی و پاك‌سـازی محیـط جـامعه ارتباط دارد. وقت سخن مترس و بگو آنچه گفتنی است شمشیر روز معرکه زشت است در نیام صفت نهم (حفاظت از حدود الهی و اجرای قوانین) به مسئولیت‌های همگانی در مورد تشکیل حکومت صالح و شرکت فعّال در مسائل مثبت سیاسی مربوط می‌باشد. ۳.

همه‌ی صفات فوق به صورت اسم فاعل آمده است تا بر ثبات دلالت داشته باشد؛ یعنی رسوخ و ثبات این کمالات در انسان مطلوب است. ۴. بشارت مطرح شده که در این آیه به صورت مطلق آمده است و مفهوم وسیعی دارد که شامل هر نوع خیر و سعادتی می‌شود. ۵. براساس برخی احادیث، مقصود از کسانی که صفاتشان در آیه‌ی فوق شمرده شده، اهل بیت علیهم السلام هستند. «۲» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق کامل این آیه را بیان می‌کند، ولی مفهوم آیه به آنان محدود نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان مجاهدی اهل بهشتند که خود را با عبادت بسازند و در برابر مسئولیت‌های اجتماعی نیز از خود واکنش نشان دهند. ۲. در کنار جامعه‌سازی به خودسازی اقدام کنید که هر دو مطلوب اسلام است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سیزدهم به ناشایسته بودن طلب آمرزش برای مشرکان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۳. مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَن يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُوْلِي قُرْبَى مِن بَعْدِ مَاتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ برای پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، شایسته نیست که برای مشرکان- پس از آن که برایشان روشن گردید که آنان اهل دوزخند- طلب آمرزش کنند؛ و گرچه نزدیکان (شان) باشند. شأن نزول: داستان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شده است که گروهی از مسلمانان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرض کردند: آیا برای پدران ما که در عصر جاهلیت از دنیا رفتند، آمرزش می‌طلبی؟ این آیه فرود آمد و به همگان هشدار داد که هیچ کس حق ندارد برای مشرکان طلب آمرزش و استغفار کند «۱»، «۲». تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. استغفار برای مشرکان ممنوع است؛ از سویی طلب آمرزش نوعی اظهار محبت و پیوند با مشرکان است که قرآن کریم بارها آن را ممنوع کرده است، «۱» و از سوی دیگر، این کاری بیهوده است؛ زیرا مشرکان قابلیت آمرزش ندارند. ۲. این آیه اشاره دارد که در نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پیروان او، عقاید و مکتب زیر بناست و در مواقع تعارض این زیر بنای اساسی با پیوند خویشاوندی و پیوندهای مشابه، آن را مقدم می‌دارند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل، پیوند مکتبی است و پیوندهای خویشاوندی تحت شعاع آن قرار گیرد. ۲. برای مشرکان طلب آمرزش نکنید که کاری بیهوده است و آنان اهل جهنّم می‌باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی توبه با اشاره به طلب آمرزش ابراهیم برای آزر و سبب آن اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۱۴. وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لأَبِيهِ إِلَّا عَن مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرِ (مادرش یا عموی) ش نبود، جز به خاطر وعده‌ای که آن را به او وعده داده بود؛ و [لی هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، نسبت به او، وعده (اش) را کنار گذاشت؛ قطعاً ابراهیم بسیار غمخوار (و) بردبار بود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سوره‌ی توبه در اواخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی در سال نهم هجری فرود آمده و آیه‌ی فوق جزو این سوره است؛ از سوی دیگر، مسلمانان در آیاتی دیگر مانند آیه‌ی ۴۷ سوره‌ی مریم «۱»، آیه‌ی ۸۶ سوره‌ی شعراء «۲» و آیه‌ی ۴ سوره‌ی ممتحنه «۳» خوانده بودند که ابراهیم علیه السلام برای آزر استغفار کرد، در حالی که آزر یک مشرک بود؛ از این رو، این پرسش در ذهن‌ها جای می‌گرفت که اگر طلب آمرزش برای مشرکان جایز نیست، چرا ابراهیم برای آزر استغفار کرد؟ آیه‌ی فوق در پاسخ به این پرسش، توجه داد که وضع پدران مرده شما با تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۷ آزر متفاوت است. ۲. از آیات فوق استفاده می‌شود که ابراهیم علیه السلام انتظار داشت به وسیله وعده‌ی استغفار به آزر، او را به سوی ایمان و توحید جذب کند و در حقیقت استغفار او آن بود که «خدایا گناهان گذشته او را ببخش و او را هدایت‌نما.» اما هنگامی که آزر با حالت شرک از دنیا رفت، دیگر ابراهیم برای او استغفار نکرد «۱». ۳. از آیه‌ی فوق براساس این تفسیر استفاده می‌شود که مسلمانان می‌توانند برای دوستان و بستگان مشرکشان تا هنگامی که در حیات هستند، آمرزش بطلبند و برای هدایتشان دعا کنند، ولی پس از مرگ کفرآلود آنان، دیگر جای استغفار باقی نمی‌ماند و از این رو بود که در آیه‌ی قبل به مسلمانانی که برای نیاکان خود تقاضای استغفار داشتند، پاسخ منفی داد و آن را ممنوع اعلام کرد. ۴. «آزر» که در قرآن به عنوان پدر ابراهیم از او یاد شده، در حقیقت پدر مادر او یا عمویش بوده است، ولی در فرهنگ عرب گاهی پدر مادر و عمو، پدر نیز گفته می‌شود. بررسی این مطلب ذیل آیه‌ی ۷۴

سوره‌ی انعام آمده است. ۵. واژه‌ی «اوّاه» در اصل به معنای «ناراحتی» است، و نیز به معنای کسی به کار می‌رود که بسیار دعا می‌کند و کسی که خاشع باشد، و به معنای مهربان، توبه‌کار و بایقین نیز آمده است «۲». آری، ابراهیم علیه السلام فردی دعا کننده، فروتن، مهربان، با یقین و بردبار بود. ۶. از آیه‌ی فوق استفاده می‌شود که پیامبران الهی در مورد کافران نیز وفای به عهد می‌کردند و این درسی بزرگ برای همه مؤمنان است. ۷. از این آیه استفاده می‌شود که هرگاه مطلب حقی سبب بدگمانی تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۸ نسبت به برخی کارهای اولیای الهی شود، لازم است با توضیح و توجیه صحیح بدگمانی برطرف گردد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبران الهی پیوند مکتبی را بر پیوند خویشاوندی مقدم می‌دارند. ۲. با توضیحات مناسب، بدگمانی‌ها را از پیامبران برطرف کنید. ۳. به وعده خویش وفا کنید، اگر چه به مشرکان وعده داده باشید. ۴. هرگاه دشمنی کسی با خدا آشکار شد، از او بیزاری بجویید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پانزدهم سوره‌ی توبه، مجازات قبل از آگاهی‌بخشی را نفی کرده و می‌فرماید: ۱۱۵. وَمَا كَانَ اللّهُ لِيُضِلَّ قَوْماً بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّى يُبَيِّنَ لَهُم مَايَتَّقُونَ إِنَّ اللّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ و خدا هرگز گروهی را بعد از آن که آنان را راه‌نمایی کرد، گمراه (و مجازات) نمی‌کند؛ تا آنچه را (باید از آن) خودنگه‌داری کنند، برایشان روشن بیان کند؛ [چرا] که خدا به هر چیزی داناست. شأن نزول: داستان نزول این آیه دو گونه حکایت شده است: یکی آن‌که آیه در مورد گروهی از مسلمانان است که قبل از فرود آمدن واجبات، از دنیا رفتند و جمعی پنداشتند که شاید گرفتار مجازات الهی شوند، آیه‌ی فوق فرود آمد و این مطلب را نفی کرد، «۱» و دیگر آن که گروهی از مسلمانان قبل از نزول آیات سابق، برای مشرکان استغفار می‌کردند و اینک نگران اعمال گذشته خود بودند، آیه فرود آمد و به آنان اطمینان داد که به خاطر اعمال گذشته‌ای که تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۲۹ ناآگاهانه انجام داده‌اند، مجازات نخواهند شد «۱». البته ممکن است هر دو شأن نزول صحیح باشد؛ زیرا قابل جمع است؛ یعنی آیه به دو مناسبت مقارن فرود آمده باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق اشاره لطیفی به این حقیقت است که همواره گناهان، سرچشمه گمراهی بیش‌تر و دور ماندن از مسیر هدایت است. آری، اگر کسی خلاف تقوا عمل کرد، خدا او را رها می‌کند و سرگردان، گمراه و به مجازات الهی گرفتار می‌شود. «۲» ۲. این آیه به قانونی اشاره دارد که عقل انسان آن را تأیید می‌کند؛ یعنی تا وقتی قانون‌گذار حکمی را بیان نکرده، نباید کسی را به خاطر آن مجازات کند؛ به عبارت دیگر، مسئولیت و تکلیف پس از بیان قانون است که از این مطلب با عنوان قاعده «قُبح عقاب بلا بیان» و اصل «برائت» یاد می‌شود؛ یعنی تا هنگامی که دلیلی بر وجوب یا حرمت چیزی نداشته باشیم، مسئولیتی در برابر آن نداریم و برای ما مجاز است «۳». ۳. در تفسیر این آیه، از امام صادق علیه السلام آمده است: [خدا کسی را مجازات نمی‌کند] تا زمانی که به او بفهماند و معرفی کند که چه چیزهایی موجب خشنودی و چه چیزهایی موجب خشم او است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳۰ برخی مفسران این حدیث و تعبیرات آیه را شاهد آن گرفته‌اند که این آیه شامل بیان مستقلات عقلیه (مانند خوبی عدالت و زشتی ظلم) نمی‌شود؛ زیرا این‌ها موضوع‌های مبهمی نیست تا نیاز به بیان داشته باشد. ۴. در آیه به علم بی‌پایان الهی اشاره شده است؛ یعنی این مطلب از علم الهی سرچشمه گرفته و علم الهی اقتضا دارد تا چیزی را برای مردم بیان نکرده، کسی را در برابر آن مسئول نداند و مؤاخذه نکند. ۵. هدایت و گمراهی انسان از سوی خدا به معنای جبر نیست، بلکه او مطالب را بیان و مقدمات گمراهی و هدایت را برای انسان فراهم می‌نماید و عوامل خودنگه‌داری و پارسایی را بیان کرده و اتمام حجّت می‌کند و این خود انسان است که تصمیم می‌گیرد کدام راه را انتخاب کند، ولی از آن‌جا که این مقدمات از خداست، هدایت و گمراهی به او نسبت داده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مجازات، پس از بیان و روشنگری و اتمام حجّت است. ۲. خلاف پارسایی و تقوا عمل نکنید که رها، سرگردان و مجازات می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شانزدهم سوره‌ی توبه با اشاره، به قدرت و حکومت الهی و ولایت منحصر به فرد او می‌فرماید: ۱۱۶. إِنَّ اللّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُم مِن دُونِ اللّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَانَصِيرٍ براستی که خدا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط برای اوست؛ زنده می‌کند و می‌میراند؛ و جز خدا، هیچ سرپرست و یاوری برای شما نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد هشتم،

ص: ۳۳۱ ۱. براساس آیه‌ی فوق با توجه به این‌که همه قـدرت‌ها در جهان هستی از آن خداست، شـما نباید بر غیر او تکیه کنید و با بیگانگان پیونـد دوستی برقرار سازیـد و آنان را پناه‌گاه خود قرار دهید «۱». ۲. مقصود از این‌که سـرپرست و یاوری غیر خدا نیست، آن است که بر غیر او به طور مسـتقل تکیه نکنید و منظور آن نیست که از اسـباب طبیعی جهان برای رسـیدن به اهداف خود استفاده ننمایید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. زندگی، مرگ و همه چیز جهان به دست خداست. ۲. هیچ تکیه‌گاهی غیر از خدا ندارید (پس فقط از او یاری بجویید). ***

ماجرای متخلفان از جنگ تبوک

قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفدهم سوره‌ی توبه با اشاره، به فداکاری پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در جنگ تبوک و رحمت الهی بر آنان می‌فرمایـد: ۱۱۷. لَقَـد تَابَ اللّهُ عَلَی النَّبِیِّ وَالْمُهَاجِرِینَ وَالْأَنْصارِ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُ فِی سَاعَـهِٔ الْعُسْرَهِٔ مِن بَعْـدِمَا کَادَ یَزِیغُ قُلُوبُ فَرِیقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَـابَ عَلَیْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ رَحِیمٌ مسلّماً خـدا [با رحمت خویش بر پیامبر و مهاجران و انصار بازگشت، که در هنگامه سختی (در جنـگ تبوک) از او پیروی کردنـد؛ بعـد از آن که نزدیـک بود دل‌هـای دسـته‌ای از آنان، (از حق) منحرف شود؛ سپس [خدا] توبه‌ی آنان را پذیرفت؛ [چرا] که او [نسبت به آنان مهربانی مهرورز است. تفسـیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۳۳۲ شأن نزول: به گفته‌ی مفسـران، این آیه دربـاره جنگ تبوک نازل شـده است که مسـلمانان در آن جنگ با مشـکلات زیادی روبه‌رو بودنـد؛ به گونه‌ای که گروهی از آنان متزلزل شدنـد و تصـمیم گرفتنـد بازگردنـد ولی با لطف و توفیق الهی پا بر جا ماندنـد. هم‌چنین این آیه دربـاره‌ی «أبو حیثَمه» فرود آمـده که بر اثر سـستی به جنـگ تبوک نرفت و در سایه درختی در کنار همسـران و آب خنک و غـذای نیکویی آسوده بود که ناگهان بیاد پیامبر صـلی الله علیه و آله در بیابان‌های سوزان افتاد و به حرکت در آمـد و بدون آن‌که با کسـی سخنی بگوید، به سـرعت رفت تا در تبوک به سپاه اسلام ملحق شد و پیامبر صلی الله علیه و آله به او خوش آمد گفت و برای او دعا کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از توبه خـدا بر پیامبر صـلی الله علیه و آله بازگشت خـدا با رحمت خود و توجه او به بندگان است؛ پس لازمه این سخن، گناه‌کار بودن پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه ایشان معصوم بود و گناهی مرتکب نمی‌شد. ۲. در این آیه انحراف و تخلف تنهـا به گروهی از مؤمنـان نسبت داده شـده است؛ امـا توبه الهی شامل همه است، و این نشان می‌دهـد که توبه در این‌جـا به معنـای پـذیرش عـذر از گنـاه نیست، بلکه همان رحمت خاص الهی است که به یاری پیامبر صـلی الله علیه و آله و مهـاجران و انصار آمـد و آنان را در امر جهاد ثابت قـدم ساخت. ۳. در این آیه، جنگ تبوک «سَاعَهِٔ الْعُسْرَهِٔ» «۲» نامیده شده است؛ زیرا مشـکلات زیاد اقتصادی، مسیر طولانی مدینه تا تبوک، بادهای سوزان تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳۳ بیابان‌ها، نداشتن مرکب کافی، فصل گرما و خشک‌سالی، دشـمن قوی هم‌چون امپراطوری روم شـرقی و کمبود مواد غذایی، رزمندگان اسـلام را در فشار قرار داده بود و از این رو، سپاه اسلام در این جنگ «جیش العُسرَهْ» نامیده شد، ولی با این همه مسلمانان به سوی دشمن حرکت کردند و درسـی بزرگ به همه جهانیان و نسل‌ها دادند. ۵. واژه‌ی «زَیْغ» به معنـای تمایل و انحراف از حق به سوی باطل است؛ یعنی در میـان مسـلمانان افراد سـست عنصـری بودنـد که فکر بـازگشت را در سـر می‌پروراندنـد، ولی لطف خـدا و روحیه عـالی اکثریت مجاهـدان، آنان را از این فکر منصـرف ساخت. ۶. جنگ تبوک برای مسـلمانان چنـد دسـتاورد مهم در برداشت: الف) روحیه قوی رزمندگان اسـلام به اثبات رسـید و آشـکار شد که آنان از رویارویی با نیرومندترین ارتش زمان نیز بیمی ندارند. ب) سپاهیان چهل هزار نفری رومیان عقب‌نشـینی کردند و با سپاه سـی‌هزار نفری مسـلمانان (که ساز و برگ کافی نداشتند) مقابله نکردند و مسلمانان نیز پس از مشورت و در اثر خسـتگی، بازگشـتند و به روم حمله نکردنـد، اما همین پیمودن راه مـدینه تا تبوک، مقـدمه‌ی لازم برای فتح شام در زمان‌های بعد را فراهم کرد. ج) بسـیاری از قبایل و امرای اطراف تبوک به خدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله آمدند و با او پیمان عدم تعرّض امضا کردند و فکر مسلمانان از جانب آنان آسوده شد. د) امواج اسلام به داخل مرزهای امپراطوری روم نفوذ و

توجه همگـان را به خود جلب کرد. ۷. در جنگ تبوک، پیامبر صـلی الله علیه و آله به امام علی علیه السـلام دستور داد که در مدینه بماند و این تنها جنگی بود که علی علیه السـلام در آن حضور نداشت؛ البته این اقدام پیامبر صـلی الله علیه و آله بدین جهت بود که سپاهیان اسـلام برای مدت طولانی از مدینه دور می‌شدند و امکان داشت برخی منافقان که در مدینه مانده بودند، با تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳۴ همکاری مشرکان به مدینه حمله کنند و زنان و کودکان را بکشند، ولی وجود حضرت علی علیه السلام سدّی نیرومند در برابر توطئه آنان بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا، پیامبر و رزمندگان را در صحنه‌های خطرناک مورد لطف خاص خویش قرار می‌دهـد. ۲. یـاران واقعیِ رهبر کسـانی هسـتند که در شـرایط دشـوار از او پیروی کننـد. ۳. اگر دل‌هـای شـما به سـوی انحراف نزدیـک شـد، بی‌درنـگ به خود آییـد و توبه کنیـد تا لطف خـدا شامل حال شـما شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و هیجـدهم سوره‌ی توبه بـا اشـاره به محاصـره اجتمـاعی متخلفان جنگ تبوک و توبه آنان می‌فرمایـد: ۱۱۸. وَعَلَی الثَّلَاثَةِ الَّذِینَ خُلِّفُوا حَتَّی إِذَا ضَاقَتْ عَلَیْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَیْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَامَلْجَأَ مِنَ اللّهِ إِلَّا إِلَیْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَیْهِمْ لِیَتُوبُوا إِنَّ اللّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ و (نیز) بر آن سه [نفر] که (از شـرکت در جنگ تبوک) وا مانـده بودند، تا آنگاه که زمین با همه پهناوری بر آنان تنگ شد، و آنان از خودشان به تنگ آمدنـد، و دانسـتند که هیـچ پناهگاهی از (عـذاب) خدا جز به سوی او نیست؛ سـپس خدا (با رحمتش) به سوی آنان بازگشت، تا توبه کننـد؛ [چرا] که خـدا بسـیار توبه‌پذیر [و] مهرورز است. شأن نزول: داسـتان نزول آیه‌ی فوق این‌گونه حکایت شـده است که سه نفر به نام‌هـای «کَعْب بن مالک» و «مَرارهٔ بن ربیع» و «هِلال بن امیّه» به خاطر سـستی، همراه پیامبر صـلی الله علیه و آله به جنگ تبوک نرفتند، و هنگام بازگشت پیامبر صـلی الله علیه و آله عذرخواهی تفسیر قرآن مهر جلد هشـتم، ص: ۳۳۵ کردند، ولی پیامبر پاسـخ آنان را نـداد و دسـتور داد دیگران نیز با آنان سـخن نگوینـد و حتی زنان آن‌ها نیز کناره گرفتند و فضای دنیا برای آنان تنگ شـد و به کوه‌های اطراف مـدینه پناه بردنـد؛ سـپس از یک‌دیگر نیز جدا شدند و به زاری و توبه روی آوردند و سـرانجام پس از پنجاه روز توبه آنان پـذیرفته شـد و آیه‌ی فوق در این باره فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «خُلِّفُوا» به معنای «پشت سر گذاشـته شـده» است. این تعبیر اشاره می‌کنـد که وقتی این افراد سـستی می‌کردند، مسـلمانان به آنان بی‌اعتنایی کرده، و به سوی جهاد پیش می‌رفتنـد، و یا اشاره می‌کنـد که پیامبر صـلی الله علیه و آله عـذر آنان را نپـذیرفت و قبول توبه آنان به عقب افتاد. ۲. این آیه و عمل پیامبر صـلی الله علیه و آله در مورد آن سه نفر، یک روش آموزنده برای مبارزه با گناه‌کاران را به نمایش گذاشته است؛ یعنی برای مجـازات مجرمـان می‌توان از راه محاصـره اجتمـاعی و قطع رابطه بـا آنان، دنیا را بر آن‌ها تنگ کرد و آنان را تحت فشار قرار داد و ایـن مجـازات از هر نـوع زنـدانی برای آنـان سـخت‌تر اسـت. ایـن چنین کیفری نه هزینه‌ای در بردارد و نه مـوجب تنبلی و بـدآموزی افراد می‌شود. این مجـازات نوعی اعتصـاب و مبـارزه منفی جامعه در برابر افراد فاسـد است که می‌توانـد جامعه را از افراد آلوده پاک‌سازی کند. ۳. از این آیه استفاده می‌شود که ناامیدی از مردم، زمینه‌ساز توجه به خدا و توبه است. ۴. این آیه اشاره دارد که هر تـوبه انسـان بـا دو تـوبه خـدا همراه است؛ یعنی نخست خـدا بـا رحمت خویش به سوی بنـده بـاز می‌گردد و به او توفیق توبه می‌دهد، سپس بنده توفیق توبه می‌یابد، آن‌گاه خدا توبه او را می‌پذیرد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تحریم و مبـارزه منفی با خلاف‌کاران یکی از شـیوه‌های تربیتی اسـلام است. ۲. توفیق توبه در سـایه لطف و عنـایت الهی است. ۳. با بی‌اعتنایان به جهاد، بی‌اعتنایی کنید و آنان را وانهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و نوزدهم سوره‌ی توبه، مؤمنان را به پارسایی و همراهی با راست‌گویان امت فرا می‌خوانـد و می‌فرماید: ۱۱۹. یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَکُونُوا مَعَ الصَّادِقِینَ ای کسانی که ایمان آورده‌ایـد! [خودتان را] از [عـذاب خدا حفظ کنید؛ و با راست‌گویان باشـید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات متعـددی از قرآن کریم ویژگی‌هـای «صادقـان» بیـان شـده است. آنان افرادی راست‌گو و راست‌کردار هسـتند که تعهـدات خود در برابر ایمان به خـدا را به انجام می‌رساننـد و تردیـدی به خود راه نمی‌دهنـد و از انبوه مشـکلات نمی‌هراسـند و با ثبات قـدم به فداکاری می‌پردازند «۱». ۲. از برخی احادیث که از پیامبر صـلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السـلام روایت شـده است، اسـتفاده می‌شود که هر چند مفهوم آیه

عـام است و همه صادقـان امت را شامـل می‌شود، در این آیه مقصود مصـداق کامـل راست‌گویـان راست‌کردار، یعنی امام علی علیه السـلام و سایر ائمه علیهم السـلام مرادند. در حدیثی آمده است که پس از نزول آیه، سـلمان از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا منظور آیه عام است یا خاص؟ حضـرت پاسخ داد: «همه مؤمنان به انجام دسـتور آیه مأمورند، ولی عنوان «صادقین» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳۷ مخصوص برادرم علی علیه السـلام و اوصـیای بعد از او تا روز رستاخیز است.» «۱» در برخی احادیث نیز آمده که امام علی علیه السلام به این مطلب استناد می‌کرد. و حتی از طریق اهل سنت نیز روایت شده که مقصود آیه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت او می‌باشند. «۲» ۳. در این آیه دو شاهـد بر خاص بودن آن وجود دارد: نخست آن‌که واژه «مَعَ» به جای «مِن» اسـتفاده شـده اسـت؛ یعنی اگر مقصـود از صـادقین همـه راست‌گویـان امت بودنـد، می‌فرمـود: «شـما هم از راست‌گویـان باشـید.» و نمی‌فرمود: «شـما با راست‌گویان باشید.» و دیگر این‌که چون به صورت مطلق به همراهی با صادقین و پیروی از آنان دستور می‌دهد، می‌توان دریافت که صادقین معصوم هسـتند «۳» و در هر زمانی باید معصومی وجود داشـته باشد. ۴. واژه‌ی «صادقین» جمع است، و مقصود معصومان اهل بیت علیهم السلام در طول اعصار هستند که در هر زمان وجود دارند و مردم باید همراه و پیرو آنان باشند. ۵. مقصود از همراهی با صادقان این نیست که انسان فقط همنشین آنان باشد، بلکه منظور همگامی با آنان و پیروی از آنان است. ۶. از این‌که تقـوا، پارسـایی و حفـظ خـود از عـذاب الهی را بـا همراهی صادقـان آورده است، اسـتفاده می‌شود که این دو در هم‌دیگر اثر دارند؛ یعنی اگر انسان تفسـیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۳۸ بخواهـد واقعاً خود را حفظ کند، لازم است با معصومان همراه شود و هر کس به واقع با معصوم هم‌گام شود، باتقوا و محفوظ می‌مانـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با صادقان و راست‌کرداران و رهبران معصوم همگام شویـد و از آنان جـدا نگردید. ۲. ایمـان بـدون تقوا و رهبران صـادق، کافی نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و بیسـتم سوره‌ی توبه، به پاداش‌های سـختی‌ها و مشـکلات مجاهدان اشاره کرده و با هشدار به مسلمانان می‌فرماید: ۱۲۰. مَاكَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُم مِنَ الأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَسُولِ اللّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَن نَفْسِهِ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ لَايُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَانَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِى سَبِيلِ اللّهِ وَلَايَطَأُونَ مَوْطِئاً يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَايَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لَايُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ بر ساکنان مدینه و کسانی از عرب‌های صحرانشین که اطراف آنان هستند سزاوار نیست، که از فرستاده خدا تخلّف ورزند، و به خاطر (حفظ) جان‌هایشان، از جان او روی برتابند؛ این به خاطر آن است که آنان هیچ تشـنگی و رنج، و گرسـنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و بر هیچ قدمگاهی که کافران را به خشم آورد، گام نمی‌نهند، و به هیچ هدفی (از ضـربه و قتل) از دشـمن نمی‌رسـند، مگر این که به خـاطر آن، کار شایسـته‌ای برای آنان نوشـته می‌شود؛ [چرا] که خـدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه بر حفظ جان پیامبر صـلی الله علیه و آله تأکید و از آن به عنوان یک وظیفه همگانی مسلمانان یاد شده است؛ زیرا رهبر رمز بقا و حیـات یک ملت است و تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۳۳۹ تنهـا گـذاردن او و آیین اسـلام و موجـودیت مسـلمانان را به خطر می‌اندازد. ۲. در آیه به مسـلمانان مـدینه و اطراف آن دسـتور داده از پیامبر و جان او محافظت کننـد و این، بدین جهت است که در آن عصـر مـدینه کانون اسـلام بوده است، ولی بـدان معنا نیست که این حکم مخصوص مردم مـدینه و اطراف آن است، بلکه وظیفه اطاعت از رهبری و حفاظت از جان او برای همه مسـلمانان و در همه عصـرها برقرار است. ۳. در این آیه به هفت مورد از مشـکلات مسـلمانان در جنگ‌ها اشاره شده، ولی این موارد برخی مصادیق آن‌هاست و در حقیقت، تمام سـختی‌های جهاد پاداش دارد. ۴. این آیه اصول جنگی ذیـل را به مسـلمانان آموزش می‌دهـد: الف) از دسـتور رهبری تخلّف نورزیـد. ب) از جان رهبر به خوبی حفاظت کنیـد. ج) در برابر سـختی‌ها مقـاومت نماییـد. د) دشـمنان کـافر را با عملیات خود به خشم آوریـد. ه) هر گونه سـختی که در جهاد تحمّل کنید، «۱» ثواب کار شایسـته‌ای برای شما نوشته می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر نوع سختی و ناراحتی را در راه جهاد تحمّل کنید که به عنوان اعمال صالح شـما ضـبط می‌شود. ۲. رزمنـدگان اسـلام، نیکوکاران واقعی هسـتند و خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۰ ۳. حفظ جان رهبر اسلام را بر جان خود مقدم دارید. ۴. کاری کنید که کافران به

خشم آینـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و یکم سوره‌ی توبه به پاداش‌های دیگر مجاهدان اشاره کرده و می‌فرماید: ۱۲۱. وَلَایُنفِقُونَ نَفَقَةً صَغِیرَةً وَلَا کَبِیرَةً وَلَایَقْطَعُونَ وَادِیاً إِلَّا کُتِبَ لَهُمْ لِیَجْزِیَهُمُ اللّهُ أَحْسَنَ مَاکَانُوا یَعْمَلُونَ و هیچ هزینه کوچک یا بزرگی را در راه خـدا مصـرف نمی‌کننـد، و هیچ درّه‌ای (و سـرزمینی) را نمی‌پیمایند، مگر این که برای آنان نوشـته می‌شود؛ تا خدا آنان را به [عنوان بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «أحسَن» در این آیه یا صفت افعال مجاهدان است که براساس آن، معنا این گونه می‌شود: «خدا این اعمال را به عنوان بهترین اعمالی که مجاهدان انجام داده‌اند، پاداش می‌دهد.» و یـا صـفت پـاداش مجاهـدان است که در این صورت آیه این‌گونه معنـا می‌شود: «خـدا آن‌ها را بهتر از آنچه انجام داده‌انـد، پاداش می‌دهد.» ۲. این آیه اشاره دارد که کار جبهه‌ها و رزمنـدگان نزد خدا به طور دقیق حساب شده و ثبت است و همه کمک‌های مالی کوچک و بزرگ و هر گام رزمندگان نوشته می‌شود، تا مورد محاسبه و پاداش قرار گیرد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا هرگونه کمک مالی به جبهه‌ها و هر گام مثبت را پاداش می‌دهد. ۲. اعمال مجاهدان را ثبت کنید و پاداش دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۱

گروهی برای جنگ و گروهی برای علم

قرآن کریم در آیه‌ی صـد و بیست و دوم سوره‌ی توبه، به جهـاد علمی مسـلمانان اشـاره کرده و می‌فرمایـد: ۱۲۲. وَمَا کَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْلَـا نَفَرَ مِن کُـلِّ فِرْقَـةٍ مِنْهُمْ طَائِفَـةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الـدِّینِ وَلِیُنـذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْـذَرُونَ و هرگز مؤمنان همگی بسیج نمی‌شوند؛ پس چرا از هر گروهی از آنان، دسته‌ای بسیج نمی‌شوند (و کوچ نمی‌کنند)، تا در دین، فهم عمیق نمایند؛ و تا قومشان را به هنگامی که به سوی آنان باز می‌گردند، هشدار دهند؟! تا شاید (از مخالفت خدا) بیمناک شوند. شأن نزول: داسـتان نزول این آیه سه گونه حکایت شـده است: نخست آن‌که آیه در مورد عرب‌های صحرانشین است که همگی برای فراگیری معارف اسـلامی به سوی مـدینه حرکت کردند و سـبب مشـکلات اقتصادی مردم شدند. آیه فرود آمد و به آنان دسـتور داد که همگی دیار خود را ترک نکننـد و اگر گروهی برای کسب معارف اسـلامی بیاینـد و در بازگشت برای مردم خود بازگو کننـد، کافی است «۱». دوم آن‌که آیه در مورد حرکت به سوی جهاد است؛ زیرا پس از سرزنش متخلّفان جنگ تبوک، همه مسلمانان مکلّف، در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و گاهی پیامبر صـلی الله علیه و آله در مدینه تنها می‌ماند، این آیه فرود آمد و دسـتور داد گروهی در مدینه بمانند و معارف را از پیامبر صلی الله علیه و آله بیاموزند و هنگامی که مجاهدان از جنگ بازگشتند، برایشان بیان کنند «۲». سوم آن‌که آیه در مورد گروهی از یاران پیامبر صـلی الله علیه و آله است که برای تبلیغ تفسیر قرآن مهر جلـد هشـتم، ص: ۳۴۲ اسلام به میان قبایل صحرانشـین رفتند و مورد اسـتقبال قرار گرفتند؛ اما برخی بر آنان خرده گرفتند که چرا پیامبر را رها کرده و به این‌جا آمده‌اید؟! آنان نـاراحت شدنـد و خـدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله بازگشـتند؛ این آیه فرود آمـد و برنامه تبلیغی آنان را تأییـد کرد «۱». نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بـا توجه به شـأن نزول‌هـایی که بیـان گردیـد، سه گونه تفسـیر می‌شود: نخست آن‌که مسـلمانان به عنوان واجب کفایی وظیفه دارنـد که از هر جمعیتی، عـدّه‌ای برخیزنـد و برای فراگیری معارف اسـلامی به مراکز بزرگ اسـلامی برونـد و پس از یادگیری علوم، به شـهر و دیار خود بازگردنـد و به تعلیم دیگران بپردازند. «۲» دوم آن‌که در هنگام جهاد، گروهی به جبهه برونـد و گروهی دیگر بماننـد و پس از بازگشت مجاهدان، معارف را به آنان بیاموزند «۳». سوم آن‌که گروهی از مسلمانان به عنوان واجب کفـایی به جبهه برونـد و در صـحنه جهـاد بـا تعالیم اسـلامی آشـنا شونـد و آثار عظمت و حقانیت اسـلام را با چشم ببیننـد و بعـد از بازگشت، برای دوستان خود بازگو نمایند. «۴» در مجموع تفسـیر اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد، ولی تفسـیر دوم با سیاق تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۳ آیات قبل و بعد سازگارتر است و تفسـیر سوم جالب و جذّاب است؛ البته این احتمال نیز هست که هر سه تفسیر مقصود باشد. ۲. اگر این آیه در مورد شرکت گروهی در جهاد باشد، ناسخ و منافی آیات قبل نیست که همگان را به شرکت

در جنگ فرا می‌خواند؛ زیرا هر کدام متعلق به ظرف زمانی خاص است؛ یعنی هنگامی که مسلمانان با امپراطوری بزرگ روم روبه‌رو بودند، همه باید در جهاد شرکت می‌کردند، اما در جنگ‌های کوچک باید گروهی در پشت جبهه بمانند و به جهاد علمی بپردازند. ۳. مقصود از «تَفَقُّه در دین» همان فهم و درک عمیق همه معارف دینی است که شامل اصول عقاید، فروع و احکام می‌شود «۱» و اگر در عصر ما واژه‌ی «فقیه» به متخصصان فروع دین گفته می‌شود، یک اصطلاح خاص است، و گرنه از منظر قرآن «فقیه» کسی است که در علوم مختلف اسلامی مانند تفسیر، عقاید، کلام، فقه، اصول، رجال و ... متخصص شود. ۴. مقصود از «دین» مجموعه‌ای از عقاید، احکام و مطالب اخلاقی است که به نام اسلام خوانده می‌شود. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که تحصیل علم و دانش در زمینه همه معارف اسلامی، یک واجب کفایی است؛ یعنی همواره باید گروهی از مسلمانان به تحصیل علم بپردازند و برای تبلیغ به اطراف جهان بروند؛ به عبارت دیگر، تحصیل و آموزش معارف دینی هر دو واجب کفایی است. ۶. از آیه استفاده می‌شود که اسلام برای تعلیم و تعلّم اهمیت زیادی قائل است، تا آن‌جا که مسلمانان را به دو گروه جهادگران نظامی و جهادگران علمی تقسیم می‌کند و گروهی از مسلمانان را از خدمت نظامی و سربازی معاف می‌نماید تا به تحصیل علم بپردازند. ۷. این آیه ریشه تشکیل حوزه‌های علمیه و تشکیل نهاد عالمان دین در تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۴ اسلام است و این آیه شعار تمام روحانیان اسلام در طول اعصار بوده و هست. ۸. از این آیه استفاده می‌شود که هدف از تحصیل معارف اسلامی هشدار به مردم و هشیار کردن آن‌ها و نجات از غفلت و بی‌تفاوتی است «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی مسلمانان در یک جا نمانند و برخی برای کسب دانش اسلامی سفر کنند. ۲. دانش آموختگان اسلام، پیام حیات‌بخش خود را به مردم برسانند. ۳. مسلمانان وظیفه دارند به دو صورت جهاد کنند: جهاد نظامی و جهاد علمی. ۴. همه معارف دین را به طور عمیق فراگیرید. ۵. برای تبلیغ کردن مبلّغان اسلامی، مردم هم‌وطن مبلّغ در اولویت هستند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی توبه، به مؤمنان فرمان می‌دهد که با دشمنان نزدیک‌تر مبارزه کنید و بر آن‌ها سخت بگیرید: ۱۲۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کسانی از کافران که نزدیک شما هستند، پیکار کنید؛ و باید (آنان) در شما سختی (و خشونت) بیابند؛ و بدانید که خدا با پارسایان (خود نگه‌دار) است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه دستور می‌دهد که در مبارزه، از دشمنان نزدیک‌تر شروع کنید و این مطلب ممکن است به چند دلیل باشد: الف) خطر دشمنان نزدیک از دشمنان دور بیش‌تر است. ب) آگاهی ما نسبت به دشمنان نزدیک بیش‌تر است و این، راه پیروزی را هموار می‌کند. ج) پرداختن به دشمنان دور این خطر را دارد که دشمنان نزدیک از پشت سر حمله کنند. د) هزینه مبارزه با دشمنان نزدیک کم‌تر و پیروزی بر آنان آسان‌تر است. ۲. در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام نزول این آیه اسلام بر جزیرة العرب مسلّط شده بود؛ بنابراین، احتمال دارد مقصود از دشمنان نزدیک در آن زمان «امپراطوری روم شرقی» بوده باشد. «۱» ۳. قانون فوق ممکن است موارد استثنایی نیز داشته باشد؛ برای مثال، هنگامی که دشمنان دورتر خطرناک‌ترند، لازم است اول به سراغ آنان شتافت. ۴. هر چند این آیه در مورد پیکار با دشمن است، روح آیه شامل مبارزات فکری، منطقی و تبلیغاتی نیز می‌شود؛ «۲» یعنی در این موارد نیز باید فاصله‌های معنوی رعایت شود و از دشمنان نزدیک‌تر آغاز گردد. ۵. آیه اشاره دارد که در برابر دشمن نمایش قدرت داشته باشید تا آنان از سرسختی، صلابت، خشونت «۳» و آمادگی شما آگاه شوند و همین مطلب تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۶ موجب عقب‌نشینی و شکست روحی آنان گردد. ۶. در تاریخ اسلام می‌خوانیم هنگامی که مسلمانان برای زیارت کعبه به مکه آمدند، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد هنگام طواف با سرعت بدوند تا ورزیدگی خود را به دشمنان نشان دهند و یا در هنگام فتح مکه دستور داد مسلمانان شبانگاهان همگی در بیابان آتش افروزند و در برابر ابوسفیان- بزرگ مکه- رژه روند تا قدرت سپاه اسلام را درک کند. ۷. در پایان این آیه بیان شده که خدا با افراد باتقوا، پارسا و خویشتن‌دار است، و این مطلب اشاره دارد که شدت عمل و خشونت با کافران باید همراه با تقوا باشد و از حدود انسانی تجاوز نکند و از همین جهت است که در

تاریخ اسلام حکایت شده پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام جنگ سفارش می‌کرد به زنان کافران آسیبی نرسانند و به درختان صدمه نزنند «۱». ۸. برخی مفسران بر آنند که این آیه به جهاد آزادی‌بخش اسلامی اشاره دارد و مقصود از آن جهاد دفاعی نیست و از این رو است که صفات رزمندگان اسلامی را بیان می‌کند و شرایط هجوم کافران را بیان نمی‌نماید «۲». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای پیکار با کافران، از دشمنان نزدیک‌تر آغاز کنید. ۲. سپاه اسلام در برابر کافران، صلابت، هیبت، سخت‌گیری و خشونت داشته باشد. ۳. سخت‌گیری و خشونت با دشمنان، با رعایت مرزهای تقوا همراه باشد. ۴. با تقوا باشید که خدا با افراد پارسا و خویشتن‌دار است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی توبه با اشاره به تأثیرات مثبت قرآن بر دل‌های آماده می‌فرماید: ۱۲۴. وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هـذِهِ إِيمَاناً فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَاناً وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، پس کسی از آن (منافق) ان می گوید: «کدام یک از شما، این (سوره) ایمانش را افزون ساخت؟!» و امّا کسانی که ایمان آورده‌اند، پس بر ایمانشان افزوده؛ در حالی که آنان شادی می کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه اشاره دارد که منافقان کفرپیشه می‌خواستند با سخنان خود بگویند که قرآن محتوای چشمگیری ندارد و به آیات الهی بی‌اعتنایی کنند. ۲. این آیه مردم را به دو گروه تقسیم می کند: گروه نخست کسانی هستند که دل‌های آماده و مُستعِد دارند و از هر سوره قرآن درسی تازه می‌آموزند و بر ایمان آنان افزوده می‌شود. و گروه دوم بیمار دلانی هستند که قرآن بر آنان تأثیر مثبتی ندارد، و در آیه‌ی بعد به سرنوشت آنان اشاره می‌شود. آری، قرآن هم‌چون باران است که در باغ سبزه رویاند و در شوره‌زار خَس. ۳. واژه‌ی «بشارت» به معنای سرور و شادی است که آثارش در چهره انسان ظاهر گردد. این واژه نشان می‌دهد که آیات قرآن چنان اثر تربیتی در مؤمنان دارد که نشانه‌های شادی در چهره‌هایشان آشکار می‌شود. ۴. در جهان کنونی می‌بینیم که برخی مسلمانان نه تنها خواندن یک سوره در آن‌ها اثر نمی‌کند، بلکه یک ختم قرآن نیز در آنان اثری نمی‌گذارد، در حالی که آیات قرآن اثر خود را از دست نداده است؛ بنابراین، روشن می‌شود که این حجاب‌ها و بیماری دل‌ها و آلودگی‌هاست که مانع نفوذ و تأثیر تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۸ آیات در قلب‌ها می‌شود. ۵. از این آیه استفاده می‌شود که ایمان انسان قابل کم و زیاد شدن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از معیارهای شناخت مؤمنان از منافقان، بررسی تأثیرات قرآن بر آن‌هاست. ۲. قرآن مایه‌ی افزایش ایمان و شادی مؤمنان است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و پنجم سوره‌ی توبه با اشاره به تأثیرات منفی قرآن بر بیماردلان اشاره می‌فرماید: ۱۲۵. وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْساً إِلَى رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ و امّا کسانی که در دل‌هایشان [نوعی بیماری است، پس آنان پلیدی بر پلیدیشان افزوده؛ و مردند در حالی که آنان کافرند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن در آیه‌ی فوق به این حقیقت اشاره می‌کند که برای تأثیر برنامه‌های تربیتی تنها فاعلیت فاعل کافی نیست، بلکه قابلیت قابل نیز شرط است؛ یعنی تنها وجود برنامه سازنده و تأثیرگذاری هم‌چون قرآن برای رشد و تربیت افراد کافی نیست، بلکه روح پذیرش و آمادگی انسان‌ها نیز شرط است. ۲. واژه‌ی «رِجْس» در لغت به معنای موجود پلید و ناپاک است که این پلیدی گاهی از نظر غریزه، گاهی از نظر فکری و گاهی از جهت شرعی است؛ یعنی برخی چیزها از نظر غریزه ناپسند و پلیدند و برخی چیزها از نظر فکری و یا شرعی ناپسند می‌باشند. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۴۹ ۳. در این آیه از «نفاق» به عنوان یک بیماری و پلیدی یاد شده است؛ زیرا روح و فکر این‌گونه افراد دو چهره به انحراف‌های روانی و اخلاقی آلوده است و اگر انسان روحیه سالمی داشته باشد، دو چهره نخواهد بود. «۱» ۴. منافقان کفرپیشه نه تنها از قرآن بهره مثبت نمی‌برند، بلکه در برابر هر سوره جدیدی نافرمانی تازه‌ای می‌کنند که این لجاجت‌ها در روح آنان ریشه می‌دواند و سرانجام راه بازگشت آنان را می‌بندد و به حال کفر از دنیا می‌روند. ۵. از آیه استفاده می‌شود که بیماری‌های روحی و نفاق دارای مراتبی است که برخی عوامل، آن را افزایش و گسترش می‌دهد. ۶. قرآن هم‌چون باران رحمت الهی است که اگر بر جسد مرداری در گودالی ببارد، نه تنها به حال آن مفید نیست، بلکه سبب فساد و بدبویی آن می‌شود و این نه به خاطر باران است بلکه به خاطر آن مردار است. آری: باران که در لطافت طبعش ملال نیست در باغ لاله روید و

در شوره زار خس آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیمار دلی و نفاق مانع استفاده از قرآن است. ۲. منافقان بدفرجام‌اند و در نهایت با حالت کفر از دنیا می‌روند. ۳. اگر می‌خواهید از قرآن بهره ببرید، نفاق و پلیدی را از خود دور سازید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و ششم سوره‌ی توبه، به آزمایش‌های بیدار کننده و هر ساله الهی اشاره کرده که به حال منافقان کفرپیشه تأثیری ندارد و می‌فرماید: ۱۲۶. أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَايَتُوبُونَ وَلَا هُمْ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۰ يَذَّكَّرُونَ و آیا (منافقان) نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزمایش می‌شوند؟! سپس توبه نمی‌کنند، و آنان متذکّر (هم) نمی‌گردند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد آزمایش‌های مکرر الهی در مورد منافقان کفرپیشه که در آیه‌ی فوق بدان‌ها اشاره شده، دیدگاه‌های متفاوتی دارند و مصادیقی همچون بیماری، گرسنگی، پرده برداشتن از اسرار منافقان و مشاهده آثار عظمت اسلام و حقانیّت پیامبر صلی الله علیه و آله در پیروزی در میدان جهاد، بر شمرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد که امتحان در آیه‌ی فوق مفهوم جامعی دارد و همه آن موارد از مصادیق آن است. ۲. آزمایش انسان‌ها از سنت‌های الهی است که در آیات متعددی بدان اشاره شده است؛ اما به نظر می‌رسد که در این آیه از آزمایش خاصی برای منافقان کفرپیشه یاد شده است، «۱» به گونه‌ای که خودشان نیز متوجه آن آزمایش‌ها می‌شوند، ولی باز از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حوادث و آزمون‌های الهی برای بیداری و توبه افراد است. ۲. منافقان اهل بیداری و توبه نیستند. ۳. اهداف آزمایش را برای آزمون دهندگان بیان کنید که موجب بیداری و بازگشت (و جبران گذشته) است. *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هفتم سوره‌ی توبه، با اشاره به واکنش منافقان در برابر نزول سوره‌های قرآن می‌فرماید: ۱۲۷. وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُم مِنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَايَفْقَهُونَ و هنگامی که سوره‌ای فرو فرستاده شود، برخی آن (منافق) ان به برخی (دیگر) نگاه می‌کنند (در حالی که می‌گویند:) آیا هیچ کس شما را می‌بیند؟ سپس منصرف می‌شوند (و بیرون می‌روند)؛ خدا دل‌هایشان را (از رحمت) منصرف ساخته؛ به خاطر آن که آنان گروهی هستند که فهم عمیق نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق اشاره کرده که منافقان از نزول آیات قرآن نگران هستند. این نگرانی یا بدین جهت است که بیم دارند اسرارشان فاش شود و یا به خاطر کوردلی و عدم درک عمیق آن‌هاست. ۲. مفسران درباره‌ی جمله‌ی آخر آیه‌ی فوق دو احتمال داده‌اند: یکی آن‌که جمله خبری باشد، و دیگر آن‌که جمله نفرین به منافقان باشد؛ یعنی «خدا دل‌های آنان را از حق منصرف سازد.» ولی احتمال اول مناسب‌تر است. ۳. یکی از نشانه‌های منافقان کفرپیشه آن است که نسبت به نزول آیات الهی ناخشنودند و به یک‌دیگر نگاه کرده و می‌گویند: آیا کسی شما را می‌بیند؟ «۱» و از جلسات قرآن می‌گریزند. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منافقان مطالب را به طور عمیق درک نمی‌کنند (شما این‌گونه نباشید). ۲. منافقان قرآن گریزند (شما این‌گونه نباشید). ۳. از آیات قرآن روی بر متابید و در مورد آن‌ها ژرف‌نگر باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هشتم سوره‌ی توبه با اشاره به دلسوزی و رنج‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مردم می‌فرماید: ۱۲۸. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَاعَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ بیقین، فرستاده‌ای از خودتان به سوی شما آمد که رنج‌های شما بر او سخت است؛ (و) بر (هدایت) شما حریص است؛ (و نسبت) به مؤمنان، مهربانی مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی مفسران بر آنند که دو آیه‌ی آخر سوره‌ی توبه، آخرین آیاتی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد، «۱» و در واقع اشاره به تمام مسائلی است که در این سوره گذشت. ۲. در آیه نفرمود: «پیامبر از شماست» بلکه فرمود: «پیامبر از خودتان است.» گویی پیامبر پاره‌ای از جان مردم و روح جامعه است که در شکل فرستاده خدا ظاهر گردیده، و از این رو، با دردها و مشکلات آنان آشنا و شریک غم‌های آنان است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۳ ۳. واژه‌ی «حَرِیص» در اصل به معنای شدت علاقه به چیزی است و در این آیه می‌خوانیم: «پیامبر بر شما حریص است» یعنی به هرگونه خیر، سعادت و پیشرفت شما عشق می‌ورزد «۱». ۴. این آیه اشاره دارد که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله دستورهای مشکل و فرمان جهاد با امپراطوری روم می‌دهد و با

کفر و نفاق به شدّت برخورد می‌کند، در حقیقت یک نوع محبت و لطف او است و او به آزادی، شرف، عزت، هدایت و پاک‌سازی جامعه شما عشق می‌ورزد. ۵. واژه‌ی «رَئُوف» به محبت و لطف مخصوص در مورد فرمانبرداران اشاره دارد، ولی واژه‌ی «رحیم» به رحمت در مورد گناه‌کاران اشاره می‌کند. البته این دو واژه اگر جداگانه استعمال شوند، ممکن است به یک معنا باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در هدایت مردم سر از پا نمی‌شناخت و غم‌خوار و دوستدار مومنان بود (شما نیز این‌گونه باشید). ۲. رهبر اسلامی، از مردم، غم‌خوار مردم، علاقمند به مردم و دلسوز مؤمنان باشد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و نهم سوره‌ی توبه، به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲۹. فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّهُ لَاإِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ و اگر (مردم) روی برتافتند، پس بگو: «خدایی که هیچ معبودی جز او نیست مرا بس است؛ تنها بر او توکّل کردم؛ و او پروردگار تخت بزرگ (جهانداری و تدبیر هستی) است. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه با اشاره به احتمال سرکشی مردم، به پیامبر صلی الله علیه و آله دل‌داری می‌دهد خدایی که عرش و عالم بالا و جهان ماورای طبیعت با همه عظمتش در اختیار او است، پیامبرش را تنها نمی‌گذارد «۱». ۲. از این آیه استفاده می‌شود که تکیه‌گاهی نیکو است که خود تنها باشد، و تکیه‌گاهی نخواهد و افزون بر جهان ماده، جهان ماورای طبیعت نیز در اختیار او باشد. آری، به بیان نورانی امام حسین علیه السلام در دعای عرفه: هر که تو را ندارد، چه دارد و هر که تو را دارد، چه ندارد؟ «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آموزه این آیه برای رهبران الهی و مبلغان دینی آن است که سرکشی و رویگردانی مردم در روحیه شما، تأثیر منفی برجای نگذارد. ۲. یک تکیه‌گاه برای انسان کافی است و آن خدای متعال است. «۳» *** تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۵

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوهٔ، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الدین، محمد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسباب النزول، ابوالحسن علی بن احمد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسلام و هیئت، سید هبهٔ‌الدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صلی الله علیه و آله، مصطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجاز قرآن، محمدحسین طباطبائی، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمد خزائلی، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهدی، امین الاسلام طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (صاحب تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۶ مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نسخه حاضر از چاپ ۱۴۰۱ قمری مؤسسه جواد، بیروت عکسی برداری شده است). ۱۷. الاختصاص، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشاد فی معرفهٔ حجج اللّه علی العباد، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، محمد بن حسن شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت

چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللَّه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۷ ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللَّه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللَّه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللَّه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۸ ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔاللَّه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللَّه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل

العترة الطاهرة، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۵۹ ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبة الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسة آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیةاللّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الثانیة. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادة فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۱ ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع

الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۲ ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّٰه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّٰه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّٰه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۳ فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان

عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرةالمعارف اسلامیۀ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزهۀ النواظر المعروف (مجموعۀ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبۀ الفقیه، قم. کتاب حاضر نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمۀ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللّٰه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبۀ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسۀ علوم تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۴ القرآن، دمشق، الطبعۀ السابعۀ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللّٰه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسۀ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینۀ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوۀ للطباعۀ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرۀ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبۀ العربیۀ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبۀ اللّٰه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللّٰه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللّٰه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسۀ تنظیم و نشر آثار امام تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۵ خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمۀ للطباعۀ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدۀ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبۀ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰.

فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۶ بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸. ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. تفسیر قرآن مهر جلد هشتم، ص: ۳۶۷ ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم،

۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرة، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل:

Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کـاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشـریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنمایـد تـا در صورت امکـان در این امر مهم مـا را یاری نماینـدانشاالله. شـماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصـفهان نزد بانک تجارت شـعبه اصـفهان – خیابان مسـجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم ما که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یـاد داده است، هزار هزار، کـاخ قرار دهیـد و از دیگر نعمت‌هـا، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضـمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسكری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یـک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینوایی ضـعیف را دارد و تو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینـوا و ضـعیف از پیروان مـا را دارد، امّـا تـو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشـایی که آن بینـوا، خـود را بِدان، نگـاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنـده کنـد و از کفر به ایمـان، ارشـاد کنـد، گویی همه مردم را زنـده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشـیرهای تیز بکشد». مسـند زید: امام حسـین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».